

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بلندامی فقه شیعه

جلد دوم

(مقایسه و بررسی تطبیقی دو اندیشه فقہی شیعه)

حضرت آیت اللہ العظمی سخنوار (مذکور بالعلی)

سرشناسه: نکونام، محمد رضا، ۱۳۲۷
عنوان و نام پدیدآور: بلندای فقه شیعه، مقایسه و بررسی تطبیقی
دو اندیشه‌ی فقهی شیعه / محمد رضا نکونام.
مشخصات نشر: اسلام‌شهر، صبح فردا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهربی: ۲۱۶ ص.
شابک: ج ۲: ۵ - ۰۱ - ۶۴۳۵ - ۹۷۸ - ۶۰۰
شابک دوره: ۱: ۹ - ۶۴۳۵ - ۹۷۸ - ۶۰۰
وضعیت فهرستنوسی: فیپا
موضوع: فقه شیعه.
موضوع: فقه جعفری - قرن ۱۴
ردیبندی کنگره: ۸ / ن ۷۴ / ۷ / ب
ردیبندی دیوبی: ۲۹۷/۳۲۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۹۷۹۸۹

بلندای فقه شیعه - جلد دوم

حضرت آیت‌الله العظمی محمد رضا نکونام (مد ظله العالی)



ناشر: صبح فردا

محل چاپ: نقش‌گستر

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - وجیه‌آباد

دوازده‌متری جواهرزاده - پلاک ۳۶

کد پستی: ۰۲۲۹۴۳۶۳۴۸۱ * تلفکس: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵

www.nekoonam.com www.nekounam.ir

ISBN : 978 - 600 - 6435 - 01 - 5

شابک دوره: ۱ - 600 - 6435 - 09 - 978

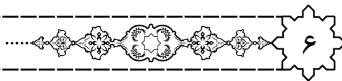
حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نهرست مطالب

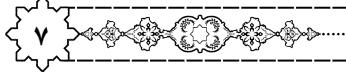
بخش سوم

عبادات (نماز)

۱۵	نماز
۱۵	اهمیت نماز
۱۵	برگزاری نماز در ادارات دولتی
۱۷	نماز در ساعت کار اداری
۱۹	وقت نماز
۱۹	دیر خوابیدن و بیدار نشدن برای نماز صبح
۱۹	بیدار نشدن برای ادای نماز صبح
۲۰	جدایی میان دو نماز
۲۰	پی در پی یا جداگانه خواندن دو نماز
۲۴	نرسیدن کارگران به ادای نماز
۲۶	نماز و دخول شرعی وقت
۲۷	طلوع فجر شب های مهتابی
۲۸	محاسبه‌ی نصف شب
۲۹	تأخیر نماز مغرب و عشا تا بعد از نصف شب
۳۸	قبله
۳۹	مکان نمازگزار

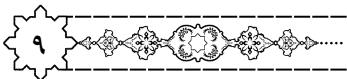


۴۱	مکان نمازگزار و مرقد حضرات معصومین <small>علیهم السلام</small>
۴۲	دفن میت مسلمان در محل غیر مناسب
۴۳	ساخت و خرید و فروش مجسمه‌ی حیوانات
۴۴	حشیش و مکان نمازگزار
۴۵	رحل گذاشتن برای نماز
۴۶	لباس نمازگزار
۵۱	طرح مناسب پوشش زن
۵۴	نماز با لباس غصبی در زندان
۵۵	محمول متتجسس در نماز
۵۷	ساختار نماز
۵۷	اذان و اقامه
۵۹	نیت
۶۱	تكبيرة الاحرام
۶۱	طمأنينة در نماز
۶۳	نماز شخصی که نمی‌تواند نماز را ایستاده بخواند
۶۴	قرائت و ذکر
۶۹	تعییر کلمات ذکر در نماز
۷۱	ذکر مطلق بحای ذکر مؤثر
۷۳	نادرستی قرائت نماز
۷۴	«مالک» یا «ملک» <small>یوم الدین</small>
۷۴	نادرستی قرائت نماز
۷۵	جهرو اخفات
۷۵	توقف صحت قرائت به جابجا آمدن جهر و اخفات
۷۶	فراموش کردن رکوع و قیام متصل به رکوع



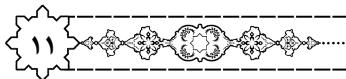
۷۸	رفتن به رکوع پیش از تمام شدن سوره
۷۹	سجده
۸۰	سجده بر سیمان
۸۰	سمت و سوی انگشت‌های دست و پا در نماز
۸۱	شك در بجا آوردن سجده‌ی دوم در حال تشهید
۸۲	کف دست نیمه‌باز در سجده
۸۳	شك در ارتفاع بیش‌تر محل سجود
۸۵	تشهد
۸۶	تسبيحات اربعه
۸۷	مقدار واجب تسبيحات اربعه در نماز
۸۷	سلام نماز
۸۸	تكرار سلام
۸۹	قصد تحیت در سلام نماز
۹۰	به درازا کشیدن فراموشی سلام
۹۳	قنوت
۹۳	ذکر قنوت به زبان غیر عربی
۹۴	ياد کردن از افراد به صورت ضمیر در قنوت
۹۷	كثير الشك
۹۹	گمان در افعال و رکعت‌های نماز
۹۹	شك بين سه و پنج در نماز
۱۰۰	نماز احتیاط
۱۰۱	وارد شدن به نمازی دیگر پیش از خواندن نماز احتیاط
۱۰۲	رو گرداندن از قبله، پیش از نماز احتیاط
۱۰۳	قضای تشهید و سجده‌ی فراموش شده

۱۰۳	به یاد آمدن تشهید یا سجده‌ی فراموش شده در میان نماز بعدی
۱۰۴	آوردن سلام بعد از قضای تشهید
۱۰۴	سجده سهو
۱۰۵	خواندن زیادی بخشی از سوره
۱۰۵	نماز مبطون و مسلوس
۱۰۸	فعل زیاد در نماز
۱۰۹	جواب سلام در حال نماز
۱۱۱	شنیدن موسیقی در حال نماز
۱۱۲	قطع نماز
۱۱۳	دیگر مسایل نماز
۱۱۳	دوباره گزاردن اختیاری نماز
۱۱۴	حضور قلب در نماز
۱۱۵	محل نگاه در نماز
۱۱۵	عبادت کودک
۱۱۷	عمل به پاسخ اشتباه اهل خبره
۱۱۸	عمل از روی ناآگاهی به مسئله
۱۲۱	گونه‌های دیگر نماز - نماز مسافر
۱۲۱	عمل بر اساس پاسخ اشتباه مبلغ
۱۲۲	بسنده بودن نماز جمعه از یک نماز چهار رکعتی برای قصد اقامت
۱۲۳	نماز و روزه در تفریح‌گاه همیشگی
۱۲۳	توسعه‌ی شهر و کمتر شدن فاصله از مسافت شرعی
۱۲۴	مسافت شرعی در شهرهای بسیار بزرگ (بلاد کبیره)
۱۲۵	عبور از حد ترخص
۱۲۶	سکونت در شمیران و شغل در تهران



۱۲۶	قصد اقامت در دو محل
۱۲۷	معیار دو یا یک شهر یا روستا بودن
۱۲۷	رفتن مسافر به مکان کمتر از چهار فرسخ
۱۳۰	نماز و روزه‌ی کسی که شغل وی در سفر است
۱۳۲	نماز و روزه‌ی دائم السفر در جنگ
۱۳۳	نماز و روزه‌ی کارگران کثیر السفر برای مدت نامعلوم
۱۳۳	نماز و روزه‌ی کارگران کثیر السفر در فصلی از سال
۱۳۴	مبلغ کثیر السفر
۱۳۶	کم شغل در سفر
۱۴۸	تبعیت زن و شوهر در سفر
۱۴۸	یکسان بودن وطن با شهر مسکونی در تبعیت
۱۴۹	اعراض از وطن
۱۴۹	لازم نبودن داشتن ملک در وطن اعراض شده
۱۵۱	اعراض نکردن زن از وطن خود
۱۵۱	معیار اعراض از وطن
۱۵۲	سفر و تبعیت فرزندان از پدر
۱۵۳	وطن دوم
۱۵۴	معیار توطّن
۱۵۴	سفر به شهر دیگر، یک بار در هفته
۱۵۵	ملاک صدق وطن
۱۵۶	وطن قرار دادن شهرهای بزرگ
۱۵۷	ملاک بزرگ و کوچک بودن شهرها
۱۵۷	سیر به مقدار مسافت شرعی در شهر وطن
۱۵۹	طی کردن مسافت شرعی در داخل شهر تهران (وطن)

۱۵۹	حد ترخص در شهرهای بزرگ
۱۶۲	سفر معصیت
۱۶۵	نماز جماعت
۱۶۵	اهمیت نماز جماعت در زمان پیامبر اکرم ﷺ
۱۶۶	احکام نماز جماعت
۱۷۰	گفتن ذکر «کذلک الله ربی» توسط مأمور
۱۷۱	لزوم شرکت زن در نماز جماعت و اطاعت از شوهر
۱۷۵	شرایط امام جماعت
۱۷۶	مزد در برابر امامت نماز جماعت
۱۷۹	اقتنا به فاسق
۱۸۰	اقنادی امام به مأمور خود در بقیه‌ی رکعت‌ها
۱۸۲	قرائت امام جماعت
۱۸۶	شناخت عادل
۱۸۷	امامت دیگری با وجود امام راتب مسجد
۱۹۰	نماز فرادا در محل نماز جماعت
۱۹۳	نماز جماعت با عامه
۱۹۵	نماز جموعه
۱۹۵	وقت نماز جموعه
۱۹۵	اذان، خطبه و قنوت
۱۹۷	گفتن ذکر در حال خطبه‌ی نماز جموعه
۲۰۱	شرایط امام جموعه
۲۰۲	زیادی رکن در نماز جموعه از امام و مأمور
۲۰۳	کفایت نماز جموعه از نماز ظهر
۲۰۳	احکام نماز جموعه
۲۰۴	خواندن نماز ظهر پیش از گذشتن وقت نماز جموعه



۲۰۷	نماز عید فطر و قربان
۲۰۹	نماز قضای
۲۱۴	نماز و روزه‌ی قضای پدر و مادر
۲۱۵	قضای نمازهای نادرست پدر و مادر
۲۱۷	گرفتن مزد پسر بزرگ بر قضای نمازهای پدر و مادر
۲۲۱	نماز و روزه استیجاری
۲۲۷	نماز آیات
۲۲۹	مسجد
۲۲۹	محدوده‌ی شرعی مسجد
۲۳۰	برگزاری مجلس عروسی در مساجد
۲۳۳	برگزاری مجلس ترحیم در مساجد
۲۳۳	رفت و آمد حایض و جنب بر پشت با مسجد
۲۳۴	نجس شدن زیر گچ‌کاری مسجد
۲۳۴	احداث مسجد مخربه
۲۳۵	بنای مسجد بر زمین کنار امامزاده
۲۳۶	عنوان مسجد به چه چیز محقق می‌شود
۲۳۸	عنوان شرعی مسجد
۲۴۰	ملاک تحقیق وقف شرعی مسجد
۲۴۰	تبديل مسجد به غیر آن
۲۴۱	مزاحمت بر مسیر خیابان و تغییر و تصرف در مسجد
۲۴۳	توسعه‌ی خیابان و تغییر و تخریب مسجد
۲۴۴	حکم اشیای متعلق به مسجد
۲۴۹	احداث یا تعمیر یا تجدید بنا یا توسعه‌ی مسجد
۲۵۶	حکم داخل شدن جنب یا حایض در مسجد با تیمم

۲۵۷	ورود غیر مسلمان به مسجد
۲۵۷	متولی مسجد
۲۵۹	مسجد جامع
۲۵۹	مجاورت مسجد جامع و مسجد محله
۲۶۰	شرکت در مراسم معنوی خانقاہ
۲۶۶	شرکت در مراسم مذهبی خانقاہ
۲۶۶	پیروی از دستورات مرئی و مرشد
۲۶۷	مسایل مسجد
۲۶۸	کف زدن در مسجد
۲۶۹	زمین مجھوں المالک
۲۷۲	کمک به بنای مسجد اهل تسنن

بخش سوم

عبدات (نماز)

نماز

﴿ اهمیت نماز

س ۲۹۳ - کسی که به عمد نماز نخواند ولی منکر آن نیز نباشد، با توجه به آیه‌ی شریفه: «أرأيتم الذى يكذب بالدين»^(۱) و احادیث بسیاری که در این زمینه موجود است، آیا وی کافر است و تماس دست‌تر به چنین شخصی احتیاج به تطهیر دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که منکر و جوب نماز نیست فاسق است و معصیت بزرگی را مرتکب شده ولی مسلمان و پاک است.

* * *

«نکونام»: اهمال یا ترک عمل؛ حتی عمل واجب، موجب کفر مسلمان نمی‌شود؛ مگر آن که به انکار خداوند متعال یا تکذیب رسول بینجامد. البته، در صورت نخست، گناه است و فسق می‌آورد.

□ □ □ □

﴿ برگزاری نماز در ادارات دولتی

س ۲۹۴ - در اداره‌ای که ساعت خدمت آن به فرض از ۷/۵ صبح تا ۲/۵ بعداز ظهر است، اگر رئیس قسمت اجازه‌ی نماز نداده باشد، بلکه مثلاً گفته باشد

که باید هفت ساعت که در اداره هستید خدمت کنید و کار دیگری انجام ندهید، آیا جایز است نماز ظهر را هنگام ظهر بجا آورد یا باید صبر کرد و آن را بعد از ساعت اداری خواند؟

«گلپایگانی»: در صورتی که مزاحمت با عمل بهنحوی که موجب ترک عمل شود نباشد، مجازید و منع از نماز در ممالک اسلامی مستنکر است.

* * *

«نکونام»: منع از به جا آوردن امر عبادی نماز، در صورتی که سبب ترک وظیفه‌ی کاری نشود، جایز نیست، بلکه زیان‌بار است و لازم است در موارد پیشامد آن، توسط مراجع دارای صلاحیت، به صورت جدی پیگیری شود. البته، نماز جماعت به طور عمومی یا نماز دسته‌جمعی بدون جماعت، در صورتی که موجب تعطیلی کار، اتلاف وقت مردم و بی‌نظمی در امور اجتماعی گردد، مجوّز شرعی و عقلی ندارد و از مصاديق «تحقیق امر عبادی در مقام معصیت» است.

نباید برای نماز جماعت یا نماز دسته جماعت گزارده می‌شود از وقت اداری که اتلاف آن زیان‌بار است استفاده نمود. کارمندان برای کار، حقوق دریافت می‌کنند و نماز جماعت نباید موجب زیان رسانند و اختلال در نظم جامعه و مجاری امور گردد.

پس این رسم - که نماز جماعت اول وقت در ادارات برپا می‌گردد - شیوه‌ای مطلوب و آرمانی مناسب با موازین شرعی و عقلی به نظر نمی‌رسد.

اگر این امر، دور از مشکلات آن صورت می‌پذیرفت، مطلوب بود، ولی با توجه به مشکلات موجود، شأن فرهنگ غنی اسلامی و شیعی نیست؛ بهویژه با توجه به این که بخشی از کارهای اداری به طور قهری قبل از برگزاری نماز تعطیل می‌شود و بعد از نماز نیز که ساعتی بیش نیست، دیگر کارها به روای عادی باز نمی‌گردد و از طرفی نیز زمینه‌ی مناسبی برای کاردزدی کارکنان ناشایست به دست می‌دهد.

اگر گفته شود: ارباب رجوع - که مسلمان هستند - نیز نماز اوّل وقت را همراه آنان به جماعت برپا کنند، باید گفت: نماز اوّل وقت - آن هم به جماعت اداری، اجباری نیست تا بر آن مهر صحت گذاشته شود. همچنین مردمی گرفتار که هر یک به دنبال ترتیب کار و امور روزمرّه خود هستند، باید سرگردان بمانند تا آقایان نماز خود را به جماعت بخوانند؛ گذشته از آن که با وضعیت موجود، کارهای امروز به فردا افتاده و بهطور جدّی موجب اختلال در زندگی، اتلاف وقت و نگرانی عمومی می‌گردد. البته در مراکزی هم‌چون پادگان‌ها که نماز جماعت اوّل وقت چنین پی‌آمد هایی را ندارد و موجب پایمال گشتن حقوق دیگران نمی‌شود، این امر بسیار مناسب است، ولی برای ادارات، دادگاهها و مراکز انتظامی، با وضعیت موجود سزاوار نیست؛ و اگر دست‌کم این امر عبادی را در آخرین فرصت اداری برگزار کنند، پاره‌ای از مشکلات رفع می‌شود و نیز مردم به دنبال کار یا نماز خود می‌روند و می‌توان مجازی امور را به صورتی ترتیب داد که وقت کار اداری، کجی و کاستی نیابد؛ اگرچه در این صورت، دیگر نماز جماعتی در ادارات برگزار نشده و با تعطیلی اداره، همه‌ی کارمندان، اداره را ترک خواهند کرد، ولی باید تنها برای تحقق جماعت به زیانباری‌های فراوانی تن داد. مشکل احساسی این بحث این است که تقسیم شیفت موجود اداری مناسب فرهنگ دینی نیست و متولیان برنامه‌ریزی کشور باید ساعت‌کار اداری را متناسب با فرهنگ و اولویت‌های دینی کارشناسی و تعیین کنند تا هم گزتردن نماز در اوّل وقت باشد و هم فرصت نماز از وقت و حقوق مردم و بیت‌المال مایه نگزارد.



▣ نماز در ساعات کار اداری

س ۲۹۵ - اگر کارکنان دولت، کار را در ساعات اداری ترک و نماز واجب را اقامه کنند، چنان‌چه ترک کار بدون اجازه‌ی مسؤولان مربوط باشد یا در وقت اداری

کاری وجود نداشته باشد و بعضی از کارکنان در حال بیکاری به سر برند و منتظر ارباب رجوع باشند، از نظر شرع مقدس اقامه نماز در موارد یاد شده چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: اگر در ساعت اداری کاری نداشته باشند، نماز خواندن مانعی ندارد و چنان‌چه کار اداری داشته باشند و اقامه‌ی نماز مزاحم کار باشد، بدون اجازه‌ی متصدیان، ترک کار جایز نیست. والله العالم.

* * *

«نکونام»: در ساعات کاری، بجا آوردن نماز بدون اجازه‌ی صاحب یا مسؤول آن جایز نیست؛ خواه سبب ترک موقتی کار شود یا به هم خوردن حالت آمادگی برای کار را در پی داشته باشد، که در هر دو صورت، اگر امکان متعارف برای بجا آوردن نماز در خارج از وقت کاری باشد، حکم مسئله - جایز نبودن آن - یکسان است.

هنگامی که به صورت فعلی هیچ کاری یا نیازی به آمادگی برای کار وجود نداشته باشد یا آمادگی لازم برای کار فعلی باشد و بی‌نظمی و تباہی در محیط کاری پیش نیاید، گزاردن نماز اشکال ندارد.

البته، چنان‌چه در قرارداد کاری، نماز در محیط کار یا نماز اوّل وقت یا نماز در زمان کار حتی در وقت غیر مناسب نسبت به کار شرط شده باشد، بجا آوردن نماز جایز است و اشکال ندارد؛ به شرط آن که اختلال کاری پیش نیاید و در غیر این صورت، چنین شرطی سزاوار نیست؛ همان‌طور که از طرف صاحب کار نیز در صورت نبودن کار به‌طور فعلی یا عدم نیاز به آمادگی برای کار، مانع شدن از برگزاری نماز در محیط کار سزاوار نیست و در صورتی که تعمّد کارفرما نسبت به چنین ممانعتی به دست آید، لازم است با وی برخورد معقول و مناسب شود.

□ □ □ □

وقت نماز

□ دیر خوابیدن و بیدار نشدن برای نماز صبح

س ۲۹۶ - کسی که می‌داند اگر شب را دیر بخوابد، نماز صبح وی قضا می‌شود، آیا خوابیدن او جایز است یا با این که بیدار ماندن برای او حرج و ضرری ندارد باید بیدار بماند؟

«گلپایگانی»: در مفروض سؤال، احوط ترک خوابیدن است.

* * *

«نکونام»: کسی که می‌داند اگر شب دیر بخوابد، برای نماز صبح بیدار نمی‌شود و در اثر تکرار، عمل او به صورت عادت در می‌آید، نسبت به نماز اهمال و سهل‌انگاری دارد؛ ولی هرچند بیدار ماندن برای وی سختی و حرجی نداشته باشد، دلیلی بر وجوب بیدار ماندن وی وجود ندارد و می‌تواند بخوابد.

□ □ □ □

□ بیدار نشدن برای ادای نماز صبح

س ۲۹۷ - گاه انسان برای ادای فریضه‌ی صبح بیدار نمی‌شود، با این که از ساعت نیز استفاده می‌کند، آیا وی گناه کرده است یا نه؟

«گلپایگانی»: جدیت کنید نماز را در اول وقت بخوانید که فضليت بزرگ فوت نشود. ان شاء الله خداوند شما را تأیید فرماید. البته، اگر انسان آن کوششی را که نوشته‌اید برای بیدار شدن کرد و مع ذلك بیدار نشد، گناهی نکرده است.

* * *

«نکونام»: اگر کوشش در بیدار شدن داشته باشد و بیدار نشود، به گونه‌ای که در جهت پیش زمینه‌ها کوتاهی نداشته باشد، گناهی نکرده است؛ برای

نمونه، دیر خوابی، کم خوابی، پرخوری یا استعمال چیزی که او را از حالت عادی دور دارد، نداشته باشد.



▣ جدایی میان دو نماز

س ۲۹۸ - آیا می‌شود نماز ظهر و عصر و هم‌چنین مغرب و عشا را جداگانه (که پشت سر هم نباشد) خواند یا نه و افضل کدام است؟

«گلپایگانی»: جایز است نماز ظهر و عصر و هم‌چنین مغرب و عشا را پشت سر هم بجا آورد و تفریق افضل است.

* * *

«نکونام»: به طور مطلق، جدا انداختن میان دو نماز برتری ندارد؛ مگر در صورت تأخیر در ادائی هر دو نماز که در مسأله‌ی بعد به گونه‌ی تفصیلی بیان خواهد شد که دلیل برتری جدا اندازی نماز اطلاق ندارد و تنها در مقابل جمع و پی‌درپی آوردن نماز، تأخیر می‌باشد.



▣ پی‌درپی یا جداگانه خواندن دو نماز

س ۲۹۹ - قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كَتَابًاً مَوْقُوتًا»^(۱) و هم‌چنین نامه‌ی نهج‌البلاغه دستورات حضرت أمیر المؤمنین علی علیه السلام به فرمانداران خویش برای برگزاری نماز در اوقات معین چنین است: «أَمّا بَعْدُ، فَصَلُّوْا بِالنَّاسِ الظَّهَرَ حِينَ تَفَيَّءُ الشَّمْسُ مِنْ مَرْبِضِ الْعَنْزِ، وَصَلُّوْا بِهِمُ الْعَصْرَ وَالشَّمْسَ يَضْاءَ حَيَّةً فِي عَضْوٍ مِنَ النَّهَارِ حِينَ يَسَّارُ فِيهَا فَرْسَخَانَ، وَصَلُّوْا بِهِمُ الْمَغْرِبَ حِينَ يَفْطُرُ الصَّائِمُ وَيَدْفَعُ الْحَاجَ إِلَيْهِ مِنْيَ، وَصَلُّوْا بِهِمُ الْعَشَاءَ حِينَ يَتَوَارِي الشَّفَقُ إِلَى ثَلَاثِ اللَّيْلِ، وَصَلُّوْا بِهِمُ الْغَدَاءَ وَالرَّجُلُ يَعْرِفُ وَجْهَ صَاحِبِهِ، وَصَلُّوْا بِهِمُ

صلاته أضعفهم، ولا تكونوا فتانيين» ، بنابراین، چرا ما (شیعیان) نماز مغرب و عشا و ظهر و عصر را با هم برگزار می‌کنیم و مفاد آیه‌ی شریفه و دستور نهج البلاغه را رعایت نمی‌نماییم. خواهشمندم این موضوع را به صورت مشروح توضیح دهید.

«گلپایگانی»: اما آیه‌ی کریمه «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كَتَابًاً مَوْقُوتًا»، دلالتی بر جواز و عدم جواز جمع یا تفریق ندارد و قول به جواز جمع، مثل قول به وجوب تفریق با توقیت صلات منافات ندارد، علاوه بر آن که در احادیث (موقوتا) به (مفروضا و ثابتا) تفسیر شده. اوامر صادره از مقام مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که در نهج البلاغه نقل شده مشعر به جواز تفریق می‌باشد و به عنوان حکم و فرمان و ترتیب و تنظیم جماعت است و آن، مطلب دیگر است. و اگر هم برای بیان وظایف و تکلیف باشد، بیشتر از این که ادای نماز جماعت در این اوقات افضل است دلالت ندارد و متضمن حکم نماز فرادی و جمع بین صلاتین منفردا نمی‌باشد و اصل مسأله جواز جمع بین صلاتین، از ظهرين و عشائين؛ خواه به نحو تقدیم باشد یا تأخیر، مورد اتفاق امامیه و موافق با اطلاقات آیات کریمه‌ی قرآن مجید در مورد اوقات صلات است و مطابق با سهولت و یسر شریعت سهله‌ی سمحه‌ی اسلامیه است و علاوه بر حسب اخبار معتبره صحیحه نیز ثابت است و از طرق اهل سنت و در کتب صحاح آن‌ها نیز روایت شده که حضرت رسول اکرم ﷺ بدون عذر، جمع بین صلاتین فرموده‌اند که ظاهر در جماعت است، بنابراین بر حسب اصول مذهب و ادله‌ی صحیحه کتاب و سنته و اجماعا شبهه‌ای در جواز نیست؛ به‌شرحی که در کتب فقه مبسوطاً مذکور است و این جانب هم در مجالس درس و مباحثه تحقیق کرده‌ام و آن‌چه را اهل سنت به زعم دلیل بروجوب تفریق گفته‌اند مردود است و حتی بعض علماء محقق اهل سنت صحت مذهب

امامیه را تحقیق و تأیید نموده‌اند و بلکه جواز جمع بین صلاتین را چنان که مذهب امامیه است در کتاب خاص به این مسأله اثبات و قبول کرده‌اند، مانند حافظ غمامی در «ازالة الحظر عن جمع بين الصلاتين في الحضر» و حامد بن حسن شاکر التمیمی در «قرة العین في الجمع بين الصلاتين». بلی افضلیت تفریق از جمع فی الجمله بر حسب روایات ثابت است، ولی ثبوت آن به نحو اطلاق بر حسب ادله محل تأمل، بلکه معلوم عدم است و قدر مسلم از افضلیت تفریق «عند الاتيان بالنوافل أو لانتظار الجماعة و نحوهما» می‌باشد و هرچند حصول تفریق به اتیان نافله نیز محل تأمل شده است و خلاصه آن‌چه از مجموع ادله استظهار می‌شود این است که ادای نماز در اول وقت و هر زمانی که اقرب به اول وقت باشد، اگر تأخیر به‌جهت نافله یا انتظار جماعت نباشد، افضل است و الا تفریق و تأخیر افضل است، مثلاً اگر قاصد خواندن نافله یا متظر جماعت نباشد، خواندن نماز عصر بعد از ظهر افضل است ولی جمع بین صلاتین به‌نحو جمع تأخیر بدون علت مرجوح است، پس خلاصه، استظهار این می‌شود که تفریق بین صلاتین فی حد نفسه از جمع تأخیر مطلقاً افضل است و جمع بین صلاتین به جمع تقدیم فی حد نفسه از تفریق افضل است. والله العالم.

* * *

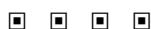
«نکونام»: دلیل درستی بر وجوب جدا اندختن بین دو نماز میان مدارک اهل سنت و شیعه نیست؛ هرچند وجوب جمع - بجزی خواندن - نیز دلیلی ندارد.

جواز جمع و جدا اندازی، خود بدون لحاظ اول وقت ثابت است و تنها بحث در برتری یکی از آن دو است که باید گفت: شریعت سهله‌ی سمحه - آسان - دلیل شرعی برای وجوب جمع به تقدیم - جمع در اوایل وقت - یا

جمع به تأخیر - جمع در غیر اوایل وقت - نخواهد بود؛ هرچند خود، ملاک مناسبی برای جواز «جمع فی نفسه» می‌باشد.

به گونه‌ی مطلق دلیلی بر برتری جدا اندازی نماز به‌خودی خود یا به تأخیر نمی‌باشد؛ اما ملاک - شریعت سهله‌ی سمحه - برای برتری جمع به‌خودی خود و دلیل - فضیلت اوایل وقت - برای برتری جمع به تقدیم می‌باشد.

پس باید جدا اندازی بین دو نماز به‌خودی خود در مقابل جمع بین دو نماز به‌خودی خود ملاحظه شود - که طبق ملاک، جمع، به خودی خود برتر است - نه در مقابل جمع به تأخیر؛ که تأخیر با ملاک برتری جمع به خودی خود تعارض کند و نیز جمع به تقدیم دو نماز را باید در مقابل جمع به تأخیر ملاحظه نمود - که طبق دلیل، جمع به تقدیم برتر است - نه در مقابل تفریق به تأخیر که تفریق با دلیل برتری تقدیم تعارض کند؛ هرچند جمع به تقدیم بین نماز - که هر دو، ملاک و دلیل برتری را داراست - از جدا اندازی به‌خودی خود و جدا اندازی به تأخیر برتر است. پس با اهتمامی که به ادائی واجبات در اوّل وقت شرعی در میان شیعه است و این که این امر از صفات ایمان است، جمع به تقدیم و جمع به‌خودی خود برتر است از جدا اندازی به تأخیر و به‌خودی خود و نباید جدا اندازی را برتر دانست - چنان که در مسأله‌ی پیش آمده بود؛ گذشته از آن که جدا اندازی اگر در فرد شیعی شیوع یابد، خود حکایت از نوعی همگونی با اهل سنت و مخالفت با سیره‌ی عملی شیعه خواهد داشت و جز در صورت تأخیر در ادائی هر دو نماز، مرجوح، بلکه مذموم است که به‌طور عمدى جداگانه خواندن، حکایت از کمبود باور یا باطن و شخصیت دارد.



﴿ نرسیدن کارگران به ادائی نماز

س ۳۰۰ - بعضی از کارگران، در خارج از محل سکونت خود کار می‌کنند و از طرف مؤسسه‌ی مربوطه، وسیله‌ی رفت و آمد برای آنان فراهم است، اما به گونه‌ای است که به ادائی نماز در وقت نمی‌رسند؛ زیرا اتومبیل در موقع مناسب حرکت نمی‌کند و بعد از وقت به مقصد می‌رسد و بین راه نیز حاضر به توقف نیست، حال تکلیف کارگران یاد شده چیست؟ آیا باید از این کار دست کشند و یا تأخیر اندختن نماز و قضای آن برای آنان جایز می‌باشد و فرض این است که دست کشیدن از کار نیز موجب مختل شدن معاش و زندگی آنان می‌شود؟

«گلپایگانی»: اجیر شدن کارگر به این نحو باطل است و مال الاجاره‌ای را که در مقابل می‌گیرد حرام است و باید در اجاره قید شود که نماز را در وقت خود بخواند؛ هرچند در بین راه باشد، بلکه اگر شرط هم نکند کارگر حق دارد در بین راه نماز بخواند و صاحب شرکت حق منع ندارد.

* * *

«نکونام»: چون در قرارداد کاری میان آن مؤسسه و کارگران، نماز یا دیگر واجبات شرعی؛ حتی رفت و آمد دخالتی ندارد، در صورت نرسیدن به ادائی نماز، قرارداد باطل نمی‌گردد و حقوقی که گرفته می‌شود حلال است؛ چون ادائی نماز امر دیگری است که تکلیف کارگر می‌باشد و باید در وقت خود بجا آورده شود. در زمان کار نیز او نسبت به ادائی نماز حقی دارد که به واسطه‌ی قرار کاری سلب نمی‌شود و می‌تواند ادائی آن را از کارفرما یا راننده در صورت لزوم درخواست کند و در صورت خودداری هر دو، کارگران می‌توانند به مراکز قانونی کار مراجعه و حق خود را استیفا نمایند؛ بدون آن که کار را ترک کنند و اختلالی برای تهییه هزینه‌ی زندگی پیش آید؛ اگرچه در زمینه‌ی انجام واجبات در زمان کار نباید اختلالی به اصل کار وارد آید.



س ۳۰۱ - شخصی می‌گفت در سفر به آمریکا هواپیمای آنان بیست و چهار ساعت پرواز نموده و همه‌ی این مدت در روز واقع شده و شب را ندیده و بر این اساس نماز مغرب، عشا و صبح را نخوانده؛ چون شبی در کار نبوده است، حال، آیا قضای سه نماز بر عهده‌ی وی هست یا نه، و نماز و روزه‌ی چنین مسافری چه حکمی دارد و تا چه حد باید برای روزه امساك نماید؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که بیست و چهار ساعت در روز سیر نموده، باید قضای نماز مغرب و عشا و صبح را بجا آورد و چنین شخصی باید وقت نمازها و وقت افطار را بر حسب وقت معتدل امکنه‌ی دیگر تعیین نماید.

* * *

«نکونام»: در این موارد ملاک زمان است و باید در نماز و روزه بر حسب زمان معتدل مکان عمل نماید.



س ۳۰۲ - یکی از دانشجویان که در سوئد مشغول تحصیل می‌باشد در نامه به پدر و مادرش نوشت: در اینجا نماز خواندن و روزه گرفتن بسیار مشکل است؛ زیرا شب تابستان محدود و تا ساعت یک می‌باشد و به تدریج تغییر می‌کند و در زمستان به عکس می‌شود، اکنون تکلیف وی چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض مزبور که مجموع شبانه‌روز از بیست و چهار ساعت تجاوز نمی‌کند، نماز را در اوقات معین طبق وقت شرعی بخواند؛ یعنی پیش از طلوع آفتاب، نماز صبح، و نیم‌روز، نماز ظهر و عصر و بعد از غروب آفتاب، نماز مغرب و عشا را بخواند و بلند و کوتاه شدن شب و روز در آنجا مثل کوتاهی و بلندی شب و روز در مناطق معتدل است و روزه را نیز با تمکن و امن از ضرر بگیرد.

* * *

«نکونام»: در این مکان‌ها بر اساس اوقات شرعی نزدیک‌ترین مکان معتمد عمل شود.



س ۳۰۳ - کسانی که در قطب شمال یا جنوب که شش ماه روز و شش ماه شب است زندگی می‌کنند، چگونه باید نماز و روزه بگزارند؟
 «گلپایگانی»: یکی از بلاد متوسطه‌ی قریب‌هه را ملاک عمل قرار دهند.

* * *

«نکونام»: در این مکان‌ها باید بر اساس اوقات شرعی نزدیک‌ترین مکان معتمد عمل شود.



﴿نماز و دخول شرعی وقت﴾

س ۳۰۴ - در رساله عملیه آمده است: ظهر شرعی در بعضی از موقع سال چند دقیقه پیش از ظهر و گاهی چند دقیقه بعد از آن می‌باشد، بنابراین کسی که در چهار فصل سال چند دقیقه بعد از ساعت نماز بخواند، نمازش صحیح است یا نه؟
 «گلپایگانی»: با شک در دخول وقت لازم است صیر کنید تا یقین به دخول وقت پیدا کند یا دو شاهد عادل شهادت دهند و یا مؤذن موثق وقت شناس اذان بگوید.

* * *

«نکونام»: کسی که همیشه در چهار فصل، چند دقیقه بعد از ساعت دوازده ظهر نماز خوانده است، با فرض یاد شده که حداکثر رسیدن ظهر شرعی، چند دقیقه بعد از ساعت دوازده باشد، تمامی نمازهای خوانده شده درست است؛ هرچند اطمینان به داخل شدن وقت، شرط صحّت نماز می‌باشد و تنها اعتماد به گذشت چند دقیقه بسنده نیست؛ مگر آن که چند دقیقه در هر دو مورد - ظهر شرعی و ادای نماز - یکسان باشد.



﴿ طلوع فجر شب‌های مهتابی ﴾

س ۳۰۵ - آیا در شب‌های مهتابی واجب است بعد از اذان صبح ادای فریضه را مقداری تأخیر انداخت تا سپیده‌ی فجر بر نور ماه غلبه‌ی محسوس پیدا کند یا در این رابطه شب‌های مهتابی و شب‌های ابری یکسان است؟ آیا پاسخ آن از جواب حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام در خبر علی بن مهزیار محتمل است و یا آن که نظر شریف بر تفصیلی است که مرحوم فقیه همدانی در مصباح الفقیه فرموده‌اند؟

«گلپایگانی»: به نظر حقیر وقت نماز صبح موقعی است که فجر صادق طلوع کند، چه بین باشد چه نباشد، و تبیّن موضوعیت ندارد و طریقت دارد. بلی، در موارد شک باید علم به طلوع حاصل شود و فرقی بین شب‌های مهتابی و ابری نیست.

* * *

«نکونام»: در فرض یادشده، هنگامی که طلوع فجر صادق در روزهای پیش از شب‌های مهتابی و ابری به ساعت، مشخص باشد، روزهایی که شب‌های مهتابی و ابری دارد، به همان وقت شرعی از روی ساعت، با محاسبه‌ی کم و زیاد شدن روز و شب در ایام می‌توان نماز خواند و جست‌وجو هر روزه‌ی فجر صادق و دیدن عینی آن یا تأخیر بدون مورد در آن شب‌ها لازم نیست و نیازی به مقایسه با روزهای سال پیش نمی‌باشد؛ هرچند ممکن و درست است و نیز میان شب‌های مهتابی یا ابری با سایر شب‌ها تفاوتی نمی‌باشد و تنها به دست آوردن اطمینان به داخل شدن وقت شرعی به هر شیوه‌ی ممکن بستنده است.

□ □ □ □

س ۳۰۶ - در صورتی که کسی چندین روز طلوع فجر را رؤیت کند و این روزها را بر اساس برج شمسی و با ساعت مضبوط یادداشت نماید؛ چنان‌چه بعد از گذشتن چند ماه؛ یعنی در سال آینده مثلاً که همان ایام از برج مطابق شب‌های

مهتابی و یا ابری باشد، آیا مشاهدهٔ حسی سال قبل برای حکم به طلوع فجر این شب‌ها کافی است؛ با این که ساعات طلوع و غروب هر روز با همان روز از دیگر سال‌های شمسی برابر است و یا این که این مورد نیز مشمول رؤیت تقدیری می‌باشد؟

«گلپایگانی»: از هر طریقی که علم حاصل شود کافی است. والله العالم.

* * *

«نکونام»: به دست آوردن اطمینان از هر طریق ممکن کافی است.

□ □ □ □

▣ محاسبه‌ی نصف شب

س ۳۰۷- نصف شب را که آخر وقت نماز عشاست باید از طلوع فجر حساب کرد یا از طلوع آفتاب؟

«گلپایگانی»: نظر فقهای عظام دربارهٔ نصف شب مختلف است. بعضی شب را مابین غروب و طلوع آفتاب می‌دانند و بعضی مابین غروب آفتاب و طلوع فجر صادق می‌دانند. لهذا احوط آن است که در هر مورد احتیاط رعایت شود؛ مثلاً برای وقت نماز عشا اول شب تا طلوع فجر را حساب کند و نماز را از نصف آن تأخیر ننماید و برای نماز شب غروب و طلوع آفتاب را حساب کند؛ به این معنا که نماز شب را زودتر از نصف ما بین غروب و طلوع آفتاب نخواند.

* * *

«نکونام»: نصف شب، بین مغرب و طلوع فجر صادق است؛ هرچند به طور عرفی، نصف شب را بین غروب تا طلوع آفتاب به حساب می‌آورند و تأخیر نماز عشا از نصف شب، بدون عذر شرعی معصیت است؛ هرچند نماز عشا نیز هم‌چون نماز مغرب، تا طلوع فجر باید به نیّت ادا آورده شود و بر اساس مدارک شرعی، با گذشت نیمه شب، نباید تیت قضا نمود؛

چون وقت نماز مغرب و عشا هم چون نماز ظهر و عصر یا صبح نیست.
نماز شب را نیز می‌توان با همین معیار بجا آورد که اگر قبل از دخول
وقت نماز صبح، شروع به نماز شب و نوافل کرده باشد، با فرض داخل
شدن وقت نماز صبح، بقیه را به قصد ادا بجا می‌آورد.



▣ تأخیر نماز مغرب و عشا تا بعد از نصف شب

س ۳۰۸ - هرگاه شخصی هر دو نماز مغرب و عشا را نخوانده باشد و به خواب برود
و بعد از بیدار شدن، آن را بخواند، آیا نماز وی قضا شده و آیا بودن آن در ماه
مبارک رمضان تفاوتی در حکم دارد؟

«گلپایگانی»: کسی که نماز عشا را نخوانده به خواب ببرود و تا نصف شب
بیدار نشود، احتیاط آن است که آن روز را روزه بگیرد؛ هرچند بعد از
نصف شب آن را نخوانده باشد و چنان‌چه در ماه رمضان باشد، به احتیاط
مستحب قضای آن روز را بعد از ماه رمضان بگیرد.



«نکونام»: نماز مغرب و عشا بعد از گذشتن نصف شب تا قبل از اذان صبح
لازم است به نیت ادا آورده شود و روزه‌ی فردای آن واجب نمی‌باشد؛
هرچند تأخیر آن از روی عمد، گناه است و در صورت سهو، اشکال ندارد،
ولی در هر صورت، برای روزه‌ی ماه مبارک رمضان نیز اشکالی ایجاد
نمی‌کند و باید روزه بگیرد و قضا نیز ندارد.



س ۳۰۹ - اگر کسی نماز مغرب و عشا را به عمد ترک نماید، چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: معصیت کرده و باید توبه کند و دیگر، نماز خود را ترک ننماید و
اگر کسی نماز عشا را نخواند و خوابش برد تا نصف شب، احتیاط آن

است که فردای آن شب را روزه بگیرد، ولی اگر بیدار ماند تا بعد از نصف شب، این احتیاط را ندارد.

• • •

«نکونام»: معصیت کرده است.

10 / 10

۳۱۰ - در بعضی از نقاط جهان که شش ماه از سال شب و شش ماه روز میباشد یا در بعضی از نقاط، تمام وقت سال روز و یا شب است، برای روزه و نماز پاید چه کرد؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله بعید نیست در نماز و روزه در بلاد مذکوره اقرب بلاد متعارفه به محل سکنی ملاک باشد و مکلف مخیر است. در صورت اختلاف بلاد متعارفه به هر کدام بخواهد اخذ کند.

• • •

«نکونام»: باید بر اساس اوقات شرعی نزدیک ترین مکان معتمد بر خود عمل نماید.

100

٣١١ - إنَّ في بعض النقاط من الكرة الأرضية وبالتحديد في شمال الكرة الأرضية ينعدم الفجر المتعارف في البلاد الإسلامية حيث أنَّ الكرة الأرضية مائلة المحور، فهذه البلدان لا يغيب عنها نور الشمس تماماً بل يصلها عبر القطب الشمالي حيث لا حاجز بينها وبين البلدة، ويتمُّ هذا في أواخر الربيع وأوائل الصيف حيث النهار الأطول. فعندما تغرب الشمس يبقى تمام الليل ذا نور كنور الفجر الذي هو متعارف في البلدان الإسلامية مثلاً؛ حيث أنَّ الشمس لم تغرب بالقدر الذي يجب أن تغيب في البلدان الأخرى أو الأيام الأخرى من تلك البلدان، وتبقى حالتها الفجر من البلدان الأخرى أو الأيام الأخرى ولكن هناك حالة ثانية، وهي التي يبدء بازدياد النور بعد ثباتها. وللمثال مدينة لندن: فإنَّ

الفجر ينعدم فيها خلال شهرين تقربياً أي من ۲۳ أيار إلى ۲۰ تموز، ففي هذه الأيام نرى حالة الليل فيها حالة الفجر حيث لم يكن هناك ظلام مطبق؛ لأنّ الشمس لم تغرب عنها تماماً كما فيسائر البلدان أو سائر الأيام فيها بل إنّ النور الفجيري في هذه الليالي متواصل، فلم يمكن أن يتحقق الفجر، ولكن هناك في وقت مبكر من الصباح يبدئ هذا النور بالإزدياد والانتشار، فلو اعتبرناها فجراً لهذا البلد لكان الفارق بين اليوم الذي يتحقق فيه الفجر الحقيقي واليوم الذي لم يتحقق الفجر كثيراً، ففي يوم ۲۲ أيار الذي يتحقق فيه الفجر بلندن مثلاً كسائر البلدان يكون الفجر في الساعة ۱۲۲، وطلع الشمس في الساعة ۴۵۸، وفي يوم ۲۳ أيار الذي لم يتحقق فيه الفجر كسائر البلدان أو الأيام يكون ابتداء ازدياد النور فيه في الساعة ۳۱۲، وطلع الشمس في الساعة ۴۵۷.

هناك ملاحظات لابدّ من ذكره:

- ١- إنّ الفجر الحقيقي يتحقق بنزول الشمس عن خط الأفق بدرجة فيسائر البلدان، ولكن بلندن مثلاً في بعض الأيام من أيار إلى تموز فقط لا يتحقق نزول الشمس عن خط الأفق درجة بل غایة نزوله درجة فقط فيبقى نور الشمس مباناً، كما في الفجر في الأيام العادية، في تمام الليل.
- ٢- إنّ المتعارف عند المسلمين في لندن مثلاً هو الاعتماد في تمام السنة على درجة حتّى في الأيام التي يتحقق فيها الفجر الحقيقي والتي هي عشرة أشهر تقربياً خلافاً للبلدان التي يتحقق فيها الفجر في تمام السنة، فإنّهم يعتمدون على درجة.
- ٣- إنّ الشهرين المذكورين اللذين لم يتحقق فيهما الفجر مختصّ بمدينة لندن، وما جاورها، وأما البلدان التي في أقصى الشمال فالمرة التي لا يتحقق فيها الفجر أكثر.
- ٤- إنّ عدم تتحقق الفجر غير مختصّ بشمال الكورة الأرضية بل إنّ هذه الحالة موجودة في جنوب الكورة الأرضية أيضاً، فالبلدان التي لم يتحقق فيها الفجر في بعض الأيام كثيرة. فالسؤال الآن بالنسبة إلى هذه البلدان يتوجّه على النحو التالي:

١- هل الاعتماد في تمام السنة على الحالة التي يبدء بانتشار النور درجة ولو تحقق الفجر في بقية أيام السنة، وعلى هذا نقطع بأنّ أكثر أيام السنة؛ يعني ما يقارب عشرة أشهر في لندن مثلاً، لم يكن الاعتماد على الفجر الحقيقي رغم تتحققه.

٢- أو أنّ الاعتماد في تمام السنة على الفجر الحقيقي درجة، وفي الأيام التي لم يتحقق فيها الفجر يتماشى فيه على الفجر التقديرى حيث يتعدد الفجر بتقدّم الفجر وتأخره التدريجي كما في سائر الأيام، وفي هذه الحالة يلزم في أكثر البلدان أو في أكثر الأيام تقدّم وقت الفجر التقديرى على الغروب الحقيقي، وهذا غير صحيح قطعاً.

٣- أو أنّ الاعتماد على ما له فجر حقيقي - كما في الأشهر العشر بلندن مثلاً - على الفجر الحقيقي درجة، وعلى ما ليس له فجر حقيقي كما في الشهرين بلندن مثلاً، على الوقت الذي يبدء النور بالإزدياد والانتشار درجة، ولكن سبق وقلنا إنّ الفارق بين اليوم الذي يتحقق فيه الفجر درجة، واليوم الذي لم يتحقق فيه الفجر درجة كثير جداً، ففي يوم أيار بلندن الفجر الحقيقي يكون الساعة، وفي أيار الذي لم يتحقق فيه الفجر يكون الساعة على اعتبار انتشار النور وازيداته درجة، فالفارق بين اليومين أي مئة وعشرة دقائق، وهذا غير مألف.

٤- أو أنّ الاعتماد على ما له فجر حقيقي - كما في الأشهر العشر بلندن مثلاً - على الفجر الحقيقي درجة، وعلى ما ليس له فجر حقيقي - كما في الشهرين بلندن مثلاً - على أقرب بلد يتحقق له فجر حقيقي، والذي هو نصف مجموع ما بين غروب الشمس وشروقها بمعنى أنّ الفجر في هذين الشهرين مثلاً يبقى ثابتاً تقريراً.

٥- أو أنّ اللجوء إلى الاحتياط فيمسك عن المفطرات على درجة، ويصلّي على درجة، وهذا موجب للعسر والحرج في أكثر البلدان إن لم نقل كلّها.

٦- أو أنّ هناك حدّ آخر، ولا بأس بابداء رأيكم في أنّ الفجر والغروب هل هما موضوعيان أو طرفيّان.

- در برخی از نقاط کره‌ی زمین و به صورت مشخص در نیم‌کره‌ی شمالی فجری که در سرزمین‌های اسلامی متعارف است از بین می‌رود؛ زیرا محوری که کره‌ی زمین حول آن می‌چرخد مایل است و نور خورشید از این مناطق به صورت تمام برگرفته نمی‌شود بلکه همانند قطب شمال به صورت دائم خورشید بر آن می‌تابد، و این امر در پایان بهار و اوایل تابستان که روز طولانی است تمام می‌باشد و به هنگام غروب آفتاب، همه‌ی شب مانند فجری که ما در کشورهای اسلامی می‌بینیم دارای نور است و همچنین دارای حالت دیگری است و آن این که بر نور بعد از ثبات آن افزوده می‌شود و برای نمونه، شهر لندن که به مدت دو ماه فجر در آن از ۲۳ ایار تا بیستم تموز دیده نمی‌شود؛ چراکه در طول این مدت شب در آن همانند فجر می‌باشد و تاریکی مطلق در آن پدید نمی‌آید؛ زیرا خورشید به صورت مطلق از آن پنهان نمی‌شود و همواره نوری مانند نور فجر بر آن می‌تابد و بر این اساس، فجر در آن پدید نمی‌آید اما در ابتدای صبح بر نور آن افزوده می‌گردد و اگر آن را معیار تحقق فجر و سپیده‌ی صبح بگیریم همان وجه امتیاز آن از روزی می‌باشد که فجر حقیقی در آن رخ می‌دهد و برای نمونه، ۲۲ ایار که فجر در آن در لندن تحقق می‌یابد، سپیده‌ی صبح در ساعت ۱۲۲ و طلوع آفتاب در ساعت ۴۵۸ و در روز ۲۳ ایار که سپیده‌ی صبح و فجر حقیقی در آن رخ نمی‌دهد ابتدای انتشار نور در ساعت ۳۱۲ و طلوع آفتاب در ساعت ۴۵۷ می‌باشد. با این توضیح، توجه به نکات زیر در رابطه به این مناطق ضروری است:

۱- فجر واقعی با پایین آمدن آفتاب به یک درجه از خط افق در دیگر مناطق پدید نمی‌آید اما برای نمونه، در لندن در برخی از روزهای ایار تا تموز خورشید به یک درجه از خط افق پایین‌تر نمی‌آید بلکه نهایت پایین آمدن آن تنها یک درجه می‌باشد و نور آفتاب مبان است چنانچه فجر در روزهای عادی چنین می‌باشد.

۲- مسلمانان لندن به صورت متعارف در تمام طول سال، فجر حقیقی را پایین آمدن آفتاب تا یک درجه از خط افق می‌گیرند حتی در شب‌هایی که سپیده‌ی صبح به صورت حقیقی دیده می‌شود و آنان به صورت تقریبی در طول مدت ده ماه بر خلاف گونه‌ای که در مناطق دیگر معمول است عمل می‌نمایند.

۳- دو ماهی که از آن یاد شد و فجر حقیقی در آن پدید نمی‌آید به شهر لندن و مناطق اطراف آن ویژگی دارد اما مناطقی که به نقطه‌ی شمالی نیم‌کره‌ی شمالی نزدیک‌تر است این مدت بیشتر می‌باشد.

۴- پدید نیامدن فجر حقیقی به شمال کره‌ی زمین ویژگی ندارد و این امر در جنوب کره‌ی زمین نیز دیده می‌شود و مناطقی که فجر حقیقی در آن رخ نمی‌دهد بسیار زیاد است. با این توضیح، پرسش‌های زیر در رابطه با این مناطق پیش می‌آید:

۱- آیا در تمام طول سال می‌توان بر حالتی که نور شروع به انتشار می‌نماید اعتماد کرد؛ هرچند فجر در دیگر روزهای سال محقق شده باشد و بر این اساس، ما یقین داریم که در طول بیشتر ایام سال و برای نمونه، در لندن برای مدت ده ماه بر فجر حقیقی اعتماد نمی‌شود؟

۲- یا در تمام طول سال باید فجر حقیقی که همان پایین آمدن آفتاب از افق به یک درجه می‌باشد را ملاک قرار داد و در غیر آن روزها باید بر فجر تقدیری اعتماد کرد؛ زیرا تقدم و تأخیر فجر حقیقی همانند دیگر روزها تعیین می‌گردد و در این صورت لازم می‌آید که در بیشتر روزها و در بیشتر مناطق وقت فجر تقدیری بر فجر حقیقی پیش افتد و این امر به صورت قطع درست نیست.

۳- یا باید در جاهایی که دارای فجر حقیقی است بر همان اعتماد کرد - که برای نمونه، ماههای ده‌گانه در شهر لندن چنین می‌باشد - و در مکان‌هایی که دارای فجر حقیقی نیست - که برای نمونه دو ماه یاد شده در لندن چنین می‌باشد - بر هنگامی که نور رو به ازدیاد و انتشار می‌گزارد اعتماد نمود و همان گونه که پیش

از این گذشت، وجه امتیاز میان این دو بسیار می‌باشد و گاه تفاوت آن دو به ۱۱۰ دقیقه می‌رسد که این امر پذیرفته و قابل اغماض نیست.

۴- یا باید در جاهایی که دارای فجر حقیقی است بر همان و در مناطق دیگر بر افق نزدیک‌ترین شهری که دارای فجر حقیقی است اعتماد کرد که آن نصف ساعاتی است که میان غروب و طلوع خورشید قرار می‌گیرد که در این صورت، فجر در دو ماه یاد شده به صورت تقریبی ثابت می‌ماند.

۵- یا لازم است احتیاط شود و با پایین آمدن آفتاب به یک درجه باطل‌کننده‌های روزه را انجام نداد و وقتی به آن می‌رسد نماز گزارد و این امر در بسیاری از مناطق اگر نگوییم در همه‌ی آن، سختی و مشقت را پیش می‌آورد.

۶- یا در این مورد تعریف دیگری وجود دارد، و آیا فجر و غروب دو امر موضوعی است یا طریقی؟

«گلپایگانی»: المستفاد من الكتاب الكريم والروايات المعتبرة هو أن الأوقات

الثلاثة، الفجر ودخول الشمس وذهب الحمرة المشرقة عن سمت الرأس،

موضوعات للأحكام المترتبة عليها من وجوب الصلاة والإمساك وجواز

الإفطار وغيرها. والفجر عبارة عن البياض الحادث في الجانب الشرقي

فوق الأفق عمودياً متصاعداً نحو السماء، كذنب السرحان على ما في

الروايات، ويسمى الفجر الكاذب، ثم ينتشر كالقطبيّة البيضاء أو نهر سوراء

ويعرض ويضيء حسناً، ويسمى الفجر الصادق. هذا إذا كان الليل مظلماً

كما فيسائر البلدان والبلد المذكور في السؤال مدة عشرة أشهر.

واما إذا كان الليل مضيئاً كبين الظلوعين خلال الشهرين المذكورين في

السؤال، فمن حين أخذ النور بالازدياد والاشتداد فوق الأفق عمودياً وتبيّن

القوي من الضعيف فهو الفجر الكاذب، وعند ما يعرض في الأفق ويصير

كالقطبيّة البيضاء أو نهر سوراء فهو الفجر الصادق الذي تترتب عليه

الأحكام، كما في الليالي المظلمة، والفرق بين النورين هو أن الأول يحدث

في جميع أطراف الأرض دفعه لكون المحور مائلاً ولم يبسط ظله لإخفاء نور الشمس من جميع جوانب الأرض بخلاف النور الثاني الشديد الذي يحدث عند طلوع الشمس فإنه يحدث فوق الأفق الشرقي صاعداً إلى السماء لمواجهة الشمس قبل شروقها من نقطة الأفق في السماء مواجهة للنقطة التي تشرق منها. هذا إذا كان الضوء الشديد الحادث عند الطلع مبايناً للضوء الموجود أول الليل. وأما إذا لم يكن مبايناً له بل كان مماثلاً له فالفجر فيه هو فجر أواخر الليالي المظلمة، ولكن هذا الفرض بعيد غايتها، وأما ما ذكرت من أن الاعتماد في لندن على درجة في جميع أيام السنة حتى في الأيام التي يتحقق فيه الفجر الحقيقي فليس بصحيح، بل اللازم في تلك الأيام هو الاعتماد على الفجر الحقيقي الذي مرّ شرحة. والله العالم.

- از قرآن کریم و روایات معتبر به دست می آید که وقت های سه گانه سپیده‌ی صبح(فجر)، غروب آفتاب و گذشتن سرخی طرف مشرق از بالای سر، موضوعاتی برای احکامی است که مترتب بر آن می باشد(و نه طریق شناخت حکم) مانند وجوب نماز و خودداری از باطل‌کننده‌های روزه و جواز افطار و فجر عبارت است از سفیدی که در ناحیه‌ی مشرق در بالای افق به صورت عمودی به طرف بالای آسمان پیش می آید و مانند صبح کاذب می باشد، چنانچه در روایات آمده است فجر کاذب نامیده می شود و مانند پارچه‌ی کتان سفید درخشندگی آن نیکو و سفیدی آن پهن و گستردۀ می گردد و فجر صادق نامیده می شود. این امر در صورتی است که شب تاریک باشد، همان‌گونه که در شهر یاد شده در سؤال به مدت ده ماه و در دیگر مناطق چنین است و اما در صورتی که شب نورانی باشد و از شب‌های مهتابی به شمار رود مانند بین الطلوعین از زمانی که نور شروع به ازدیاد می نماید و به طرف بالای آسمان شدت می گیرد و نور قوی از ضعیف تشخیص داده می شود، آن فجر کاذب نام دارد و وقتی که

به طرف افق در حرکت قرار می‌گیرد و مانند پارچه کتانی سفید، پهن و گسترده می‌شود، پس آنگاه فجر صادق است و احکام آن بر آن بار می‌شود، چنانچه در شب‌های تاریک چنین است، اما تفاوت این دو نور در این است که نور نخست در همه‌ی زمین به صورت دفعی ایجاد می‌شود؛ زیرا محور زمین مایل است و سایه‌ی آن گسترده نمی‌شود؛ زیرا نور خورشید در همه‌ی اطراف زمین مخفی است؛ برخلاف نور دوم که شدید است و به هنگام طلوع خورشید ایجاد می‌شود؛ زیرا این نور در بالای افق شرقی و رو به بالای آسمان ایجاد می‌شود؛ چراکه خورشید در نقطه‌ی افق در آسمان با نقطه‌ای که از آن طلوع می‌نماید برابر می‌نماید. این امر در صورتی است که نور شدید ایجاد شده به هنگام طلوع با نور موجود در ابتدای شب مباین باشد، اما در صورتی که با هم مماثل و همگون باشد و نه مباین، فجر در آن همان سپیده‌ای است که در اواخر شب‌های تاریک و غیر مهتابی پیش می‌آید که این امر بسیار بعید است. اما آن‌چه که گفتید که در لندن در همه‌ی روزها حتی در روزهایی که فجر و سپیده‌ی حقیقی قابل تشخیص است بر پایین آمدن آفتاب تا یک درجه از خط افق اعتماد می‌شود، درست نیست، بلکه لازم است در آن روزها فجر حقیقی که توضیح آن گذشت معیار قرار گیرد.

* * *

«نکونام»: نزدیک به اذان صبح، سپیده‌ای از سوی مشرق رو به بالای آسمان می‌آید که به آن فجر نخست یا فجر کاذب می‌گویند. هنگامی که سپیده، پهن و گسترده شد، فجر دوم یا فجر صادق است که آغاز وقت نماز صبح است و پایان وقت نماز صبح، هنگامی است که آفتاب بیرون می‌آید و در این زمینه، میان شب‌های ظلمانی و مهتابی تفاوتی نیست و نیازی به مقایسه با روزهای سال پیش نمی‌باشد؛ هر چند ممکن و درست می‌باشد و

تنها به دست آوردن اطمینان به داخل شدن وقت شرعی به هر شیوه ممکن بسنده است.



□ قبله □

س ۳۱۲ - چند سالی است مسجدی بنا شده که محراب آن کمی از قبله انحراف داشته، تکلیف چیست؟

«گلپایگانی»: با تمکن، واجب است تحصیل علم به قبله و در صورت عدم تمکن از علم، تحصیل ظن اقوی مقدم است و بعد نیست فعلاً ظن حاصل از قبله‌نمای رزم‌آرا، از میزانی که به نظر علمای سابق (قبل از احداث آلات جدیده) بوده، اقوی باشد، لکن در بعد، مقداری تیامن و تیاسر مضر نیست؛ چون در بعد، قبله وسعت دارد.

* * *

«نکونام»: لازم است در صورت توانایی اطمینان به قبله پیدا کرد و در صورت عدم تمکن از اطمینان، ظن قوی هم کافی است و ظن حاصل از قبله‌های لازم آن را کفایت می‌کند و در اماکن بعد از کعبه، تیامن و تیاسر اندک اشکال ندارد.



س ۳۱۳ - اگر نمازگزار از خانه‌ی کعبه بسیار دور باشد و برای نمونه، در جزایر اقیانوس کبیر یا در مکه در چاه عمیقی نماز بخواند و رو به امتداد کعبه باشد و نه به عین آن، آیا نماز وی صحیح است؟

ج - در هر جای زمین که به طرف کعبه مشرفه نماز خوانده شود، نماز صحیح است؛ چون از تขوم زمین زیر کعبه تا عنان سما فوق کعبه در حکم کعبه است و فرقی نیست که نمازگزار مقابل خود کعبه باشد یا زمین زیر کعبه یا فضای فوق کعبه.



﴿ مکان نمازگزار

س ۳۱۴ - اگر کسی با اذن صاحب خانه مشغول نماز شود و در میان نماز وی بمیرد
یا خانه را فروخت، در این صورت نمازگزار چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: اگر وقت وسیع است و علم به رضایت مالک بعدی ندارد یا
شرع اذن مالک بعدی مؤثر نیست، مثل وارثی که صغیر باشد، نماز را قطع
کند و در مکان دیگری که مباح باشد بجا آورد و اگر وقت تنگ است، باید
از آن محل خارج شود و نماز را در حال خروج تمام کند.

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، تمام کردن نماز در هر صورت اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۱۵ - نماز خواندن در خانه‌ای که یکی از تیرهای سقف یا سر در یا پنجره‌ی آن
غصبی است چه صورت دارد؟

ج - اگر تصرف در آن‌ها محسوب نشود، اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۳۱۶ - مسلمانی که مکانی مانند حمام و کلیسا را از مسیحی می‌خرد، آیا
می‌تواند آن را مورد استفاده قرار دهد یا نه؟

«گلپایگانی»: استفاده از حمام مانعی ندارد و کلیسا را مسجد کنند و نماز در آن
بی‌اشکال است.

* * *

«نکونام»: اگر مظاهر شرک از همانند کلیسا بر طرف گردد، استفاده‌ی مناسب
از آن اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۱۷ - زن ناشرزه که از شوهر سرپیچی می‌کند و حق هزینه و مسکن ندارد، در
صورتی که در خانه‌ی شوهر و یا لباسی که شوهر در اختیار او گذاشته نماز

بخواند، چه حکمی دارد؟

ج - چنان‌چه شوهر راضی نباشد، نمازش باطل است.



س ۳۱۸ - آیا نماز در خانه‌هایی که دولت در مسیر راه آهن برای کارمندان و کارگران خود ساخته و در آن‌جا سکونت دارند بر ساکنان و میهمانان بر آنان صحیح است یا نه؟

ج - با عدم علم به غصیبت، نماز خواندن مانعی ندارد.



س ۳۱۹ - نماز در مکانی که با باد پنکه‌ی غصبی خنک می‌شود یا برق مصرفی پنکه یا روشنایی آن غصبی است چه صورت دارد؟

ج - در هر سه فرض، نماز صحیح است.



س ۳۲۰ - نماز خواندن در خانه‌ی پدری که خمس و زکات آن را پرداخت نمی‌کند و رفتن به مسجد بدون اجازه‌ی والدین جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر علم به تعلق خمس یا زکات به زمین خانه یا فرش یا غیر این‌ها از چیزهایی که در حال نماز در آن‌ها تصرف می‌کند نداشته باشد، نماز اشکالی ندارد و رفتن به مسجد بدون منع والدین نیز اشکال ندارد و اگر رفتن واجب باشد، منع آن‌ها مؤثر نیست.

* * *

«نکونام»: نماز اشکال ندارد و تحقیق نیز لازم نیست و حکم بقیه‌ی مسائله همان‌طور است که در متن آمده است.



س ۳۲۱ - آیا جایز است شخصی در قبرستان مسلمین که وقف است مسجدی بر قبرهای مردگان بنا کند؟ و اگر چنین مسجدی بنا شد، آیا نماز در آن

صحیح است؟

ج - ساختن مسجد در قبرستان که زمین آن وقف قبرستان است جایز نیست، و نبش قبور مسلمین حرام است، و به مجرد ساختن، مسجد نمی شود، ولی نماز خواندن در آن مانعی ندارد.



س ۳۲۲ - بر قبرستان عمومی دبستانی در زمان طاغوت بنا شده و این قبرستان وقف نمی باشد، حکم نماز آموزگارانی که می خواهند ظهرها نماز جماعت برگزار کنند و کسانی که نمازشان را در این مکان می خوانده اند، چیست؟ آیا می توان نماز جماعت در آن برپا کرد یا نه؟

ج - گرچه ساختن دبستان در قبرستان جایز نبوده و معصیت کرده اند و باید فعلاً اگر بتوانند به حال اول برگردانند، لکن در صورت عدم امکان یا عدم اقدام اهالی برای دفن در آن محل، نماز خواندن در آن مکان برای اشخاصی که مورد ابتلاء هاست جایز و صحیح است.



▣ مکان نمازگزار و مرقد حضرات معصومین ﷺ

س ۳۲۳ - در توضیح المسایل آمده است بنا بر احتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر اکرم ﷺ و امام زین العابدین نماز نخواند، حال اگر شک در تقدم یا برابری دارد، چه باید بکند و آیا این شرط نسبت به جاهل و فراموش کار و عالم تفاوت دارد یا نه؟ و هم چنین شرط مذکور پیش از شروع به نماز معتبر است یا در میان و پس از نماز هم اعتبار دارد که اگر در بین نماز یا بعد از آن متوجه شود که مقدم بر قبر یا محاذی با آن است لازم باشد نماز را اعاده کند و نیز چه مقدار فاصله لازم است که اگر مقدم یا محاذی بایستد و حایلی نیز نباشد، نماز صحیح می باشد؟

«گلپایگانی»: در صورتی که شک در تقدم یا در محاذات داشته باشد، صحت

نماز مشکل است و نماز ناسی یا جاهل به موضوع صحیح است و عالم به حکم نمازش باطل است و نماز جاهل به حکم نیز علی الاحوط باطل است و تفاوتی بین قبل از عمل و اثنا و بعد از آن نیست و فاصله باید زیاد باشد؛ به طوری که صدق تقدم و محاذات نکند و از صدق وحدت مکان خارج باشد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که شک در تقدم یا برابری با قبر معصوم داشته باشد، نماز صحیح است و جاهل به حکم نیز همچون جاهل به موضوع نمازش صحیح است. فاصله نیز باید به اندازه‌ای باشد که به طور عرفی مقدم بودن یا برابری صدق نکند؛ ولی صدق نکردن وحدت مکان بر مکان نمازگزار و قبر معصوم، لازم نیست؛ چون نمازگزاردن در پشت قبر با وحدت مکان قابل جمع است.

□ □ □ □

▣ دفن میت مسلمان در محل غیر مناسب

س ۳۲۴ - قبرستانی که حکومت وقت در پیش از انقلاب، بخش عمدہ‌ای از آن را از بین برده و درختکاری کرده و همان وقت جمعی از مؤمنان آن زمان در آن جا مسجدی بنا کردند و در بنای مسجد از قرار اظهارات خود بانی‌ها نبیش قبر نیز نکرده‌اند ولکن در محل دیوارها و ستون‌ها بعید است نبیش قبر نشود، اکنون سؤال این است که نماز خواندن در آن مسجد یا مجالس سخنرانی و عزاداری و مانند آن جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: بنای مسجد در قبرستان جایز نیست و محل ساختمان به قبرستان بودن خود باقی است و منع از دفن اموات در آن محل جایز نیست، ولی نماز خواندن در آن و تشکیل مجالس دینی مانعی ندارد، اما ثواب نماز در مسجد را ندارد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که محل قبرستان، برای دفن مردگان مناسب نباشد و خطرهای اجتماعی همراه داشته باشد یا احتمال تخریب داده شود یا بهتناسب عرف و محل از نظر قانونی ممنوع شده باشد، دفن مردگان در آن محل جایز نیست؛ هرچند قبرستان، عنوان خود را داشته باشد و سلب عنوان از آن نشود ولی گزاردن نماز و تشکیل مجالس دینی در آن اشکال ندارد.



س ۳۲۵ - اگر فقط شیشه‌ی بسیار نازکی بین مرد و زن نامحرم حاصل باشد، آیا نماز آن‌ها در یک اتاق صحیح است یا خیر؟

ج - چنان‌چه در جایی باشد که خلوت با اجنبيه صدق کند باطل است؛ هرچند شیشه فاصله باشد.



■ ساخت و خرید و فروش مجسمه‌ی حیوانات

س ۳۲۶ - گذاشتن علامت - که به صورت غالب در ماه محرم تهییه و تزیین می‌شود - در مساجد در حالی که دارای مجسمه‌هایی مانند کبوتر، طاووس و مانند آن است چه حکمی دارد و خرید و فروش این علامت چگونه است و نماز خواندن در برابر آن با توجه به مجسمه‌هایی که دارد، جایز است یا خیر؟

«گلپایگانی»: ساختن مجسمه‌ی حیوان و هم‌چنین اجرت گرفتن برای آن نیز حرام است و اما خرید و فروش و نگهداری آن حرام نیست، لکن شدیداً مکروه است و نماز خواندن مقابل آن نیز مکروه است؛ مگر روی آن را پوشانند و حکم آن تفصیلاً در وسیله النجاة مرحوم آیت‌الله اصفهانی ره مرقوم است، مراجعه شود.



«نکونام»: ساختن مجسمه‌ی حیوانات یا دیگر اشکال طبیعی در زمان ما و در

محیط‌های معمول اشکالی ندارد و اجرت ساخت آن حرام نیست؛
چنان‌چه خرید و فروش آن نیز مکروه نمی‌باشد؛ هرچند نماز خواندن در
مقابل آن بدون وجود پوششی روی آن مکروه نمی‌باشد.



س ۳۲۷ - روی زمین مباح، مشمایی مغصوب فرش شده و روی مشمای مغصوب
قالی و مانند آن انداخته‌اند؛ به این معنا که فرش وسط غصی، و زمین زیر و
روی آن مباح می‌باشد، نماز در چنین جایی چگونه است؟
ج - نماز روی فرش مغصوب؛ ولو به واسطه، جایز نیست.



▣ حشیش و مکان نمازگزار

س ۳۲۸ - آیا گزاردن نماز در اتاقی که در آن حشیش می‌کشند باطل است و آیا
کسی که حشیش می‌کشد نماز وی تا چهل روز باطل است؟ اگر کسی که حشیش
کشیده، حال طبیعی پیدا کرد و وضو گرفت و نماز خود را خواند، نمازش صحیح
نیست؟

«گلپایگانی»: صحت نماز مشروط به شرطی غیر از آن‌چه در رساله‌های عملیه
ذکر شده نیست و کسی که حشیش می‌کشد، اگر در حال بیهوشی و بی
التفاتی نماز بخواند؛ به طوری که ملتفت عمل و اذکار خود نباشد، نماز وی
باطل است، ولی بعد از آن که به هوش آمد و ملتفت شد، اگر وضو بگیرد و
نماز بخواند، اشکال ندارد و درباره‌ی شرب خمر روایت شده که تا چهل
شب نماز قبول نمی‌شود نه این که تکلیف نماز ساقط باشد، بلکه واجب
است نماز بخواند که تارک الصلاة شمرده نشود. نسبت به حشیش هم اگر
مستی می‌آورد، محتمل است که این اثر را داشته باشد. خداوند متعال
مسلمانان را از این سموم و گرفتاری‌ها و خطرات حفظ فرماید.



«نکونام»: استعمال حشیش - جز در موارد بسیار اندک، آن هم برای برخی افراد - سبب بی‌هوشی نمی‌شود، و نشئگی، خماری و بی‌التفاتی معمول و متعارف آن مشکلی نسبت به صحبت نماز پیش نمی‌آورد و داستان باطل بودن نماز در اتاقی که در آن حشیش می‌کشند یا نجس بودن سقف آن اتاق و مسائلی عدم قبولی نماز تا چهل روز، از پندارهای عامیانه می‌باشد. استعمال حشیش مستی نمی‌آورد و نشئگی و خماری آن، هیچ نسبتی با مستی شراب ندارد و بر فرض حصول چنین حالتی، هرگز نباید به آن، نسبت احتمال عدم قبولی نماز تا چهل شب را داد؛ چرا که مسائلی شراب به‌طور کلی با حشیش متفاوت است و نباید مفاسد این دو را با هم مقایسه نمود؛ زیرا شراب مستی می‌آورد و عقل و اندیشه‌ی آدمی را - در حالت مستی - زایل می‌سازد و برای همیشه سستی اندیشه و عقل را همراه دارد و تکرار آن آدمی را در جهت روحی و نفسانی هم‌چون مرداری می‌سازد و آن را در سطح حیوانات نجاست‌خوار قرار می‌دهد. شراب به ظاهر ارگانیسم جسمانی و مزاجی آسیب صوری وارد نمی‌سازد، ولی اختلالات جدی حاصل از آن را در عقل، اندیشه، بینش و منش آدمی نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما حشیش تنها مشکلات جسمانی و مزاجی به دنبال دارد و زیان‌های روحی و تخریب‌های معنوی شراب را در پی ندارد؛ هرچند تمام کسانی که به دنبال دود، دخانیات، افیون، تریاک و مواد مخدر می‌روند مشکلات نفسانی و مزاجی داشته و برای رهایی از مشکلات نفسانی و مزاجی خود است که به این امور خانمان‌سوز متولّ می‌شوند و به بهانه‌ی آثار زودگذر آن، به عنوان آخرین چاره، گرفتار سستی‌های نهادی و ریشه‌ای می‌گردند و خود را معتاد و ناسالم می‌سازند که این‌جا به

فرموده‌ی ایشان باید گفت: «خداؤنده متنان مسلمانان را از این سوم و خطرات آن‌ها حفظ نماید».



س ۳۲۹ - آیا می‌توانیم در نمازخانه‌ی دانشکده‌ی علوم مشهد نماز بخوانیم یا نه؟
«گلپایگانی»: اگر علم به غصیبی بودن زمین آن ندارید، اشکال ندارد، بلکه نماز را در آن‌جا بخوانید که تعظیم شعایر هم شده باشد و دیگران هم در آن‌جا ببینند و با دانشجویان مسلمان آشنا و مرتبط شوند.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد و تحقیق و بررسی از غصب بودن یا نبودن آن نیز لازم نیست.



﴿ رحل گذاشتن برای نماز ﴾

س ۳۳۰ - شخصی در مسجد جهت نماز جماعت رحل گذاشته و از آن‌جا بیرون رفته و جماعت برپا شده و صاحب رحل مراجعت نکرده است، در این صورت به محض منعقد شدن نماز جماعت، حق او از آن مکان ساقط شده و دیگری می‌تواند جای او را تصرف کند یا نه؟

«گلپایگانی»: بعد از منعقد شدن جماعت احتیاط آن است که تا امام به رکوع رکعت اول نرفته، جای او را اشغال نکنند.

* * *

«نکونام»: تا رکوع رکعت اول حق او باقی است و باید صبر شود.



﴿ لباس نمازگزار ﴾

س ۳۳۱ - عینکی که دسته‌ی آن مخلوط به طلاست یا آن داخل آن، طلا و روی آن برنج است، نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: اگر دسته‌ی آن مخلوط به طلاست؛ به‌نحوی که ظاهر باشد، نماز

در آن برای مرد جایز نیست، ولی اگر طلا در داخل آن باشد و ظاهر نباشد، عیبی ندارد.

* * *

«نکونام»: در هر صورت اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۲ - آیا نماز خواندن با کلاه گیس زنان که از اجزای انسانی است جایز است یا نه؛ چرا که انسان حیوان حرام گوشت است؟

ج - اجزای انسان از اجزای حیوان حرام گوشت استثناء شده است و نماز با کلاه مجبور مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۳ - اگر مرد انگشت طلا یا ساعت طلا برای همسر خود خریده و جهت امتحان یا برای نگهداری و حفظ آن به دست خود کرده، در موقع نماز یا غیر نماز چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: برای مرد حرام و نماز با آن باطل است.

* * *

«نکونام»: استعمال طلا اگر از باب تشییه به زنان نباشد و یا مورد استفادهٔ مبادری نباشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۴ - شخصی دو جامه دارد: یکی نجس و دیگری پاک، و به حمام می‌رود و به اشتباه جامه‌ی نجس را می‌پوشد و چند نماز می‌خواند، نمازهای او چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: ظاهرا در فرض مذکور، نمازهایی که خوانده صحیح است و قضا ندارد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که وقت باقی است لازم است نماز را دوباره بگزارد و نمازهای دیگر وی درست است و قضا ندارد.



س ۳۳۵ - لو أصاب ثوبه دم ولا يدرى أى دم هو، أمن حيوان بحري حلال كدم السمك الحلال حتى تجوز الصلاة معه وإن كان كثيرا، أمن من بحري حرام كدم السمك الحرام حتى لا تجوز معه الصلاة وإن كان قليلاً أمن من دم حيوان بري حلال اللحم كالغنم والبقر مثلاً حتى تجوز الصلاة معه، إن كان أقل من درهم أمن من الدماء الثلاثة أو الميّة أو نجس العين حتى لا تجوز معه الصلاة، وإن كان قليلاً، فما تكليفه، وهل لنا أصل يرجع إليه في ذلك، فيقال لا تجوز الصلاة مع كل دم حتى يعلم الجواز؛ لأنّ الأصل ذلك أو يقال الأصل جواز الصلاة مع كل دم إن كان أقل من درهم حتى يعلم عدم الجواز. الموجّ من فضلكم الجواب مع بعض الإشارة إلى الفروق التي تكون بين الأسئلة، ولكم مزيد الشكر.

- اگر خونی به لباس انسان برسد و نداند از کدام یک از خون هاست، آیا از حیوان دریایی حلال گوشت است مانند ماهی یا از حیوانات خشکی حلال گوشت مانند گوسفند و گاو تا در صورتی که کمتر از درهم است نماز در آن جایز باشد یا از خون های سه گانه و میته یا نجس العین است تا هر چند اندک باشد نماز در آن جایز نباشد، تکلیف وی چیست؟ آیا در این مورد اصلی وجود دارد تا به آن مراجعه شود و برای نمونه گفته شود اصل این است که با هیچ خونی نمی توان نماز گزارد تا این که نوع آن دانسته شود یا اصل این است که نماز با هر خونی که کمتر از درهم است جایز است تا این که جایز نبودن آن دانسته شود؟

«گلپایگانی»: كل دم يحتمل أن يكون ظاهراً يحكم بظهوره، وجواز الصلاة فيه، وإن احتمل كونه من غير المغفورة. نعم في المتختلف في الذبيحة إذا احتمل عدم خروج المقدار المتعارف من الدم، فالاحوط معاملة النجاسة معه، وكل دم علم بنجاسته تجوز الصلاة في أقل من الدرهم منه ما لم يعلم إنه من غير المغفورة عنه.

- هر خونی که طهارت آن احتمال داده شود به پاک بودن آن و جواز گزاردن نماز در آن حکم می شود؛ هرچند احتمال داده شود از خون های بخشیده شده نباشد. بله، در خونی که در بدن حیوان ذبح شده باقی می ماند اگر احتمال داده شود خون متعارف از آن خارج نشده، احتیاط آن است که نجس دانسته شود و هر خونی که نجاست آن دانسته شود، چنانچه کمتر از درهم باشد، تا زمانی که دانسته نشود که از خون های بخشیده نشده است نماز در آن جایز است.

* * *

«نکونام»: كُلّ دم يحتمل أن يكون ظاهراً يحكم بطهارته، وجواز الصلاة فيه، وإن احتمل كونه من غير المعفوٍ إلا في المخالف في الذبيحة إذا احتمل عدم خروج المقدار المتعارف من الدم.

- هر خونی که طهارت آن احتمال داده شود به پاک بودن آن و جواز گزاردن نماز در آن حکم می شود؛ هرچند احتمال داده شود از خون های بخشیده شده نباشد، مگر در خونی که در بدن حیوان ذبح شده باقی می ماند و احتمال داده شود خون متعارف از آن خارج نشده است.

□ □ □ □

س ۳۳۶ - آیا با کراوات می شود نماز خواند یا نه؟

«گلپایگانی»: گرچه کراوات، شعار مسیحی هاست و بر مسلمین لازم است از آن اجتناب نمایند، ولی با شیوع آن در بین مسلمانان از مدت های مديدة، نماز خواندن با آن فعلاً اشکال ندارد.

* * *

«نکونام»: نماز خواندن با آن در این زمان اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۳۷ - آیا نماز خواندن بدون کلاه کراحت دارد؟

«گلپایگانی»: کراحت نماز خواندن با سر باز به نظر نرسیده.

* * *

«نکونام»: کراحت ندارد.



س ۳۳۸ - لقد اشتهر بين الناس أنّ العمامات السوداء مختصة بأولاد فاطمة عليها السلام، ولا يجوز لغيرهم مطلقاً، فهذا صحيح أم لا، وعلى الصحة هل لها أساس من نص أو حديث أو دليل آخر، فما هو بيّنوا توجروا؟

- در میان مردم مشهور است که عمامه‌ی سیاه ویژه‌ی فرزندان حضرت فاطمه عليها السلام است و برای دیگران به صورت مطلق استفاده از آن جایز نیست، آیا این امر صحیح است و بر فرض درستی، آیا اساسی مانند نص یا روایت یا دلیل دیگری دارد؟

ج - ليس العمامات مستحبّ، ولا سيّما في حال الصلاة، والنبي الأكّرم صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
وأولاده الأئمّة عليهم السلام كانوا يلبسونها، والألوان تابعة للعرف، كما في العصور المتأخرة عنهم عليهم السلام.

- پوشیدن عمامه به ویژه در حالت نماز مستحب است و پیامبر اکرم صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ و فرزندان ایشان حضرات ائمه اطهار عليهم السلام نیز آن را می‌پوشیدند، و رنگ‌ها تابع عرف است، چنانچه در دوره‌ی آخر از عصر حضور حضرات معصومین عليهم السلام چنین بوده است.



س ۳۳۹ - کسی که علم اجمالی دارد که یا لباس وی نجس است یا لباس همسایه و به مقتضای قاعده نسبت به هر کدام، شببه‌ی بدوى است، ولی اگر آن جامه را از همسایه خریداری نماید، حال اگر یک نماز را با هر دو لباس بخواند، بطلان آن نماز معلوم است، ولی اگر دو نماز با آن دو لباس بخواند؛ یعنی یک نماز با یک

لباس و نماز دیگر با لباس دیگری بخواند، آیا چنین علم اجمالی منجز است یا هر دو نماز صحیح است و نسبت به هر یک شبههای بدوى است؟

ج - در فرض سؤال، علم اجمالی منجز است. پس اگر دو لباس را بپوشد و نماز بخواند، بطلان نماز یقینی است و نماز در یکی از آن دو جامه محتمل البطلان است و موجب برائت ذمه نمی شود و اگر ظهر را در یکی بخواند و عصر را در دیگری، نماز عصر یقینی البطلان و نماز ظهر محتمل البطلان است و موجب برائت ذمه نیست، و اگر یک نماز را یک مرتبه در یکی و مرتبه‌ی دیگر در دیگری بخواند، یقین حاصل می شود که در لباس طاهر نماز خوانده و صحیح است.



س ۳۴۰ - زن در حمام است و اگر بخواهد لباس بپوشد، وقت نماز می‌گذرد، آیا وی می‌تواند به صورت برهنه نماز بخواند؟

ج - در صورتی که وقت به قدری ضيق است که اگر بخواهد ساتر تهیه نماید نماز قضا می‌شود، برهنه نماز بخواند.



طرح مناسب پوشش زن

س ۳۴۱ - آیا زن می‌تواند نماز را بدون چادر اقامه کند و آیا روسرب و لباس جای چادر را می‌گیرد یا خیر؟

«گلپایگانی»: برای نمازگزار اگر زن است لازم و شرط است ساتری که او را در حین نماز بپوشاند و شرط نیست ساتر خصوص چادر باشد. اگرچه بهتر است؛ خصوصاً اگر بدون چادر حجم بدن نمایان باشد، بلکه سزاوار است که چادر در نماز ترک نشود و هم‌چنین در غیر نماز، چون در ایران و بعض بلاد اسلامی چادر جزو شعایر است.



«نکونام»: در ایران با آن که چادر به شکل موجود در میان خانم‌های مسلمان ایرانی از شعایر مذهبی و سمبول حجاب زن اهل ایمان است و به جهت پوشش حجم بدن، با عفت هرچه بیشتر سازگار است، به سبک موجود از جهات بسیاری بدترین وسیله‌ی حجاب و پوشش می‌باشد؛ زیرا با توجه به کیفیت نرمی و لیزی مو و نیز چادر و حالت مدور بودن سر، زن برای حفظ چادر خویش، عامل نگاهدارنده‌ای جز دو دست ندارد و دیگر توانایی هیچ گونه فعالیت فردی یا اجتماعی را ندارد و امکان استفاده درست و طبیعی از دست‌های خود، هم‌چون هر انسانی را نخواهد داشت؛ به گونه‌ای که نمی‌تواند چیزی به دست گیرد یا کار اجتماعی مدامی را پی‌گیری نماید و به انجام رساند و نمی‌تواند به‌طور عادی، در حدود شؤون خود، موجود فعال اجتماعی باشد؛ چرا که با محدودیت وی هیچ یک از این امور به آسانی تحقق نمی‌یابد. گذشته از آن که این گونه حجاب، خود بدرجابی را نیز در بر دارد؛ چون خواسته یا ناخواسته، زن نسبت به سر، گردن و اندام خود، در معرض دید نامحرم قرار خواهد گرفت؛ به‌ویژه هنگامی که می‌خواهد چادر خود را جابه‌جا یا باز و بسته کند و سپس بر سر نگاه دارد که حتی با وجود دو دست نیز مشکل دارد، بلکه هنگامی که در دید نامحرم است، این امر هرگز ممکن نمی‌باشد و باید یا پناه‌گاهی خلوت برای آن بیابد یا دو دست دیگر هم به کمک گیرد. شکل کنونی چادر، پوشش درست شرعی نیست و آزادی دست‌های زن و فعالیت‌های لازم اجتماعی را از وی می‌گیرد و به‌طور اساسی، پوششی هماهنگ با شرع مقدس اسلام نمی‌باشد و فقیهان دینی چنین ترسیمی از حجاب شرعی را نداشته‌اند و اگر منسوب به ایشان باشد، ترسیمی ناقص است. مناسب است چادر به شیوه‌ی زیر ارایه شود که با دور بودن از اشکالات چادر کنونی، افزوده بر این که همه‌ی اهرم‌های عفت را داراست،

مناسب‌ترین و راحت‌ترین پوشش برای زن می‌باشد؛ به این صورت که عامل نگاهدارنده‌ای غیر از دست‌ها در آن به کار گرفته شود و از جلو به تمامی دوخته شود تا از باد دادن آن جلوگیری کند و قابل بالا رفتن یا گیرکردن به جایی نباشد و در ناحیه‌ی سر، گلو یا سینه، با طراحی بسیار مناسبی که سلب آزادی از زن را نداشته باشد، عامل نگاهدارنده‌ای نهاده شود؛ به گونه‌ای که برای حفظ آن هرگز نیازی به دست نباشد؛ تا زن بتواند به راحتی در اجتماع ظاهر شود و به صورت پیوسته، فعالیت‌های اجتماعی مناسب خود را دنبال نماید؛ بدون آن که نگاه داشتن حجاب، مزاحم وی گردد یا بدحجابی و بی‌حجابی را همراه داشته باشد یا آن که بخواهد در تابستان از چند لباس زیر چادر، استفاده کند.

پس می‌توان با طرحی درست نسبت به چادر، بهترین حجاب شرعی را که متناسب عفت و آزادی زن باشد ترسیم نمود و با استفاده از طراحی اهل فن، حجابی متناسب با شرع را ارایه داد تا بسیاری از مشکلات ذهنی یا عملی نسبت به حجاب برطرف گردد.

البته، باز بودن صورت و دو دست اشکال ندارد و از این رو طرح «پوشیه» و نقاب آن گونه که گاهی مورد استفاده برخی از زنهای مذهبی قرار می‌گیرد، از بدترین عوامل اجتماعی و بلکه عقیدتی است و با جامعه‌ی اسلامی تناسبی ندارد و مشکلات فراوانی را نیز به همراه دارد و گذشته از تحریک عمومی، ناهمگونی اجتماعی و سلب آزادی زن، حالت طبیعی متناسب با انسان را نیز ندارد؛ پس در جامعه‌ای پیشرفته لازم نیست مانع سیاه و مزاحم برای دید چشمان ایجاد نمود و آن را الگوی حجاب شرعی نماید؛ چراکه چهره‌ی فرد، سنگ محک ایمان او از ناپاکی می‌باشد و خداوند منان برای ترسیم درست حکمت‌های الهی، چهره را با تمامی زیبایی‌های خود که نمادی از تمامی حالات جسمانی و روحانی یک فرد

می باشد در دید قرار داده و از این جهت تفاوتی میان زن و مرد ننهاده است و نباید دین و آفرینش را با تعصبهای عامیانه در هم آمیخت.

البته، این امر نیز باید روشن باشد که دیگر حجاب‌های به اصطلاح اسلامی - هم‌چون مانتو - که اکنون در جامعه‌ی ما رایج گردیده است؛ هرچند می‌تواند حجم بدن را به گونه‌ی ملموس ظاهر نسازد، ولی حجاب مطلوبی نیست، بلکه حجاب مورد پسند دین، شرع و اخلاق و مناسب با حرمت زن مسلمان، همان است که ترسیم گردید و در هر صورت، تفاوتی میان حجاب نماز و غیر نماز نیز نمی‌باشد و حتی پوشش در غیر نماز از شرایط بیشتری برخوردار است.

در مورد حجاب و پوشش، امری که باید در تمامی انواع آن مورد اهمیت قرار گیرد، جلف و سبک‌سرانه نبودن آن است که می‌تواند با هر نوعی از حجاب یا بدحجابی یا بی‌حجابی همراه باشد و حجاب دینی نباید در طرح، قالب، شکل، رنگ، نوع پارچه و دیگر ویژگی‌ها، جلف، ناموزون و محرك باشد. خداوند منان در این زمان، جامعه و زن‌های ما را از شرور و آفات، و از افراط و تفریط، و از شیاطین انسانی و افکار ظلمانی دور بدارد. انشاء الله.



﴿ نماز با لباس غصبی در زندان ﴾

س ۳۴۲ - محبوس در زندان که لباس غصبی به تن دارد، چگونه باید نماز بخواند و هرگاه نداند لباس وی غصبی است یا نه، چه تکلیفی دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر لباسش منحصر به مغضوب باشد، واجب است احتیاط کند؛ یعنی یک مرتبه برهنه و یک مرتبه در لباس مغضوب نماز بخواند، و با فرض شک، اگر مسبوق به علم به غصیبت نباشد، نماز در همان لباس صحیح است.



«نکونام»: در فرض یاد شده، در صورت علم به غصبی بودن و عدم دسترسی به لباس دیگر، با لباس غصبی می‌توان نمازگزارد و نیازمند خواندن نماز در مرتبه‌ی دوم به صورت برهنه نیست؛ هرچند در صورت کوتاهی در جهت ابتلا به چنین مانعی گناه کرده است.



س ۳۴۳ - مادری که مشغول خواندن نماز است و بچه‌ی خود را ناراحت می‌بیند، در صورتی که بیشتر یا تمام بدن آن بچه نجس است آیا می‌تواند او را جهت تسلی در آغوش بگیرد یا نه؟

ج - اگر لباس ساتر متنجسی که بشود به تنها یی با آن ستრ عورت کرد یا عین نجاست همراه بچه نباشد، مانعی ندارد.



س ۳۴۴ - اگر نمازگزار لباسی همراه داشته باشد که عورت را نمی‌پوشاند، مانند جوراب، و به خون‌های سه‌گانه (خون حیض، نفاس و استیحاضه) یا به نجسی، متنجس شده باشد، نماز خواندن با آن جایز است یا نه؟

ج - اگر عین نجاست در آن نباشد، جایز است.



■ محمول متنجس در نماز

س ۳۴۵ - دندان‌های مصنوعی گاه با خون لثه نجس می‌شود و انسان فراموش می‌کند آن را تطهیر نماید و با همان حال نماز می‌خواند، آیا آن نماز صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر ظاهر دهان پاک باشد، نمازش صحیح است.

* * *

«نکونام»: دندان مصنوعی حکم دندان طبیعی را دارد.



ساختار نماز

﴿ اذان و اقامه ﴾

س ۳۴۶ - آیا می‌شود در بین اذان و اقامه سخن گفت؟

ج - فصل بین اذان و اقامه به کلمات آدمی ننمایند و قرآن یا دعا اگر طولانی نشود مضر نیست، لکن به قصد ورود نخوانند.

□ □ □ □

س ۳۴۷ - آیا جایز است با اذانی که از نوار کاست شنیده می‌شود نماز خواند یا باید اذان دیگر گفت؟

ج - اذان ضبط صوت، مجزی از اذان نماز نیست.

□ □ □ □

س ۳۴۸ - در موارد سقوط اذان، آیا گفتن اذان حرام است یا مانع ندارد؟

ج - در فرض مرقوم، سقوط اذان به نحو رخصت است؛ بنابراین گفتن آن مانع ندارد.

□ □ □ □

س ۳۴۹ - اذان گفتن با بلندگو در صبح که مردم در خواب هستند، جایز است یا نه؟ آیا مردم آزاری، هست یا نه؟

«گلپایگانی»: اذان گفتن هرچند موجب بیدار شدن دیگران شود جایز است،

مگر یقین کند که موجب مرض یا شدت مرض کسی شود.

* * *

«نکونام»: اذان عمومی اشکال ندارد، مگر آن که صدای آن در محل غیر عادی باشد و بیش از اندازه‌ی متعارف باشد.

□ □ □ □

س ۳۵۰ - آیا اذان گفتن برای نماز عصر یا نماز عشا در وقتی که نماز عصر با نماز ظهر و نماز عشا با نماز مغرب خوانده شود و فاصله‌ای ایجاد نشود جایز است یا نه؟ اگر جایز نیست، آیا با خواندن تعقیبات، فاصله ایجاد می‌شود و می‌توان بعد از تعقیبات اذان گفت یا نه و چنان‌چه تعقیبات را فاصله می‌دانید با خواندن تسبیح معروف صدیقه‌ی ظاهره علیہ السلام و دعاوی که معمولاً در جماعات خوانده می‌شود، فاصله حاصل می‌شود و آیا هنوز امام جماعت یا بعضی از مأموران مشغول خواندن تعقیب و نوافل می‌باشند، مؤذن می‌تواند اذان بگوید یا باید صبر کند تا تعقیبات و نوافل تمام شود؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، گفتن اذان جایز است؛ اگرچه اولی مراعات احتیاط و نگفتن آن است و با خواندن نماز نافله یا تعقیبات مفصله که زیاد طولانی باشد، فصل حاصل می‌شود و گفتن اذان مانع ندارد. بلی، با خواندن تسبیح حضرت زهراء علیها السلام یا تعقیبات مختصره، فصل حاصل نمی‌شود و بهتر نگفتن اذان است و کسی که نافله خوانده جایز است اذان بگوید؛ هرچند نافله‌ی دیگران تمام نشده باشد.

* * *

«نکونام»: بعد از تمام شدن نماز ظهر یا مغرب می‌توان برای نماز عصر یا عشا اذان گفت؛ اگرچه فاصله‌ای ایجاد نشود و به طور کلی نیازی به فاصله جز اتمام نماز نیست.

□ □ □ □

س ۳۵۱ - کسی که نماز ظهر یا مغرب خود را به نماز عصر یا عشا امام اقتدا کرده، پس از سلام، صفوں جماعت پراکنده نشده است که می‌خواهد نماز عصر یا عشاً خود را فرادا بخواند، آیا برای نماز خود می‌تواند اقامه بگوید یا اقامه از او ساقط است؟

ج - در فرض مذکور، اقامه ساقط نیست.



س ۳۵۲ - اگر در اذان به اشتباه «قد قامت الصلاة» گفته شود، وظیفه چیست؟

ج - زیادی «قد قامت الصلاة» اشتباه، مضر به صحت اذان نیست.



■ نیت

س ۳۵۳ - نمازگزار در بین نماز شک می‌کند که آیا نماز معینی را که می‌خواند قصد کرده یا نماز دیگری را، حال تکلیف چیست؟

ج - اگر در حال شک، خود را در نماز معین می‌بیند بنا بگذارد که همان نماز را نیت کرده است.



س ۳۵۴ - در صورت شک در این که آفتاب طلوع کرده یا نه، آیا می‌تواند وضو و نماز را به قصد قربت مطلق بجا آورد؟

ج - وضو به قصد ما فی الذمه از برای نماز ادا یا قضا، و نماز به قصد ما فی الذمة از ادا و قضا اشکال ندارد و اگر وضو را به قصد این که با طهارت از حدث باشد بگیرد، در هر صورت، کافی و مجزی است.



س ۳۵۵ - اگر نمازگزار هنگامی که مشغول تسبیحات اربعه می‌باشد شک کند که آیا رکعت آخر نماز عصر است یا رکعت آخر نماز ظهر و نیز در مغرب و عشا شک کند که در رکعت سوم نماز مغرب است یا در رکعت چهارم عشا، تکلیف

وی را بیان فرمایید.

ج - نماز را به رجا آخر ظهر تمام کند و عصر را بعد از آن بخواند و در مغرب و عشا به رجاء سوم مغرب، نماز را تمام کند و بعد عشا را بخواند.



س ۳۵۶ - شخصی در نماز صبح، نیت نماز مغرب کرد و در رکعت دوم آن را به یاد آورد، آیا در این صورت، عدول به نماز صبح جایز است یا نه؟

ج - اگر مقصود این است که شخص مذکور در مقام ادای نماز صبح قصد نموده، دو رکعت نمازی را که واجب است بین الطلوعین بجا آورد و اشتباهها اسم آن را مغرب تصور کرده و بعد اسم آن یادش آمده، نمازش صحیح است و اگر جدا سه رکعت نماز مغرب را قصد نموده، نمازش باطل و عدول صحیح نیست و باید نماز صبح را از اول شروع نماید.



س ۳۵۷ - کسی که نماز ظهر و عصر را نخوانده است، چنانچه در وقت عصر از روی غفلت قصد نماز ظهر را کند و در بین نماز متوجه شود که وقت مخصوص به عصر است، آیا می‌تواند نیت را به نماز عصر برگرداند؟

ج - نمی‌تواند، بلکه نماز را قطع کند و به نیت نماز عصر، وارد نماز شود.



س ۳۵۸ - اگر در بین نماز، حالت غفلتی برای نمازگزار پیش آید و نداند در حال خواندن چه نمازی است، فرضیه است یا نافله، اداست یا قضا، نماز خود می‌باشد یا نیابتی، و پس از لحظه‌ای آن را متوجه شود، آیا نماز وی به خاطر غفلت و ادامه نداشتن نیت، اشکال پیدا نمی‌کند؟

ج - نماز باطل نیست، ولی در حال غفلت به قصد ما فی الذمه قرائت و ذکر را بگوید.



﴿ تکبیرة الاحرام

س ۳۵۹ - اگر در درستی تکبیرة الاحرام شک شود یا واقعاً اشتباه ادا گردد، و دوباره آن را بلا فاصله پس از اولی بگوید و بین آن دو با پشت به قبله کردن فاصله نین دارد، آیا صحیح است یا خیر؟

ج - باید از تکبیرة الاحرام دوم نیز صرف نظر نموده و مجدداً تکبیرة الاحرام بگوید.



﴿ طمأنینه در نماز

س ۳۶۰ - در موردی که هنگام ادای کلمه‌ای بدن حرکت کند؛ مثلاً موقع ادای «نستعین» بدن حرکت نماید و بخواهیم لفظ را دوباره تکرار نماییم، آیا تکرار همان لفظ کافی است یا باید از اول آیه را تکرار نمود؛ یعنی از «ایاک» و همچنین در موردی که آن کلمه به اشتباه گفته شده باشد، چگونه باید آن را تکرار نمود؟

ج - حرکت بدن به مقداری که لازمه‌ی ادای کلمه‌ی «نستعین» است مضر به صلات نیست و در مورد لزوم، اعاده‌ی خود کلمه کافی است، ولی اگر شک در صحت بعد از ادای کلمه باشد، اعاده لازم نیست.



س ۳۶۱ - آیا حرکت دادن سر در حال قرائت و دیگر ذکرهای واجب نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر حرکت جزیی باشد، مانع ندارد و منافی با طمأنینه‌ی واجب نیست.



س ۳۶۲ - اگر در حال سجده، کف دست روی زمین باشد، اما انگشتان دست حرکت کند، آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج - انگشتان هم از طرف باطن کف باید با آرامش روی زمین باشد، ولی

حرکت جزیی که منافی با وضع باطن انگشتان روی زمین نباشد، مانع ندارد.



س ۳۶۳ - نمازهای واجب را در قطار و هواپیما که در حال حرکت است می‌شود خواند یا نه؟

ج - با مراعات همه‌ی شروط، مانند استقبال واستقرار، جایز است، و حرکت انسان به تبع قطار و هواپیما ضرر ندارد و اگر مراعات شروط کاملاً ممکن نیست و وقت هم تنگ نیست، صبر کند پس از پیاده شدن بخواند والا در قطار یا طیاره با مراعات قبله و استقرار به هر مقدار ممکن است بخواند.



س ۳۶۴ - قیام متصل به رکوع؛ چنان‌چه در رساله‌ی عملیه مذکور است رکن می‌باشد، حال اگر شخص در حال قیام، مشغول خواندن حمد و سوره است و یک یا دو کلمه آخر سوره، مثلاً «کفوأ أحد» را در حال رفتن از قیام به رکوع بگوید، آیا نماز وی اشکال دارد؟ و آیا صورت عمدی آن با شکل سهوی آن تفاوت دارد؟

«گلپایگانی»: قیام متصل به رکوع همان است که انسان ایستاده باشد و به رکوع برود. پس در فرض مسأله، قیام متصل به رکوع به عمل آمده، لکن اگر عمداً مقداری از سوره را در حال خم شدن بخواند، نمازش باطل است برای آن که قیام در حال حمد و سوره و طمأنینه‌ی آن واجب است و ترک عمدى آن موجب بطلان نماز است و اگر سهو باشد، نماز صحیح است و احتیاطاً دو سجده‌ی سهو بجا آورد.

* * *

«نکونام»: در صورت سهو، نماز صحیح است و نیازی به انجام دو سجده‌ی سهو نیست.



■ نماز شخصی که نمی‌تواند نماز را ایستاده بخواند

س ۳۶۵ - شخصی که قادر بر بلند شدن نیست، ولی می‌شود به وسیله‌ی دیگران بلند شود، نماز را نشسته بخواند یا دیگری را وادار نماید که او را بلند کند، و هم‌چنین وقتی او را بلند می‌کنند، بدن وی در حال قیام حرکت می‌کند و آرام نیست، مگر آن که تکیه نماید که در این صورت حرکت بدن وی کم‌تر می‌شود، حال آیا نماز را ایستاده بخواند یا نشسته؟

«گلپایگانی»: در هر دو فرض، واجب است که ایستاده نماز بخواند.



«نکونام»: شخصی که تنها با تکیه دادن به جایی می‌تواند نماز را ایستاده بخواند، لازم است آن را با تکیه دادن، ایستاده بخواند، ولی چنان‌چه برای بلند شدن، به دیگری نیازمند است، می‌تواند نماز را نشسته بخواند و ایستاده خواندن نماز لازم نیست؛ هرچند در هر دو صورت، ایستاده خواندن نماز با کمک دیگری اشکال ندارد.



س ۳۶۶ - اگر در هنگام تکبیره‌الاحرام به انسان تنہ بزنند و با آن تکان بخورد، وظیفه چیست؟

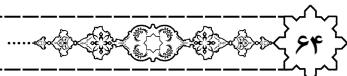
«گلپایگانی»: در فرض مذکور، این نماز را تمام کند؛ هرچند وجوبش معلوم نیست و بعد آن را اعاده کند.



«نکونام»: اگر بدن او حرکت غیر عادی داشته باشد باید نماز را از سر بگیرد و در غیر این صورت، اشکال ندارد و نماز درست است.



﴿قرائت و ذکر﴾



س ۳۶۷ - هرگاه در حال قرائت، اخلاط سینه مانع صدا شود و از نمازگزار حرفی ظاهر نشود و بی اختیار از حلق به نوعی نفس می کشد، مثل این که می خواهد سرفه کند، ولی سرفه حقیقی نیست و برای رد نمودن آن و باز شدن مخرج حرف، این عمل را به طور اختیار انجام می دهد و در غیر این صورت، برطرف کردن این مانع ممکن نیست، بنابراین، نماز باطل می شود یا نه و فرقی بین حال اختیار و عدم آن هست یا نه و در صورت عدم اختیار و صحبت نماز، سجده‌ی سهو لازم است یا نه و در صورتی که دو حرف تولید شود یا یک حرف، تفاوتی دارد یا نه؟ «گلپایگانی»: در صورتی که دو حرف تولید نشود، اشکال ندارد، ولی اگر دو حرف تولید شود، مبطل نماز است. پس اگر تلفظ قرائت و اذکار واجبه، توقف بر آن داشته باشد، باید به نحو مذکور رفع مانع نماید و نماز را استیناف کند.

* * *

«نکونام»: در صورتی که دو حرف تولید نشود، اشکال ندارد و اگر دو حرف باشد و به اختیار نباشد، اشکال ندارد و نماز درست است و لازم نیست سجده‌ی سهو نیز بگذارد.



س ۳۶۸ - در موقع خواندن حمد و سوره در نماز، مراعات کردن همزه‌های وصل در درج کلام لازم است یا نه؟

ج - بله، اسقاط همزه‌ی وصل در حال وصل لازم است.



س ۳۶۹ - اگر اذکار مستحب نماز را به اشتباه بخواند یا حروف آن را از مخرج ادا نکند، نماز باطل می شود یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر غلط فاحش نباشد و موجب عوض شدن معنا نشود، سبب

بطلان نمی شود، مگر آن که قادر بر صحیح خواندن باشد و عمداً غلط بخواند که در این صورت، احتیاط، ترک است.

* * *

«نکونام»: اگر اشتباه موجب تغییر معنا نشود و به عمد نیز نباشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۷۰ - اگر کسی از اول تکلیف تا مدت سی سال در نماز «یا حی یا قیوم» را به جای «بحوال الله و قوّته اقوّم و أقعد» می گفته، ولی اکنون از رساله‌ی شریفه این جهت را درک کرده که فقط همان ذکر مخصوص وارد شده را باید بگوید؛ نه اذکار دیگر را، در این صورت نمازهای گذشته‌ی او چه صورت دارد؟

«گلپایگانی»: با فرض آن که گمان می کرده به این نحو وارد شده، نمازهایی که خوانده صحیح است و در آتیه، قصد ورود نکند.

* * *

«نکونام»: به جای «بحوال الله» یا «لا حول»، اگر «یا حی یا قیوم» گفته شود و به قصد ذکر باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۷۱ - آیا مکبر می تواند اقتدا کند و تکبیر را به نیت مطلق ذکر با صدای بلند بگوید یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که از حد متعارف خارج نباشد، مانعی ندارد و ظاهرا طریقه‌ی بالا هم همین نحو بوده است.

* * *

«نکونام»: اگر صدای وی از حد متعادف بیشتر نباشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۷۲ - آیا تکرار کردن ذکرها نماز جائز است یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورت شک در صحبت اذکار، تکرار آن به قصد رجا عیب ندارد؛ به شرط آن که به حد وسوس نرسد.

* * *

«نکونام»: تکرار آن به گونه‌ی متعارف اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۷۳ - آیا تند خواندن نماز با کند خواندن آن تفاوتی دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: مستحب است در قرائت، ترتیل؛ یعنی به تأثی خواندن به نحوی که الفاظ و حروف و کلمات ظاهر باشد که اگر شنونده بخواهد آن را بشمارد، بتواند و مستحب است که در سایر اذکار و اعمال نیز تعجیل نکنند.

* * *

«نکونام»: تفاوتی ندارد؛ اگرچه باید نماز با تأثی خوانده شود.

□ □ □ □

س ۳۷۴ - اگر کسی نوافل شب را به نذر یا قسم بر خود واجب کند، آیا قرائت سوره نیز بعد از حمد، واجب می‌شود یا نه؟ و آیا واجب است در قرائت جهر داشته باشد یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر به نحو مطلق نذر کرده یا قسم خورده، در این خصوصیات مختار است.

* * *

«نکونام»: باید همان‌طور که نذر کرده، آن را بیاورد و اگر به صورت مطلق بوده، مختار است.

□ □ □ □

س ۳۷۵ - کسی که در رکعت دوم سوره‌ای غیر از توحید بخواند، چنان‌چه پیش از قنوت، «کذلک الله ربی» بگوید، آیا نماز وی باطل است یا نه؟
«گلپایگانی»: با فرض جهل به موضوع، بطلان نماز معلوم نیست؛ چون حکم ذکر غلط را ندارد، ولی نباید بگوید.

* * *

«نکونام»: چون به مسأله نآگاه بوده است، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۳۷۶ - بنده در رکعت اول بعد از حمد، سوره‌ی توحید و در رکعت دوم همیشه بعد از حمد، بسم الله می‌گوییم و هر سوره‌ای که بر زبانم جاری شود، همان را می‌خوانم و معین نمی‌کنم که بسم الله برای این سوره‌ی مخصوص باشد.
در این صورت، آیا نماز‌هایم باطل است و باید آن را قضا کنم یا نه؟
«گلپایگانی»: به نظر حقیر، خلاف احتیاط واقع شده و احتیاطاً قضا لازم است، ولی می‌توانید در این مسأله به کسی که تعیین بسم الله را لازم نمی‌داند یا جهل به حکم را موجب اعاده نمی‌داند، رجوع کنید.

* * *

«نکونام»: با فرض نآگاهی به مسأله، اشکال ندارد؛ البته، در صورت علم و آگاهی، تعیین بسم الله لازم است.

□ □ □ □

س ۳۷۷ - آیا بسم الله جزو سوره است و اگر نمازگزار بدون این که تصمیم به خواندن سوره‌ی معینی گرفته باشد، بسم الله را بگوید، بعد تصمیم به خواندن سوره‌ی توحید بگیرد، می‌تواند به آن اکتفا بکند یا باید بسم الله را دوباره بگوید؟

ج - کفایت نمی‌کند و ثانیاً بسم الله را به قصد سوره‌ی توحید بگوید.

□ □ □ □

س ۳۷۸ - اگر کسی به واسطه‌ی جهل به مسأله، بجای سوره‌ی توحید، چند آیه از قرآن کریم بخواند، نماز وی درست است؟

ج - در فرض سؤال، نماز باطل است و قضای آن را باید بجا آورد.



س ۳۷۹ - در ذکر کبیر رکوع و سجود، اشیاع بهتر است یا غیر اشیاع؟

ج - با اشیاع احسن است.



س ۳۸۰ - اگر کسی در موقع خواندن سوره‌ی توحید، نون «یکن» را در لام «له» و هم‌چنین در تشهید، نون «ان» را در لام «لا» ادغام نکرد، آیا نمازش باطل است؟ «گلپایگانی»: نماز‌هایی را که به این نحو خوانده صحیح است، ولی از این به بعد ادغام را در مواضع مذکور رعایت نماید.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد؛ اگرچه ادغام بهتر است.



س ۳۸۱ - اگر نمازگزار در رکعت اول و دوم که باید حمد و سوره بخواند، به اشتباہ تسبیحات اربعه را بگوید، نماز وی چه حکمی دارد؟

ج - اگر کسی در رکعت اول و دوم نماز، بجای حمد و سوره، تسبیحات اربعه را بخواند و ملتفت نشود تا به رکوع برسد، نمازش صحیح است و برای نقصان حمد و سوره، احتیاطاً دو سجده‌ی سهو بجا آورد و نیز دو سجده‌ی سهو هم برای زیادی تسبیحات بخواند و اگر پیش از رکوع یادش آمد، حمد و سوره را بخواند و دو سجده‌ی سهو، احتیاطاً بعد از نماز برای زیادتی تسبیحات اربعه بجا آورد، و اگر در دو رکعت آخر به

خيال اين که دو رکعت اول است، حمد و سوره بخواند، نمازش صحيح است، ولی دو سجده‌ی سهو برای زيادي سوره بجا آورد.



س ۳۸۲ - کلماتي مانند «يوم» و «فوق» و «فرعون» در قرآن کريم و غير قرآن مثل ادعیه هست که بعضی به ضمه - البته بدون اشباع - می خوانند. حال، اگر در حال نماز باشد، مثل اين که «مالك يوم الدين» را اين طور بخوانند، آيا موجب بطلان می شود يا نه؟

«گلپایگانی»: صحت آن بدون اشباع بعيد نیست؛ اگرچه فتحه کاملا ظاهر نشده. لكن چنان‌چه فتحه را کاملا اظهار کنند، اوافق به قواعد و احسن است، ولی با اشباع، غلط است.



«نکونام»: اشكال ندارد؛ اگرچه با فتحه می باشد.



□ تغيير کلمات ذكر در نماز

س ۳۸۳ - شخصی است شخصت و پنج ساله که بيشتر در نمازهای يومیه در رکعت آخر، سجده‌ی آخر، می‌گويد: «يا رطیف، ارحم عبدک الضعیف»، نمازهای او از اول تاکنون چه صورت دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، نمازهایی که با اين کیفیت از روی غفلت خوانده، محکوم به صحت است و لكن بعدا يا اين ذکر را نگوید يا آن را به طور صحيح بگوید و صحيح آن «يا لطیف» است.



«نکونام»: در مواردی که تغيير در فتحه يا ضمه يا هر اعراب ديگري در ذكر

نماز، معنا و اصل کلمه را تغییر بددهد یا تغییر در اصل کلمه از روی عمد نباشد، اشکالی ندارد و نماز صحیح است؛ هرچند قرائت هماهنگ به قواعد بهتر است.



س ۳۸۴ - بعد از حروف مد، اگر حرف بعد از آن به خاطر وقف، ساکن شود، مانند:
نستعین، رحیم و مستقیم، آیا مد واجب است یا مستحب؟
ج - در فرض سؤال، مد واجب نیست.



س ۳۸۵ - کسی در حال خواندن سوره‌ی حمد است و وی که عادت داشته همیشه سوره‌ی توحید را بخواند ناگهان متوجه می‌شود به آخر سوره‌ی توحید رسیده است، آیا همان سوره کفایت می‌کند یا باید بازگردد و سوره را با قصد بخواند؟
ج - در فرض سؤال، اعاده‌ی سوره لازم نیست.



س ۳۸۶ - در مبطلات نماز، آمده است: اگر نمازگزار کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید، مثلاً بگوید «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکالی ندارد، ولی اگر به قصد این که چیزی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود، تفاوت میان این دو جمله چیست و دیگر این که در فرض اول، آیا مقصود، تکبیر موقع رفتن به رکوع یا سجود و مانند آن است یا مطلق است و هر جای نماز را شامل می‌شود؟ همچنین، اگر ذکرهای دیگر مثل «بحول الله» یا «سمع الله» و مانند آن را که در محل خود می‌گوید، همانند ذکر الله اکبر است و هرگاه امام جماعت، نماز جهی را از روی سهو به اخفات بخواند و مأمور، جهت اعلام او به قصد قرآن بگوید: «لا تجهر

بصلاتک»، آیا حکم اول را دارد که نماز باطل نیست یا حکم دوم را دارد که سبب بطلان است؟

ج - مقصود در اول این است که ذکر را به قصد ذکر بگوید و برای این که غیر را ملتفت چیزی نماید، صدا را به گفتن آن بلند کند، به نحو داعی بر داعی که این دو قصد در طول یکدیگر هستند؛ یعنی داعی براین که ذکر را بلند می‌گوید افهام دیگری است. و در دوم، مقصود این است که غرض اصلی، افهام غیر است، منتهی در مقام افهام، گفتن الله اکبر را انتخاب می‌کند؛ مثل این که گاهی انسان مطلبی را از کسی می‌شنود و در مقام اظهار عظمت آن مطلب، می‌گوید: الله اکبر، یا در مقام ناراحتی یا تعجب می‌گوید: «لا اله الا الله» یا این که غرضش هم خدا باشد و هم فهماندن مطلبی به غیر به طوری که هر دو در عرض هم مقصود باشند، و در هر دو فرض، فرقی بین تکبیرة الاحرام و تکبیرات مستحبه‌ی دیگر و «بحول الله» و «سمع الله» و اذکار دیگر نیست. و همچنین است حکم در قرائت آیه که اگر به قصد قرآنیت بخواند و صدا را بلند کند؛ هرچند قصد افهام، داعی بر داعی باشد، اشکال ندارد و اگر قصد قرائت قرآن نداشته باشد، مثلاً قصدهش خطاب به امام جماعت باشد یا قصد قرائت و افهام ضمیمه باشند، موجب بطلان خواهد شد.



﴿ ذکر مطلق بجائی ذکر مؤثر ﴾

س ۳۸۷ - در نماز، اگر بجائی «بحول الله»، «یا حی یا قیوم» را به قصد قربت مطلقه بگوید، چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: احوط، ترک تبدیل ذکر مؤثر است به غیر آن.



«نکونام»: گفتن ذکر «یا حی یا قیوم» به قصد ذکر مطلق یا به جهت کوتاهی ذکر یا انس با آن، اشکال ندارد؛ هرچند سبب ترک ذکر مؤثر نشود؛ زیرا گفتن این ذکر، موجب ترک ذکر مؤثر نشده و پیش از قصد ذکر «یا حی یا قیوم» قصدِ ترک ذکر «بحول الله» نگردیده است. البته، اگر گفتن ذکر «یا حی و یا قیوم» سبب ترک ذکر «بحول الله» شود، مرجوح و ترک آن لازم، بلکه در هر صورت، ذکر مؤثر در جای ویژه خود، از هر ذکر مطلقی برتر است.



س ۳۸۸ - آیا «با» در «المغضوب» به اشیاع خوانده شود بهتر است یا بدون اشیاع؟ و اگر به هر یک از دو شکل قرائت شود جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: کسره‌ی «با» را خوب ظاهر کنند کافی است و اشیاع نشود که تولید «یا» کند.



«نکونام»: اشکال ندارد.



س ۳۸۹ - چرا نماز را باید به عربی صحیح خواند ولی نیت آن را به هر زبانی می‌توان گفت؟

ج - نیت، امری است قلبی و به زبان آوردن آن لازم نیست و قرائت و اذکار به حکم خدا و رسول باید به همان الفاظ مخصوصه‌ی عربی خوانده شود.



س ۳۹۰ - اشخاصی که سواد ندارند یاد گرفتن تجوید قرائت برای آنان مشکل است و همچنین بعد از یاد گرفتن نیز به سبب توجه نداشتن، آن را فراموش می‌نمایند، در این صورت، اگر آن را بدون تجوید، اما به دور از اشتباه بخوانند،

چه حکمی دارد؟

ج - اگر طوری بخوانند که غلط باشد و قدرت بر یاد گرفتن داشته باشند، نمازشان باطل است، ولکن محسنات تجویدی را لازم نیست مراعات کنند.



▣ نادرستی قرائت نماز

س ۳۹۱ - شخصی در ابتدای تکلیف، از روی جهل و تقصیر، «ها»ی «هو» را به لام «قل» و واو «هو» را به «الله» متصل می‌نموده که «قله والله» می‌شد، در این صورت، نمازهایی را که این گونه خوانده است قضا دارد یا نه؟ «گلپایگانی»: با تمکن از تصحیح، احتیاط لازم آن است که نمازهایی که به این نحو خوانده قضا نماید.



«نکونام»: چون در فرض یاد شده نادرستی قرائت، اشتباه ماهوی را همراه دارد، نمازهایی را که این گونه خوانده است، باید قضا نماید و در صورت آگاه نبودن به مسئله، اشکال ندارد.



س ۳۹۲ - هرگاه کسی در بسم الله از جهتی شک نمود که صحیح گفته یا نه حتی از جهت جهر و اخفات در این صورت، اعاده‌ی آن چه صورت دارد؟ «گلپایگانی»: اگر بعد از فراغ از کلمه، شک در صحت نماید، اعتنا نکند و اگر در حین ادا با شک در صحت ادا شود، تکرار کند و در هر دو صورت، اگر رجائً بسم الله را تکرار نماید، اشکال ندارد.



«نکونام»: اگر موجب توهمندی و سواس شود، ترک گردد.



﴿«مالک» یا «ملِک» یوم الدّین﴾

س ۳۹۳ - یکی از ائمه‌ی جماعت در سوره‌ی حمد، گاه به‌جای «مالک یوم الدّین»، «ملک یوم الدّین» می‌گوید و کتاب صراط النّجاة مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس سرہ دومی «ملک یوم الدّین» را ترجیح می‌دهد، نظر شماچیست؟
 «گلپایگانی»: هر دو وجه جایز است.

* * *

«نکونام»: هر دو وجه جایز است؛ هرچند «مالک» نیکوتر از «ملِک» است و در هر صورت، چون در معنا تخالفی ندارد، هر دو صحیح است.

□ □ □ □

س ۳۹۴ - آیا مناط در وقف، نفس تازه کردن است یا مکث کردن؛ هرچند نفس را تازه نکنند؟

«گلپایگانی»: نفس تازه کردن لازم نیست.

* * *

«نکونام»: ملاک مکث کردن است و نفس تازه کردن لازم نیست.

□ □ □ □

﴿نادرستی قرائت نماز﴾

س ۳۹۵ - شخصی مدتی نماز خوانده و با مراجعه، معلوم شده که نماز وی اشتباه بوده، آیا قضای آن لازم است یا خیر؟

«گلپایگانی»: اگر ممکن از صحیح خواندن بوده و غلط خوانده، باید قضای آن‌ها را بجا آورد و همان اندازه‌ای که خبره بگوید صحیح است، کافی است.

* * *

«نکونام»: اشتباهی در قرائت نماز سبب قضا می شود که به گونه‌ی تخلفی -
جدایی دو معنا - یا تبایینی - تضاد دو معنا - معنای آن را تغییر دهد.



﴿ جهر و اخفات ﴾

س ۳۹۶ - در نماز ظهر و عصر، غیر از حمد و سوره، آیا باید در اذکار دیگر نیز
احفات نمود یا نه؟

ج - اخفات فقط در حمد و سوره واجب است.



س ۳۹۷ - آیا نماز ظهر روز جمعه را می‌توان به جهر خواند؟ حکم مسأله را در
صورت اتیان ظهر به فرادا یا به جماعت توضیح دهید.

ج - قرائت نماز ظهر روز جمعه مستحب است جهرا باشد، اگر مصلی
فرادا نماز بخواند، و اگر جماعت باشد، مستحب است امام جهر در قرائت
بنماید.



﴿ توقف صحت قرائت به جابجا آمدن جهر و اخفات ﴾

س ۳۹۸ - اگر در نمازی که باید حمد و سوره به آهستگی و بدون جوهر ادا شود،
یک کلمه از حمد یا سوره بلند خوانده شود، و سپس نمازگزار آن را به صورت
صحیح ادا کند و چنان‌چه آن را به اخفات بخواند، اشتباه می‌شود و هم‌چنین در
نماز جهری نیز عکس آن صدق می‌کند، آیا انجام آن صحیح است یا خیر؟

«گلپایگانی»: بعید نیست جواز اخفات در موضع جهر و جهر در موضع
احفات در مواردی که ادای حروف کلمه به‌نحو صحیح متوقف بر آن باشد
و احوط تکرار نماز است.



«نکونام»: هیچ گاه تبدیل جهر به اخفات و اخفات به جهر، عامل صحت یا فساد ادای کلمه یا جمله‌ای نمی‌گردد و به طور صناعتی - ادا و تلفظ فرد - چنین توّقّفی - توقف صحت بر تبدیل - پذیرفته نمی‌باشد و طرح این مباحث و دامن زدن به این افکار، نادرست و دنبال کردن این امور، نادرست‌تر می‌باشد و از وسوس ذهنی و عملی سرچشمه می‌گیرد؛ پس در هر صورت، نباید به بهانه‌ی تصحیح، جهر را به اخفات و اخفات را به جهر تبدیل نمود، بلکه لازم است تکلیف به گونه‌ی درست آورده شود و در صورت امکان و داشتن وقت برای آموزش، نوع درست آن را بیاموزد و در صورت عدم امکان، به شیوه‌ای که می‌تواند تکلیف جهر با اخفات را در نماز بجا آورد؛ حتی اگر مشکل ادای قرائت حرف و کلمه‌ای دارد؛ به‌ویژه در صورتی که نحوه ادای شخص که به آن آگاهی ندارد، معنا را تغییر ندهد.



▣ فراموش کردن رکوع و قیام متصل به رکوع

س ۳۹۹- در توضیح المسائل آمده است: اگر رکوع را فراموش نماید و پیش از آن که به سجود برسد، آن را به یاد آورد، بایستد و بعد به رکوع رود و چنان‌چه در حال خمیدگی به رکوع برگردد، نماز وی باطل است و تفصیلی قابل نشده‌اند، اما در بعضی از رساله‌ها چنین تفصیل داده شده است که اگر کسی رکوع را فراموش نمود و هنوز به سجده نرسیده، آن را یاد آورد، باید باز گردد و رکوع را بجا بیاورد، پس اگر به یاد آورد که برای سجده خم شده، باید راست بایستد و برای رکوع خم شود و چنان‌چه به یاد دارد که برای رکوع خم شده و در میان خم شدن به سهو برای سجده برود و در حال خمیدگی بلند شود تا به حد رکوع برسد که

قیام متصل به رکوع زیاد نشود و چنان‌چه در سجده‌ی اول آن را به یاد آورد، سجده را رها کرده و باز گردد و رکوع نماید و پس از اتمام نماز و سجده‌ی سهو، نماز را اعاده نماید.

خواهشمند است بیان فرمایید این تفصیل را در توضیح المسائل فراموش نموده‌اند یا مطلقاً باید برخاست و راست ایستاد و سپس رکوع نمود؟

«گلپایگانی»: اگر کسی از ابتدا رکوع را فراموش کند و به قصد سجده خم شود و پیش از سجده یادش بیاید برگردد به حال قیام، و رکوع را بجا آورد، ظاهراً مسائله‌ای که در توضیح المسائل ذکر شده راجع به این فرض است و هم‌چنین است حکم، اگر به قصد رکوع خم شود و پیش از رسیدن به حد رکوع، فراموش کند و اما اگر بعد از رسیدن به حد رکوع فراموش کرد، به نظر حقیر، رکوع انجام شده است، ولی احتیاط به اعاده‌ی نماز ترک نشود و تفصیلی که ذکر شده صحیح نیست؛ زیرا یا وظیفه‌ی رکوعی انجام شده و برگشت به رکوع موجب زیاد شدن رکن است یا وظیفه‌ی رکوعی انجام نشده، باید برگردد و بایستد و آن قیام، قیام متصل به رکوع نبوده که موجب زیادتی رکن شود و به طور کلی، زیاد شدن قیام متصل به رکوع بدون زیاد شدن رکوع متصور نیست.

* * *

«نکونام»: در فرض یاد شده، نسبت به دو بیان گفته شده خاطرنشان می‌گردد که اگر برای رکوع خم شده باشد، اما پیش از رسیدن به حد رکوع، در حال خمیدگی به سجده رود، قیام متصل به رکوع انجام نشده است و خم شدن را نمی‌توان برای قیام متصل به رکوع به شمار آورد - همان‌طور که ایشان فرمودند - زیرا قیام اولی، متصل به رکوع نبوده است و رکوع دوم نیز

متصل به آن قیام یا قیامی دیگر نیست؛ پس هرچند قیام افزودهای قبل از به سجده رفتن شکل گرفته است، اما در صورتی که قیام کند و به رکوع رود، قیام متصل به رکوع افزوده نمی‌شود.

به‌طور خلاصه، فرض‌های مسأله را می‌توان این گونه ترسیم نمود:

یکم - قبل از خم شدن، به‌جای رفتن به رکوع، به سجده رود؛

دوم - بعد از خم شدن و پیش از رسیدن به حد رکوع، به سجده رود؛

سوم - بعد از رسیدن به حد رکوع ناگاه به سجده رود که در صورت سوم، رکوع و قیام متصل به رکوع شکل گرفته و تنها ذکر رکوع را نیاورده است که دو سجده‌ی سهو برای درستی نماز بسنده است و نیازی به دوباره خواندن آن نیست. در صورت نخست نیز که قبل از خم شدن به سجده رفته است باید قیام کند و به رکوع رود تا قیام متصل به رکوع انجام گیرد و در صورت دوم که بعد از خم شدن و پیش از رسیدن به حد رکوع به سجده رفته، حکم همان است که بیان شد؛ باید برخیزد، قیام کند و به رکوع رود تا قیام متصل به رکوع انجام شود؛ زیرا هرچند قیامی شکل گرفته باشد، ولی آن قیام، قیام متصل به رکوع نیست و این رکوع نیز متصل به آن قیام نمی‌باشد تا قیام متصل به رکوع صورت پذیرفته باشد؛ پس قیام اوّلی، قیامی افزوده است که متصل به رکوع نمی‌باشد. و در هر صورت، چنان‌چه همان گونه که بیان شد عمل شود، دوباره خواندن نماز لازم نیست.



﴿رفتن به رکوع پیش از تمام شدن سوره﴾

س ۴۰۰ - اگر نمازگزار هنوز سوره را تمام نکرده به سهو به رکوع رود، آیا نماز

وی باطل است؛ چرا که قیام متصل به رکوع را ترک کرده است؟

«گلپایگانی»: اگر فراموش کرد که سوره را تمام کند و سهوا برای رکوع خم

شد و پس از رسیدن به حد رکوع ملتفت گردید که در اتمام سوره سهو کرده، نمازش باطل نیست و احتیاطاً دو سجده‌ی سهو برای آن مقدار که از سوره فراموش کرده بخواند و در فرض مسأله، قیام متصل به رکوع به عمل آمده است.

* * *

«نکونام»: در فرض گفته شده اگر نمازگزار هنوز سوره را تمام نکرده است و در حال قرائت آن به سر می‌برد که گمان به تمام شدن سوره می‌نماید و به رکوع می‌رود، قیامی خارج از قیام سوره انجام نگرفته است تا متصل به رکوع گردد و آن قیام، قیام مربوط به سوره است نه قیام بعد از سوره، و به این اعتبار، نماز باطل و دوباره خواندن آن لازم است، ولی چنان‌چه پیش از تمام شدن سوره - با آن که سوره تمام نشده است گمان کرد که سوره تمام شده - قیام نمود و آن را به رکوع رسانید، قیام متصل به رکوع انجام شده و تنها ذکر سوره ناقص بوده است که دو سجده‌ی سهو در درستی و تمام بودن نماز بسنده است.

□ □ □ □

■ سجده ■

س ۴۰۱ - شخصی در حال قیام به یاد می‌آورد که یک سجده‌ی رکعت پیش را فراموش کرده و باز نمی‌گردد تا آن را بجا بیاورد، ولی بعد از نماز بی‌درنگ آن سجده را با دو سجده‌ی سهو می‌آورد، آیا نماز وی درست است؟
ج - باطل است، باید اعاده نماید.

□ □ □ □

س ۴۰۲ - اگر به سبب جهل به حکم، کف دست‌ها و سر انگشتان را در حال سجده مطابق معمول نگذارد و یا آن را بر جای لرزانی که آرام ندارد، بنهد، نماز وی

چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: اگر می‌توانسته مواضع سجده را بر زمین بگذارد و در اثر جهل به حکم نگذاشته یا بر محل غیر مستقر سجده کرده، احتیاط، اعاده‌ی نمازهای گذشته است.

* * *

«نکونام»: لازم است نمازهایی را که این‌گونه خوانده است دوباره بیاورد.

□ □ □ □

سجده بر سیمان

س ۴۰۳ - آیا بر سیمان می‌شود سجده کرد یا نه؟

«گلپایگانی»: سیمان خالص مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: سجده بر سیمان خالص، سیمان مخلوط به سنگ، ماسه و هر چیزی که سجده بر آن صحیح است، اشکال ندارد.

□ □ □ □

سمت و سوی انگشت‌های دست و پا در نماز

س ۴۰۴ - آیا لازم است انگشت‌های پا در حال نماز، و دست‌ها در حال سجده رو به قبله باشد یا نه؟ و اگر چنین نباشد، آیا نماز باطل است؟

«گلپایگانی»: احتیاط لازم آن است که سر انگشت‌های پا در حال قیام و رکوع رو به قبله باشد و هم‌چنین انگشت‌های دست در حال سجود، لکن استقبال عرفی کافی است.

* * *

«نکونام»: چیزی که به قبله بودن آن ضرورت دارد، ناحیه‌ی قدامی و ظاهر بدن است و انگشت‌های دست و پا نقشی در شکل‌گیری آن ندارد.

□ □ □ □

س ۴۰۵ - خواندن دعای طولانی؛ مانند دعای «یا من تحلّ به عقد المکاره» در میان دو سجده چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: لازم است دعا به قدری طولانی نشود که در عرف متشرعه، ماحی صورت نماز محسوب شود.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۰۶ - اگر انسان در میان تشهید شک کند که سجده‌ی دوم را بجا آورده است یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند، بلکه بنا بر این می‌گذارد که آن را بجا آورده، حال آیا شک در میان ذکر مستحبی تشهید نیز همین حکم را دارد یا نه؟

ج - این صورت نیز همان حکم را دارد؛ زیرا صدق می‌کند شک در چیزی کرده که از آن گذشته و داخل در غیر آن شده است.

□ □ □ □

▣ شک در بجا آوردن سجده‌ی دوم در حال تشهید

س ۴۰۷ - اگر نمازگزار جمله‌ای از تشهید واجب را بگوید، ولی چون آن را خوب ادا نکرده است باز گردد تا آن را جبران کند و در این وقت، در سجده‌ی دوم خود شک نماید، وظیفه‌ی وی چیست؟

«گلپایگانی»: اعتنا به شک خود نکند و هم‌چنان نماز را ادامه دهد.

* * *

«نکونام»: اگر جمله‌ای کامل از تشهید واجب را نگفته باشد و بازگردد تا آن را بگوید و در این حال شک نماید که سجده‌ی دوم را آورده است، باید باز گردد و ابتدا سجده دوم را بیاورد، تشهید بخواند و نماز را ادامه دهد؛ ولی

اگر به جهت احتیاط نسبت به جمله‌ای از تشهید بازگردد، لازم نیست به سجده رود.



﴿کف دست نیمه باز در سجده﴾

س ۴۰۸ - اشخاصی هستند که کف دست آن‌ها به طور معمول باز نمی‌شود و همه‌ی کف دست به طور کامل به زمین نمی‌رسد، بنابراین آیا لازم است به نحوی جای کف دست را بلند کند تا کف دست بر زمین قرار بگیرد یا به همان اندازه که بر روی زمین قرار می‌گیرد کافی است؟

«گلپایگانی»: به همان نحو که می‌تواند سجده کند کافی است و اح�اط مراعات نحوه‌ی مذکوره است.

* * *

«نکونام»: کف دست یا دیگر اعضای سجده در حال سجده به هر شکلی که می‌تواند روی زمین قرار گیرد کافی است و مراعات زیاده از توان به طور غیرطبیعی لازم نیست.



س ۴۰۹ - اگر کسی شک کند که آیا یک سجده بجا آورده است یا دو سجده، چه تکلیفی دارد؟

ج - در صورتی که قبل از قیام و قبل از دخول در تشهید شک کند و بنا بگذارد که یک سجده بجا آورده و سجده‌ی دوم را بجا آورده، چه در حال جلوس باشد یا بین برخاستن برای قیام، و اگر در حال قیام یا بعد از دخول در تشهید شک کند، بنا بگذارد که دو سجده را کرده و دیگر سجده نکند.



﴿ شک در ارتفاع بیشتر محل سجود

س ۴۱۰ - اگر نمازگزار در سجده، در بلندی محل سجود از محل ایستادن، به مقداری که بخشیده نیست شک بنماید و در بین نماز، رفع شک برای وی ممکن نباشد، چه تکلیفی دارد؟

«گلپایگانی»: در صورتی که رفع شک متوقف بر قطع نماز باشد، نماز را قطع کند و بعد از حصول یقین، نماز بخواند و می‌تواند رجاء نماز را تمام کند و بعد از نماز، اگر صحت معلوم نشد، اعاده نماید.

* * *

«نکونام»: اگر با حصول اطمینان عرفی نسبت به برابری و یکسانی محل سجده و ایستادن، یا علم به یکسان بودن عرفی وارد نماز شود، تنها شک در یکسان نبودن سبب روا بودن قطع نماز نمی‌گردد و لازم است نماز را تمام کند و نماز صحیح است و نیازی به دوباره خواندن نماز ندارد؛ پس هر چند مساوات لازم می‌باشد، علم به یکسان نبودن بعد از نماز، زیانی به درستی نمازی که مشکوک به یکسان نبودن بوده است وارد نمی‌آورد.

□ □ □ □

س ۴۱۱ - چنان‌چه نمازگزار در رکعت اول، یکی از دو سجده، و در رکعت دوم، رکوع را فراموش کند و یکی از دو سجده را که بجا آورد متوجه شود که در رکعت اول یک سجده بجا نیاورده و در رکعت دوم رکوع نکرده، تکلیف او چیست؟

ج - در فرض سؤال، سجده‌ی مزبور، سجده‌ی دوم او محسوب و باید برخیزد و حمد و سوره‌ی رکعت دوم را بخواند و رکوع را بجا آورد و نماز را تا آخر بخواند و بعد از سلام دو سجده‌ی سهو برای قیام بی‌مورد بجا آورد.

□ □ □ □

س ۴۱۲ - آیا سجده بر موزاییک جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: جایز است، مگر آن که روی آن را شیشه کار کرده باشند.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۱۳ - گاهی که انسان به سجده می‌رود و پیشانی را روی مهر می‌گذارد حس می‌کند که چیزی روی مهر است و پیشانی را می‌خرشد و ایجاد ناراحتی می‌کند، در این حال، پیشانی را بلند کردن برای رفع مانع، آیا جایز است یا نه؟

ج - اگر به مقدار لازم پیشانی بما یصح السجود علیه رسیده، به همان حال، سجده را تمام کند و اگر نرسیده، به نحوی آن شیء را با دست کنار بزند؛ به‌طوری که سر بلند نشود و اگر ناچار است از این که سر را بلند کند، نماز باطل است و در ضيق وقت به همان حال، سجده را تمام کند.

□ □ □ □

س ۴۱۴ - گاه در روی سجاده‌های نماز یا مهر، تصویر بارگاه و مانند آن را نقش نموده‌اند، آیا سجده بر روی آن سجاده‌ها یا مهرها جایز است یا نه؟

ج - نماز اشکال ندارد، ولی چون ممکن است بعضی از مغرضین از مخالفین که همواره در مقام افترا و تهمت به شیعه هستند ارایه نمایند که این‌ها (العياذ بالله) بر گنبد مشاهد سجده می‌کنند بهتر است جانماز ساده و بی‌پیرایه، و مهر بدون نقش و نوشته تهیه کنند که هم زبان مغرضین بسته شود و هم نظر بر آن، سبب اختشاش حواس و به هم خوردن حال حضور قلب نشود.

□ □ □ □

س ۴۱۵ - پیر مرد و بیماری که اگر بخواهد موضع هفت گانه و سر انگشتان بزرگ پا را بر زمین بگذارد، پس از سجده قادر به نشستن نمی باشد، آیا می تواند چهار زانو بشیند و سر انگشتان بزرگ پا را بر زمین نگذارد و سجده کند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، چهار زانو نشستن مانع ندارد، ولی باز هم ممکن است در حال سجده سر انگشتان بزرگ را روی زمین گذارد و اگر به هیچ وجه ممکن نیست سر انگشتان بر زمین گذاشته شود، تکلیف به وضع آنها ساقط است.



﴿تَشَهِّد﴾

س ۴۱۶ - آیا حضرت رسول اکرم ﷺ در زمان خود، صلوات در تشهید را به همین کیفیت و با ضمیمه‌ی (و آل محمد) می خوانده‌اند یا نه؟

«گلپایگانی»: بلی، به همین نحو می خوانده‌اند. در بحار از بعضی از انصار نقل می کند که حضرت در تشهید می گفتند: «اللهم صل علی محمد وآل محمد».

* * *

«نکونام»: حضرت رسول اکرم ﷺ در زمان خود چنان‌چه در تشهید، صلوات را به همراه «آل محمد ﷺ» نخوانده باشند، بعد از تحقق دلیل از جانب حضرات ائمه‌ی معصومین ؑ، همراه نمودن «آل محمد» به صلوات اشکال ندارد؛ زیرا ممکن است در زمان آن حضرت، به واسطه‌ی وجود دشمنان و ابتدای دیانت اسلام، امکان اظهار ضمیمه نبوده است و بعد زمینه‌ی بیان چنین ضمیمه‌ای ممکن شده باشد؛ هرچند وجود ضمیمه‌ی «آل محمد ﷺ» در زمان آن حضرت نیز بعید نمی باشد؛ زیرا «آل محمد ﷺ» می تواند معنای ظاهری هماهنگ با اعتقاد و نظر اهل سنت را نیز دارا باشد.



س ۴۱۷ - هرگاه در حال نشستن برای خواندن تشهید سر زانو یا وسط قلم پا به واسطهٔ ناهموار بودن زمین یا ضخیم بودن لباس به زمین نرسد و برای نمونه، به اندازهٔ یک بند انگشت یا کمتر از زمین فاصله داشته باشد آیا اشکال دارد یا نه؟

ج - با فرض صدق جلوس، مانعی ندارد.



س ۴۱۸ - بعضی از واعظان پاکستان بیان می‌کنند که در احتجاج طبرسی به روایت قاسم بن معاویه از معصومین علیهم السلام مؤثر است که: «إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، فَلِيَقُلْ عَلَيِ الْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» و همچنین در بحار باب مناقب النبی والعترة حالات امام ششم، ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که در تشهید بگویند: «أشهد أنَّ رَبِّي نعم الرَّبِّ، وأنَّ مُحَمَّداً نعم الرَّسُولِ، وأنَّ عَلِيًّا وَوَلَادَهُ نَعْمَ الائِمَّةِ»، حال خواندن این تشهید در نماز چه صورت دارد؟

«گلپایگانی»: تشهید ابی بصیر در عروة الوثقی مذکور است، به همان نحو بخوانند و چون مسأله از مسایل فرعیه است، مقلدین، زاید بر آن چه در رسائل عملیه مذکور است نخوانند.



«نکونام»: این گونه ذکرها غیر رایج نباید در نماز آورده شود.



□ تسبیحات اربعه

س ۴۱۹ - آیا می‌توان تسبیحات اربعه را برای یک مرتبه یا دو بار گفت؟

«گلپایگانی»: تسبیحات اربعه را یک بار یا سه بار باید خواند و دو بار دلیلی ندارد.



«نکونام»: خواندن تسبیحات اربعه برای یک بار واجب و برای مرتبه‌ی سوم مستحب است اما بسنده نمودن به دو مرتبه جایز نیست.



■ مقدار واجب تسبیحات اربعه در نماز

س ۴۲۰ - در نماز جماعت، اگر نمازگزاری بخواهد تسبیحات اربعه را سه بار بگوید، به رکوع امام نمی‌رسد، آیا وی می‌تواند آن را دو بار بگوید؟ «گلپایگانی»: می‌تواند یک بار بگوید تا رکوع امام را درک کند و احتیاط آن است که دو بار نگوید.



«نکونام»: یک بار از تسبیحات اربعه واجب است و نباید دو بار گفته شود و بسنده نمودن به یک بار کافی است؛ ولی در موقع سه بار گفتن نیز زیاده بر یک بار، باید به نیت استحباب گفته شود.



■ سلام نماز

س ۴۲۱ - شخصی سلام نماز را فراموش می‌نماید و بی‌درنگ و بدون انجام منافی داخل در نماز دیگری می‌شود، حکم آن چیست؟ «گلپایگانی»: احوط آن است که نماز دوم را قطع کند و بنشیند و سلام نماز اول را بدهد و نماز را احتیاطاً اعاده نماید و پس از آن نماز دوم را بخواند.



«نکونام»: در صورتی که بدون ذکر سلام وارد نماز دیگر شود، لازم است نماز دوم را قطع کند و در حال نشسته، سلام نماز اول را بگوید و سپس نماز دوم را بخواند؛ بدون آن که در این مسئله به احتیاط در جهت دوباره خواندن نماز نیازی باشد.



□ تکرار سلام

س ۴۲۲ - آیا تکرار کردن سلام، نماز را باطل می‌کند یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر در صحت «السلام علينا و على عباد الله الصالحين» شک کرد، تکرار نکند و «السلام عليکم» را بگوید و اگر احیاناً تکرار کرد، احوط آن است که بعد از «السلام عليکم» نماز را اعاده کند، اما اگر یقین پیدا کرد که «السلام علينا» را غلط ادا کرده، جایز است آن را به نحو صحیح تکرار کند و فرق بین صورت شک و یقین این است که چون به نظر ما «السلام علينا» بنا بر احتیاط، مخرج نیست. پس با شک در صحت ادای آن، اگر بخواهد تکرار کند، احتمال آن است که در واقع، صحیح ادا کرده باشد و با تکرار آن، احتمال گفتن کلام آدمی، و به عبارت اخیر احتمال اتیان مبطل می‌دهد، به خلاف آن که یقین پیدا کند که غلط ادا کرده که در این صورت، تکرار اشکالی ندارد؛ زیرا به مقتضای آن که غلط ادا کرده، مثل کسی می‌ماند که هنوز این سلام را نگفته و حال می‌خواهد بگوید که البته اشکالی ندارد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که سلام اول را به اشتباه ادا کرده باشد، تکرار آن، خواه با یقین باشد یا شک در اشتباه بودن آن، اشکال ندارد؛ و در مورد سلام دوم یا سوم نیز اگر شک در درستی ادای سلام نمود، می‌تواند به احتیاط تکرار نماید و در صورت یقین به صحت آن نیز چنان‌چه به قصد ورود نباشد، اشکالی در جهت تکرار آن نمی‌باشد؛ پس در هر صورت، تکرار سلام نماز به قصد غیر ورود دوباره و به قصد گفتن ذکر، کلام عادی آدمی نخواهد بود تا احتمال آوردن امری که نماز را باطل می‌کند، پس از به پایان رساندن

نماز پیش آید و سلام اول از سه سلام متعارف، واجب نیست گفته شود و سبب خارج شدن از نماز نیز نمی‌گردد، هرچند جزو تشهد نمی‌باشد و سلام دوم و سوم هر یک سبب خارج شدن از نماز می‌باشد و در صورت پیشی داشتن سلام دوم - جلوتر گفتن سلام دوم از سوم - سلام سوم مستحب است و در صورت پیشی داشتن سلام سوم - جلوتر گفتن سلام سوم از دوم - دیگر نباید سلام آورده شود.



﴿قصد تحيّت در سلام نماز﴾

س ۴۲۳ - سلام‌های نماز را باید به قصد تحيّت گفت یا نه؟

«گلپایگانی»: گفتن سلام اول «السلام عليك أیّها النبی ورحمة الله وبرکاته» به قصد تحيّت به حضرت پیغمبر اکرم ﷺ جایز است، ولی در دو سلام دیگر، احتیاط آن است که قصد تحيّت ننماید؛ به شرحی که در مسأله‌ی پنج فصل فی التسلیم از کتاب عروة الوثقی ذکر شده است.

* * *

«نکونام»: هرچند تکلیف وجوبی در قرائت و ذکر نماز مربوط به ادای درست حروف باشد، قصد معنای آن - اخباری یا انشایی - واجب نیست، ولی این گونه نیست که غرض از ادای نماز، تنها لقلقهی زبان و خواندن الفاظ و حروف بدون توجه به معنای آن باشد و حتی قصد کردن معانی کلی آن، به گونه‌ی اخباری یا انشایی جایز نباشد؛ هرچند قصد ویژگی‌های تفصیلی در معانی آسان نیست و شبّه در امثال را پیش می‌آورد، اماً قصد تحيّت در سلام، ناسازگاری با قصد معنای کلی ندارد تا کلام عادی آدمی باطل کننده‌ی نماز به شمار آید یا از ابتدا بر قصد تحيّت در سلام، نهی

تعلق گیرد؛ زیرا ناسازگاری قصد تحيیت با قصد معنای کلی، نسبت به خطابات عرفی معمول می‌باشد، نه لسان شرعی در سلام نماز.



■ به درازا کشیدن فراموشی سلام

س ۴۲۴ - در مسائلی ۱۱۱۶ توضیح المسائل فرموده‌اید: اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی آن را به یاد آورد که صورت نماز بهم خورده است، چنان‌چه پیش از آن که صورت نماز از بین رود، کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند - مثل پشت به قبله کردن - انجام نداده باشد، نماز وی صحیح است و اگر پیش از آن که صورت نماز از بین رود کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام داده باشد، نماز وی باطل است، حال در موردی که پیش از بهم خوردن صورت نماز که امری منافی بجا نیاورده، اگر به یاد آورد که سلام را نگفته، آیا لازم است سلام را بگوید یا لازم نیست؛ زیرا مسئله ساكت است، و دیگر این که صورت نماز تا چه وقت و چگونه از بین می‌رود؟

«گلپایگانی»: مراد از بهم خوردن صورت نماز، بهم خوردن موالات است، و معنای بهم خوردن موالات این است که پس از نماز، مثلاً رو به قبله نشسته و مشغول تعقیب بوده و نسیان او به قدری طول کشیده که وقتی یادش آمد، چنان‌چه سلام بگوید، در نزد متشرعه، این سلام به این نماز مربوط نمی‌شود، بنابراین، اگر مقصود از سؤال همان فرضی است که در توضیح المسائل، نماز را صحیح دانسته، گفتن سلام لازم نیست و جهت فراموشی سلام، مستحب است دو سجده‌ی سهو بجا آورد، و چنان‌چه مقصود این است که اگر قبل از بهم خوردن موالات و قبل از بجا آوردن

منافی یادش باید که سلام را نگفته، در این صورت باید سلام را بگوید و سجده‌ی سهو ندارد.

* * *

«نکونام»: اگر سلام نماز را فراموش کند و فراموشی به گونه‌ای به درازا بکشد که محل سلام به طور عرفی گذشته باشد، صورت نماز درست است و بر این اساس، چنان‌چه بعد از آن به یاد آورد، گفتن سلام لازم نیست؛ هرچند صورت نماز بعد از گذشتن محل عرفی سلام نماز با امری ناسازگار، خواه باطل کننده‌ی نماز باشد یا نباشد، مانند: تعقیبات، از بین برود.



قنوت

س ۴۲۵ - قنوت نماز غفیله را فراموش کردم و در حال رکوع یا بعد از آن متوجه شدم، آیا باید قیام بعد از رکوع انجام دهم یا بعد از نماز می‌توانم قضای آن را بجا آورم یا این که لازم است نماز را اعاده کنم؟
ج - در قیام بعد از رکوع رجاءا بجا بیاورید.



■ ذکر قنوت به زبان غیر عربی

س ۴۲۶ - در نمازهای واجب، شخص نمازگزار می‌تواند قنوت را به زبان انگلیسی بخواند یا نه؟

«گلپایگانی»: برای ادای وظیفه‌ی قنوت نماز واجب، دعا به عربی لازم است، ولی در قنوت نماز مستحبی دعا به انگلیسی و فارسی و هر زبان دیگر جایز است.



«نکونام»: دلیلی بر روا بودن ذکر غیر عربی در نماز نیست و در این جهت میان نماز واجب و مستحب تفاوتی نمی‌باشد.



س ۴۲۷ - در قنوت نماز، آیا نمازگزار می‌تواند از سوره‌های قرآنی یک سوره‌ی تمام یا چند آیه از یک سوره را بخواند یا فقط لازم است دعاها را وارد در قنوت خواند؟

«گلپایگانی»: اگر بخواهد به قصد ورود بخواند، باید دعاها بیکار وارد شده بخواند، ولی اگر غیر این‌ها را از قرآن یا دعاها دیگر به قصد قربت مطلقه بخواند، اشکال ندارد.

* * *

«نکونام»: به قصد ذکر عام اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۲۸ - کسی که در قنوت نماز و تر در دعای چهل مؤمن، خویشاوندان مرده‌ی خود را ذکر می‌نماید و در بین آنان کسانی بوده‌اند که گناهانی مثل اذیت به مادر یا معاصی دیگر را علني کرده‌اند، آیا می‌شود آن‌ها را در دعا نام برد یا نه؟
ج - احتیاج مؤمن عاصی به دعا و طلب مغفرت بیشتر است، مخصوصاً ارحام که ان شاء الله ثواب صله‌ی ارحام را نیز دارد.

□ □ □ □

□ یاد کردن از افراد به صورت ضمیر در قنوت

س ۴۲۹ - در قنوت نماز، آیا جایز است هنگامی که برای فرد یا افراد خاصی دعا می‌کنیم، به جای آن که نامش را ببریم، به خاطر ندانستن نام یا مراعات اختصار، از او به صورت ضمیر یاد کنیم؛ در حالی که مرجع آن نیامده و تنها معهود ذهنی است یا خیر؟

«گلپایگانی»: صحبت برگردانیدن ضمیر به معهود ذهنی محل تأمل است و لکن می‌تواند به این عبارت بگوید: اللهم اغفر للمنظور یا للمنظورین (ثنیه) یا للمنظورین (جمع).

* * *

«نکونام»: برگرداندن ضمیر به معهود ذهنی از لحاظ ادبی صحیح نیست؛
هر چند استعمال آن در نماز از جهت درستی، اشکال ندارد.



کثیرالشک

س ۴۳۰ - شخصی به قدری در خواندن نماز و گرفتن وضو شک می‌کند که به حد افراط در وسواس رسیده است، به این نحو که وضو می‌سازد و پس از گذشتن مقداری از وقت آن را فراموش می‌کند یا نماز می‌خواند و به مجرد این که نماز تمام شد شک می‌کند آیا نماز خوانده است یا نه و هرچه فکر می‌کند چیزی به یادش نمی‌آید، بنابراین برای گرفتن وضو و خواندن نماز پیوسته در زحمت است، تکلیف این شخص چیست؟ آیا به شک‌های خود اعتماد کند یا نه؟

ج - تکلیف شخص مذکور این است که اعتماد نکند و هر وقت شک کرد که نماز خوانده یا نه، بگوید نماز خوانده‌ام و هر زمان شک کرد که وضو گرفته‌ام یا نه، بگوید گرفته‌ام و اگر اعتماد کند، فعل حرام و متابعت شیطان است.



س ۴۳۱ - کسی که همیشه در تسیحات اربعه شک می‌کند که دوبار یا سه بار آن را گفته، چه باید کند؟

«گلپایگانی»: کثیر الشک باید به شک خود اعتماد نکند و غیر کثیر الشک احتیاطاً یک بار دیگر بگوید.



«نکونام»: کسی که بسیار شک نمی‌کند لازم است آن را یک بار دیگر بگوید.



س ۴۳۲ - شک بین یک و دو برای کثیر الشک موجب بطلان است یا نه؟ و اگر صحیح است، بنا را بر کمتر بگذارد یا بیش تر؟

ج - بلای، شک مذکور برای کثیر الشک هم موجب بطلان نیست و در مورد سؤال باید بنا را بر اکثر بگذارد و نمازش صحیح است.



س ۴۳۳ - کسی که گاه در چیزهایی شک می‌کند و نمی‌داند که کثیر الشک بر او صدق می‌کند یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - حالت سابقه‌ی خود را استصحاب نماید. اگر کثیر الشک بوده، اعتنا نکند و اگر نبوده، به حکم شک عمل نمایید.



س ۴۳۴ - من بسیار در نماز و بعد از نماز و در کارهای روزمره و خریدن اجناس شک می‌کنم که برای نمونه، پول آن را داده‌ام یا نه و دوباره پول آن را می‌دهم، مرا راهنمایی فرمایید.

ج - به شما توصیه می‌کنم که با کمال قوت اراده به هیچ وجه به این شک‌ها اعتنا نکنید و خود را به خدا بسپارید و از شر شیطان و وسوسه‌ی او به خدا پناه ببرید. خداوند متعال شما را حفظ فرماید و بر قرائت معوذین (سوره‌ی قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قَلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) مداومت نمایید.



س ۴۳۵ - در این که نماز را خوانده‌ام یا نه بسیار شک می‌کنم، چه بسا نماز را خوانده‌ام و پس از نماز دچار ناراحتی می‌شوم و حالت غشوه و بی‌حوالی بر من

عارض می شود و بعد دچار شک می شوم که آیا نماز را بجا آورده ام یا نه؟ در صورت بقای وقت، وظیفه‌ی من چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض مرقوم، احتیاط واجب آن است که نماز را تکرار کنید، ولی اگر در یک روز چند مرتبه مبتلا به شک بشوید، اعتنا به شک خود نکنید.

* * *

«نکونام»: به شک خود اعتنا نکنید؛ اگرچه در یک روز یک بار چنین شکی کنید.

□ □ □ □

س ۴۳۶ - کسی که بسیار شک می کند، اگر شک کرد در سجده اول است یا در سجده‌ی دوم، چه باید بکند؟

ج - کثیر الشک باید به شک خود اعتنا نکند و بنا بگذارد بر این که سجده‌ی دوم است.

□ □ □ □

﴿ گمان در افعال و رکعت‌های نماز

س ۴۳۷ - گمان در افعال و در دو رکعت اول و آخر تفاوتی دارد یا نه؟

ج - ظن در افعال و در رکعات نماز، چه در دو رکعت اول و چه در دو رکعت آخر، حجت است.

□ □ □ □

﴿ شک بین سه و پنج در نماز

س ۴۳۸ - شک سه و پنج بعد از رکوع یا پیش از سلام چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: نماز باطل است، ولکن اگر احتیاط کند و بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام کرده و بعد اعاده نماید خوب است، بلکه ترک احتیاط، سزاوار نیست.

* * *

«نکونام»: در فرض یاد شده لازم است بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام نماید و پس از سلام، دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بخواند و دو سجده‌ی سهو نیز بجا آورد.



س ۴۳۹ - شخصی در نماز چهار رکعتی شک نمود که چهار رکعت خوانده یا سه رکعت، و در حال قیام بنا را بر چهار می‌گذارد و به رکوع می‌رود و پس از پایان ذکر رکوع، به یاد می‌آورد که هم تشهید را نخوانده و هم قنوت را فراموش کرده است، وظیفه‌ی وی چیست؟

ج - در فرض سؤال که نمی‌داند قیام رکعت چهارم است یا سوم، بنا را بر چهار گذاشته و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورده و بعد از آن، قضای تشهید فراموش شده را بجا آورده و دو سجده‌ی سهو جهت تشهید فراموش شده بنماید و نماز صحیح است و قنوت اصلاً مستحب است و ترک عمدی آن به صحت نماز مضر نیست.
والله العالم.



س ۴۴۰ - اگر بعد از نماز صحیح شک کند که یک رکعت نماز خوانده یا دو رکعت یا شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، و هم‌چنین چنان‌چه بعد از نماز مغرب شک کند که سه رکعت نماز خوانده یا چهار رکعت، آیا نماز وی صحیح است یا باطل؟

ج - شک بعد از سلام، مورد اعتنا نیست و نماز او صحیح است.



﴿ نماز احتیاط ﴾

س ۴۴۱ - هرگاه شخص در نماز ظهر شکی کند که موجب نماز احتیاط است و وقت نماز عصر نیز تنگ باشد و ممکن نباشد دست کم یک رکعت عصر را پیش

از غروب بخواند، در این صورت کدام یک از آن را مقدم بدارد، نماز احتیاط یا نماز عصر را؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که به غروب شرعی بیش از یک رکعت نمانده، نماز عصر را بخواند و بعد از آن احتیاط کند به خواندن نماز احتیاط و قضای ظهر.

* * *

«نکونام»: در فرض مذکور که به غروب شرعی بیش از یک رکعت نمانده، نماز عصر را بخواند و بعد از آن لازم است نماز احتیاط را بیاورد.

□ □ □ □

■ وارد شدن به نمازی دیگر پیش از خواندن نماز احتیاط س ۴۴۲ - کسی که در نماز چهار رکعتی شک میان سه و چهار می‌کند و پیش از خواندن نماز احتیاط، وارد نماز دیگری می‌شود، چه تکلیفی دارد؟
«گلپایگانی»: اگر سهوا وارد نماز دیگر شده احتیاط آن است که همان وقت، نماز احتیاط را بجا آورد و بعد نمازی را هم که بین آن بوده تمام کند، بعد هر دو نماز را اعاده نماید.

* * *

«نکونام»: در فرض یاد شده، نیازی به دوباره خواندن دو نماز نیست و بعد از پایان گرفتن نمازی که مشغول شده، اگر نماز احتیاط را بجا آورد، بسته است.

□ □ □ □

س ۴۴۳ - کسی که برای نمونه، میان سه و چهار شک کرده و بعد از اندکی تأمل و تروی، ظن به چهار برای وی حاصل شده و بر اساس قاعده در نمازهای چهار رکعتی اعادهی آن نماز احتیاط مستحب است، حال اگر به احتمال این که شاید در واقع، سه رکعت بوده، یک رکعت نماز احتیاط به قصد امثال امر واقعی بخواند،

آیا خواندن این نماز احتیاط، لغو و بی اثر است یا این که تشریع و حرام یا حرام ذاتی است؟

«گلپایگانی»: لغو و بی اثر است، مگر این که به قصد ورود باشد که تشریع و حرام است.

* * *

«نکونام»: اگر به قصد ورود نباشد، زاید و بی اثر است، و گرنه تشریع و حرام است.

□ □ □ □

س ۴۴۴ - در شک سه و چهار، پس از پایان یافتن نماز، اگر پیش از نماز احتیاط، به عمد سه تکییر با رفع ید انجام گیرد، آیا اشکال دارد؟

«گلپایگانی»: در صورتی که به قصد مطلق ذکر بوده، تولید اشکال به معنای بطلان نماز نمی کند، ولی برخلاف احتیاط است.

* * *

«نکونام»: اگر به قصد ذکر عام باشد، اشکال ندارد، ولی خوب نیست در نماز کارهایی انجام شود که برای نماز وارد نشده است.

□ □ □ □

رو گرداندن از قبله، پیش از نماز احتیاط

س ۴۴۵ - اگر کسی به سبب جهل به مسئله، پس از سلام نماز و پیش از نماز احتیاط صورت خود را بر می گرداند و پشت به قبله می کرده، آیا واجب است نمازهایی را که این گونه خوانده است قضا کند؟

«گلپایگانی»: اگر در وقت است، احتیاطا آن نماز را اعاده، و اگر در خارج وقت است، احتیاطا قضا نماید.

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، چون این عمل به صورت سهو بوده است، اشکال ندارد، چنان‌چه در صورت جهل نیز باشد، اشکال ندارد و نماز اصلی و نیز نماز احتیاط وی کفایت می‌کند و نیازی به اعاده‌ی آن در وقت و قضا در خارج وقت نمی‌باشد.



□ قصای تشهید و سجده‌ی فراموش شده

س ۴۴۶ - نمازگزاری که سجده یا تشهید را فراموش کرده، و بعد از نماز نیز فراموش می‌نماید که قصای تشهید یا قصای سجده و دو سجده‌ی سهو را بیاورد و عملی که صورت نماز را از بین می‌برد انجام داده است، چه تکلیفی دارد؟

«گلپایگانی»: هر وقت یادش آمد قصای تشهید یا سجده را با طهارت بجا آورد و بعد، دو سجده‌ی سهو را نیز بخواند، بلی احتیاط مستحبی آن است که اگر بعد از اتیان منافی یادش آمد، بعد از قصای تشهید یا سجده فراموش شده و سجده‌ی سهو، نماز را نیز اعاده کند.



«نکونام»: در مورد گفته شده، خواندن دوباره‌ی نماز لازم نیست و هر وقت آن را به یاد آورد، اگر به تکلیف قضا یا سجده‌ی سهو عمل کند، بسنده است.



□ به یاد آمدن تشهید یا سجده‌ی فراموش شده در میان نماز بعدی

س ۴۴۷ - هرگاه نمازگزار بعد از نماز ظهر، قصای سجده یا تشهید فراموش شده یا سجده‌ی سهو واجب را فراموش کند و مشغول نماز عصر گردد و در میان نماز عصر به یاد آورد، تکلیف وی چیست؟

«گلپایگانی»: نماز عصر را تمام کند، بعد سجده یا تشهید فراموش شده را با

سجده‌ی سهو آن بجا آورد و بنا بر احتیاط لازم، نماز عصر را اعاده کند و اگر فقط سجده‌ی سهو را فراموش کرده باشد، بعد از تمام شدن نماز عصر بجا آورد.

* * *

«نکونام»: کسی که نماز عصر را تمام کرده کافی است به تکلیف قضا یا سجده‌ی سهو عمل نماید و باز خواندن نماز عصر نیز لازم نیست.

□ □ □ □

■ آوردن سلام بعد از قضای تشهد

س ۴۴۸ - در مورد قضای تشهد فراموش شده، آیا بعد از قضای تشهد، سلام نماز را نیز باید خواند یا نه؟

«گلپایگانی»: خود تشهد را قضا کند و احتیاطاً سلام هم بجا آورد و دو سجده‌ی سهو هم به قصد ما فی الذمه بجا آورد و این در صورتی است که تشهد اخیر باشد و اگر تشهد اول است، سلام لازم نیست.

* * *

«نکونام»: آوردن سلام دیگر بعد از قضای تشهد لازم نیست؛ خواه تشهد فراموش شده، رکعت دوم یا تشهد رکعت آخر باشد.

□ □ □ □

■ سجده سهو

س ۴۴۹ - در سجده‌ی سهو، تکبیر لازم است یا نه؟
ج - تکبیر لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۵۰- آیا می‌شود ذکر سجده‌ی سهو را طول داد و آن را دو بار یا بیشتر تکرار کرد یا نه؟

ج- تکرار ذکر سجده‌ی سهو به قصد مطلق ذکر مانعی ندارد، ولی به قصد ورود جایز نیست.



﴾ خواندن زیادی بخشی از سوره

س ۴۵۱- شخصی در موقع خواندن نماز، به سهو به جای حمد، شروع به خواندن سوره نموده و چند کلمه که ادا می‌نماید، بی‌درنگ متوجه می‌شود که باید حمد را بخواند، و از همانجا باز می‌گردد و حمد و سپس سوره را می‌خواند و به نماز خود ادامه می‌دهد، آیا برای گفتن چند کلمه از کلمات سوره، سجده‌ی سهو بر او واجب می‌شود یا خیر؟

«گلپایگانی»: به نظر حقیر، سجده‌ی سهو واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که برای هر زیاده و نقیصه دو سجده‌ی سهو بجا آورد.



«نکونام»: خواندن بخشی از سوره در بین نماز به صورت افزوده، سجده‌ی سهو ندارد.



﴾ نماز مبطون و مسلوس

س ۴۵۲- شخصی به علت عمل جراحی، مخرج مدفوع وی به کلی مسدود شده و به جای آن از روی شکم سوراخی باز نموده‌اند و به این جهت، مدفوع بی اختیار از او خارج می‌شود و حتی برای خواندن نماز نیز قادر به جلوگیری از آن نیست. اگر با دستمال و کنه روی آن را بینند یا کیسه بگذارد و در آن جمع شود،

عبادات این شخص با این وضع چگونه است؟

«گلپایگانی»: اگر ممکن باشد، قبل از نماز به نحوی تخلیه و تطهیر نماید که بتواند نماز را بدون خروج چیزی تمام نماید، واجب است این نحو عمل کند و اگر نتواند تمام نماز را بدون خروج چیزی بخواند و تطهیر و وضو بین نماز هم مستلزم مشقت یا فعل کثیر باشد، آن‌چه بین نماز خارج می‌شود مضر به وضو و نماز نیست و به همان نحو بخواند.

* * *

«نکونام»: اگر قادر به جلوگیری نیست، اشکال ندارد و نماز را به گونه‌ای بخواند که می‌تواند.

□ □ □ □

س ۴۵۳ - شخصی پیوسته انتزال می‌شود؛ به‌طوری که برای خواندن یک نماز نیز مهلت ندارد، تکلیف او نسبت به نماز و روزه چیست؟ و آیا آن‌چه بر شخص جنب حرام می‌باشد بر او نیز حرام است یا نه؟

ج - قبل از نماز غسل می‌کند و اگر معذور است، تیمم بدل از غسل می‌نماید و آن‌چه در بین نماز خارج می‌شود؛ به‌طوری که به اندازه‌ی خواندن نماز و قله در خروج حاصل نشود، معفو است و برای روزه، قبل از فجر غسل کند و معذور، تیمم بدل از غسل نماید و روزه صحیح است و محترمات بر جنب بر او حرام است.

□ □ □ □

س ۴۵۴ - المسلوس إذا صلّى قاعداً يمكنه التحفظ من البول، وإذا صلّى قائماً لا يمكن له التحفظ منه، فهل ينتقل وظيفته إلى القعود؛ كما لو عرض عارض للمصلّي قائماً حيث إنّه يصلّي قاعداً أم لا؟

- کسی که به بیماری سلس (جکمیزک) دچار است اگر در صورت نشسته بتواند از آمدن ناخودآگاه ادرار جلوگیری کند اما در حالت ایستاده چنین توانایی ندارد، آیا باید نماز را به صورت نشسته بگزارد، مانند کسی که به سبب عذر نمی‌تواند نماز را در حالت ایستاده بخواند و نماز را به شیوه‌ی نشسته بجا می‌آورد یا خیر؟ «گلپایگانی»: إذا دار الأُمر بِيْنَ الْأَمْرَيْنِ، فَلَا يَبْعُدْ تَبَدِّلُ الْوُظْفَةِ إِلَى الْقَعْدَةِ، وَمَعَ الْإِمْكَانِ فَالْأَحْوَطُ تَكْرَارُ الصَّلَاةِ.

- اگر امر دایر میان این دو باشد، بعید نیست وی باید نماز را به صورت نشسته بخواند، و احتیاط آن است که در صورت امکان، نماز را تکرار نماید.

* * *

«نکونام»: يكفي له أن يصلّي قاعداً فقط.
- اگر وی نماز را به صورت نشسته بخواند کافی است.

□ □ □ □

س ۴۵۵ - شخصی به علت بیماری سلس، نمی‌تواند از ادرار خود جلوگیری نماید، تکلیف نماز او چیست؟

ج - اگر مرتب بول قطره خارج می‌شود، موقع نماز کیسه‌ای پراز پنبه را با خود بردارد و بدن را تطهیر کند و شلوار پاک بپوشد و هر نمازی را با یک وضو بخواند و قطراتی که در بین نماز خارج می‌شود تا آخر نماز مستثناست و ضرری به صحت نماز ندارد.

□ □ □ □

س ۴۵۶ - این جانب عمل جراحی داشته‌ام و کیسه و پلاستیکی در پهلوی چپ گذاشته‌اند، و مدفوع از پهلو خارج می‌شود؛ یعنی مقعد را بسته‌اند و مدفوع و باد

معده بی اختیار در کیسه‌ی پلاستیک می‌آید، تکلیف این جانب چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر مرتب گاز و مدفوع از معده وارد پلاستیک می‌شود، احتیاطاً قبل از نماز آن‌چه در کیسه جمع شده، از کیسه خارج نموده و کیسه را آب کشیده و فوراً وضو بگیرید و نماز را بخوانید، و این عمل برای هر نماز لازم است. ولی اگر چیزی از آن خارج نشود، برای نماز بعدی تجدید وضو لازم نیست.

* * *

«نکونام»: چنان‌چه وی می‌داند از آغاز وقت نماز تا پایان آن به اندازه‌ی وضو ساختن و نماز گزاردن وقت پیدا می‌کند، نماز خود را در زمان پیش آمده بخواند و اگر مهلت او به اندازه‌ی کارهای واجب نماز است، تنها کارهای واجب نماز را در آن وقت بجا آورد و کارهای مستحب آن؛ مانند: اذان، اقامه، قنوت و حتی سوره را رها کند و اگر در آن مهلت، عسر و حرج و مشکلی برای او پیش آمد، نماز وی با همان حال درست است. در چنین مواردی چنان اهتمامی که در متن بالا آمده لازم نیست.

□ □ □ □

▣ فعل زیاد در نماز

س ۴۵۷- اگر شخص نمازگزار مگس را از سر و صورت خود دور کند یا بکشد یا سر را حرکت دهد، جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که فعل کثیر نباشد، جایز است.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۵۸ - در مسائله‌ی شماره‌ی ۸۱۴ توضیح المسائل فرموده‌اید: در صورتی که آب کشیدن بدن، صورت نماز را از بین نمی‌برد، باید آن را آب کشید، حال هرگاه آب در سمت راست یا طرف چپ نمازگزار باشد بفرمایید فاصله‌ی میان نمازگزار و آب چند متر یا چند قدم باشد که بتواند برای پاک کردن بدن یا لباس از آب در نماز استفاده کند؟

ج - به قدری که رفتن تا آن مکان فعل کثیر نباشد و باید به‌ نحوی برود و برگردد که از قبله منحرف نشود.



▣ جواب سلام در حال نماز

س ۴۵۹ - شخصی وارد بر نمازگزار گردیده و به عنوان سلام بر او سلام می‌کند؛ آیا چنان که معمول است می‌تواند در پاسخ او بگوید: «علیک السلام» یا نمازگزار باید عین گفته‌ی او را بگوید؟

«گلپایگانی»: اگر به لفظ «علیک السلام» بر نمازگزار سلام کرد جایز است عین عبارت او را جواب دهد و جایز است که بگوید: «السلام عليك»، و مستحب است که نماز را بعد از اتمام، اعاده کند و اگر به لفظ «سلام» فقط بوده، مخیر است که بگوید: «سلام عليك» یا فقط «سلام» را بگوید و «علیک» را تقدیر بگیرد.



«نکونام»: چنان‌چه نمازگزار در پاسخ سلام «علیک سلام» یا «سلام عليك» یا «سلام» و «علیک» را با توجه به معنا بگوید، اشکال ندارد و نیازی به اعاده‌ی آن نیست.



س ۴۶۰ - اگر شخصی بجای «سلام علیکم»، بگوید: «سلام»، آیا جواب آن در نماز لازم است یا نه؟

ج - بله، جواب آن لازم است.



س ۴۶۱ - کسی که در میان نماز به او سلام می‌کنند و معلوم نیست سلام را به گونه‌ی صحیح گفت یا از سلام‌های رایج و اشتباه، آیا پاسخ دادن بر او واجب است یا نه؟

ج - باید جواب آن را بدهد.



س ۴۶۲ - شخصی از در وارد می‌شود و سلام می‌کند، چند نفری نشسته و مشغول صحبت هستند ولی متوجه سلام این شخص نمی‌شوند، شخص دیگری که در همان نزدیکی مشغول نماز است متوجه می‌شود، آیا وظیفه دارد که جواب سلام را دهد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر نمازگزار بداند که خود به تنها یی یا با دیگران مقصود به سلام بوده، واجب است جواب دهد و نماز او صحیح است و اگر جواب ندهد، گناه کرده ولی نمازش در این صورت هم صحیح است و چنان‌چه بداند که او مقصود به سلام نبوده یا شک کند، نمی‌تواند جواب سلام را بدهد.



س ۴۶۳ - إِذَا كَانَ الْمُصَلِّي مَعَ جَمَاعَةً، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ مِنْ يَقْصِدُهُ دُونَ غَيْرِهِ، فَهُلْ يَجْبُ عَلَى الْمُصَلِّي نَفْسَهُ الرَّدُّ؛ سَوَاءٌ كَانَ الْآخِرُونَ مَشْغُولِينَ بِالصَّلَاةِ أَمْ غَيْرَ مَشْغُولِينَ؟
- اگر نمازگزار با جماعتی باشد و کسی او را قصد نماید و تنها به او سلام

کند، آیا بر نمازگزار واجب است پاسخ او را بدهد؛ خواه دیگران به نماز مشغول باشند یا خیر؟

- ج - لو علم المصلي انه المقصود دون غيره وجب عليه الردّ.
- اگر نمازگزار بداند که سلام دهنده وی را قصد کرده است نه دیگری را،
واجب است پاسخ سلام را بدهد.



س ۴۶۴ - اگر زنی به نمازگزار سلام دهد و بگوید: «سلام عليکم»، آیا نمازگزار هم می‌تواند در جواب، «سلام عليکم» بگوید یا خیر؟
ج - بای می‌تواند.



▣ شنیدن موسیقی در حال نماز

س ۴۶۵ - شخصی مشغول نماز است، در میان نماز، دیگران مشغول غیبت مؤمن می‌شوند یا شروع به موسیقی می‌نمایند، تکلیف شخص نمازگزار چیست؟ و اگر کسی در مجلس معصیت، مثل همین دو مورد، نماز بخواند، نماز وی چه حکمی دارد؟

ج - اگر بعد از شروع در نماز، مجلس لهو یا شراب یا قمار و غیبت تشکیل شود، نماز را تمام کند و صحیح است، لکن اگر قبل از شروع، چنین مجلسی فراهم شود، از آنجا خارج گردد و نماز را در غیر آن محل بجا آورد.



س ۴۶۶ - اگر از خانه‌ی همسایه صدای موسیقی بباید و انسان مشغول نماز باشد، نماز وی صحیح است یا نه؟ هم‌چنین، اگر در حیاط رادیو باشد و صدای اخبار را

بشنود، نماز خواندن چه حکمی دارد؟

ج - در هر دو فرض، نماز صحیح است.



س ۴۶۷ - اگر کسی در اتاق نمازگزاری که در حال نماز است، موسیقی بگیرد، وظیفه‌ی نمازگزار چیست؟

«گلپایگانی»: اگر استماع نباشد، اشکال ندارد و اگر قبل از نماز بداند که مجلس موسیقی برقرار می‌شود، اگر ممکن است، در غیر آن محل نماز بخواند.

* * *

«نکونام»: اگر استماع نباشد، اشکال ندارد و اگر پیش از نماز بداند مجلس موسیقی حرام برپا می‌شود، چنان‌چه ممکن است در محل دیگری نماز بخواند.



قطع نماز

س ۴۶۸ - نمازگزار در حال قرائت، صدای صلوات می‌شنود، آیا جایز است حمد را قطع کند و صلوات بگوید یا خیر؟ همچنین قطع نماز برای حفظ جان و مال از حریق و مانند آن در تنگی وقت جایز است یا نه؟

ج - مستحب است هر جا اسم مبارک حضرت رسول ﷺ را شنید صلوات بفرستد و بعد، نماز را از همانجا که مانده تتمیم نماید و قطع نماز برای حفظ جان از تلف واجب است، حتی در ضيق وقت و برای حفظ مال هم جایز است، حتی در ضيق وقت، اگر مال معتنابه باشد.



دیگر مسایل نماز

س ۴۶۹ - آیا می‌شود نماز غفیله را بجای نافله‌ی مغرب خواند یا خیر؟
ج - بلی، می‌شود.



س ۴۷۰ - در تعقیب نماز که آیةالکرسی می‌خوانند، آیا روایت یا مدرکی هست که انگشتان بر دیدگان گذاشته شود یا به صورت عادی همانند سایر تعقیبات نیز خوانده می‌شود؟

ج - در کتاب جنات الخلد تحت عنوان وجمع العین از قول معصومین علیهم السلام منقول است که دست را روی چشم گذاشته و آیةالکرسی را به قصد استشفا بخواند.



س ۴۷۱ - آیةالکرسی به کدام یک از آیات قرآنی می‌گویند و محدوده‌ی آن تا «وهو العلي العظيم» است یا تا «هم فيها خالدون»؟
«گلپایگانی»: ظاهراً آیةالکرسی تا «وهو العلي العظيم» کافی است. والله العالم.



«نکونام»: آیةالکرسی تا «وهو العلي العظيم» است.



دوباره گزاردن اختیاری نماز

س ۴۷۲ - شخصی نماز خود را خوانده، ولی به جهت نداشتن حضور قلب، آیا می‌تواند آن را دو مرتبه به نیت رجا و احتیاط بخواند یا خیر؟
«گلپایگانی»: جواز اعاده مشکل است، مگر این که بار دوم به جماعت باشد.



«نکونام»: بازخوانی و تکرار نماز تا جایی که به وسوس نرسد و به قصد رجا یا احتیاط باشد، اشکال ندارد و در برخی مواقع همچون به دست آوردن حضور قلب بیشتر، نیکو نیز میباشد.



▣ حضور قلب در نماز

س ۴۷۳ - به هنگام اقامه نماز، در فکر و خیالات دیگر هستم و نمیتوانم حضور قلب داشته باشم و به ایزد یکتا توجه نمایم، مرا برای به دست آوردن حضور قلب راهنمایی نمایید.

«گلپایگانی»: حضور قلب و توجه در حال نماز، مراتب دارد و حاصل نشدن آن به علت‌های متعددی است که باید شخص به تدریج آنها را برطرف کند و مخصوصاً توجه به عظمت و بزرگی خدا و این که همه نیاز به خداوند دارند و همه‌ی نعمت‌ها از اوست، و این که بند و قتنی به کمال می‌رسد که در درگاه او، عرض نیاز و حاجت کند و سپاس و ستایش و حمد او را بجا آورد و در برابر او خصوص و تواضع و فروتنی و رکوع و سجده نماید، در حصول حال خصوص مؤثر است. امید است که به تدریج حضور قلب زیادتر شود و نماز شما مصدق «الصلاۃ معراج المؤمن» و «الصلاۃ قربان کل تقدیم» گردد.



«نکونام»: بعد از دوری از حرام و به دست آوردن روزی حلال، حضور قلب، با دفع کثرات و اشتغالات زاید و مزاحم و توجه حقیقی به حضرت حق تعالیٰ - در خلوت و امور زندگی - حاصل می‌گردد.



﴿ محل نگاه در نماز

س ۴۷۴ - در حالات مختلف نماز، دیده و چشم باید به کجا نظر بیندازد؟

«گلپایگانی»: مستحب است نمازگزار در حال قیام، نظرش به موضع سجود و در حال رکوع، به میان قدمها و در حال سجده به سر بینی و در حال تشهد و بین دو سجده به دامن خود و در حال قنوت، به دو کف دستش باشد.

* * *

«نکونام»: در تمام حالات نماز باید نگاه حالت خماری داشته باشد؛ نه چشم بسته باشد و نه با نگاه تیز به چیزی چشم بدوزد.

□ □ □ □

﴿ عبادت کودک

س ۴۷۵ - در نماز و عبادات کودک اختلاف است و بعضی آن را صحیح نمی‌دانند، و برخی از آنان که نماز وی را صحیح می‌دانند می‌گویند در صورتی که نماز کودک صحیح نباشد، چگونه حضرت ولی عصر^{علیهم السلام} بر پدر بزرگوارش نماز خواند و ما پاسخ دادیم که او حجت است و تکلیف ایشان غیر از دیگران است.
نظر مبارک شما چیست؟

«گلپایگانی»: به نظر این جانب، نماز و سایر عبادات طفل نابالغ که ممیز باشد، صحیح است و بنا بر قول اشخاصی که صحیح نمی‌دانند، عمل امام غیر از دیگران است و اگر شخص، امامت امام را در حال صبی بودن او تصدیق کند، اشکال به اعمال او محل ندارد.

* * *

«نکونام»: دلیل مناسبی بر عدم صحبت عبادت صبی - کودک - نداریم و واجب نبودن عبادت بر نابالغ، با درستی عبادات وی منافاتی ندارد؛ و در هر

صورت، وجود عصمت در امام، نافی هر اشکالی می‌باشد که با وجود عصمت، بلوغ و عدم بلوغ موضوعیتی ندارد؛ حتی در مورد رضیع - شیرخوار - از معصوم چنین است تا چه برسد به صبی معصوم.



س ۴۷۶ - تکبیرات سه گانه‌ی بعد از سلام مطلق نمازها جایز است یا به نمازهای یومیه اختصاص دارد؟

«گلپایگانی»: بعضی روایات، ظاهر در استحباب گفتن آن‌ها بعد از سلام هر نماز است و گفتن آن به قصد رجا، خالی از اشکال است.



«نکونام»: گفتن آن بعد از هر نماز اشکال ندارد.



س ۴۷۷ - در این مسأله که آیا نمازهای مستحبی را در حال اختیار می‌توان نشسته خواند یا نه، مرحوم سید در عروة الوثقی جایز دانسته و فرموده: «النوافل المرتبة وغيرها يجوز اتيانها جالساً ولو في حال الاختيار»، و از حضرت آیت الله، حاشیه‌ای در این مسأله دیده نشده، با این که دو روایت در مورد نماز طواف مستحب نهی از نشسته خواندن آن می‌کند، اکنون نظر مبارک را مرقوم دارید که آیا از جهت سند یا متن خدشه‌ای دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: بلی، از جهت سند در نزد مشهور، ضعیف و از جهت دلالت نیز مورد خدشه واقع شده است.



«نکونام»: نمازهای مستحبی را در حال اختیار می‌توان نشسته خواند.



س ۴۷۸ - کسانی که در بیابان کار می‌کنند و به آب دسترسی ندارند و مخرج ادرار با چیزی جز آب تطهیر نمی‌شود، بنابراین، نماز آنان چگونه است؟

ج - اگر وقت تنگ است که اگر بخواهد به جایی که آب است برود و تطهیر کند و نماز بخواند، نماز قضا می‌شود، با همان بدن نجس نماز بخواند و قضا هم ندارد، اما اگر وقت وسعت دارد و می‌تواند برود و بدن را تطهیر کند، واجب است برود و با طهارت نماز بخواند و اگر با وسعت وقت با بدن نجس نماز خواند، نمازش باطل و باید بعد اعاده یا قضا نماید.



س ۴۷۹ - در برخی از مسئله‌ها آمده است عملی را برای رجا بجا آورده، منظور از رجا چیست؟ مراد انجام عمل به امید ثواب است یا به امید قبول؟

ج - یعنی به احتمال مطلوبیت نزد شارع مقدس، عمل را انجام دهد.



■ عمل به پاسخ اشتباه اهل خبره

س ۴۸۰ - اگر کسی مسئله‌ای را از اهل خبره بپرسد و وی مدتی بر طبق گفته‌ی او عمل نماید و سپس بداند که وی پاسخ آن مسئله را اشتباه گفته، برای اعمالی که به اشتباه انجام داده است چه باید کند؟

«گلپایگانی»: اگر در مواردی باشد که اخلال به جزء یا شرط موجب بطلان عمل می‌شود، قضا یا اعاده دارد و باید عمل خود را اعاده یا قضا نماید. والله العالم.

* * *

«نکونام»: اگر از کسی که به‌ظاهر اهل خبره است، حکم مسئله‌ای را بپرسد و طبق آن عمل نماید، هنگامی که خطای ظاهر گردد هم‌چون کسی است که بدون پرسش، عمل نادرستی بجا آورده باشد، و هرچند جاہل به ظاهر

أهل خبره گناه کرده است، ضمان و تکلیفی به عهده‌ی وی نمی‌باشد؛ بر این اساس، پرسیدن از غیر اهل خبره‌ی واقعی سزووار نیست و نمی‌توان از هر کسی که در ظاهر شکل و شمایل عالم را دارد پرسش نمود. این امر که هر عالم نمایی را عالم بدانیم، عملی عامیانه و جهل و نادانی عمومی است که اثرات زیان‌بار آن در سطح جامعه محسوس است.



س ۴۸۱ - چون وقت تنگ بود، نماز را با کفش بجا آوردم، آیا باید آن را قضا نمایم یا نه؟

ج - در صورت اضطرار، نماز صحیح است و قضا ندارد.



س ۴۸۲ - آیا جایز است جزیی از حیوان نجس العین، مانند روده‌ی سگ را به روده‌ی انسان زنده پیوند زنند؟ در صورت اتصال، برای نمازگزار چه حکمی دارد؟

ج - در مورد حفظ نفس اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.



﴿عمل از روی ناآگاهی به مسئله﴾

س ۴۸۳ - زنی چون مسئله را نمی‌دانسته، مدتی نمازهای خود را بدون انجام غسل حیض و نفاس و بدون وضو خوانده است، آیا نمازهای خود را باید قضا کند یا نه؟

«گلپایگانی»: خصوص نمازهایی که بعد از غسل حیض و نفاس و قبل از وضو به جهت حدث اصغر خوانده قضا کند، لکن آن‌چه را بعد از وضو - برای حدث اصغر - خوانده یا بعد از غسل جنابت خوانده قضا ندارد.



«نکونام»: هر گونه خللی در عمل که به جهت جهل و تقصیر در یادگیری مسئله باشد، چه بسا سبب باطل شدن عبادت گردد و جهل، سبب درستی عمل، بخشش و چشمپوشی در آن نمی‌شود و در این مورد نیز نمازهایی قضا ندارد که بعد از انجام غسل جنابت و وضعی بعد از حدث اصغر که پس از آن سرزده خوانده است و غیر آن را باید دوباره بگزارد.



س ۴۸۴ - اگر از دهان کسی خون می‌آید و وقت نیز به طوری تنگ است که اگر صبر کند تا خون بند بیاید، نماز قضا می‌شود، تکلیف چیست؟
ج - با همان حال نماز بخواند. ولکن با چیزی خون دهان را در بین نماز پاک نماید که به حلق نرود.



س ۴۸۵ - آیا نماز دهه‌ی ذی‌حجه که آیه‌ی شریفه‌ی: «وواعدنا موسی» در آن خوانده می‌شود مخصوص کسانی است که در موسم حج مشرف نیستند یا اعم است و برای حاجیان نیز مشروع می‌باشد که این دو رکعت نماز را میان نماز مغرب و عشا بخوانند؟
ج - در صورتی که به قصد رجا بخوانند نه ورود، مانعی ندارد.



﴿کونه‌های دیگر نماز-نماز مسافر﴾

﴿عمل بر اساس پاسخ اشتباه مبلغ﴾

س ۴۸۶ - مسافری وظیفه‌ی خود را از عالمی پرسیده و نماز‌های خود را بر اساس گفته‌ی او شکسته خوانده ولی بعد دانسته که پاسخ مسئله اشتباه بوده و باید نماز را تمام می‌خوانده، آیا وی معذور است یا باید آن را قضا کند؟

«کلپایگانی»: اگر وظیفه‌اش اتمام بوده و نماز را قصر خوانده، باید در وقت، اعاده و در خارج وقت، تماماً قضا نماید.

* * *

«نکونام»: جهل سبب درستی عملی نمی‌شود؛ خواه به جهل خود عمل نماید یا از جاهلی پرسش کند؛ حتی اگر گوینده، لباس اهل علم به خود پوشیده باشد اما اگر نمی‌دانسته که وظیفه‌ی مسافر نماز شکسته است و به جای نماز شکسته نماز را تمام بخواند، نماز وی درست است.

□ □ □ □

س ۴۸۷ - کسی که در ماه شعبان سه مرتبه به چهار فرسخی سفر کرده و در ماه مبارک رمضان نیز چند روزی در حرکت است، آیا می‌تواند نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، نماز او شکسته است و روزه هم نمی‌تواند بگیرد.

□ □ □ □

س ۴۸۸ - در رساله است اگر کسی برای لهو و خوشگذرانی به شکار رود، نماز وی تمام است و چنان‌چه برای تهیه‌ی معاش باشد، نماز را باید شکسته بگزارد، آیا این حکم شامل کسانی که برای صید ماهی می‌روند نیز هست یا خیر؟
 ج - حکم سفر صید فرقی ندارد که به دریا باشد یا غیر دریا.



س ۴۸۹ - آیا زنی که مسافر است می‌تواند در مقصد با این که ایام عادت اوست قصد ده روز کند یا باید صبر نماید تا پاک شود و در ابتدای ورود به مقصد، اگر برای نمونه، پنج روز عادت اوست، این پنج روز جزو ده روز شمرده می‌شود یا نه؟

ج - مجرد قصد ده روز کافی است؛ اگرچه در تمام آن حایض باشد که بعد از اگر یک روز هم بماند، باید نماز را تمام بخواند؛ به شرط آن که قبل از خواندن نماز، از قصد اقامه‌ی ده روز برنگشته باشد.



■ بسنده بودن نماز جمعه از یک نماز چهار رکعتی برای قصد اقامت
 س ۴۹۰ - آیا نماز جمعه بجای یک نماز ظهر چهار رکعتی در موردی که قصد ده روز کرده و آن را خوانده و بعد از قصد خود برگشته است کفایت می‌کند یا نه؟
 «گلپایگانی»: اقوی عدم کفایت نماز جمعه است، جهت اتمام نماز بعد از عدول از قصد اقامت.

* * *

«نکونام»: اگر نماز جمعه را به قصد وجوب شرعی بجا آورده و آن را بجای نماز ظهر کافی بداند، به گونه‌ای که دیگر نماز ظهر را پس از ادائی نماز جمعه لازم نداند، کافی است و نیازی به نماز چهار رکعتی نمی‌باشد.



﴿ نماز و روزه در تفریح‌گاه همیشگی

س ۴۹۱ - شخصی ساکن تهران است، باغی در کرج خریده و دو اتاق و لوازم زندگی نیز دارد، روزهای جمعه در دوره‌هایی از سال به آن باغ می‌رود و بعضی از جمیع شبها نیز در آنجا می‌ماند، برای نماز و روزه خود چه کند؟
«گلپایگانی»: اگر در آنجا شغل و پیشه‌ای ندارد و فقط برای تفریح یا تغییر آب و هوا به آنجا می‌رود، باید نمازش را شکسته بخواند و روزه‌اش را افطار کند.

* * *

«نکونام»: اگر بتواند قصد توطن داشته باشد و آن مکان را برای همیشه وطن خود به حساب آورد که همیشه چند روزی از هفته را در آن مکان زندگی کند، وطن دیگر وی می‌باشد و لازم است نماز را تمام بخواند و روزه نیز بگیرد؛ هر چند شغلی هم در آن منطقه نداشته باشد.

□ □ □ □

﴿ توسعه‌ی شهر و کم‌تر شدن فاصله از مسافت شرعی

س ۴۹۲ - در زمان گذشته، روستایی با شهر چهار فرسخ فاصله داشته که نماز را قصر و روزه را افطار می‌کرده‌اند، در حال حاضر، وسعت شهر زیاد شده و نسبت به روستای مذکور نزدیک و این ده از توابع متصل شهر شده، ولی باز میان آن روستا و شهر زمین‌های مزروعی فاصله است و حال شک است که فاصله از مسافت شرعی کم‌تر شده یا نه، آیا می‌توان به حکم مسافت عمل نمود یا خیر؟
«گلپایگانی»: اگر کسی یقین دارد که فاصله مزبور، سابقاً به قدر مسافت بوده و فعلاً در اثر وسعت شهر، مثلاً شک دارد که فاصله از مسافت شرعی کم‌تر شده یا نه، به حکم مسافت عمل نماید تا وقتی که یقین کند که فاصله کم‌تر از مسافت شرعی است که در این صورت، نماز تمام است.

* * *

«نکونام»: پاسخ مسأله، مطابق پرسش آن نمی‌باشد؛ زیرا پرسش این است که در حال حاضر، فاصله به طور قطع کمتر از مسافت می‌باشد و تنها شک در اتصال است و جواب آن است که قطع به عدم مسافت در عدم قصر و افطار کافی است؛ هرچند شک در اتصال داشته باشد.



■ مسافت شرعی در شهرهای بسیار بزرگ (بلاد کبیره)

س ۴۹۳ - در سال‌های پیش فاصله‌ی دو شهر اصفهان و نجف‌آباد بیش از چهار فرسخ بوده که در صورت مسافرت به نجف‌آباد نماز را شکسته می‌خواندیم، در سال‌های اخیر، دهات مجاور اصفهان به شهر وصل شده، آیا فاصله‌ی دو شهر را نسبت به زمان قدیم حساب کنیم یا با توجه به پیوستن دهات مذکور و کمتر شدن فاصله از چهار فرسخ، باید در مسافرت به آن شهر نماز را تمام گزارد، هم‌چنین در مورد شهرهایی که حالت دو شهر یاد شده را پیدا نموده‌اند چگونه باید عمل کرد؟

«گلپایگانی»: میزان، فاصله‌ی فعلی است؛ به شرط آن که شهر از بلاد کبیره نباشد، و اگر از بلاد کبیره باشد؛ در صورتی که از خارج محله تا مقصد چهار فرسخ یا بیش‌تر باشد، لکن از آخر شهر تا مقصد کمتر از چهار فرسخ باشد، احتیاطاً نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند.



«نکونام»: مواردی که فاصله‌ی شهرها تفاوت کرده است، میزان، مسافت فعلی میان خانه‌های پایانی دو شهر است؛ خواه شهر کوچک یا بزرگ باشد و خواه بزرگ عادی یا بزرگ غیر عادی باشد و خواه محله‌های شهر به هم متصل یا جدای از هم باشد و یا چه قصد سفر از خانه و محله یا از خارج شهر نماید و خواه آشنای مردم محله‌ای باشد یا نباشد.

پس در زمان کنونی که شهرها دیوار ندارد، ابتدای مسافت شرعی و صدق

سفر، خانه‌های پایانی شهر - نهایت شهر - است و دلیلی بر تفاوت میان شهرهای خیلی بزرگ و کوچک یا میان محله‌ها وجود ندارد. به بیان قرآن مجید: «اذا ضربتم في الأرض»، و صدق سفر موقعی است که خانه‌ای نباشد و تنها زمین و جاده باشد که بیرون رفتن از شهر بر آن صادق خواهد بود؛ پس بر کسی که در شهر خود حرکت می‌کند، عنوان مسافر صادق نمی‌کند؛ خواه مردم محله‌ای از شهر آن را بشناسند یا نشناستند؛ چرا که ممکن است همسایه‌ی وی نیز او را نشناشد.

به طور اساسی، ملاک سفر، بیرون آمدن از خانه‌های پایانی شهر است و اگر طول وسعت شهری بیست فرسخ نیز شود، میزان، خروج از شهر می‌باشد و ابتدای مسافت از نهایت شهر است. اگر کسی در میان شهر خود؛ هر چند بزرگ نیز باشد - بیش از بیست فرسخ حرکت نماید و مسافر نیز شناخته گردد، صدق سفر ندارد و نیازی به انجام احتیاط و جمع خواندن میان تمام و قصر نمی‌باشد.



◻ عبور از حد ترخص

س ۴۹۴ - کسی در بعضی از اوقات سال در فاصله‌ی بیشتر از چهار فرسخ به حمل و نقل بار با ماشین می‌پردازد، در این مقدار فاصله، عبور وی از میان زمین‌های مزروعی خود که خارج از حد ترخص است می‌باشد و در جای دیگر از کمتر از حد ترخص ده عبور می‌کند، آیا عبور از زمین‌های مزروعی و عبور از کمتر از حد ترخص، هر دو موجب قطع سفر می‌شود یا یکی از این دو یا هیچ کدام؟

«گلپایگانی»: عبور از ملک مزروعی خود که خارج از حد ترخص است موجب قطع سفر نمی‌شود، و اما عبور از مادون حد ترخص وطن موجب قطع سفر است. بنابراین، در صورت دوم که عبور از مادون حد ترخص

باشد، اگر از همانجا که سفر قطع شده تا مقصد به قدر مسافت باشد، ولو تلفیقاً، نماز قصر است والا قصر نیست.

* * *

«نکونام»: تنها عبور از مادون حدّ ترخّص موجب قطع سفر می‌گردد.

□ □ □ □

■ سکونت در شمیران و شغل در تهران

س ۴۹۵ - شخصی که ساکن شمیران اما مغازه و محل کسب وی در تهران است، اگر در مسافرت خود از تهران بگذرد، آیا نماز وی قصر است یا تمام؟
 «گلپایگانی»: در صورتی که تهران وطن او نباشد و شمیران را برای خود وطن قرار داده، باید حد ترخّص را از شمیران ملاحظه نماید.

* * *

«نکونام»: در زمان کنونی، تهران و شمیران یک شهر شمرده می‌شود و حد ترخّص از تهران رعایت می‌گردد.

□ □ □ □

■ قصد اقامت در دو محل

س ۴۹۶ - شخصی در ماه رمضان یا محرم می‌خواهد برای تبلیغ در دو قریه‌ی نزدیک که صدای اذان از هر یک از آن دو قریه به قریه‌ی دیگر می‌رسد بماند، آیا قصد اقامت در این قریه جایز است یا نه؟ و اگر جایز نیست، وظیفه‌ی او چیست؟

ج - چنان‌چه آن دو قریه به نظر عرف، یک محل حساب شود، قصد اقامه صحیح است و اگر یکی محسوب نشود؛ چنان‌چه در یکی از آن دو قریه قصد اقامت نموده باشد و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی او را به قریه‌ی دیگر دعوت کنند، نماز و روزه‌اش در قریه‌ی دیگر نیز و در ایاب و ذهاب تا وقتی که انشاء سفر جدید نکرده، تمام و صحیح است.

□ □ □ □

﴿ معیار دو یا یک شهر یا روستا بودن

س ۴۹۷ - آیا رودخانه‌ای که از وسط شهر می‌گذرد می‌تواند معیار برای جدایی دو شهر باشد، برای نمونه، با توجه به رودخانه‌ی شهر قم می‌توان این شهر را دو شهر به حساب آورد یا خیر، بلکه معیار چیزهای دیگر است؟ و نیز بیان روستاهایی که در جوار هم با فاصله‌ی سیصد متری یا کم‌تر و بیش‌تر واقع شده‌اند یک ده دانسته می‌شوند یا متعدد؟

«گلپایگانی»: رودخانه‌ی بین یک شهر مانند شهر قم موجب تعدد شهر نیست و در مثل دو روستا، اگر در عرف دو محل است، باید احکام دو محل مرتب شود، و اگر یک محل باشد و یک روستا و دارای محله‌های متعدد و متفرق باشد، احکام یک روستا بر آن مرتب است.

* * *

«نکونام»: معیار دو یا یک شهر یا روستا بودن عرف است و ویژگی‌های جانبی: مانند وجود رودخانه، نقش اساسی در این زمینه ندارد.

□ □ □ □

﴿ رفتن مسافر به مکان کم‌تر از چهار فرسخ

س ۴۹۸ - کسی که قصد اقامت ده روز در جایی کرده و نماز خود را تمام انجام می‌دهد، بعد از چند روز به جایی که کم‌تر از چهار فرسخ است رفته و یک شب مانده و بعد بازگشته است، حال، آیا دوباره باید قصد اقامت کند یا نه؟ و اگر از روی جهل به مسأله آن را قصد نکند، نماز و روزه‌ی او چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض مذکور، اگر قصد برگشت به وطن ندارد، تا در محل اقامه است باید نمازش را تمام بخواند، و اگر قصد مراجعت به وطن، قبل از ده روز داشته است، در برگشت از محلی که رفته و در محل اقامه تا وطن باید نماز را شکسته بخواند و در صورتی که از جهت جهل به مسأله، تمام

خوانده باشد و بعد از وقت ملتفت شود، قضا ندارد.

* * *

«نکونام»: پس از چند روز ماندن در محل قصد اقامت، رفتن به مکانی کمتر از چهار فرسخ و ماندن یک شب در آنجا، زیانی به قصد اقامه‌ی ده روز وارد نمی‌آورد و با برگشت، نیازی به قصد اقامه‌ی دوباره ندارد؛ خواه قصد مراجعت به وطن، قبل از ده روز داشته باشد یا نداشته باشد و نیز در زمان برگشت از مکانی که رفته است بازگردد یا خیر. همچنین است در محل قصد اقامت که هرچند قصد بازگشت از آنجا را داشته باشد، نماز وی تمام است.

□ □ □ □

س ۴۹۹ - هرگاه مسافر، پس از قصد اقامت و خواندن یک نماز چهار رکعتی به محل دیگری که فاصله‌ی آن تا محل اقامت کمتر از چهار فرسخ است رفت و آمد کند، و در مرتبه‌ی آخر به منظور این که در محل اقامت؛ اگرچه کمتر از ده روز هم بماند نمازش تمام باشد، تصمیم جدی گرفت که یک مرتبه‌ی دیگر به آنجا برود، در صورتی که هیچ کاری در آنجا ندارد، آیا همین اندازه کافی است یا نه؟ و نیز اگر با این تصمیم حرکت نمود و وقتی به محل اقامت رسید از رفتن به آن محل پشیمان شد یا این که به مانعی برخورد، نماز وی در محل اقامت قصر است یا تمام؟

ج - در فرض مسئله، همان تصمیم جدی به این که یک مرتبه‌ی دیگر به آن محل برود، برای تمام خواندن نماز کافی است، و در صورت پشیمان شدن از رفتن به آن محل یا وجود مانع هم نماز را تمام بخواند؛ چون میزان در قصر نماز، انشای سفر جدید است و در فرض مذکور، این شخص انشای سفر جدید نکرده تا نمازش در محل اقامه شکسته باشد.

□ □ □ □

س ۵۰۰ - هرگاه مسافر پس از اقامه‌ی ده روز و خواندن یک نماز چهار رکعتی به

محل دیگری که فاصله‌ی آن تا محل اقامت کم‌تر از حد ترخص است رفت و آمد کند، در مرتبه‌ی آخر که دیگر به آن‌جا باز نمی‌گردد و در محل اقامت نیز قصد ماندن ده روز را ندارد، نماز وی در محل اقامت قصر است یا تمام؟

ج - در فرض مسئله، نماز او تمام است و اگرچه از همان محلی که برای آخرین بار به آن‌جا رفته مسافر حساب می‌شود، لکن چون مسافر باید پس از گذشتن از حد ترخص نماز را شکسته بخواند و در فرض مذکور، این شخص وقتی به محل اقامه می‌رسد هنوز به حد ترخص نرسیده، وظیفه‌اش تمام است و باید هر وقت از حد ترخص گذشت قصر نماید، و مبدء مسافرت را از محلی که پس از تحقق اقامه به آن‌جا می‌رفته حساب کند.



س ۵۰۱ - هرگاه مسافر در محلی قصد اقامت کرده و با خواندن یک نماز چهار رکعتی یا توقف ده روز اقامت وی محقق شود و سپس به محلی که فاصله‌ی آن تا محل اقامت کم‌تر از مسافت شرعی است برود، در رساله است که مانع ندارد و نماز وی تمام است، اگرچه هر روز برود و باز گردد؛ مگر در مرتبه‌ی آخر که چون دیگر به آن محل نمی‌رود، چنان‌چه بنا نداشته باشد در محل اقامت ده روز بماند، از همان محل مسافر است و در صورتی که فاصله‌ی آن تا محل اقامت بیش از حد ترخص باشد، باید نماز را در محل اقامت قصر بخواند، در این فرض، اگر شخص یاد شده بنا نداشته باشد پس از بازگشتن به محل اقامت، به محل دیگری که برای نمونه، فاصله‌ی آن تا محل اقامت دو فرسخ است برود و به محل اقامت باز گردد و سپس از محل اقامت به وطن رود، نماز وی پس از بازگشت از محلی که هر روز به آن‌جا می‌رود و پیش از رفتن به محل دوم تمام است یا قصر؟

ج - در فرض مذکور، نمازش تمام است.



س ۵۰۲ - مسافرتی به بندر عباس نمودم، در بازگشت نماز ظهر و عصر را در راه

نخواندم و به شهر خود که رسیدم هنوز وقت باقی بود، ولی فراموش کردم نماز خود را بخوانم و شب آن را به یاد آوردم، حال باید قضای آن را شکسته بخوانم یا تمام؟

ج - در فرض سؤال که وقت ظهر و عصر باقی بوده و به وطن رسیده‌اید، نماز ظهر و عصر را تماماً قضا نمایید.



س ۵۰۳ - شخصی نماز ظهر و عصر را در اول وقت نخوانده و مسامحه کرده و سپس مسافت نموده و در سفر نیز نماز وی قضا شده است، حال اگر بعد از مراجعت بخواهد نماز ظهر و عصر را قضا نماید، آیا آن را تمام بخواند یا قصر؟

ج - ملاحظه‌ی آخر وقت را بنماید، اگر در آخر وقت که نماز فوت شده مسافر بوده، قضا را قصر بخواند و اگر حاضر بوده، تمام بخواند.



■ نماز و روزه‌ی کسی که شغل وی در سفر است

س ۵۰۴ - کسی که راننده نیست ولی صاحب اتومبیل است و به عنوان کمک راننده به میزان مسافت شرعی به سفر می‌رود و به انجام کار می‌پردازد، آیا نماز وی تمام است و باید روزه بگیرد یا خیر؟ حکم آن در فرضی که همیشه وی با راننده نمی‌رود، بلکه گاه‌گاه با او همراه می‌شود چیست؟

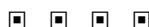
ج - اگر صدق کند که شغل او در سفر شغل اوست، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است؛ مشروط به این که ده روز در منزل نماند و در جایی هم به‌قصد توقف ده روز نماند، و در سفرهایی که اتفاقاً برای کارهای شخصی خود می‌رود، اگر به‌قدر مسافت شرعی باشد، نمازش قصر و روزه‌ی وی صحیح نیست.



س ۵۰۵ - من نظامی هستم و در خانه‌های سازمانی ارتش زندگی می‌کنم که

فاصله‌ی خانه‌ام تا پادگان که محل کار من است ده کیلومتر است، و هر روز صبح با سرویس به این پادگان می‌آیم و مراجعت می‌نمایم و تاکنون که مدت سه سال است در این حال زندگی می‌کنم و در خانه‌ام قصد ده روز ننموده‌ام، اگر به شهرستان خود بروم، تکلیف نماز و روزه‌ام چیست؟

ج - در فرض سؤال، بهنظر این جانب در مدت مأموریت خدمت و محل سکونت و در بین راه نماز تمام و روزه صحیح است.



س ۵۰۶ - مقلدان آن‌جانب که بین محل کار و محل سکونت آن‌ها بیش از مسافت شرعی و دائم در حال تردد بین آن دو هستند، نمازشان تمام است و روزه می‌گیرند، اکنون سؤالی که پیش آمده این است که شرکت به آن‌ها دستور داده برای گرفتن حقوق ماهیانه، برخلاف سابق که حقوق را به نزد آنان می‌آوردند، به مرکز استان روند، آیا در این سفر نیز روزه بگیرند؟ چون به دلخواه نمی‌روند، آیا سفر آنان سفر مأموریت است یا سفر شخصی محسوب می‌شود و باید افطار نمایند؟

ج - در فرض سؤال که برای دریافت حقوق خود سفر می‌کنند، جزء سفر شغل آن‌ها محسوب می‌شود و نمازشان تمام و روزه صحیح است.



س ۵۰۷ - این‌جانب کارگر برق ارونده‌کنار هستم که هشت فرسخی آبادان می‌باشد و این شهر زادگاهم می‌باشد، ولی بر اثر جنگ تحملی حدود دو سال است که در اهواز سکونت دارم و در حال حاضر پانزده روز کار و پانزده روز استراحت دارم، در روز استراحت دو بار مسافت می‌روم و ما تابع مقررات اداره می‌باشیم و در روز کار یا در آبادان یا در شادیگان و یا در ارونده‌کنار مشغول کار هستیم، تکلیف من نسبت به نماز و روزه چیست؟

ج - در فرض سؤال که در مدت پانزده روز استراحت هم مسافت می‌نمایید که ده روز در یک محل نمی‌مانید، چه در روزهای کار و چه در

روزهای استراحت، نماز شما تمام و روزه صحیح است. و اگر در روزهای استراحت در یک محل می‌مانید، نماز شما در ایام استراحت تمام است و در پانزده روز کار که نوشته‌اید در یک محل نمی‌مانید، قصر است و روزه صحیح نیست.



■ نماز و روزه‌ی دائم السفر در جنگ

س ۵۰۸- شخصی که در طول جنگ چهار ساله‌ی افغانستان به خاطر این که در این مبارزه سهم داشته باشد، دائم در سفر بوده و گاهی در افغانستان و گاه در ایران یا پاکستان بوده، ولی قصد مسافرت دائم را نداشته، و به صورت قهری چنین وضعی به وجود آمده و در آینده نیز امکان دارد این وضع ادامه پیدا کند، آیا روزه و نماز شخص مذکور تمام است یا نه؟ اگر تمام است، چنان‌چه در ماه رمضان از ایران به پاکستان مسافرت نماید، چه تکلیفی دارد؟ «کلپایگانی»: اگر هر یک از سفرهای مذکور قهراً پیش آمده و شغلی نداشته که لازمه‌اش این اسفار باشد، نماز قصر است و روزه صحیح نیست.



«نکونام»: لازم نیست شغل کسی که دائم در سفر است مادی و دنیوی باشد و همین که به خاطر مبارزه، به‌طور دائم در سفر باشد، حکم شغل در سفر را دارد و این که اراده‌ی او دخالتی در دائم السفر بودن وی ندارد، بلکه جنگ به‌طور قهری شغل او شده است، ناسازگاری با این امر ندارد که شغل او و سفر وی جنگ باشد و او مسافر دائمی شمرده شود؛ چراکه نمی‌توان گفت: قهری بودن امری، ناسازگاری با پیشه قرار دادن شدن آن دارد؛ پس در نهایت، نماز او تمام و روزه‌ی وی صحیح می‌باشد.



■ نماز و روزه‌ی کارگران کثیر السفر برای مدت نامعلوم

س ۵۰۹ - بعضی از کارگران شرکت نفت را گاهی برای مدت نامعلومی همه روزه به مسافت شرعی می‌برند و بعد از ظهر بر می‌گردانند و چه بسا ممکن است این کار چند هفته یا چند ماه طول بکشد و ممکن است رئیس آن‌ها نیز از طول این سفر آگاه نباشد، در این صورت، تکلیف نماز و روزه‌ی آنان چیست؟ و اگر بعد از آن معلوم شود که تا چند روز دیگر مسافت طول می‌کشد، آیا حکم کثیر السفر را پیدا می‌کند یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که مدت مسافت نامعلوم باشد، این شخص مسافر است، مگر آن که به قدری امتداد پیدا کند که صدق کند شغل این شخص در سفر است که در این صورت باید نماز را تمام بخواند و روزه را هم بگیرد.

* * *

«نکونام»: اگر از ابتدا آن را برای شغل در سفر می‌پذیرد، حکم کسی را دارد که شغل وی در سفر است و نماز وی تمام و روزه‌ی او صحیح است. اگر پس از پذیرش نیز کثرت مسافت به مدت نامعلومی برای کارگری پیش آید، همین حکم بر وی جاری است.

□ □ □ □

■ نماز و روزه‌ی کارگران کثیر السفر در فصلی از سال

س ۵۱۰ - بعضی از کارگران شرکت نفت در دوره‌ای از سال، چند ماه باید در مسافت باشند و برای مثل توزیع یخ در تابستان همه روزه باید مسافت شرعی را بروند و برگردند، اکنون تکلیف نماز و روزه آنان چیست؟

«گلپایگانی»: در این مدت که شغل آنان تقسیم یخ در سفر است، نماز ایشان تمام و روزه‌ی آنان صحیح است، فقط در سفر اول شکسته بخوانند.

* * *

«نکونام»: در زمان مسافت به مسافت شرعی برای هر کار مباحی که شغل

آنها شمرده شود؛ هرچند سفر اول باشد، نماز تمام و روزه صحیح است.



س ۵۱۱- شخصی که کار وی در تمام سال بردن جنس به تهران و آوردن جنس از آن جا و بردن به جاهای دیگر است، آیا تحت عنوان کسانی که شغلشان سفر است داخل می‌باشد؛ چون شغل او تجارت و ملازم با مسافرت است یا نه؟

ج- شخص مذکور چنان‌چه ده روز متوالی در منزل نمی‌ماند نماز او در سفر تمام و روزه‌ی او صحیح و عین مصدق «التاجر يدور في تجارته» می‌باشد.



﴿مبلغ کثیر السفر﴾

س ۵۱۲- طلبه‌ای همه هفته شب‌های جمعه برای تبلیغ به دهی می‌رود که فاصله‌ی آن از یک راه یک فرسخ و نیم و از راه دیگر هفت فرسخ است که روی هم رفته چهارده فرسخ می‌شود، در ضمن، وی دارای ملکی در آن ده می‌باشد، آیا وی حکم مسافر را دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر همه هفته برای تبلیغ به آن ده می‌رود، به‌نظر این جانب اگرچه از راهی که مسافت آن هفت فرسخ است برود، وظیفه‌اش اتمام نماز و گرفتن روزه است و در این صورت، اگر اتفاقاً ده روز در وطن بی‌قصد یا با قصد یا در خارج از وطن با قصد توقف کرد، در سفر اول باید نمازش را شکسته بخواند و روزه‌اش را افطار کند و داشتن یا نداشتن زمین و ملک به‌نظر حقیر دخالت در این مسأله ندارد.

* * *

«نکونام»: برای صدق «شغل در سفر»، سفر اول نیز حکم سفرهای بعدی را داراست و حکم تبلیغ که به عنوان شغل نیست و فقط کثرت سفر دارد نیز همان است که بیان شد.



س ۵۱۳- اگر کسی که دائم در سفر است، بیش از ده روز در منزل بماند و سپس به

مسافرت رود و در میان سفر بین دو محل که مسافت شرعی است بیش از دو بار تردد نماید، آیا بار سوم باید نماز را تمام بخواند یا تمام خواندن نماز مشروط به این است که مراجعت به منزل و سفر دوم را از منزل شروع نماید. توضیح این که اهالی روستایی در اطراف آبادان بیشتر در سفرند و گاهی که دوام سفر آنان در اثر ده روز ماندن در منزل قطع می‌گردد، جهت صید ماهی به دریا مسافرت می‌نمایند و ماهی را از دریا به کویت که بیش از چهار فرسخ فاصله دارد برای فروش می‌برند و از کویت دوباره به دریا بر می‌گردند و پس از صید ماهی دوباره به کویت برای فروش ماهی مراجعت می‌نمایند و همین طور تا پنج یا شش بار، حال آیا نماز در کویت و دریا محکوم به قصر است یا تمام؟ «گلپایگانی»: مراجعت به منزل شرط نیست و در مفروض سؤال، دفعه‌ی دوم که به کویت می‌روند، سفر دوم محسوب و نماز تمام است.

* * *

«نکونام»: در فرض مذکور، وی باید نماز خود را از نخستین سفر شغلی خود تمام بخواند و در سفر اول نیز مسافر شناخته نمی‌گردد.

□ □ □ □

س ۵۱۴ - ماهی گیران روستایی که در دریا صید ماهی می‌کنند، گاه برای خرید لوازم کشتی و گاه برای تهیه‌ی اوراق مربوطه و زمانی برای خرید لوازم زندگی خود و گاه به جهت مراجعه به طبیب از هشت فرسخی و نه فرسخی و دوازده فرسخی به آبادان می‌آیند و هیچ گاه آمدن آنان به آبادان جنبه‌ی تفریحی ندارد و بیش‌تر آنان مقلد مرحوم آیت‌الله حکیم قدس سره بودند که مطلق سفر را مگر سفر حج و زیارت، جزو کسب می‌دانستند، اکنون رجوع به حضرت آیت‌الله نموده‌اند، در این صورت نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

«گلپایگانی»: اگر مرحوم آیت‌الله حکیم ره فتواده داده باشند که مطلق مسافرت کسی که شغلش سفر است یا شغلش در سفر است، حکم سفر در شغل یا سفری را که شغل است دارد. کسی که این مسئله را از ایشان در زمان

حیاتشان اخذ کرده و عمل نموده فعلا هم می‌تواند به تقلید ایشان باقی بماند، ولی نظر حقیر این است که سفر چنین شخصی در صورتی حکم کثیر السفر را دارد که یا حین سفر در شغل یا سفری که شغل است باشد، یا از توابع و لوازم آن شمرده شود. اما سفر برای خرید آذوقه و اجناس و لباس برای خود و اهل و عیال یا مراجعت به طبیب از این مسأله خارج است.

* * *

«نکونام»: هیچ یک از این موارد سفر شغلی و یا توابع آن به حساب نمی‌آید و تمامی حکم سفر را دارد که قصر است.

□ □ □ □

■ کم شغل در سفر

س ۵۱۵- کسی برای تدریس یا کار دیگری به محلی رفت و آمد می‌کند، در نتیجه شغل او در سفر است، آیا مانند کسی است که سفر شغل اوست یا از آن‌جا که شغل او در سفر است و سفر شغل او نمی‌باشد، نماز وی تمام است و باید روزه بگیرد؟

«گلپایگانی»: بلی، تکلیف او اتمام نماز و گرفتن روزه است و در این هم که شغل در سفر باشد فرق نمی‌کند که در یک مکان خاص در موقع مسافرت به کسبی مشغول باشد یا در اثنا سیر کسب کند.

* * *

«نکونام»: میان کسی که شغل وی در سفر است یا شغل او سفر باشد تفاوتی در حکم نیست.

□ □ □ □

س ۵۱۶- عده‌ای از دانشجویان در دانش‌سرا برای مدت دو سال مشغول تحصیل هستند و تابستان را به‌وطن خود می‌روند، و در دانش‌سرا شبانه‌روز سالی نه ماه زندگی می‌کنند و هر هفته یک روز به کرمان می‌آینند و ممکن است از ابتدای

امر نیز پنج روز پی در محل دانش‌سرا سکونت ننمایند، تکلیف آنان در دانش‌سرا از جهت قصر و اتمام چیست؟

ج - در فرض سؤال، اهل کرمان نمازشان تمام و روزه‌ی ایشان صحیح است و اشخاصی که از منزلشان تا دانش‌سرا به قدر مسافت بوده، اگر یک مرتبه قصد اقامه‌ی ده روز کرده باشند و یک نماز چهار رکعتی بجا آورده باشند، دیگر هرچه مسافت به کرمان بنمایند و برگردند، نماز آن‌ها تمام و روزه‌ی آن‌ها صحیح است و هم‌چنین اگر هیچ‌گاه قصد اقامه‌ی ده روز نکنند، چون حکم دائم السفر را دارند.



س ۵۱۷ - مسافری که به عنوان کارگری در محلی قصد می‌کند که مدتی بماند اما همه روزه صبح باید به سر کار خود که در یک فرسخی محل قصد وی واقع است برود و شب باز گردد، آیا قصد وی اشکال ندارد و تکلیف وی نسبت به انجام فرایض چیست؟

ج - در فرض مسأله، قصد اقامه محقق نشده، لکن چنان‌چه بنای ادامه مدت معتبه را دارد، پس از دو سه روز نماز او تمام و روزه‌اش صحیح است.



س ۵۱۸ - کسی که از محل خود به اطراف کرمان آمده و در ذوب آهن کار می‌کند و برای سکونت خود خانه‌ای اجاره کرده که تا محل کار چهار فرسخ فاصله دارد و صبح به آن‌جا می‌رود و شب باز می‌گردد و مدت چند سال است که نماز خود را تمام می‌خواند و روزه‌ی رمضان را بدون قصد اقامه می‌گیرد و سالی چند مرتبه به شهر خود می‌رود و در رفت و آمد به آن به احکام مسافر عمل می‌کند، اکنون نماز و روزه‌ی وی چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض موقوم، به‌ نحوی که عمل می‌کرده‌اند تکلیف‌شان اتمام نماز و گرفتن روزه است. و در رفت و آمد به شهر خودشان که اتفاقاً

می‌روند و سفر در شغل و جهت شغل نیست، حکم مسافر را دارند که نمازشان قصر و روزه را باید افطار کنند و اگر با قصد، ده روز در محلی که خانه را اجاره کرده‌اند یا در محل شغل بمانند تا در آن محل هستند، نماز را تمام بخوانند و در سفر اول، باید نماز را شکسته بخوانند و روزه را افطار کنند.

* * *

«نکونام»: در این حکم، میان سفر اول و غیر آن تفاوتی نیست و وی باید از نخستین سفر شغلی خود، نماز را تمام بخواند.

□ □ □ □

س ۵۱۹ - شخصی ساکن در شهری است و بیشتر هفت‌ها را به ورامین که چهار فرسخی است مسافرت می‌نماید و روز بعد مراجعت می‌کند، حکم قصر و اتمام نماز او را بیان فرمایید.

ج - اگر شغل خود را به این نحو قرار داده که هر هفته یک مرتبه تا چهار فرسخی مسافرت کند و فردای آن روز مراجعت نماید، نماز و روزه‌ی او تمام و صحیح است.

□ □ □ □

س ۵۲۰ - اجیری مدت یک ماه است روزی بیست فرسخ راه را جهت کاری مسافرت می‌کند، آیا این عده محکوم به حکم کسی هستند که دائم در سفر است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر تصمیم دارند مدت قابل اعتمایی کار خود را در سفر انجام دهند، حکم دائم السفر را دارند، نماز تمام و روزه‌ی آنان صحیح است و اگر فقط چهل یا پنجاه روز مثلاً شغل خود را به این ترتیب قرار داده‌اند، مسافر هستند و نمازشان قصر است، روزه را نیز باید افطار نمایند.

* * *

«نکونام»: در همین مدت صدق دائم السفر را دارند و نماز آنان تمام است.

□ □ □ □

س ۵۲۱ - کسی که دائم در سفر است و در وطن خود بر اثر مسدود شدن راه، ده روز یا زیادتر می‌ماند و در بین این ده روز مسافرتی به مسافت سه فرسخ و نیم می‌رود که با بازگشت آن به هفت فرسخ می‌رسد، آیا برای سفر بعد مسافر است و نماز وی قصر می‌شود یا خیر؟

ج - در فرض مسئله که ده روز در منزل نمانده، سفر اول نیز تمام است.

□ □ □ □

س ۵۲۲ - اشخاصی که مقیم کویت هستند و معلوم نیست تا چند سال در کویت می‌مانند و هر روز از محل اقامتشان تا چهار فرسخ یا بیشتر برای کار می‌روند و باز می‌گردند یا دست کم آنها را در هر ماهی چند مرتبه تا چهار فرسخ می‌برند، چگونه نماز بخوانند و روزه بگیرند و آیا تفاوتی میان بومی‌ها و مهاجران مقیم هست یا نه؟

«گلپایگانی»: اشخاص مذکور اگر در کویت قصد توطن نکرده‌اند و عازمند که پس از مدتی به وطن خود باز گردند، مسافر هستند و مادامی که قصد ده روز نکرده‌اند یا سی روز مرددا نمانده‌اند، نماز آنان قصر است و روزه را باید افطار کنند. بلی، اگر سفر طولانی شود که دائم السفر باشند، نمازشان تمام و روزه‌ی آنان صحیح است و هم‌چنین اگر در مدت معتمدی همه روزه هشت فرسخ بروند یا چهار فرسخ بروند و چهار فرسخ برگردند حکم دائم السفر را دارند، و هرگاه ده روز در یکجا قصد نمایند، در سفر اول، نماز قصر و در سفرهای بعد تمام است و اگر ده روز بی قصد بمانند، در سفر اول احتیاطا جمع و در سفرهای بعد، تمام بخوانند.

* * *

«نکونام»: در همین مدت صدق دائم السفر دارند و تفاوتی میان آنان و بومیان

نیست.



س ۵۲۳ - این حقیر به سبب انجام معامله که شغلی اصلی من است راننده‌ی دائم السفر می‌باشم و نماز خود را تمام می‌خوانم و روزه را می‌گیرم، اخیراً بیشتر مسافرت‌های من با شغلم که معامله است کم‌تر ارتباطی دارد و بیشتر برای انجام کارهای ضروری دیگری غیر از امرار معاش است، استدعا دارد وظیفه‌ی این جانب را بیان فرماید؟

ج - در صورتی که کارهای ضروریتان مربوط به زندگی و امرار معاشران باشد و در سفر باید انجام شود، باز هم حکم دائم السفر دارید که نمازتان تمام است و روزه را بگیرید، ولی اگر مسافرت برای زیارت یا دیدن یا عیادت مریض و امثال این‌ها از اموری که مربوط به امرار معاش نیست باشد، حکم مسافر را دارید.



س ۵۲۴ - این جانب معلم می‌باشم و در تابستان و ایام تعطیل با اتومبیل به کار مسافربری یا باربری از شهر محل سکونتم به خارج شهر می‌روم، نماز این جانب در بیرون از شهر چگونه است؟ در ضمن، محل کارم هنگام تدریس در روستایی است که هر روز صبح از آن‌جا به محل کارم می‌روم و شب‌ها باز می‌گردم، تکلیف نماز این جانب چگونه است؟

ج - اگر در تمام دوازده ماه، سه ماه به نحو مذکور مسافربری یا باربری می‌کنید و سفر شما به مقدار مسافت شرعی است و نه ماه برای شغل خود که معلمی است به نحو مذکور در سؤال رفت و آمد می‌کنید، در تمام سال باید نماز را تمام خوانده و روزه را بگیرید.



س ۵۲۵ - بعضی از پرسنل نظامی، در پایگاه نوژه‌ی همدان زندگی می‌کنند که

وطن آنان نیست و محل کارشان در جایی است که از پایگاه تا سایت مذکور و محل کارشان هر روز یا هفته‌ای چند روز به اندازه‌ی مسافت شرعی در رفت و آمد هستند، نماز و روزه‌ی آن‌ها چگونه است؟ توضیح این که پرسنل یاد شده دست‌کم سه سال است که چنین می‌باشند؟

ج - در فرض مذکور، اگر در محل زندگی که وطن پرسنل نیست قصد اقامت ده روز کرده باشند و با این قصد یک نماز چهار رکعتی تماماً خوانده باشند، بعد از این، نماز در هر دو محل و بین دو محل تمام و روزه صحیح است، مادامی که مجدداً به مسافت شرعیه مسافرت نکرده باشند و اما اگر یک نماز چهار رکعتی تماماً با قصد اقامت بجا نیاورده باشند تا سفر طول نکشیده، نماز قصر است و روزه صحیح نیست و بعد از صدق طول سفر نماز تمام و روزه صحیح است.



س ۵۲۶ - این جانب دانشجویی هستم که از شهرستان اراک به تهران آمده‌ام و نظر به این که محل تحصیل با منزلی که در آن سکونت دارم به اندازه‌ی مسافت شرعی فاصله دارد و هر روز این مسیر را طی می‌کنم و هم‌چنین قصد توطن در تهران نکرده‌ام، نماز و روزه‌ام چگونه است؟

ج - در فرض سؤال، اگر در بین ایامی که در تهران اشتغال به تحصیل داردید ده روز را در یک محل نمی‌مانید و در بین نه ماهی که اشتغال دارید گاهی به اراک مراجعه می‌کنید، در اراک هم ده روز مستمرا نمی‌مانید، نماز شما تمام است و روزه را باید بگیرید.



س ۵۲۷ - این جانب ساکن اصفهان هستم و مدت دو سال است که به محل کارم در شهرکرد که واقع در یکصد کیلومتری اصفهان است هر روزه رفت و آمد می‌نمایم و در مدت گذشته نمازها را در آن‌جا شکسته بجا می‌آوردم و در مورد روزه نیز

به حکم مسافر عمل می نمودم، ولی امسال در ایام ماه مبارک رمضان، از استفتایی که از حضرت عالی شده بود باخبر شدم که می بايست نماز را تمام بخوانم و روزه نیز بگیرم، تکلیف من در مورد نمازها و روزه های گذشته چیست؟

ج - در فرض سؤال نمازهایی را که شکسته خوانده اید و روزه هایی را که افطار نموده اید باید قضا کنید.



س ۵۲۸ - لو سكن المهاجر من وطنه من جهة الحرب في محل يبعد من البلد مسافة شرعية وكان مضطراً للوصول إلى البلد لشراء لوازمه الضرورية أو لمعالجة مريضه في كل أسبوع مرّة أو أكثر فما حكم صلاته وصيامه في محل سكناه؟

- اگر مهاجری به سبب جنگ از وطن خود در منطقه ای دوردست ساکن شود که بیش از مسافت شرعی باشد و وی ناچار باشد برای خرید وسائل لازم و ضروری و یا برای درمان بیمار در هفته یک یا دو بار به آنجا رود، حکم نماز و روزه وی در محل سکونت او چیست؟

ج - في فرض السؤال، لو طالت المدة بمقدار معتنى به مثل أربعة أو خمسة أشهر مثلاً، والحال هذه، فصلاته تامة، ويجب عليه الصيام.

- در فرض پرسش، اگر مدت سکونت وی طولانی شود؛ به گونه ای که برای نمونه چهار یا پنج ماه در آنجا بماند، نماز وی تمام است و واجب است روزه بگیرد.



س ۵۲۹ - کسی که دائم در سفر است بعد از ماندن ده روز در وطن، در سفر اول جنسی از وطن به کرج که فاصله‌ی آن بیش از هشت فرسخ است می برد، و چون جنس در آنجا به فروش نمی رود آن را به تهران می برد، آیا بازگشت به تهران

سفر دوم است یا خیر؟

ج - سفر اول، از وطن به مقصد است و از آن جا به مقصد دیگر سفر دوم
محسوب است و باید نماز را تمام بخواند.



س ۵۳۰ - بندۀ شغلیم پرورش زنبور عسل می‌باشد و در سال، مدت هشت ماه سیار
هستم، و زنبورها را این طرف و آن طرف می‌برم، اگرچه مدت اقامت زنبورها از
مدت ده روز زیادتر است، خود من نه در خانه ده روز می‌مانم و نه در سرکار و
پیوسته در رفت و آمد هستم و در بین رفت و آمدها سفرهای اتفاقی نیز برای من
روی می‌دهد، و چهار ماه زمستان نیز در منزل هستم و در میان ده روزی که
می‌خواهم در خانه بمانم، مسافرتی مصلحتی می‌نمایم، تکلیف روزه و نماز بندۀ
چیست؟

ج - در فرض سؤال، نماز شما در هشت ماهی که در سفر هستید تمام
است و روزه را هم باید بگیرید، ولی در چهار ماهی که در منزل هستید؛
گرچه در بین ده روز سفر مصلحتی هم بکنید، حکم دائم السفر را ندارید؛
یعنی در صورت مسافرت، نماز شکسته است و روزه هم صحیح نیست.



س ۵۳۱ - آیا مرحوم سید در عروة الوثقی میان کسی که شغلش در سفر است یا
شغل او سفر است تفاوتی نهاده است؟

ج - کسی که سفر شغل اوست در ذیل هفتمین شرط قصر و کسی را که
شغلش در سفر است در مسأله‌ی «التاجر الذي يدور» ذکر فرموده، و
خلاصه هر دو نوع سفر شغل است، لکن یک جا سفر تابع شغل است؛
مثل تاجر که برای تجارت سفر کند و یک جا سفر بالاستقلال شغل است؛
مثل قاصد و سائق و ملاح.



س ۵۳۲ - شخصی در قم به تحصیل علوم دینی می‌پردازد و تصمیم دارد تا زمانی

که اسباب تحصیل وی فراهم است در قم بماند و قصد ندارد در غیر قم حتی در روستای خود اقامت همیشگی داشته باشد، ولی از وطن خود نیز اعراض نکرده و چند سال است در قم ساکن است و هر هفته جهت سرپرستی هیأت و جلسه‌ی قرائت، جمعه را به تهران مسافرت می‌کند و در میان این مدت، به وطن خود یا به جای دیگر مسافرت نموده و در سال نیز در ایام ماه مبارک رمضان و محرم و صفر جهت تبلیغ به مسافرت می‌رود، در این صورت، نماز وی در قم و تهران چگونه است و در مراجعت از غیر تهران در موقع تبلیغ، نماز و روزه‌ی وی چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: با فرض آن که قصد دارد همیشه در قم باشد و از وطن هم اعراض نکرده، در قم و وطن اصلی، نمازش تمام است و در مواقعي که همه هفته به تهران می‌رود از سفر دوم، نماز را تمام بخواند و اگر در بین ده روز در وطن توقف کند، سفر اول شکسته و سفر دوم تمام است و در غیر وطن نیز چنان‌چه با قصد ده روز توقف نماید، در سفر اول شکسته و در سفر دوم تمام است، و اگر توقف ده روز در غیر وطن بدون قصد باشد، بنا بر احتیاط واجب، در سفر اول جمع بین قصر و اتمام کند و در مورد مراجعت از غیر تهران؛ چنان‌چه سفر تبلیغی باشد و در محل تبلیغ کمتر از ده روز مانده باشد، نماز تمام است و اگر سفر برای غیر تبلیغ باشد، قصر است.

* * *

«نکونام»: تفاوتی میان سفر اول و دوم نیست و وی باید نماز را از نخستین سفر شغلی خود تمام بخواند.

□ □ □ □

س ۵۳۳ - شخصی است که حدود هشت سال است که در کارخانه‌ی ایران خودرو

تهران مشغول کار است، و منزل وی در تهران در خزانه‌ی بخارایی است، آیا وی حکم مسافر را دارد و نماز او قصر است یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر محل کار خارج تهران باشد و از منزل تا محل کار به اندازه‌ی مسافت شرعیه باشد و هر هفته از منزل به محل کار رفت و آمد کند، نماز را باید تمام بخواند و روزه را باید بگیرد.

* * *

«نکونام»: میان شهرهای بزرگ (بلاد کبیره) و شهرهای کوچک در این حکم تفاوتی نیست و حد ترخص از آخرین نقطه‌ی شهر محاسبه می‌شود.

□ □ □ □

س ۵۳۴ - رانندگان تاکسی معمولاً در شهر و اطراف شهر کار می‌کنند و نوع روزها بیشتر از سه فر疏 از شهر دور نمی‌شوند، ولی ممکن است در بعضی وقت‌ها، برای مثال، ماهی دو یا سه مرتبه هشت فر疏 یا بیشتر از شهر دور شوند و سفرهای شرعی آنان نسبت به سفرهای کم‌تر از مسافت، نادر است، بنابراین، رانندگان مذکور حکم کثیر السفر را دارند یا نه؟

ج - رانندگان مذکور که شغلشان رانندگی در کم‌تر از مسافتی است که شرعاً موجب قصر می‌شود، حکم کثیر السفر را ندارند، مگر آن که به‌ نحوی مسافرت کنند که صدق بکند که رانندگی در مسافرت شرعی ولو ملتفقاً، شغل آن‌هاست.

□ □ □ □

س ۵۳۵ - شخصی راننده‌ی ماشین بارکش شهری است، ولی هفته‌ای یک یا دو مرتبه و گاهی هم ده روز پی‌درپی مسافرت به مسافت شرعی می‌نماید، آیا کثیر السفر درباره‌ی این شخص صدق می‌کند یا نه؟

ج - در صورتی که تصمیم دارد در مدت قابل اعتمایی هر هفته مسافرت مزبور را ادامه دهد، حکم دائم السفر را دارد.

□ □ □ □

س ۵۳۶ - شخصی می‌گوید من راننده‌ی فلان اداره هستم و ممکن است در ماه،

چندین مرتبه از اداره‌ی مربوطه مسافرت نمایم و گاهی نیز در ماه، تنها یک مرتبه مسافرت برای وی پیش می‌آید، بنابراین، تکلیف نماز و روزه‌ی او چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، اگر شغل او رانندگی در مسافت باشد، نماز او تمام و روزه‌ی او صحیح است، مگر هر وقت که قصد کند ده روز در محلی بماند که در سفر اول، نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند و در سفر دوم، نماز تمام و روزه‌اش صحیح است و اگر شغل او رانندگی در شهر و کمتر از مسافت باشد، در موقع سفر اتفاقی، نماز را شکسته و روزه را باید افطار کند.

* * *

«نکونام»: همان گونه که گذشت تفاوتی در میان سفر نخست با دیگر سفرها نیست و وی باید نماز را از نخستین سفر شغلی خود تمام بخواند.

□ □ □ □

س ۵۳۷- کسی که مانند راننده‌ی ماشین، شغل او سفر است و در میان راه به علت نقص فنی که اتومبیل پیدا می‌کند، اتومبیل را در محل می‌گذارد و برای رفع نواقص و تکمیل بعض لوازم اتومبیل به نقطه‌ای سفر می‌کند و برای نمونه، دو روز نیز طول می‌کشد، آیا در این دو روز باید نماز خود را تمام بگزارد و روزه نیز بگیرد یا نه؟

ج- این سفر هم جزو توابع سفری است که شغل اوست و وظیفه‌اش اتمام نماز و گرفتن روزه است.

□ □ □ □

س ۵۳۸- شخصی که شغلش رانندگی است به مقصد هشت فرسخی مسافر می‌برد و لی در بازگشت، بدون گرفتن مسافر بلکه فقط به خاطر کار شخصی خود باز می‌گردد، آیا وقت برگشتن، نماز او تمام است یا نه؟

ج - رجوع از سفری که شغل اوست حکم خود سفر را دارد و نماز او تمام است.



س ۵۳۹ - راننده‌ای که در مسیر خاصی به رانندگی و بردن مسافر اشتغال دارد، اگر به خاطر انجام کاری شخصی با ماشین مسافربری خود در مسیر دیگر و به مقصد شهر دیگر به سفر رود و در ضمن قصدش این باشد که طبق روال سابق، در بین راه مسافرکشی نماید، در این هنگام که هدف اصلی وی انجام کار شخصی است و قصد ضمنی و تبعی او بردن مسافر است، آیا در سفر روزه بگیرد و نماز وی تمام است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، هر کدام از دو قصد که در نظر او اقوی و مستقل باشد و دیگری تبعی باشد، معتبر است. اگر کار شخصی است، نماز قصر، و اگر مسافربری باشد، نماز تمام، و روزه صحیح می‌باشد.



س ۵۴۰ - راننده‌ی کامیونی ده روز در منزل مانده، اما به خاطر این که به مسافت نرفته در بعد از ظهر روز نهم، یک مسافت شرعی با ماشین خود و بدون بار انجام داده است، به این معنا که چهار فرسخ رفته و چهار فرسخ باز گشته، در صورتی که نماز مغرب و عشا را در آن جا خوانده است، آیا روز یازدهم که با بار به مسافت می‌رود، در سفر اول باید نماز را تمام بخواند یا شکسته؟

ج - در فرض سؤال، باید نماز را تمام بخواند.



س ۵۴۱ - اگر راننده‌ای که دائم السفر است به قصد زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با خانواده‌ی خود با ماشین باری خود اما خالی مسافت کند، آیا نماز وی شکسته است یا تمام؟

ج - در این سفر نمازش شکسته است.



□ تبعیت زن و شوهر در سفر

س ۵۴۲ - زنی که همراه شوهر خود به شهر دیگری می‌رود و اگر به شهری که پدرش در آن زندگی می‌کند و خود او هم سابقاً در آن شهر زندگی می‌کرده بباید و قصد ده روز نکند، نماز را شکسته بخواند یا تمام؟

«گلپایگانی»: با آن که زن بنا دارد تابع شوهر باشد، باید قصر بخواند.

* * *

«نکونام»: زن هنگامی که همراهی شوهر را دارد، همانگونه که مرسوم و عرف جامعه‌ی ماست، در احکام سفر، تابع شوهر به حساب می‌آید؛ هرچند قصد تبعیت نیز نکرده باشد یا نداند که تبعیت چیست تا قصد کند. پس زن در تمامی احکام باب سفر، حکم شوهر را دارد.

□ □ □ □

س ۵۴۳ - آیا به خانه‌ی شوهر رفتن دختر، در حکم اعراض از وطن محسوب می‌شود و اگر فاصله‌ی خانه‌ی پدر و منزل شوهر به حد مسافت شرعی باشد و به خانه‌ی پدر برود و بدون قصد اقامت، چند روزی بماند، نماز وی شکسته است یا تمام؟

ج - متعارف، اعراض از وطن اصلی و تبعیت از شوهر در توطن است، مگر در بعضی موارد؛ مثل آن که شرط کند با شوهر که او را از وطن خود خارج نکند.

□ □ □ □

□ یکسان بودن وطن با شهر مسکونی در تبعیت

س ۵۴۴ - زن و شوهری در تهران سکونت دارند، زن اهل اصفهان و شوهر ساکن شیراز است، آیا زن تابع شوهر می‌باشد؛ یعنی اگر به وطن شوهر خود که شیراز است برود، نماز را تمام بخواند یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر زن در شیراز قصد ماندن ده روز نداشته باشد، نمازش قصر است.

* * *

«نکونام»: در فرض تبعیت، میان شهر مسکونی با شهر وطن تفاوتی نیست و

اگر زن به شهر شوهر رسید، همچون شوهر نماز وی تمام است و چنان‌چه به شهر خود نیز برسد، نماز وی قصر است و تبعیت زن از شوهر، خود در حکم اعراض زن از وطن سابق وی می‌باشد.



س ۵۴۵ - بنده در تهران و فرزندم در قم ساکن است، در صورت آمدن ما به منزل یک دیگر و ماندن بدون قصد اقامه‌ی ده روز، تکلیف نماز و روزه‌ی ما چیست؟
ج - هر کدام به تکلیف خود عمل کنید و تابع یک دیگر نیستید، مگر این که یکی از این دو محل، وطن دیگر یکی از شما باشد و از آن اعراض نکرده باشد، در این صورت، هر وقت به آن محل که وطن است بروید بدون قصد اقامه‌ی ده روز هم باید نماز را تمام بخوانید.



■ اعراض از وطن

س ۵۴۶ - معنای اعراض از وطن چیست؟

ج - اعراض از موضوعات عرفیه است و معناش ترک وطن به قصد عدم زندگی در آنجاست.



■ لازم نبودن داشتن ملک در وطن اعراض شده

س ۵۴۷ - شخصی از وطن اصلی خود اعراض کرده، اما در آن جا ملک دارد، آیا چنین شخصی با کسی که ملکی در وطن اعراض شده‌ی خود ندارد تفاوتی در حکم دارد یا نه؟ و نیز اعراض از وطن اتخاذی با اعراض از وطن اصلی فرق می‌کند یا خیر؟

«گلپایگانی»: به نظر این جانب با اعراض از وطن، ملک داشتن و نداشتن فرق نمی‌کند و نماز در وطن معرض عنه قصر است، لکن چون مشهور با داشتن ملک، حکم به تمام می‌فرمایند، اگر احتیاطاً جمع نماید، بسیار

خوب است، و در این جهت، فرق بین وطن اتخاذی و اصلی نیست.

* * *

«نکونام»: با فرض اعراض در صورت مسأله، نماز قصر است و داشتن ملک، مانع اعراض نیست، همان‌گونه که نداشتن آن، مانع قصد وطن یا عدم اعراض نمی‌باشد و جمع خواندن - تمام و قصر - نیز وجه درستی ندارد؛ هرچند احتیاط، به خودی خود و در صورتی که به وسوس نینجامد، می‌تواند مطلوب باشد.

□ □ □ □

س ۵۴۸ - در این مسأله که اگر شخصی از وطن خود اعراض کند، هنگامی که به آن‌جا می‌رود حکم مسافر را دارد، مراد از اعراض چیست: تنفر و انزجار است یا بنگذاری بر زندگی نکردن در آنجاست؛ اگرچه علاقه به بودن در آن‌جا داشته باشد؟

ج - اعراض از وطن، تصمیم به عدم اقامت در آن محل است؛ خواه به‌واسطه‌ی انزجار از آن محل باشد یا جهات دیگر.

□ □ □ □

س ۵۴۹ - بنده، خانه‌ی پدری‌ام در اهواز است، ولی چند ماهی است که در سوسنگرد ازدواج کرده‌ام و همان‌جا منزلی اجاره کرده و ساکن شده‌ام، در این صورت، وقتی به اهواز می‌روم نماز را چگونه بگزارم؟

ج - اگر از وطن سابق خود اعراض کرده باشید؛ هرچند به این نحو باشد که چون در مکان جدید کار و پیشه اتخاذ کرده‌اید، عرف‌شما را اهل آن‌جا بشمارند و بازگشت شما به اهواز، مثل انتقال اهالی سوسنگرد به اهواز، محتاج به عروض عارض باشد، در اهواز حکم مسافر را دارید.

□ □ □ □

■ اعراض نکردن زن از وطن خود

س ۵۵۰ - آیا همسری که از وطن خود اعراض نکرده به آن جا رود، نماز وی تمام است یا نه؟ همین طور وطن زوج که از آن اعراض نکرده و گاهی به آن جا می‌رود، برای زن نیز وطن به شمار می‌رود یا خیر؟

«گلپایگانی»: هر یک از زوج و زوجه اگر از وطن اصلی خود اعراض نکرده‌اند، به این معنا که باز برای توطن دائم یا موقت به آن جا بر می‌گردند، باید نماز خود را در آن جا تمام بخوانند، ولی اگر قصد بازگشت برای توطن ندارند و فقط گاهی برای دیدن ارحام می‌روند، حکم مسافر را دارند که اگر ده روز با قصد در آن جا نمانند، نمازشان قصر است.

* * *

«نکونام»: ازدواج زن با فرض تبعیت، در حکم اعراض از وطن وی است و دیدار پدر، مادر یا ارحام، در حکم سفر است و شوهر اگر از وطن اصلی خود اعراض نکرده باشد، نماز وی تمام است و در این صورت، زن نیز به تبعیت وی لازم است نماز را تمام بگزارد؛ هرچند دیدار ارحام غیر از اعراض نکردن است؛ پس تمام بودن نماز به بازدید ارحام نیست، بلکه تنها در فرض عدم اعراض شوهر از وطن خود می‌باشد.

□ □ □

■ معیار اعراض از وطن

س ۵۵۱ - در مسئله‌ی اعراض از وطن، مراد اعراض قصدی است یا اعراض عملی را نیز شامل می‌شود؛ برای نمونه، کسی از وطن اصلی خود خارج شده و ملکی نیز در آن جا ندارد و در یکی از شهرستان‌ها ساکن شده و در آن منزلی دارد و چند سالی است در آن جا زندگی می‌کند، بدون اعراض قصدی، فقط اعراض عملی و قهری دارد، حال اگر به وطن اصلی مسافت کند و قصد ماندن ده روز نداشته باشد، آیا باید نماز خود را شکسته بخواند یا تمام؟

«گلپایگانی»: اعراض از وطن تصمیم به عدم اقامت در آن جاست و اگر تصمیم به عدم اقامت نداشته باشد، اعراض نیست؛ هرچند سال‌ها به آن

وطن نرود. بلی، در بعض موارد، به واسطه‌ی طول مدت و غفلت از وطن اولی، بحسب عرف، اعراض صدق می‌نماید.

* * *

«نکونام»: اعراض از وطن، تصمیم گرفتن بر اقامت نداشتن در وطن است و اعراض عملی نیز همین حکم را دارد؛ به گونه‌ای که در صورت تفہیم معنای اعراض به کسی که اعراض عملی نموده است آن را تصدیق می‌نماید و چنین معنایی را در خود می‌پذیرد.

□ □ □ □

■ سفر و تبعیت فرزندان از پدر

س ۵۵۲- شخصی در روستایی در حدود یکصد کیلومتری اصفهان متولد شده و در چهار فرسخی آن روستا، محل بیلاقی داشته که تابستان‌ها سه تا چهار ماه در آن محل بیلاقی زندگی می‌کرده است و اکنون متجاوز از بیست سال است که ساکن تهران شده، ولی در آن روستا خانه دارد و سالی چند مرتبه به آن جا می‌رود و بعضی اوقات دو یا سه روز و گاهی بیشتر توقف می‌کند و می‌گوید اعراض نکرده‌ام، و چند فرزند دارد که همه‌ی آن‌ها در تهران متولد شده‌اند، آیا نماز این شخص و نیز فرزندان او در آن روستا و نیز در محل بیلاقی شکسته است یا تمام؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، نماز آن شخص در قریه‌ی مذکور که هنوز از آن اعراض نکرده تمام است، و نسبت به بیلاقی؛ چنان‌چه سکونت او سه یا چهار ماه در آن جا نیز به عنوان وطن بوده و هنوز اعراض ننموده، نماز در آن محل نیز تمام است و اما فرزندان آن شخص که خود مستقلند و در آن جا ساکن نیستند یا بچه‌هایی که فعلاً تابعند ولی در منزل تهران هستند و در آن قریه با پدر و مادر زندگی نکرده‌اند باید نماز خود را در آن قریه

قصر بخوانند.

* * *

«نکونام»: در فرض مسئله، فرزندان در صورت ادامه دادن تبعیت بعد از بلوغ و هم‌جواری با پدر هم‌چون گذشته، در حکم، تابع تکلیف پدر می‌باشند، مگر آن که مستقل عمل نمایند و تبعیت را نپذیرند؛ هرچند تحت سرپرستی پدر نیز باشند.

□ □ □ □

■ وطن دوم

س ۵۵۳ - آیا کسانی که در مکانی معین مدت طولانی می‌مانند ولی قصد اقامت دائم در آنجا را ندارند و آینده‌ی آنان روشن نیست، حکم کسی که در وطن است را دارند یا خیر؟

ج - در صورتی که قصد ماندن و سکونت به‌طور موقت نداشته باشند و سال‌ها در شهر یا روستایی زندگی کنند؛ هرچند قصد اقامت دائم نداشته باشند، حکم وطن بر آنها جاری می‌شود و باید در آنجا نماز را تمام بخوانند و روزه را بگیرند.

□ □ □ □

س ۵۵۴ - ما حکم صلاة و صيام المؤمنين المهاجرين من أوطنهم من جهة الحرب في البلاد التي سكنوا فيها، وبعضهم اشتري داراً وقد التوطّن فيها مادامت الحرب قائمةً، وبعضهم سكن من قبل الدولة، فهل يحسب وطنياً لهم، وأنّ صلاتهم تمام وعليهم الصيام أم لا؟

- حکم نماز و روزه مؤمنانی که از وطن خود به سبب منطقه‌ی جنگی بودن مهاجرت می‌نمایند در جایی که ساکن می‌شوند چیست؟ برخی از آنان خانه‌ای را تا زمانی که جنگ است به عنوان وطن خود بر می‌گزینند و برخی نیز از طرف دولت در جایی ساکن می‌شوند، آیا آنجا وطن آنان دانسته می‌شود و لازم است

نماز را تمام بگزارند و گرفتن روزه بر آنان واجب است یا خیر؟

ج- فی فرض المسألة، إن كان قصد هولاء التوطن إلى حين انقضاء الحرب أو زمان معین، فليس هذا البلد وطناً لهم، فلا يصحّ منهم التمام إلّا مع قصد إقامة عشرة أيام أو البقاء ثلاثين يوماً متردّداً.

- در فرض مسأله، اگر آنان آنجا را تا زمانی که جنگ است یا تا مدتی معین محل اقامت خود قرار می‌دهند و نه به صورت دائمی، آنجا وطن آنان دانسته نمی‌شود و بدون قصد اقامت ده روز یا ماندن به صورت مردد تا سی روز، نماز آنان تمام نیست.



■ معیار توطن

س ۵۵۵ - حد توطن دوم چیست؟

«گلپایگانی»: توطن ثانوی، گاه به اعراض از وطن سابق و اقامت در محل دیگر بدون قصد ترک آنجا به نحوی که اهل آن محل شناخته شود حاصل می‌شود و گاه به این که شخصی با عدم اعراض از وطن سابق، محل دیگر را نیز وطن قرار دهد که سالی مثلاً چند ماه در آن توقف داشته باشد؛ به نحوی که عرفاً او را صاحب دو وطن بشمارند.

* * *

«نکونام»: ماندن در محلی با عدم قصد موقّت برای این که وطن دوم وی به شمار آید بسنده است.



■ سفر به شهر دیگر، یک بار در هفته

س ۵۵۶ - شخصی که تهران وطن وی است و در قم نیز همسری دارد که به صورت مرتب هفته‌ای چند روز به قم می‌آید و دوباره به تهران باز می‌گردد، نماز و روزه‌ی او تمام است یا شکسته؟

«گلپایگانی»: اگر می خواهد تا آخر، در دو مکان که تهران و قم است زندگی داشته باشد بعید نیست که واجب باشد در قم هم نماز را تمام بخواند و اگر منزل قم دائمی نیست و موقت است، احتیاطا نماز را در قم جمع بخواند.

* * *

«نکونام»: در فرض مسأله، هر دو مکان، در صورتی که قصد موقت در وطن دوم را نداشته باشد، وطن محسوب می گردد و در صورت قصد موقت، حکم مسأله قصر است و جمع بین قصر و تمام لازم نیست.

□ □ □ □

ملاک صدق وطن

س ۵۵۷ - قصد توطن تنها در صدق وطن کافی است یا باید علاوه بر قصد توطن، مدت مدیدی بدون تخلل سفر در آن مکان اقامت کند؟

«گلپایگانی»: قصد توطن دائمی و توقف مقداری که عرفا صدق کند که وطن او شده کافی است.

* * *

«نکونام»: قصد توطن نیازی به صدق عرفی و حکم عرف ندارد و نیازی به اقامت طولانی مدد؛ آن هم بدون فاصله افتادن سفری نمی باشد و با فرض تمشی، قصد توطن در مکانی به دور از قصد موقت، صدق وطن می کند و از همان زمان، وطن دوم به شمار می آید و دارای حکم وطن است و نماز تمام می باشد.

□ □ □ □

س ۵۵۸ - ملاک وطن های متعدد چیست؟ چه مقداری باید در هر یک از آن ها سکونت کرد؟ و اگر در یکی از آن ها فقط وقتی ضرورت اتفاق می افتد که مدتی کمتر از ده روز در آن بماند، تکلیف وی در خصوص نماز و روزه چیست؟

ج - چنان چه انسان تصمیم داشته باشد سالی چند ماه در محلی به طور همیشگی بماند و صدق عرفی هم بکند، وطن او محسوب می شود، ولی با

ماندن چند روز در سال صدق وطنیت نمی‌کند. والله العالم.



■ وطن قراردادن شهرهای بزرگ

س ۵۵۹ - گفته می‌شود کسانی که قبل از سال ۱۳۲۵ ساکن تهران که از بلاد کبیره است شده‌اند، تهران وطن آنها محسوب می‌شود، و کسانی که سکونتشان در تهران بعد از تاریخ یاد شده باشد، تنها محدوده محل سکونتشان وطن به شمار می‌رود، نه همه‌ی تهران، حال بفرمایید در فرض اول که همه‌ی تهران وطن است، آیا تهران در تاریخ ذکر شده مراد است یا تهران فعلی؟

«گلپایگانی»: به نظر این جانب، اگر کسی بلاد کبیره را وطن خود قرار دهد، تمام بلاد وطن اوست؛ چه قبل از تاریخ مذکور باشد، چه بعد از آن، منتهی اگر به مقدار مسافت شرعیه (چهار فرسخ) در بلاد کبیره برود که برگردد، در این رفت و برگشت احتیاطاً بین قصر و تمام جمع کند. و نسبت به روزه، آن روز را روزه گرفته و بعداً قضا نماید، از جهت این که هشت فرسخ را طی کرده است، و چنان‌چه قبل از ظهر به منزل برسد و مفتری به عمل نیاورده باشد، واجب است نیت روزه کند و روزه‌اش صحیح است و قضا ندارد.

* * *

«نکونام»: برای وطن گرفتن، میان شهرهای بزرگ و کوچک تفاوتی نیست؛ خواه قصد گرفتن وطن پیش از بزرگ شدن شهر صورت پذیرفته باشد یا بعد از آن؛ پس اگر در داخل شهر، پیش از چهار فرسخ نیز رفت و برگشت داشته باشد، نماز شکسته نمی‌باشد؛ زیرا صدق موضوع سفر و مسافر پس از خروج از وطن است و کسی به واسطه‌ی سیر و حرکت در وطن مسافر نمی‌شود؛ هرچند مسافت فراوانی را نیز طی کرده باشد؛ همان‌گونه که ظاهر قرآن کریم: «إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» نیز بر موضوع بودن خروج از

وطن در صدق سفر دلالت می‌کند و سفر خواندن سیر و حرکت در وطن، خلاف دلالت قرآن کریم است، بنابراین، قصری در فرض مسئله نمی‌باشد و حکم نمازی که خوانده می‌شود تمام است و به جمع بین قصر و تمام نیز نیازی نمی‌باشد.



■ ملاک بزرگ و کوچک بودن شهرها

س ۵۶۰ - بلاد کبیره به چه شهرهایی می‌گویند، معیار کبیره بودن و صغیره بودن چیست؟ اگر معیار عرف است، عرف متفاوت است، اگر معیار اندازه‌ی جمعیت و ساکنان آن شهر است، داشتن چه مقدار جمعیت مورد نظر است و چه شهرهایی کوچک یا معمولی شمرده می‌شود و اگر معیار مسافت و مساحت و عرض و طول است، مقدار آن را بیان نمایید؟

«گلپایگانی»: هر جایی را که همه می‌گویند از بلاد کبیره است و در عرف مخالفی ندارد، از بلاد کبیره حساب می‌شود و مابقی را که شک دارد و نظر عرف در آن مختلف است، از بلاد صغیره حساب نمایید و هیچ یک از موارد مذکوره در سؤال معیار شرعی نمی‌تواند باشد.



«نکونام»: ملاک بزرگ و کوچک بودن شهرها عرف است؛ هرچند ملاک متفاوت شرعی ندارد و احکام بزرگی و کوچکی شهرها یکسان، و حد ترخص در خروج و ورود، آخر شهر - خانه‌های پایانی شهر - است.



■ سیر به مقدار مسافت شرعی در شهر وطن

س ۵۶۱ - شهری دارای طول و عرضی به اندازه‌ی چهار فرسخ است و اهالی آن شهر برای انجام کارها از این طرف به آن طرف شهر می‌روند و باز می‌گردند، آیا کسانی که این شهر وطن آن‌هاست، اگر چنین مسافتی را داخل شهر روند،

مسافر می‌گردند یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، اگر از آخر محلی که مبدء حرکت اوست تا به مقصد، به مقدار مسافت باشد و لو به نحو تلفیق و بین محلات فاصله‌ای باشد، اگرچه به مقدار حد ترخص و طوری باشد که عرفاً رفتن از این محل به محل دیگر را مسافرت گویند، نماز را قصر کند و اگر صدق مسافر بر او مشکوک است یا این که بین محلات فاصله نیست، احتیاطاً جمع نماید.

* * *

«نکونام»: با رفت و آمد در وطن، به هیچ وجه، صدق سفر حاصل نمی‌گردد؛ اگرچه چند برابر مسافت شرعی - با دور زدن، رفت و برگشت یا به هر گونه‌ی دیگری - رفت و آمد کند؛ که در چنین مواردی به هیچ وجه، صدق سفر حاصل نمی‌گردد و در هیچ صورتی از آن، نیازی به احتیاط و جمع کردن بین قصر و تمام نیست.

□ □ □ □

س ۵۶۲ - در شمال غربی تهران، در حدود سه کیلومتری بالاتر از بناهای اصلی شهر، ساختمان‌هایی مجزا از شهر احداث گردیده که به اسم جزو تهران به شمار می‌رود، بنابراین حد ترخص آن، آخرین نقطه‌ای که این ساختمان‌ها دیده می‌شود است یا باید این ساختمان‌ها مجزا گردد؟

«گلپایگانی»: اگر در نظر عرف، تهران محسوب است، حد ترخص جایی است که آن ساختمان‌ها دیده نشود و اگر در نظر مردم تهران محسوب نیست؛ نظیر شهری، باید مجزا شود.

* * *

«نکونام»: چنین مناطقی، شهرک‌های اقماری است که تا به هم متصل نشود، مستقل ملاحظه می‌شود و از شهر تهران به شمار نمی‌آید.

□ □ □ □

طی کردن مسافت شرعی در داخل شهر تهران (وطن)

س ۵۶۳ - آیا طی کردن مسافت هشت فرسخ یا مسافت ملتف به شرط این که رفتن آن چهار فرسخ یا بیشتر باشد، در شهر تهران موجب شکسته شدن نماز می‌باشد یا خیر؟

«گلپایگانی»: اگر از محل خود قصد رفتن به محل دیگری در تهران نماید که فاصله‌ی بین دو محل چهار فرسخ یا زیادتر باشد و قصد اقامت ده روز در مقصد نداشته باشد، احتیاط واجب جمع بین قصر و اتمام در نماز و گرفتن روزه و قضای آن است.

* * *

«نکونام»: در چنین مواردی اگر فاصله به مراتب بیش از مسافت شرعی نیز باشد، باز صدق سفر ندارد.

□ □ □ □

▣ حد ترخص در شهرهای بزرگ

س ۵۶۴ - آیا تهران از بلاد کبیره است یا نه؟ و در صورتی که از شهرهای بزرگ باشد، حد ترخص آن را از کجا باید حساب کرد؟

«گلپایگانی»: ظاهرا تهران از بلاد کبیره است، ولی احتیاط واجب جمع بین قصر و اتمام در بین حد ترخص محله و بلد است.

* * *

«نکونام»: بدون عنوان «ظاهرًا» که در پاسخ آمده است، باید گفت: تهران به طور قطع از شهرهای بزرگ می‌باشد، ولی حکم آن با حکم شهرهای کوچک یکسان است و حد ترخص آن همان بیرون آمدن از شهر می‌باشد نه محله، و در فاصله‌ی بین حد ترخص محله و شهر نیز نیازی به جمع کردن بین قصر و تمام نمی‌باشد.

□ □ □ □

س ۵۶۵ - یکی از شرایط قصر آن است که مسافر به حد ترخص برسد، اکنون

شهری مانند تهران که از شمال به جنوب؛ یعنی از دریند شمیران تا حضرت عبدالعظیم در حدود چهل کیلومتر یعنی قریب به هفت فرسنگ ساختمان متصل است و همچنانی از مشرق به غرب آن در حدود سی کیلومتر ساختمان متصل می‌باشد. در قدیم، بین تهران و حضرت عبدالعظیم و شمیرانات و نارمک و تهران پارس و تهران نو فاصله بوده، ولی حالا هیچ فاصله نیست و همه‌ی این مناطق تهران شمرده می‌شود، با این وضع، حد ترخص کجاست و آیا کسی که وارد مرکز تهران شده و قصد اقامت ده روز کرده، اگر به شمیران و حضرت عبدالعظیم و نارمک و تهران پارس برود، به قصد او ضرری وارد می‌شود یا نه و اگر کسی از شمیران به حضرت عبدالعظیم که سی کیلومتر است ببرود؛ چون متصل است، نمازش تمام است یا حکم مسافر را دارد و باید نماز را شکسته بخواند و چنان‌چه کسی از تهران به قم حرکت کرد و از میدان شوش که دروازه‌ی سابق بوده گذشت و صدای اذان را نشنید می‌تواند افطار کند یا باید صبر کند تا از حضرت عبدالعظیم بگذرد و افطار کند و نماز را شکسته بخواند؟

«گلپایگانی»: اولاً اتصال به وسیله‌ی جاده‌ای که در اطراف نزدیک آن، مغازه‌ی کارخانه مثلاً ساخته شده و عقب آن‌ها بیابان باشد که اتصال فقط از همین جاده است، کافی نیست. و ثانیاً مثل تهران و شمیران و حضرت عبدالعظیم؛ هرچند از هر طرف و به نحو کامل متصل شده باشند، محل واحد شمرده نمی‌شوند؛ اگرچه یک بلد باشد و قصد اقامه در هر سه‌ی این‌ها یا دو تای از این‌ها با هم قاطع سفر نیست، لکن در این صورت، نماز را احتیاطاً هم شکسته و هم تمام بخواند و در مثل تهران و نارمک و تهران پارس که از محلات تهران شمرده می‌شود و وسعت تهران موجب آبادانی آن‌جا شده و ظاهراً محل واحد است، اگر قصد اقامه در هر سه یا دو تا از این محل‌ها بنماید و بنا داشته باشد در بین آن‌ها رفت و آمد کند و به قدر مسافت؛ اگرچه ملتفقاً باشد، واجب است احتیاطاً جمع بین قصر و اتمام

نماید، ولی اگر کمتر از مسافت باشد، اقامه قاطع سفر است و باید نماز را تمام بخواند و نسبت به حد ترخص نیز کسی که از تهران به قم یا از قم به تهران می‌رود، حد ترخص او با شهر تهران ملاحظه می‌شود نه با حضرت عبدالعظیم، و اگر به شمیران می‌رود یا از شمیران به قم، حد ترخص او نسبت به خود شمیران ملاحظه می‌شود.

* * *

«نکونام»: تهران و شمیران با شهری یک شهر شمرده نمی‌شود؛ ولی تهران و شمیران یک شهر است؛ به گونه‌ای که شمیران، نارمک، تهران پارس از مناطق و محله‌های مختلف شهر تهران می‌باشد و برای تحقیق قصد اقامت، می‌توان یکی از این سه محل یا به‌طور کلی شهر تهران را مورد قصد اقامت ده روز قرار داد و قصد اقامت در شهر بزرگی مانند تهران با رفت و آمد بین نارمک، تهران پارس، شمیران و تهران اشکالی ندارد و نماز به واسطه‌ی آن تمام می‌باشد؛ خواه فاصله‌ی آن به قدر مسافت شرعی باشد یا کمتر از آن.

حد ترخص تهران با پایان پذیرفتن محله‌های آن، از جنوب، خارج شدن از شوش؛ و از شمال، بیرون آمدن از شمیران می‌باشد و حد ترخص شهری و حرم حضرت عبدالعظیم علیهم السلام، بیرون آمدن از پایان آن شهر است؛ چون تهران و شهری یک شهر شمرده نمی‌شود و حد ترخص یکسان ندارد. پس تهران، خاوران، نارمک و شمیران بخشی از تهران است و جدا نیست، ولی حضرت عبدالعظیم علیهم السلام شهر دیگری است؛ اگرچه متصل به هم باشد و در شهر تهران کسی مسافر نمی‌شود؛ اگرچه به‌قدر مسافت در آن حرکت داشته باشد و موضوع سفر خارج از شهر است و با قصد اقامت ده روز در تمام یک شهر، رفت و آمد مضر به قصد اقامت

نیست؛ اگرچه مناطق آن از یک دیگر دور باشد.



س ۵۶۶ - در مثل تهران به طول و عرضی که در پرسش پیشین ذکر شد، آیا می‌توانیم بگوییم تا حدودی که شهردار اجازه ساخت ساختمان و اداره‌ی برق امتیاز نصب کنتور برق می‌دهد و همچنین دیگر ادارات مانند آن مجوز ساخت می‌دهند، شهر تهران است و از آن حد که خارج شد، شهر تهران به شمار نمی‌آید؟

«گلپایگانی»: این میزان شرعی نیست.



«نکونام»: شهر همان منطقه‌ی موجود شهری است و آنچه در پرسش آمده است نمی‌تواند معیار قرار گیرد.



■ سفر معصیت

س ۵۶۷ - در رساله آمده است: اگر مسافر به قصد معصیت به سفر رود، نماز او تمام است؛ حال اگر شخصی را به جایی - که مسافت شرعی است - برای عروسی دعوت کنند و او می‌داند که در آن جا لهو و لعب است و مجبور است که در آن جا باشد، آیا نماز او قصر است یا تمام؟

ج - در این فرض؛ اگرچه مبتلا به حضور در مجلس معصیت می‌شود و از این جهت، معاقب و مسؤول است، ولی چون برای معصیت سفر نکرده، باید نماز را شکسته بخواند.



س ۵۶۸ - اگر کارمند دولت با اتومبیل دولتی برای انجام امور شخصی خود مانند دیدار دوستان یا زیارت مشاهد مشرفه و مانند آن مسافرت کند یا غیر کارمندان دولتی را سوار نماید، آیا سفر وی معصیت است و باید نماز را تمام بخواند؟

«گلپایگانی»: احتیاطا جمع بین قصر و تمام نماید.

* * *

«نکونام»: نماز وی شکسته است.

□ □ □ □

س ۵۶۹ - اهالی بخشی اطلاع دادند که زمین های آن بخش تقسیم و تمیلک غیر شرعی شده، آیا مسافرت آنها به آن اراضی موجب تمام خواندن نماز است یا خیر؟

«گلپایگانی»: احتیاط جمع بین قصر و اتمام است، لکن باید نماز را در جای مباح بخوانند.

* * *

«نکونام»: نماز آنان شکسته است.

□ □ □ □

نماز جماعت

﴿ اهمیت نماز جماعت در زمان پیامبر اکرم ﷺ
س ۵۷۰ - می‌گویند: حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده: کسانی که به جماعت حاضر
نمی‌شوند و نماز خود را به فرادا می‌خوانند یهودی هستند و با آنان آمیزش
نکنید، آیا این حدیث درست است یا نه؟

«گلپایگانی»: در امر نماز جماعت و ذم تارک آن در احادیث و اخبار تأکید
بلیغ شده و در خصوص این روایت، برای بررسی سند آن مقداری که
فرصت بود در بعضی از جوامع معتبره‌ی حدیث تبعی شد، به آن برخورد
نکردم، ولی علی الظاهر در بعضی از کتب نقل شده است، فعلاً راجع به
قوت و ضعف سند آن نمی‌توانم اظهار نظر کنم؛ هرچند متن آن خالی از
غراحت - به اصطلاح حدیث - نیست، ولی با توعیداتی که در ترک جماعت
شده صدور این مضمون هم بعید نمی‌باشد.

* * *

«نکونام»: این بیان - در حکم یهودی بودن - تنها نسبت به تارک نماز
جماعت در زمان حضور نبی و معصوم است و موارد دیگر را شامل
نمی‌شود؛ هرچند رها نمودن جماعت بدون دلیل در هر صورت ناپسند
است.

﴿احکام نماز جماعت﴾

س ۵۷۱- شخصی نماز مغرب خود را به نماز عشای امام اقتدا می‌کند و در حال قیام قرائت تسییحات اربعه شک می‌نماید که آیا رکعت سوم است یا چهارم، وظیفه‌ی وی چیست؟

ج- در فرض مذکور، اگر در حال قیام، رجوع به امام امکان ندارد، در همان حال قیام با اشتغال به ذکر بماند تا پس از این که امام سر از سجده‌ی دوم برداشت معلوم شود که رکعت سوم بوده یا چهارم. اگر معلوم شد که سوم بوده خودش رکوع و سجود را بجا آورد و نماز را تمام کند، و اگر معلوم شد این رکعت چهارم بوده بنشیند تشهید بخواند و سلام بدهد و بعد برای قیام بی‌جا سجده‌ی سهو بجا آورد.



س ۵۷۲- کسی که در صحت قرائت امام شک دارد آیا می‌تواند به وی اقتدا کند یا نه؟

ج- اگر بهنحوی باشد که بتواند حمل بر صحت کند، اقتدا جایز است.



س ۵۷۳- اگر مأمور پیش از امام سر از رکوع یا سجود بردارد و از روی جهل به مسئله، باز نگردد تا متابعت امام را بکند، تکلیف او چیست؟
«گلپایگانی»: نمازش باطل نیست.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.



س ۵۷۴- تا چه اندازه وجود فاصله میان امام و مأمور اشکالی ندارد؟
ج- باید بین امام و مأمور فاصله‌ی زیادی نباشد، ولی فاصله تا اندازه‌ی یک متر اشکال ندارد.



س ۵۷۵ - شخصی نمازهای گذشته خود را یا نخوانده و یا به اشتباہ انجام داده است و می خواهد آن را قضا نماید، آیا می تواند قضای نماز را به امام جماعت اقتدا نماید یا خیر؟

ج - در صورتی که اصلا نخوانده یا باطل خوانده جایز است به جماعت بخواند و با شک هم نماز خودش اشکال ندارد، لکن فاصله بین مأمورین قرار نگیرد.



س ۵۷۶ - اگر مأمور بداند که امام در رکعت اول یا دوم، رکوع نکرد یا یکی از رکن های دیگر را فراموش نمود یا زیادی انجام داد، چنان چه مأمور نیت فرادی نکند، نماز وی باطل است یا نه؟ و در صورتی که چنین امری در رکعت سوم و چهارم برای امام پیش آید، تکلیف مأمور چیست؟

ج - در هر جایی از نماز، مأمور فهمید که نماز امام باطل شده، نماز مأمور فرادا می شود و باید به وظیفه فرادا عمل کند و فرق بین رکعات نیست و اگر بعد بفهمد که نماز امام باطل بوده، اگر مأمور به وظیفه فرادا عمل نموده و فقط قرائت را ترک کرده، نمازش صحیح است و اگر در شک، رجوع به امام کرده یا رکن را جهت متابعت تکرار نموده، نمازش باطل است.



س ۵۷۷ - مسجدی است سه طبقه و وسط سقف طبقه بالا، پنجره ای بزرگ است و همچنین وسط سقف طبقه دوم نیز در مقابل پنجره طبقه بالا، پنجره ای است و در طبقه سوم نماز جماعت منعقد می شود و مأمورمان طبقه پایین مأمورمان طبقه بالا را می بینند، آیا مأمورمان طبقه بالا می توانند در این صورت به امام جماعت طبقه پایین اقتدا کنند یا نه؟ و بر فرض که اقتدا کرده باشند، نماز جماعت آنها صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، می توانند اقتدا نمایند؛ به شرط آن که اتصال صفوف

محفوظ باشد، به این معنا که اگر صفت فوقانی در جای خود در طبقه‌ی تحتانی قرار بگیرد، زیادتر از فاصله‌ی دو صفت، ما بین آن و صفت جلو نباشد و صفت اول طبقه‌ی دوم و سوم مقدم بر پنجره نباشد.



س ۵۷۸ - آیا برابری یا تقدم زن بر مرد در حال نماز با فاصله‌ی کمتر از ده ذراع مکروه است یا خیر؟ و آیا در این حکم، تفاوتی میان جماعت و فرادا هست یا نه؟ و دیگر این که اگر صفواف مأموران زن بیش از مردان باشد، جماعت آنان صحیح است یا خیر؟

ج - محادذات زن و مرد در حال نماز بدون فاصله‌ی مذکوره مکروه است؛ چه در جماعت باشد، چه در فرادا، و صفواف زن جلو مرد مانع نیست؛ به شرط آن که صفت از یمین یا یسار به مرد متصل باشد و زن در اتصال برای مرد کافی نیست.



س ۵۷۹ - شخصی نماز واجب خود را در اول وقت ادا می‌نماید و پس از آن که جماعت برگزار می‌شود وی آن را به جماعت اعاده می‌کند، در صورتی که در صفت اول باشد و بین او و مأموران دو طرف او نزدیک به یک ذراع فاصله باشد، آیا نماز کسانی که در طرف آخر صفت هستند صحیح است یا چون نماز او استحبابی است نمازشان قطع می‌شود؟

ج - نمازشان صحیح است.



س ۵۸۰ - مسجدی است در کراچی که در آن نماز جماعت برگزار می‌شود و دارای چهار طبقه و طبقه‌ی هم‌کف است. حالت نمازگزاران در طبقات به این شرح است:
۱) بعضی از نمازگزاران در طبقه‌ی اول می‌توانند امام جماعت و برخی از نمازگزاران طبقه‌ی هم‌کف را بینند.

۲) بعضی از نمازگزاران طبقه‌ی دوم و طبقه‌ی سوم می‌توانند بعضی از نمازگزاران طبقه‌ی هم‌کف را ببینند، ولی هیچ کدام از آنان نمی‌توانند امام جماعت را که در طبقه‌ی هم‌کف است ببینند.

۳) نمازگزاران طبقه‌ی چهارم نمی‌توانند هیچ کدام از نمازگزاران طبقه‌ی هم‌کف و طبقه‌ی اول را ببینند و آن‌ها فقط می‌توانند برخی از نمازگزاران طبقه‌ی دوم و طبقه‌ی سوم را ببینند.

در اینجا اضافه می‌کنم که در هر طبقه، صفاتی نمازگزاران برپاست و هیچ طبقه‌ای خالی نمی‌باشد. آیا نماز جماعت در این طبقات صحیح است یا خیر؟
ج - در جماعت لازم نیست تمام مأمورمان امام را ببینند، بلکه واجب است یا امام را ببینند یا متصل به امام باشند. مثل کسی که پشت سر امام ایستاده باشد که به وسیله‌ی او به امام اتصال دارند، بنابراین، اگر یک نفر پشت سر امام ایستاده و اقتدا کرده، دو طرف او در صفت اول، نماز آن‌ها صحیح است؛ هرچند تمام صفت نتوانند امام را ببینند و هم‌چنین صفاتی پشت سر، اگر هر مأموری مأمور دیگر را که به وسیله‌ی او اتصال به امام دارد و فاصله بین آن دو زاید بر یک قدم نیست ببینند، نمازش صحیح است؛ خواه اتصال از جلو باشد یا از طرف راست و چپ. بلی، اگر در صفت اول طبقات بالا از آن صفتی که اگر هم‌کف بودند اتصال حاصل بود کسی را نبینند، نماز آن‌ها باطل است و اگر یک نفر از صفت پایین را که به واسطه‌ی او اتصال حاصل است ببینند، نماز صحیح است و هم‌چنین است حکم در سایر طبقات.



س ۵۸۱ - آیا برای مأمور جایز است که در رکعت دوم وقتی امام، سوره‌ی «قل هو الله احد» را تمام کرد «کذلک الله ربی» بگوید یا نه؟
«گلپایگانی»: اگر امام سوره‌ی «قل هو الله احد» را بلند بخواند و مأمور بشنود

و «کذلک الله ربی» بگوید، نماز باطل نیست، لکن احتیاطاً قصد ورود نکند و فرقی بین رکعت اول و دوم هم نیست.

* * *

«نکونام»: اگر مأمور سوره را بشنود، اشکال ندارد.

□ □ □ □

﴿گفتن ذکر «کذلک الله ربی» توسط مأمور﴾

س ۵۸۲ - در نامه‌ی پیشین گذشت: از ظاهر روایات به دست می‌آید که هر کس سوره‌ی توحید را بخواند آن جایز است «کذلک الله ربی» بگوید، اما سؤال بنده در این بود که مأمور نیز می‌تواند آن را بگوید یا نه و جناب عالی مرقوم فرمودید که به عنوان مطلق ذکر اشکال ندارد و به عنوان ورود نگوید، اما اشکال این است که فقط کسی که سوره را می‌خواند می‌تواند این جمله را بگوید و به مناسبت حکم و موضوع و معنای ذکر مزبور استفاده می‌شود که مطلق ذکر شامل آن نمی‌شود. افزوده بر این، اگر به عنوان مطلق ذکر جایز باشد، لازم آن این است که گفتن آن در هر جای نماز جایز باشد و حال آن که چنین نیست و مأمور بنا بر احتیاط باید آن را ترک کند، نظر شما چیست؟

«گلپایگانی»: آن‌چه در جواب عرض شده بیش از این نیست که امام و منفرد چون قاری سوره‌ی توحید هستند می‌توانند به قصد ورود بخوانند، و اما مأمور اگر به قصد رجا بگوید مانع ندارد و لازمه‌ی این بیان این نیست که در هر موضع از نماز اگر این جمله را بخوانند مأمور به قصد ذکر و اشاره بما این جا که امام سوره‌ی توحید را می‌خواند مأمور به قصد ذکر و فرضاً اگر امام یا قرء الامام، «کذلک الله ربی» بگوید، اشکال ندارد. چنان‌چه فرضاً اگر امام یا دیگری آیه‌ی «الله لا اله إلا هو الحي القيوم» خواند، مأمور به قصد مطلق ذکر بگوید: «کذلک الله ربی» نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد. مع ذلك، این نظر حقیر است و جناب عالی بخواهید احتیاط کنید مختارید.

* * *

«نکونام»: هرچند مورد ذکر «کذلک الله ربی» بعد از قرائت سوره‌ی توحید است و از نظر معنا نیز استقلال بیانی ندارد، ولی خواندن آن در هر جایی از نماز به جهت تقریر و بیان اذعان قلبی خود، نسبت به معنایی در نماز، به قصد مطلق ذکر اشکال ندارد، بلکه استحباب مطلق ذکر را نیز همراه دارد، برای نمونه، گفتن ذکر یاد شده بعد از قرائت «الحمد لله رب العالمین» یا «مالك يوم الدين» یا بعد از دیگر معانی اوصافی و نعماتی حق در نماز، بدون اشکال می‌باشد.



■ لزوم شرکت زن در نماز جماعت و اطاعت از شوهر

س ۵۸۳ - کسی که نمی‌تواند حمد و سوره‌ی خود را صحیح بخواند واجب است نماز را به جماعت بخواند، تکلیف زن در این مورد با در نظر گرفتن این که شوهر اجازه‌ی حضور به جماعت را به وی نمی‌دهد چیست؟

«گلپایگانی»: با فرض عدم تمکن از یاد گرفتن نماز صحیح، احتیاط لازم آن است که نماز را به جماعت بخواند و در این صورت، اطاعت شوهر لازم نیست.



«نکونام»: مورد فرض عدم تمکن از یاد گرفتن صحیح نماز، آن هم تنها نسبت به حمد و سوره - که تفاوت میان فُرادا و جماعت، تنها در خواندن و نخواندن آن است و صحت بقیه‌ی اعمال بر عهده‌ی خود فرد می‌باشد - بسیار نادر است و زن باید در حد توان، - هرچند با پایین‌ترین میزان درستی - نماز را فرابگیرد و این تکلیف از او ساقط نمی‌شود تا با این بهانه - شرکت در نماز جماعت - مخالفت با شوهر را برای خود شرعی نماید.



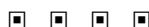
س ۵۸۴ - شخصی امام جماعت را در حال تشهد می‌بیند و ظن یا علم می‌یابد که تشهد آخر وی است و بر این اساس، جهت درک ثواب اقتدا می‌کند و می‌نشیند و بعد معلوم می‌شود که تشهد اول وی بوده، تکلیف او چیست؟

ج - اگر قصد اقتدا کرده، با امام جماعت برخیزد و در رکعت سوم امام، بدون اعادهٔ تکبیرة الاحرام، متابعت از او بنماید و به وظایفی که دارد عمل کند.



س ۵۸۵ - اگر در نماز جماعت، مردی که کنار پردهٔ صف زنانه قرار گرفته، حمد و سوره را صحیح نخواند، آیا نماز زنان باطل است یا نه؟

ج - چون حمد و سوره را امام می‌خواند، ضرری به نماز صف زنان وارد نمی‌شود.



س ۵۸۶ - در نماز جماعت اگر میان صفات مردان و زنان پرده نباشد، آیا جماعت آنان باطل است یا مکروه؟

«گلپایگانی»: اگر زن‌ها پشت سر مردھا باشند نه باطل است و نه مکروه، و اگر صفات مرد و زن محادی باشد، بدون حائل و فاصله‌ی ده ذراع، مکروه است.

* * *

«نکونام»: در هر حال، نماز آنان نه باطل است و نه مکروه.



س ۵۸۷ - مأمور در نماز متوجه می‌شود که امام جماعت قرائت حمد را فراموش کرده و این مأمور نه امام را متوجه ساخته و نه خودش قرائت را جبران نموده، نماز را با امام تمام کرده است، حال وظیفه‌ی وی چه بوده و آیا نمازی را که این گونه تمام کرده صحیح است یا نه؟

ج - اگر در حال قرائت متوجه شده، نه او را ملتفت کرده و نه خودش

قرائت حمد نموده، نمازش باطل است و اگر بعد از دخول در رکوع متوجه شده، نمازش صحیح است.



س ۵۸۸ - سقوط القراءة عن المأمور رخصة أم عزيمة؟

- آیا این که مأمور نباید قرائت را در نماز جماعت بخواند از باب رخصت است یا عزیمت؟

«گلپایگانی»: فی الاحفاتیه رخصةً، فان الأقوی فیها جواز القراءة مع الكراهة، وفي الجهرية إذا سمع صوت الإمام ولو الهمة فسقوطها عزيمة، فلا يجوز القراءة، وإذا لم يسمع حتى الهمة جاز بل استحب له القراءة.
- سقوط قرائت در نمازهای اخفاتی که باید حمد و سوره در آن آهسته خوانده شود رخصت است؛ زیرا اقوی این است که مأمور می تواند آن را بخواند؛ هرچند این کار مکروه است، اما در نمازهای جهری که حمد و سوره باید بلند خوانده شود؛ چنانچه صدای امام را بشنود؛ هرچند به صورت هممه باشد، از باب عزیمت است و قرائت آن جایز نیست، و در صورتی که صدای امام را نمی شنود؛ هرچند به صورت هممه باشد، جایز، بلکه مستحب است آن را بخواند.



«نکونام»: در نماز جماعت، ترک کردن قرائت در نمازهایی که باید حمد و سوره آهسته خوانده شود، از باب رخصت است و مأمور می تواند آن را بخواند؛ هرچند این کار مکروه است، اما در نمازهایی که حمد و سوره باید بلند خوانده شود؛ چنانچه صدای امام را بشنود؛ هرچند به صورت هممه باشد، از باب عزیمت است و قرائت آن جایز نیست، و در صورتی که صدای امام را نمی شنود؛ هرچند به صورت هممه باشد، نه تنها جایز، بلکه مستحب است آن را بخواند.



س ۵۸۹ - وجوب متابعة المأمور هل هو وجوب شرطي أو تعبدی، وعلى الأول لو لم يتبع في فعل عمداً فهل يوجب ذلك بطلان جماعته رأساً، وعلى الثاني هل يوجب ذلك بطلان صلاته أو الإثم فقط؟

- آیا وجوب پیروی و متابعت از امام برای مأمور وجوبی شرطی است یا تعبدی، و چنان‌چه تعبدی است در صورتی که مأمور به عمد از او پیروی نکند، آیا جماعت وی از اصل باطل است؟ همچنین اگر وجوب آن تعبدی باشد، آیا نماز وی باطل است یا او تنها گناه نموده است؟

ج - وجوبها تعبدی یوجب ترکها العمدي الإثم، فلو لم يتبع عمداً لا تبطل الجماعة إذا لم يكن مصراً على ترك المتابعة في الأفعال الآتية، ولم يصدق عليه بمجرد تركه المتابعة الكذائية الخروج عن الجماعة.

- وجوب پیروی مأمور امری تعبدی است و ترک عمدى آن سبب گناه می‌شود و چنان‌چه مأمور به عمد پیروی نداشته باشد اما بر ترک پیروی در دیگر افعال نماز اصرار نداشته باشد، جماعت وی باطل نمی‌گردد و به صرف ترک چنین متابعتی خارج شدن از جماعت بر وی صدق نمی‌کند.



س ۵۹۰ - اگر در نماز جماعت مکبر نباشد، آیا می‌شود یکی از مأمورمان به قصد ذکر، تکبیرات نماز خود را بلندتر بگوید که دیگر مأمورمان به اشتباہ نیفتد؟
ج - اشکالی ندارد.



س ۵۹۱ - آیا نرده‌های آهنی که در بالکن مساجد است حایل بین صفوف نماز جماعت محسوب می‌شود یا خیر؟

ج - در صورتی که نرده مشبك باشد، جماعت آن‌هایی که در بالکن نماز می‌خوانند؛ چه مأمورین زن باشند چه مرد، صحیح است، و اگر مشبك نباشد و مانع از دیدن امام باشد، اقتداءی زن‌ها صحیح و اقتداءی مرد‌ها غیر صحیح است.



س ۵۹۲ - در مساجدی که نماز جماعت اقامه می شود و افراد نمازگزار پشت سر امام جماعت صاف کشیده و به هم اتصال دارند، اگر مسجد، دارای طبقه‌ی فوقانی باشد و زن‌ها در آنجا نماز جماعت بگزارند، اتصال صاف جماعت آن‌ها به صاف طبقه‌ی پایین چگونه حاصل می شود؟

ج - اتصال آن‌ها به این است که اگر بالا نبودند و محاذی همان مکان بالا در طبقه‌ی پایین قرار داشتند اتصال برقرار بود.



س ۵۹۳ - اگر در صاف اول نماز جماعت کسی نماز فرادا بگزارد، آیا حایل به آن صدق می‌کند که مانع اتصال باشد یا خیر؟

ج - به وجود یک نفر، صدق حایل نمی‌کند؛ چون مانع از دیدن امام یا مأموری که امام را ببیند نیست.



◎ شرایط امام جماعت

س ۵۹۴ - آیا جایز است کسی برای وحدت و ترغیب افراد به نماز، امام جماعت شود یا خیر؟ این در حالی است که وی خود را شایسته نمی‌داند و گناه‌کار است ولی برای حفظ نماز و مسؤولیتی که به عهده دارد، امام می‌شود.

«گلپایگانی»: در صورتی که واجد شرایط امامت جماعت نیست، احوط آن است که خود را در معرض امامت قرار ندهد، ولی اقوی جواز است.



«نکونام»: اگر دارای شرایط نیست، خود را در معرض امامت قرار ندهد و اگر مردم او را فرد خوبی بدانند، اشکال ندارد.



س ۵۹۵ - شخصی که کمرش مقداری خمیدگی داشته باشد، به نظر حضرت عالی می‌تواند امام جماعت شود یا خیر؟

«گلپایگانی»: اگر صدق انتساب نکند، به نظر حقیر اقتدا مشکل و احوط تر است.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

■ مزد در برابر امامت نماز جماعت

س ۵۹۶ - اجرتی که برخی از ادارات دولتی به بعضی از روحانیانی می‌دهند که در آن جا اقامه‌ی نماز می‌کنند یا مسأله می‌گویند، چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: اجرت گرفتن صحیح نیست، ولی اگر مبلغی قربة‌ی اللہ بدنهند و او هم قربة‌ی اللہ نماز بخواند، اشکال ندارد.

* * *

«نکونام»: اگر امام جماعت، پولی در برابر انجام پیش زمینه‌های اقامه‌ی نماز جماعت یا به قصد ویژگی جماعت نماز که مستحب است بگیرد، اشکال ندارد و ادارات یا مسؤول اداره نمی‌تواند بدون جهت و «قربة‌ی اللہ» مزدی به کسی بدهد، بلکه تنها در مقابل انجام کار حلال و مباح است که می‌تواند اجرت بدهد؛ بنابراین، امام جماعت می‌تواند نماز جماعت را «قربة‌ی اللہ» بخواند و مزد را برای به اجرا درآوردن پیش زمینه‌ها و ویژگی جماعت نماز به شمار آورد. هم‌چنین، مسؤول اداره نمی‌تواند به صورت «قربة‌ی اللہ» برای اصل نماز مزد بدهد و تنها می‌تواند به تیت دیگر تلاش‌های امام جماعت نسبت به برگزار نمودن نماز جماعت، به او مزدی بدهد.

□ □ □ □

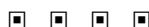
س ۵۹۷ - اگر عده‌ای امام جمعه یا امام جماعتی را عادل ندانند، آیا به حکم شرع جایز است که بی‌عدالتی او را در بین مردم منتشر نمایند؟
ج - جایز نیست.



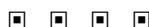
س ۵۹۸ - کسی که به‌طور دائم یا موقت در اثر کسالت قادر بر خواندن نماز به صورت جهری نیست، آیا برای شخص توانا اقتدا به او جایز است یا نه و همچنین کسی که مقداری از پا و دستش را قطع کرده‌اند که بر انجام سجده‌ی کامل توانایی ندارد، اقتدا به او جایز است یا نه؟
«کلپایگانی»: در مفروض سؤال، احوط ترک است.



«نکونام»: در این مورد لازم است ترک شود.



س ۵۹۹ - گفته می‌شود اقتدائی مسافر به حاضر و حاضر به مسافر مکروه است، آیا مقصود این است که مطلقاً خواندن فرادا از جماعت بهتر است یا این اقتدا و اختلاف نماز امام و مأمور نسبت به اقتدائی حاضر به حاضر ثواب کمتری دارد؟
ج - مقصود این است که اگر مسافر به حاضر اقتدا کند، با اختلاف نماز امام و مأمور، ثواب این اقتدا و جماعت کمتر است از اقتدائی حاضر به حاضر و مسافر به مسافر و در هر حال مزیت جماعت بر فرادا محفوظ است.



س ۶۰۰ - امام جماعت در مسجد برای رساندن صدای خود به مأموران، نماز را با بلندگو می‌خواند، در این صورت نماز مأموران اشکال دارد یا نه؟
ج - نماز آنان اشکال ندارد.



س ۶۰۱ - امام جماعت مسجدی که عدالت وی بر ما ثابت شده برای خواندن روضه در مجالس زنانه شرکت می‌کند و در خصوص حجاب و سایر امور مذهبی به آنان تذکراتی می‌دهد، آیا اقتدا به او جایز است یا نه؟
ج - بله، جایز است.



س ۶۰۲ - شخصی امام جماعت است و از روی اجتهاد یا تقلید نماز با اغسال مستحبی را بدون وضو جایز می‌داند، آیا کسی که مقلد مجتهدی است که غسل مستحبی را برای نماز کافی نمی‌داند، جایز است به وی اقتدا کند یا نه؟ و اگر این مأمور که مقلد مجتهد دیگری است شک کرد که آیا امام بعد از غسل مستحبی وضو هم گرفته است یا نه می‌تواند به او اقتدا کند؟

«گلپایگانی»: جواز اقتدائی شخص مذکور به این امام موقوف به احراز طهارت او مطابق فتوای مقلد خودش می‌باشد.



«نکونام»: در این صورت جایز نیست به وی اقتدا شود.



س ۶۰۳ - اگر نماز امام جماعت به علتی باطل بوده، آیا لازم است به مأموران اطلاع دهد تا آنان نماز خود را اعاده کنند یا لازم نیست آن را اظهار نماید؟
ج - اگر بعد از نماز فهمید که نمازش باطل بوده، نماز مأمورین صحیح، و اظهار امام لازم نیست.



س ۶۰۴ - اگر شخص بخواهد امام جماعت شود، باید از مجتهد اجازه بگیرد یا همان توجه و اعتماد مردم کافی است؟

ج - اجازه داشتن امام جماعت از مجتهد، معتبر در صحت جماعت نیست، همین قدر که مأمورین او را عادل بدانند می‌توانند به او اقتدا کنند.



﴿اقتدا به فاسق﴾

س ۶۰۵ - اقتدا به شخص شیعه به ملاحظه‌ی برخی جهات اعتباری مانند خویشاوندی و رفاقت و مانند آن با توجه به این که اقتدا موجب حفظ وحدت است و بدین جهت، قصد مأمور جنبه‌ی دینی و معنوی پیدا می‌کند و در ضمن، مندوحه هم دارد، چگونه است؟ البته، از مرحوم همدانی ره در مصباح الفقيه استفاده می‌شود که مشکل است.

«گلپایگانی»: اقتدائی حقیقی به امام جماعت فاسق جایز نیست، ولی جواز اقتدائی صوری به او به‌طوری که موجب اشتباه دیگران نباشد و مفسده‌ی دیگری مثل ترویج باطل بر آن مترب نگردد، دایر مدار ضرورت است.

* * *

«نکونام»: اقتدائی به فاسق، تحت هیچ عنوان سبب برطرف شدن تکلیف نمی‌شود؛ هرچند در حال ضرورت، انجام آن، تنها به گونه‌ی صوری اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۶۰۶ - اگر کسی یکی از گناهان کبیره را که موجب حد شرعی است انجام دهد و پیش از اطلاع حاکم شرع توبه کند، آیا می‌تواند امام جماعت شود؟
ج - اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۶۰۷ - آیا امامت و اقامه‌ی جماعت را برابر بندۀ - با در نظر گرفتن این که مردم اظهار تمایل به این موضوع می‌کنند - تجویز می‌فرمایید یا نه؟

«گلپایگانی»: امام جماعت علاوه بر عدالت باید مسائل نماز را خوب بداند.
حال، اگر شما مسائل نماز را خوب می‌دانید و مردم هم شما را عادل

می‌دانند، می‌توانند به شما اقتدا کنند و اگر کاملاً وارد مسایل امامت نیستند، امامت شما مشکل است.

* * *

«نکونام»: با حفظ شرایط اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۶۰۸- اگر حالی به امام جماعت دست دهد که قادر بر ادامه‌ی جماعت نباشد، تکلیف مأموران چیست؟

ج- در صورتی که برای امام، حالی پیش آید که فاقد شرط جواز اقتدا شود، مأمورین می‌توانند یکی از خودشان را که دارای شرایط امامت و در صف اول باشد جلوتر ببرند و در اقتدا، به او عدول کنند و یا نماز خود را فرادا نمایند.

□ □ □ □

﴿اقتدائی امام به مأمور خود در بقیه‌ی رکعت‌ها﴾

س ۶۰۹- اگر مأمور در رکعت آخر امام اقتدا کند، آیا جایز است پس از پایان این نماز، امام جماعت، نماز دیگر خود را به وی اقتدا کند یا نه؟

«گلپایگانی»: در فتاوی فقهاء عظام به این فرع برخورد نکرده‌ام، ولی به حسب ظاهر عمومات مانع ندارد، اگرچه احوط، ترک است.

* * *

«نکونام»: چنین نمازی دارای دلایل عام صحت است و اشکال ندارد و دلیلی برای «احوط بودن ترک» نیست.

□ □ □ □

س ۶۱۰- شخصی به صورت غالب، میان «غیر المغضوب عليهم» و «ولا الضالین» فاصله‌ی زیادی می‌دهد. البته، ایجاد این فاصله و وقف زیاد برای وی غیر اختیاری است؛ به طوری که اراده می‌کند اما نمی‌تواند کلمات مذکور را بدون

وقفه ادا کند و شاید این حالت از وسوسات باشد، آیا چنین شخصی می‌تواند امام جماعت شود یا نه؟ و در صورتی که گاهی اوقات می‌تواند نماز را خوب بخواند باز به امید آن که نماز خود را بخوبی می‌خواند آیا امام شدن وی جایز است یا نه؟

ج - اگر فاصله منافی با موالات نباشد، نماز صحیح است و می‌تواند با وجود سایر شرایط امامت جماعت، نماز جماعت بخواند و اگر منافی با موالات باشد، امامت او صحیح نیست.



س ۶۱۱ - می‌گویند دعاها روزهای ماه مبارک رمضان توسط صوفی‌ها تحریف گردیده، آیا این گفته صحیح است و در ضمن، اگر این گفته‌ها را امام جماعی بگوید و آن را قبول داشته باشد، می‌توان به آن امام جماعت اقتدا نمود یا خیر؟
ج - خواندن دعاها مورد سؤال به قصد رجا مانع ندارد، و نسبت مذکوره مسلم نیست، و اگر امام جماعت عقیده‌اش تحریف آن دعاها باشد، مضر به عدالت نیست.



س ۶۱۲ - آیا جایز است عالم نایبنا که از جهت درستی تطهیر بدن و لباس وی به او شک می‌شود امام جماعت باشد یا خیر؟
«گلپایگانی»: در صورتی که واجد شرایط امامت جماعت باشد، اشکال ندارد و بینایی شرط نیست.

* * *

«نکونام»: به طور کلی فرد نایبنا نباید امام جماعت شود اما در موارد جزئی و محدود اشکال ندارد.



﴿قرائت امام جماعت﴾

س ۶۱۳ - اگر امام جماعت دندان‌های خود را کشیده و به واسطهٔ نداشتن دندان، نمی‌تواند بعضی از حروف را صحیح ادا کند، آیا می‌تواند امام شود یا واجب است دندان مصنوعی بگذارد؟ وی برای نماز خود چه تکلیفی دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، برای اشخاص صحیح القراءه امامت او صحیح نیست، ولی برای خود او تا وقتی دندان ندارد مجزی است، و چنان‌چه با دندان گذاشتن بتواند نماز را صحیح بخواند، واجب است دندان بگذارد.

* * *

«نکونام»: نداشتن دندان، سبب ادای نادرست کلمات نمی‌شود و چنین فرضی بسیار اندک است؛ هرچند کلمات به زیبایی ادا نمی‌گردد که در این صورت، کمترین میزان درستی، بسنده است.

□ □ □ □

س ۶۱۴ - شخص غریبی در شهری وارد می‌شود و برای ادای نماز به مسجد می‌رود و امام جماعت را نمی‌شناسد، آیا وی می‌تواند به وی اقتدا کند یا نه؟
ج - تا احراز عدالت امام جماعت را نکند اقتدا جایز نیست، لکن اگر از اقتدائی جمعی از مؤمنین ظاهر الصلاح، اطمینان به عدالت امام پیدا کرد جایز است.

□ □ □ □

س ۶۱۵ - اقتدائی نماز به آقایان اهل علم و روحانیانی که از طرف اوقاف به حج می‌روند چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: دخالت اداره‌ی اوقاف در امور دینی غیر مشروع است و کسی که معلوم باشد که مزدور اوقاف است و از آن اداره ارتزاق می‌کند، به او اقتدا نکنید.

* * *

«نکونام»: لازم است نسبت به عدالت افراد اطمینان حاصل شود.

□ □ □ □

س ۶۱۶ - در حاشیه‌ی عروة الوثقى درباره‌ی امامی که خود را عادل نمی‌داند فرموده‌اید: در صورتی که در شک رجوع به مأمورمان نماید، احتیاط به اعاده‌ی نماز ترک نشود، حال، وجه این احتیاط چیست و نیز بفرمایید آیا احتیاط مذکور در صورتی که امام خود را معرض قرار نداده باشد لازم است رعایت شود یا خیر؟

ج - وجه احتیاط این است که جماعت بودن نماز امام غیر عادل مسلم نیست و محتمل است فرادا باشد؛ هرچند نماز مأمورین محاکوم به جماعت باشد و منفرد باید در شک به وظیفه‌ی خود عمل نماید و جایز نیست به دیگری رجوع کند و در احتیاط مذکور فرقس بین معرض قرار دادن یا ندادن نیست.



س ۶۱۷ - آیا زنی که مستحاضه نیست می‌تواند به زنی که مستحاضه است و خونش بند نمی‌آید اقتدا کند یا نه؟
«گلپایگانی»: احوط، ترک اقتداست.



«نکونام»: لازم است اقتدای به وی ترک شود.



س ۶۱۸ - امام جماعتی در اثر حادثه‌ای پایش شکسته و حال به درستی جمع نمی‌شود و نمی‌تواند زانو بزند و باید پای شکسته را در سجود و تشهد خود کمی بکشد، ولی شرایط دیگر در وی موجود است، آیا جایز است وی امام شود یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر وظیفه‌ی او نماز مختار است و مثلاً سر انگشت پا را در سجود به زمین می‌گذارد؛ هرچند پاهای محاذی با یک دیگر نباشند، اقتدا به

او صحیح است و اما اگر مثلاً نمی‌تواند سجده‌ی مختار را بجا آورد، احوط عدم اقتدا به اوست.

* * *

«نکونام»: اگر نمی‌تواند شرایط نماز را بجا آورد، باید ترک امامت کند.

□ □ □

س ۶۱۹ - ما هو رأيكم في عالم يصلّي صلاة الجماعة وعنه عدّة بنات غير متزوجات وقد أدركتن الشّباب، وهو مع ذلك يتحلّى بروح الإيمان والعدالة، فهل في ذلك إشكال - مع العلم بأنّ البنات لهنّ رغبة في الزواج - أم لا؟
- عالمي است که نماز جماعت می‌گارد و دخترانی در پیش اوست که ازدواج نکرده‌اند و جوان می‌باشند، البته وی دارای روح ایمان و عدالت است، آیا این امر در حالی که دختران اشتیاق به ازدواج دارند اشکالی دارد یا خیر؟

«کلپایگانی»: مجرد کون البنات له و عدم إقدامه على تزويجهن لا ينافي العدالة، وليس بمعصية. نعم، لو وجد الكفو وللبنات رغبة في الزواج ولم يأذن الوالد سقط حقه في الإذن لهنّ الزواج بدون إذنه.

- صرف این که وی دارای دخترانی باشد و او برای ازدواج آنان اقدامی نکند با عدالت منافاتی ندارد و گناه نیست. بله، اگر کفو و همتایی باشد و وی بر ازدواج آنان اقدام نکند و پدر به آن اذن ندهد، حق اذن وی ساقط است و دختران می‌توانند بدون اجازه‌ی وی ازدواج نمایند.

* * *

«نکونام»: اذن پدر در ازدواج دختر شرط نیست بلکه بر دختر رعایت احترام پدر - در صورتی که به صورت معقول رفتار نماید - لازم است.

□ □ □

س ۶۲۰ - آیا دانشجوی دانشگاه مختلط که مؤدب به آداب و اصول دینی و اسلامی است می‌تواند متصدی مقام امامت شود و برای مردم در محیط دانشگاه

یا مساجد نماز بخواند و تشکیل جماعت بدهد یا نه؟

ج - شرایط امام جماعت همان است که در رساله‌ی عملیه نوشته شده است. اگر شخص عدالت هر مؤمن صحیح اعتقادی را احراز کرد، می‌تواند به او اقتدا نماید.



س ۶۲۱ - به شخص وسواسی که مثلاً کلمه‌ای را چند مرتبه تکرار می‌کند، می‌شود نماز جماعت را اقتدا کرد یا نه؟

«گلپایگانی»: با علم به این که تکرار از جهت وسواس است، احتیاط، ترک اقتدا به اوست.



«نکونام»: امامت فرد وسواسی درست نیست.



س ۶۲۲ - آیا شخصی که برخی از عضوهای سجده را ندارد می‌تواند امام جماعت شود یا نه؟ و آیا می‌تواند نماز استیجاری بخواند یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، احوط آن است که امامت نکند و برای قضای نماز غیر نیز اجیر نشود، ولکن می‌تواند در هر دو مورد رجوع به دیگری نماید.



«نکونام»: در هر دو مورد اشکال ندارد.



س ۶۲۳ - یک نفر از اهل علم وارد شهر یا قریه‌ای می‌شود، آیا اهالی که او را نمی‌شناسند می‌توانند به او اقتدا کنند یا نه؟

«گلپایگانی»: در صحت اقتدا، وثوق و اطمینان به عدالت لازم است و ممکن است با همان معاشرت با او اطمینان حاصل شود یا تحقیق نمایند.



«نکونام»: اگر در برخورد نخست با وی، وجود مشکلی را در او احساس نکند، اصل اولی در اهل علم درستی عمل آنان است و اقتدا به آنان اشکال ندارد.



س ۶۲۴ - امام جماعت مسجدی هنگام غیبت یا مسافرت، کسی را برای امامت در آن مسجد به جای خود تعیین نمی‌کند ولی شخصی بدون اجازه و اطلاع امام در مسجد مذکور، امامت و نیابت می‌کند، آیا اقتدائی مردم به او صحیح است یا نه؟
ج - بله، چنان‌چه عادل باشد، امامت او جایز و اقتدائی به او صحیح است.



﴿شناخت عادل﴾

س ۶۲۵ - عادل به چه اشخاصی می‌گویند؟

«گلپایگانی»: کسی که رویه از گناهان کبیره و از اصرار بر صغیره اجتناب کند و از آن‌چه منافی با مروت است پرهیز نماید، عادل است.

* * *

«نکونام»: برای احراز عدالت، حسن ظاهر و سلامت نفس بسنده است.



س ۶۲۶ - معنای منافی مروت چیست؟

«گلپایگانی»: یعنی هر چیزی که ارتکاب آن دلالت بر پستی نفس و کمی حیا و بی مبالاتی در دین می‌کند.

* * *

«نکونام»: به کارهای سبک‌سرانه، جلف و پستی که از فردی سر می‌زند، امور منافی با مروت گفته می‌شود.



س ۶۲۷ - اصرار بر گناهان صغیره به طوری که مضر به عدالت و داخل در کبیره شود به چه معنایی است؟

«گلپایگانی»: اصراری که موجب دخول صغیره در کبیره است مداومت بر معصیت بدون تخلل توبه است و بعيد نیست که عزم بر عود به معصیت بعد از ارتکاب آن نیز اصرار بر صغیره باشد؛ هرچند خود معصیت را مرتكب نشود؛ خصوصاً اگر عزم بر عود در ارتکاب معصیت اولی باشد، بلکه بعيد نیست اگر عزم بر عود هم نداشته باشد، ولی از معصیت اولی توبه نکرده باشد نیز اصرار بر صغیره محسوب شود.

* * *

«نکونام»: اصراری که موجب دخول صغیره در کبیره است تنها مداومت عملی بر صغیره بدون واسطه شدن توبه میان آن است و عزم بر تکرار بعد از ارتکاب یا در زمان ارتکاب و حتی توبه نکردن از گناه اولی اصرار بر صغیره محسوب نمی‌شود؛ اگرچه هر یک از این کاستی‌ها موجب کدورت دل می‌گردد.

□ □ □ □

﴿امامت دیگری با وجود امام راتب مسجد﴾

س ۶۲۸ - امام جماعتی که هر سال در ماه مبارک رمضان و غیر آن به مسجدی می‌رود و در آن نماز جماعت می‌خواند، ولی تمام سال را در آن جا نمی‌ماند، آیا امام راتب آن مسجد محسوب می‌شود یا نه؟ و اگر از آن اعراض نکرده باشد، آیا دیگری می‌تواند در آن مسجد اقامه‌ی جماعت کند و چنان‌چه دیگری اقامه جماعت نمود، آیا نماز امام و مأمورمان درست است؟

«گلپایگانی»: در فرض مسئله، اگر امام مفروض، همیشه ماه مبارک رمضان در آن مسجد اقامه‌ی جماعت می‌کند، امام راتب ماه مبارک رمضان است و امام راتب از غیر راتب اولی است، ولکن حرام نیست که امام دیگر نماز

بخواند و اگر با وجود امام راتب، امام دیگر نماز خواند، نماز امام و مأمور
هر دو صحیح است.

* * *

«نکونام»: در مورد مثال، آن فرد امام راتب مسجد در ماه رمضان است و اگر فرد دیگری در طول سال در آن مسجد اقامه‌ی نماز نماید، دیگر زمینه‌ای از حق اولویت برای امام راتب در ماه رمضان نمی‌ماند و حق اولویت امام راتب سبب عدم جواز امامت دیگری نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۶۲۹ - مسجدی با کمک اهالی در محلی ساخته شده و عالمی که مورد وثوق همه‌ی مراجع تقلید وقت است در آن نماز می‌خواند، اخیراً چند نفر از اهالی که در ساخت آن کمک کرده‌اند می‌گویند ما به سهم خود راضی نیستیم وی در این مسجد نماز بخواند و امام راتب باشد، آیا این اشخاص می‌توانند مانع از برگزاری نماز جماعت چنین عالمی شوند یا نه؟

«کلپایگانی»: کمک به مسجد موجب حق ممانعت از نماز خواندن عالم عادل نیست. «اعاذنا الله من شر الشیطان».

* * *

«نکونام»: کمک نمودن به مسجد سبب جواز دخالت یا تصرفی در مسجد نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۶۳۰ - مسجدی رو به خراب شدن بود که یک نفر از روحانیان متصدی شد و مسجد را تعمیر نمود و مدتی نیز خود در آن به اقامه‌ی جماعت پرداخت و بعد از مدتی به علتی جماعت او تعطیل شد و شخص دیگری بدون اجازه و اطلاع امام راتب در آن مسجد تشکیل جماعت داد، حال آیا با وجود امام راتب که متصدی

امور ساختمان مسجد نیز بوده تشکیل جماعت برای شخص دوم جایز است یا نه؟

ج - امام راتب اولویت دارد. بالخصوص در این مورد که زحمت ساختمان مسجد را هم متحمل شده باشد و ممانعت کردن از او خلاف اخلاق است، لکن اولویت در این مقام به معنای عدم جواز امامت غیر نیست و بسیار مناسب، بلکه لازم است که این گونه تسامح‌ها، اگر برای کسب ثواب بیش‌تر حاصل می‌شود، طبق اولویت‌های مذکور در عروه مرتفع سازند و اگر خدای نخواسته برای غرض دنیوی باشد یا مأمورین برای غرض دنیوی یکی را بر دیگری مقدم بدارند، باید از خشم خدای بترسند و نماز و عبادت را به غرض دنیایی آلوده نسازند. قال الله تعالى: «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم».



س ۶۳۱ - امام جماعتی مقلد مرجعی است که جایز می‌داند امام نمازی را که در مسجدی خوانده در مسجدی دیگر و با جماعتی دیگر دوباره بخواند، ولی مأمورمان مسجد دوم مقلد مرجع دیگری هستند که آن را جایز نمی‌داند، حال آیا مأمورمان مسجد دوم می‌توانند به آن امام اقتدا کنند یا نه؟

«کلپایگانی»: اگر مرجع مأمورین دوم جایز نمی‌داند، اقتدا جایز نیست و اما اگر فتوا نداده بلکه احتیاط کرده، جایز است در این احتیاط به مرجعی که اقتدا را جایز می‌داند رجوع کنند.



«نکونام»: برای مأمورمان مسجد دوم در صورتی که هر دو مجتهد با هم در رتبه برابر باشند جایز است به این امام جماعت اقتدا کنند و در صورت اعلمیت و برتری مرجع آنان جایز نیست.



س ۶۳۲ - امام جماعتی در دو محل نماز می خواند، آیا شخصی که همیشه ملازم اوست می تواند به همین امام در هر دو محل اقتدا کند یا نه؟

ج - شخص همراه می تواند نماز قضا را به نماز معاده (نمازی که دوباره می گزارد) امام اقتدا نماید و نیز اگر همان نمازی را که به جماعت خوانده بار دوم رجاءً اقتدا کند مانعی ندارد. بلی، اگر به قصد استحباب اعاده، همان نماز را بخواند جایز نیست، مگر آن که احتمال خللی در نماز اولش بدهد که در این صورت، اعادهی آن نماز، احتیاطا؛ چه فرادی باشد چه جماعت، جایز است.



■ نماز فرادا در محل نماز جماعت

س ۶۳۳ - آیا خواندن نماز به شیوه‌ی فرادا در هنگام برگزاری نماز جماعت اشکال دارد؟

«کلپایگانی»: اگر نماز فرادا خواندن تفسیق عملی امام باشد، نماز باطل است.

* * *

«نکونام»: حتی اگر به صورت ظاهر نیز با شأن امام جماعت منافات داشته باشد، نماز باطل و در حکم فساد و افساد است.



س ۶۳۴ - فرادا خواندن نماز در محلی که جماعت برگزار شده است چه حکمی دارد؟

«کلپایگانی»: صحت نماز فرادا در محلی که نماز جماعت منعقد و فرادا خواندن موجب یا موهم تفسیق امام جماعت باشد، مورد اشکال است.

* * *

«نکونام»: گزاردن نماز فرادا در صورت گفته شده جایز نیست.



س ۶۳۵ - زید المحترم لدی الناس دخل مسجداً فصادف انعقاد جماعة بِإمامية من يعتقد زید بعدم عدالتہ او عدم صحّة قرائته او بأيّ موجب لعدم جواز الایتمام به، والناس تعتمد على رأی زید، فإذا صلّی هو تقيّةً أو شكلياً خلف الشخص المذكور فإنَّ المؤمنين سيعتبرون ذلك توثيقاً واثباتاً لجواز الایتمام، فهل يجوز لزید حينئذ الایتمام؟ وإلاً فهل يخرج أم يصلّی منفرداً مع أثر الالهانة المترتب على ذلك؟

- زید(فردی) که در نزد مردم محترم است داخل مسجد می شود که می بیند نماز جماعت برگزار شده و کسی که وی به عدالت او اعتقاد ندارد یا قرائت وی را درست نمی داند و یا به هر جهتی اقتدائی به وی را جایز نمی داند امام شده است، از طرفی مردم نیز به نظر وی احترام می گذارند و بر آن اعتماد دارند و در نتیجه اگر به صورت تقيه یا صوری نماز بگزارد مردم می پندارند وی امام را تأیید می کند و به او اعتماد دارد، آیا در این صورت بر وی جایز است به وی اقتدا کند یا باید از مسجد خارج شود یا در همانجا نماز بگزارد در حالی که این عمل اهانت به وی شمرده می شود؟

ج - الخروج من المسجد في الصورة بحيث لا يستند إلى وجود الإمام أولى؛ إذ الانفراد يوجب تفسيق الإمام والاقتداء ترويج للباطل بنظره. هذا إذا كان الإمام بنظر المأمورين جاماً لشرائط الإمامة.

- بهتر است وی از مسجد بیرون آید، البته به گونه‌ای که بیرون آمدن وی به سبب وجود امام نسبت داده نشود؛ چرا که اگر نماز فرادا بگزارد، امام را فاسق دانسته و چنانچه به وی اقتدا نماید به نظر وی ترویج باطل است. این امر در صورتی است که امام به نظر مردم دارای شرایط امامت باشد.



س ۶۳۶ - اگر در صف جماعت نماز، شخصی قصد نماز فرادا کند و در قیام و قعود با جماعت هماهنگ باشد، اشکال دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر این عمل از جهت تقيه و واجد نبودن امام،

شرط امامت را باشد، عیبی ندارد، و در غیر این صورت، ترویج باطل و نفاق است و بعد در صورت تمکن، نماز را اعاده نماید.

* * *

«نکونام»: در صورتی که جای تقيه نباشد و بتواند، باید از خواندن چنین نمازی پرهیز نماید و چنان‌چه نمی‌تواند یا نماز وی قضا می‌شود، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۶۳۷ - در محلی که اقامه‌ی جماعت شده است، شخصی فرادا نماز می‌خواند و قصد توهین به امام نیز ندارد، اما برداشت توهین امری قهری است، آیا در این صورت وی فقط گناه کرده یا نماز او نیز باطل است؟

ج - در صورتی که توهین قهری باشد، جایز نیست و نماز باطل است. بلی، اگر شخص جاہل یا غافل باشد، نماز صحیح است.

□ □ □ □

س ۶۳۸ - اگر شخصی امام جماعت مسجدی را عادل نداند و وارد مسجد شود و بیند نماز جماعت می‌خوانند، آیا بهجهت فضیلت اول وقت یا تقيه می‌تواند در صف جماعت ایستاده و نماز خود را فرادا بخواند، ولی با جماعت به رکوع و سجود رود یا نه و اگر جایز باشد می‌تواند قرائت نماز مغرب و عشا را آهسته بخواند یا خیر؟

ج - هرگاه امام جماعت را عادل نمی‌داند نمی‌تواند اقتدا کند و اگر به‌نحو انفراد هم بخواند و مردم متوجه شوند و عمل او ظاهر در تفسیق امام باشد، نمازش اشکال دارد و قرائت نماز مغرب و عشا را در مورد سؤال نمی‌شود آهسته خواند.

□ □ □ □

﴿ نماز جماعت با عame ﴾

س ۶۳۹ - خواندن نماز واجب با جماعت عame که با توجه به عدم عدالت، شرایط دیگر را نیز رعایت نمی‌کنند و برای نمونه، اتصال را شرط نمی‌دانند و شنیدن صدای امام را به وسیله‌ی بلندگو کافی می‌شمرند جایز است و تکلیف را از عهده بر می‌دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: شرکت در جماعت عame، در حال اختیار خوب است، لیکن نماز را اعاده نمایند و در حال اضطرار و تقویه - با مراعات شرایطی که مورد تقویه نیست - نماز خواندن با آنان کافی و بی اشکال است.

* * *

«نکونام»: شرکت در نماز جماعت عame در هر صورت اشکال ندارد و اعاده نیز لازم نیست.

□ □ □ □

س ۶۴۰ - از آنجاکه امام جماعت باید دوازده امامی باشد، اگر کسی در حال تقویه و ضرورت، به امام جماعت اهل سنت اقتدا کند، چرا نباید نماز را اعاده نماید؟
«گلپایگانی»: در حال تقویه، اگر مندوحه دارد، باید اعاده کند و اگر مندوحه ندارد، نمی‌تواند اعاده نماید و مجزی است و دلیل آن اخبار تقویه است.

* * *

«نکونام»: ادله‌ی تقویه شامل تمام موارد اقتدا به اهل سنت در نماز می‌شود و اعاده نیز لازم ندارد؛ همان‌طور که به عدم مندوحه نیازی نیست.

□ □ □ □

نماز جمعه

وقت نماز جمعه

س ۶۴۱ - وقت نماز جمعه را بیان فرمایید؟

ج - وقت آن از اول ظهر است به مقداری که مکلف تمکن داشته باشد آن را بجا آورد با در نظر گرفتن تحصیل شرایط؛ مانند: طهارت و اجتماع مردم و غیر این‌ها به حسب عادت در حالی که تمامی این کارها با رفاهیت انجام شود بدون سستی و مسامحه و بدون تعجیل، و اگر وقتی که امور مذکوره در آن محقق شود بگذرد و نماز جمعه را نخوانده باشد، وقت آن گذشته است و واجب است نماز ظهر بخواند.

□ □ □ □

س ۶۴۲ - آیا نماز جمعه قضا دارد؟

ج - نماز جمعه قضا ندارد و اگر وقت آن بگذرد، باید نماز ظهر را بخواند. پس اگر وقت نماز ظهر باقی است، ظهر را به نیت ادا می‌خواند و اگر خارج وقت است، به نیت قضا.

□ □ □ □

اذان، خطبه و قنوت

س ۶۴۳ - اذان نماز جمعه قبل از خطبه است یا بعد از آن؟ همچنین اذان اعلامی و

صعود خطیب بر منبر شرط است یا نه؟

ج - آنچه که در تفاسیر و تواریخ ذکر شده این است که وقتی رسول الله ﷺ برای خطبهٔ جموعه روی منبر می‌نشستند، بلال بر در مسجد اذان می‌گفت و هنگامی که از منبر فرود می‌آمدند، بلال اقامهٔ نماز می‌گفت و روایت شده که هر زمان آن حضرت برای نماز جموعه بیرون می‌آمدند روی منبر می‌نشسته تا مؤذن از اذان فارغ شود. «ولکم فی رسول الله أسوة حسنة».



س ۶۴۴ - اذانی که در نماز جموعه بدعت و حرام می‌باشد کدام است؟

ج - ذکر فی بعض الأخبار وكلمات بعض الأصحاب: ان الأذان الثالث من يوم الجمعة محرّم، وفي بعض آخر، الثاني، والظاهر أن الزائد على الوارد إذا أتى بقصد التوظيف فهو بدعة محرّمة من غير فرق بين الجمعة وغيرها، ولعل ما في الأخبار للتبنيه على أن ما تداول من زمان الثالث من أحد مصاديق البدعة.

- در برخی از روایات و سخنان اصحاب آمده است، اذان سوم در روز جموعه حرام است و در برخی نیز آمده است اذان دوم حرام است و ظاهر این است که گفتن اذانی افزوده بر آنچه وارد شده به قصد این که تکلیف است بدعت و حرام می‌باشد؛ خواه اذان جموعه باشد یا غیر آن، و شاید روایات این باب برای آگاهی دادن بر این مطلب باشد که آنچه در زمان سوم رایج گردیده یکی از مصاديق بدعت است.



س ۶۴۵ - کمترین چیزهایی که در خطبهٔ نماز جموعه واجب است چیست؟

«گلپایگانی»: در صلات جموعه دو خطبه واجب است و باید مانند سایر عبادات به قصد قربت خوانده شود، و بدون آن، نماز جموعه صحیح

نیست، و واجب است در هر یک از آن‌ها حمد خداوند متعال، و احוט آن است که به لفظ «الحمد لله» باشد، و واجب است در خطبه‌ی دوم صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر ﷺ، بلکه احוט در خطبه‌ی اول نیز وجوب آن است و واجب است موعظه در خطبه‌ی اول، و در خطبه‌ی دوم نیز احتیاطاً ترک نشود، و واجب است قرائت سوره‌ی خفیفه در خطبه‌ی اول و در دومی نیز ترک نشود و احوط، اضافه‌ی صلوات بر ائمه‌ی مسلمین و استغفار برای مؤمنین و مؤمنات در خطبه‌ی دوم است. و در آن‌چه ذکر شد مسماً کفایت می‌کند، و احוט آن است که عربی باشد. بلی، اگر عدد افرادی که استماع خطبه بر آن‌ها واجب است غیر عرب باشند و عربی را تفهمند، احוט تکرار موعظه به لسان خود آن‌هاست، بلکه لزوم خالی از قوت نیست به جهت عدم صدق وعظ و وصیت به تقوا به لسانی که مستمعین معنای آن را تفهمند.

* * *

«نکونام»: باید در هر یک از دو خطبه، حمد الهی و صلوات بر پیغمبر و آل او ﷺ و نیز موعظه و پند باشد و نیز سوره‌ی کوچکی در آن‌ها بخواند و در خطبه‌ی دوم، گذشته از آن‌چه گفته شد مستحب است پیش از سوره بر ائمه‌ی اطهار ﷺ صلوات بفرستد و نام شریف ایشان را از آغاز تا پایان بخواند و برای مردان و زنان مؤمن نیز از خداوند متعال طلب آمرزش و مغفرت داشته باشد.

□ □ □ □

﴿ گفتن ذکر در حال خطبه‌ی نماز جموعه

س ۶۴۶ - آیا استماع خطبه‌ی نماز جموعه بر مأمورمان واجب است یا نه؟ و آیا در حال خطبه‌ها جایز است مأمورمان ذکر بگویند یا نه؟ و هرگاه کسی در میان

خطبه‌ی امام، نماز مستحبی یا واجبی را بخواند، صحیح است یا خیر؟
 «گلپایگانی»: احوط در حال خطبه، ترک ذکر و نماز مستحبی است، بلکه
 احوط اصغاء و استماع است.

* * *

«نکونام»: انجام ذکر اگر با استماع ناسازگار نباشد، جهت استحبابی خود را
 دارد؛ هرچند ذکر غیر خفی - ذکر زبانی - باشد.

□ □ □ □

س ۶۴۷ - آیا جایز است خطبه‌ی نماز جمعه پیش از ظهر خوانده شود یا خیر؟
 «گلپایگانی»: اظهار جواز آن است؛ به طوری که وقتی امام از خطبه فارغ شد،
 ظهر شده باشد، لکن احوط تأخیر آن است تا ظهر.

* * *

«نکونام»: اگر اندکی پیش از ظهر باشد که با اتمام آن وارد ظهر شود، اشکالی
 ندارد.

□ □ □ □

س ۶۴۸ - هرگاه امام، نماز جمعه را به سهو پیش از خطبه بخواند، چه حکمی دارد؟
 ج - در فرض سؤال، نماز جمعه باطل است.

□ □ □ □

س ۶۴۹ - هرگاه امام به سهو نماز جمعه را پیش از خطبه‌ها بخواند و پس از اتمام
 خطبه‌ها متوجه اشتباه خود شود، آیا اعاده‌ی نماز جمعه کافی است یا باید خطبه‌ها
 را نیز اعاده نماید؟

ج - چنان‌چه موالات بهم نخورده باشد، اعاده‌ی نماز جمعه مجری است.

□ □ □ □

س ۶۵۰ - آیا در حال قرائت خطبه‌های نماز جمعه طمأنینه واجب است یا خیر؟
 ج - واجب نیست.

□ □ □ □

مسئله ۶۵۱ - مستحب است امام جمعه وقتی خواست برای آنان خطبه بخواند به مردم سلام کند و مستحب است شنوندگان در میان خطبه با هم سخن نگویند.



مسئله ۶۵۲ - هر چیزی که صورت خطبه را از بین برد، اگر در میان خطبه واقع شود، آن را باطل می‌کند؛ مانند خوردن یا راه رفتن قابل توجه یا فعل بسیار.



س ۶۵۳ - آیا لازم است خطبه‌های نماز جمعه به صورت ایستاده انجام گیرد یا خواندن آن در حال نشسته نیز اشکال ندارد؟
ج - واجب است خطبه‌ها در حال ایستاده خوانده شود.



س ۶۵۴ - آیا دو قنوت نماز جمعه واجب است یا نه؟
ج - اصل قنوت مستحب است، ولی جای آن در رکعت اولی قبل از رکوع و در رکعت ثانیه بعد از رکوع است.



س ۶۵۵ - هل يلزم التحدث بلغة النصيحة بالتقوى يفهم المستمعون في الخطبة الأولى فقط أم في الخطبين؟
- آیا لازم است در خطبه اول یا هر دو خطبه با زبانی مردم را به تقوا سفارش نمود که شنوندگان آن را درک کنند؟

«گلپایگانی»: الأحوط أن تكون الخطبتان باللغة العربية إلا إذا كان المستمعون غير عارفين باللغة العربية، فالاحتياط البدء باللغة العربية ثم بلغة المستمعين، ولا يترك الاحتياط بالنصيحة بالتقوى في كلتا الخطبين.
- احتیاط آن است که دو خطبه به زبان عربی ایراد گردد؛ مگر آن که

شنوندگان زبان عربی را ندانند و در این صورت، احتیاط آن است که ابتدا آن را به عربی و سپس به زبان مخاطبان بخواند و این احتیاط ترک نشود که نصیحت و سفارش به تقوا در هر دو خطبه ایراد گردد.

* * *

«نکونام»: و لازم آن تكون الخطبتان باللغة العربية إلا إذا كان المستمعون غير عارفين بهذه اللغة، فعلى الخطيب البدء بالعربية فيها بالاجمال ثم التكمل بلغة المستمعين، ولا يترك النصيحة بالتقوى في كلتي الخطبتين، ولا سيما في ذكر المسائل الاجتماعية والسياسية.

- دو خطبه باید به زبان عربی ایراد گردد؛ مگر آن که شنوندگان به زبان عربی آشنا نباشند، پس در این صورت بر خطیب جمعه است که به اجمال خطبه را به عربی بگوید و سپس به زبان مخاطبان سخن گوید. همچنین سفارش به تقوا باید در هر دو خطبه باید و به ویژه یادآوری مسائل اجتماعی و سیاسی ترک نشود.

□ □ □ □

س ٦٥٦ - إذا كان الإمام مشغولاً بخطبة الجمعة فسلم عليه شخص قاصداً إياها دون غيره، فهل يكفي رد الغير عن الإمام؟

- اگر امام به ایراد خطبه مشغول باشد و کسی تنها او را قصد نماید و به وی سلام کند، آیا پاسخ سلام از ناحیه‌ی دیگران کفایت می‌کند یا پاسخ آن بر امام واجب است؟

ج - لا يكفي ذلك.

- پاسخ سلام از ناحیه‌ی دیگران کفایت نمی‌کند.

□ □ □ □

س ٦٥٧ - قصد القرية الذي يجب تحقّقه في كل أجزاء الصلاة وحركاتها وطريقة أدائها، هل يشترط في خطبتي الجمعة بكلماتها وحروفهما وطريقة القائهما وسائر ما يتعلّق بهما؟

- قصد قربت در همهی اجزا، حرکات و چگونگی انجام آن معتبر است، آیا این
قصد در ایراد همهی کلمات، حروف و چگونگی ایراد آن در دو خطبهی نماز
جمعه و دیگر امور متعلق به آن دو نیز معتبر است؟

ج - خطبة الجمعة من العبادات المعتبر فيها قصد القرابة بتمام أجزائها.
- خطبهی نماز جمعه از عبادات است و قصد قربت در همهی اجزای آن
معتبر است.



﴿ شرایط امام جمعه ﴾

س ۶۵۸ - شرایط امام جمعه با امام جماعت تفاوتی دارد یا خیر؟
«گلپایگانی»: لازم است که امام جمعه واجد شرایط امام جماعت باشد، به
علاوه، محتمل است لزوم اذن ممن له الأذن و قدرت داشتن بر خطبه
خواندن به لسان عربی.

* * *

«نکونام»: امام جمعه غیر از شرایط عمومی نسبت به امام جماعت، دو شرط
دیگر نیز دارد که حکایت از شرط عدالت او می‌کند:
نخست، آزادی عمل در گفتار و نداشتن وابستگی به دیگران و نپذیرفتن
انفعال از آنان.

دوم، استفاده‌ی غیر متعادل نبردن از امکانات عمومی، بیت المال و
وجوهات شرعی.

اضافه بر شرایط امام جماعت، وی باید فصاحت در کلام داشته باشد و
عدم اذن از حاکم تداعی معارضه نداشته باشد.



س ۶۵۹ - إذا كان إمام الجمعة مسافراً، فهل تصحّ جمعته وجمعة من يأتِمُّ به من
المتممّين أو المقصرّين؟

- اگر امام جمعه مسافر باشد، آیا نماز جمعه‌ی وی و کسانی که به او اقتدا می‌کنند؛ اعم از کسانی که نماز را تمام می‌گزارند یا شکسته، درست است؟
- ج - نعم، یجوز للمسافر إقامة صلاة الجمعة؛ إماماً أو مأموراً، وتصحّ منه.
- بله، گزاردن نماز جمعه برای مسافر جایز است؛ خواه وی امام باشد یا مأمور، و بجا آوردن آن درست است.



▣ زیادی رکن در نماز جمعه از امام و مأمور

- س ۶۶۰ - اگر امام، در رکعت دوم نماز جمعه که پس از قنوت باید به سجده رود فراموش کند و به رکوع رود، باید نماز خود را به سبب زیادی رکن دوباره بخواند، حال وظیفه‌ی مأمورمان را بیان فرمایید و همچنین اگر مأمور ناخودآگاه و از روی غفلت به قصد متابعت از امام به رکوع رود، چه باید بکند؟

ج - زیادی رکن، چه از امام و چه از مأمور، عمد باشد یا سهو، موجب بطلان نماز است. بلی، در موردی که امام در حال رکوع واجب باشد و مأمور، قبل از او سر بردارد، می‌تواند به قصد متابعت امام به رکوع برود، و بناءً علی‌هذا، اگر امام رکوع را زیاد نموده، نمازش باطل شده و مأمورمان اگر بتوانند، باید دیگری را برای امامت در بقیه‌ی نماز مقدم بدارند و اقتدا به او بکنند و الا جمعه را تمام نموده و نماز ظهر را بخوانند.



- س ۶۶۱ - اگر در رکعت دوم نماز جمعه، مأمور پس از قنوت به سهو به رکوع رود و به اشتباه خود پی ببرد، و بی درنگ برخیزد، نماز وی صحیح است یا باطل؟
- ج - نماز باطل است.



﴿ کفایت نماز جمعه از نماز ظهر ﴾

س ۶۶۲ - آیا نماز جمعه که در زمان ما معمول می باشد از نماز ظهر کفایت می کند یا نه؟

«گلپایگانی»: بر حسب اختیار این جانب، با خواندن نماز جمعه، به احتیاط واجب، خواندن نماز ظهر ترک نشود.

* * *

«نکونام»: در صورت صحت نماز جمعه، گزاردن نماز ظهر لازم نیست.

□ □ □ □

س ۶۶۳ - آیا اقتدا به نماز عصر امام جمعه صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: اقوی این است که اقتدا به نماز عصر کسی که نماز ظهر را نخوانده و اکتفا به نماز جمعه کرده صحیح نیست. بلی، اگر بعد از خواندن نماز جمعه، احتیاط کرد و نماز ظهر را هم خواند، جایز است که نماز عصر را به او اقتدا کند.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

﴿ احکام نماز جمعه ﴾

س ۶۶۴ - اگر مأمور به رکعت دوم امام جمعه رسید آیا می تواند به وی اقتدا کند یا نه؟ و بر فرض اقتدا، در رکعت دوم خود می تواند هر سوره‌ای را بخواند یا باید سوره‌ی منافقون را بخواند؟

ج - در رکعت دوم اقتدا کند و سوره‌ی منافقون مستحب است و واجب نیست.

□ □ □ □

س ۶۶۵ - در صورت برگزاری نماز جموعه، آیا جایز است دیگران نماز ظهر را
بجای آن فردا یا به جماعت بخوانند یا نه؟

«گلپایگانی»: بلی، به نظر حقیر جایز است.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد، مگر آن که علت تضعیف نماز جموعه گردد که نباید
انعکاس جمعی داشته باشد؛ خواه فردا باشد یا به جماعت آورده شود.

□ □ □ □

س ۶۶۶ - تلاوت حمد و سوره در نماز جموعه باید به جهر باشد یا به اخفات نیز
جایز است؟

«گلپایگانی»: احوط جهر است.

* * *

«نکونام»: لازم است حمد و سوره نماز جموعه به جهر خوانده شود.

□ □ □ □

□ خواندن نماز ظهر پیش از گذشتن وقت نماز جموعه

س ۶۶۷ - آیا لازم است کسی که نماز جموعه را نمی‌خواند و می‌خواهد نماز ظهر
بجا آورد، گزاردن نماز ظهر را تأخیر بیندازد تا وقت ظهر نماز جموعه بگذرد یا
خیر؟

«گلپایگانی»: لازم نیست، ولی اولی و احوط است.

* * *

«نکونام»: تأخیر انداختن نماز ظهر تا گذشتن وقت نماز جموعه لازم نیست و
این امر ویژه برگزار شدن نماز جموعه در زمان معصوم علیهم السلام است.

□ □ □ □

س ۶۶۸ - اگر کسی نماز جموعه را خوانده و می‌خواهد برای احتیاط نماز ظهر را نیز
بخواند، آیا شخصی که نماز جموعه نخوانده و می‌خواهد نماز ظهر بخواند

می تواند در نماز ظهر به شخص یاد شده اقتدا کند یا خیر؟
«گلپایگانی»: بنا بر احتیاط نمی تواند.

* * *

«نکونام»: اقتدا به شخص یاد شده جایز نیست.

□ □ □ □

س ۶۶۹- در مسجدی نماز جموعه برگزار می شود، آیا جایز است در جای دیگری
که با آن مسجد کمتر از یک فرسخ فاصله دارد اقامه نماز جموعه شود؟
ج- در کمتر از یک فرسخ، دو نماز جموعه صحیح نیست و هر کدام بعد از
دیگری شروع کنند، باطل است.

□ □ □ □

مسئله ۶۷۰- نماز جموعه در احکام شک و سهو و غیر آن در رکعات و اجزای
رکنی و غیر رکنی و شرایط و موانع مانند دیگر نمازهای واجب است.

□ □ □ □

س ۶۷۱- آیا کسی که می خواهد نماز ظهر بگذارد می تواند به امام جموعه از ابتدا
یا در رکعت دوم اقتدا کند یا خیر؟

«گلپایگانی»: به نظر حقیر، احوط عدم جواز اقتدائی ظهر به جموعه است.

* * *

«نکونام»: صحیح نیست.

□ □ □ □

نماز عید فطر و قربان

س ۶۷۲ - اگر عید فطر، بعد از ظهر ثابت شد، آیا جایز است فردای آن روز نماز عید را برای قضا یا به قصد رجا بجا آورد یا نه؟
ج - قضا ندارد، لکن رجائے جایز است.

□ □ □ □

س ۶۷۳ - شخصی که در دو محل، امام جماعت است، آیا می‌تواند روز عید فطر نماز عید را در دو محل امامت کند یا نه؟
«گلپایگانی»: در نماز عید فطر نمی‌تواند در دو محل، امام واقع شود.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۶۷۴ - اگر به بطلان نماز عید یقین پیدا شود، آیا دوباره خواندن آن لازم است یا نه؟
ج - نماز عید در زمان غیبت مستحب است و اگر علم به بطلان آن حاصل شود، (تا) وقت آن باقی (است)، جایز است اعاده نماید.

□ □ □ □

س ۶۷۵ - در نماز عید فطر و قربان، اگر برای نمونه، در رکعت اول به قنوت چهارم امام برسیم، وظیفه چیست؟

ج - در فرض سؤال، سه تکبیری که با امام نبوده با سه قنوت ولو با یک صلوات بگوید و در رکوع به امام ملحق شود صحیح است.



س ۶۷۶ - اگر به رکعت دوم نماز عید برسیم، وظیفه چیست؟

ج - پس از سلام، رکعت دوم را خود به صورت فرادا بخواند.



نماز قضا

س ۶۷۷ - گاه برعی نماز فریضه را به جای نافله می خوانند و برای نمونه، در شب های قدر ماه مبارک رمضان به جای صدر کعت نافله، شش شبانه روز نماز قضا می خوانند، اکنون آیا نماز قضای آنان از آن نافله کفایت می کند یا نه؟

ج - مجزی از نافله نیست ولکن خواندن نمازهای قضای اهم است. نماز قضای را بخواند؛ خصوصا اگر احتمال بددهد که بعدا توفیق قضای واجب را پیدا نمی کند.

□ □ □ □

س ۶۷۸ - شخصی در سفر، نماز ظهر را شکسته خواند، بعد قصد اقامه نموده و نماز عصر را تمام خواند، بعد از نماز عصر، از قصدش برگشت و از طرفی یقین کرد که یکی از آن دو نماز باطل بوده، اکنون تکلیف وی مادامی که در آن محل است و نسبت به دو نماز باطل چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که بعد از نماز عصر، عدول از قصد اقامه نموده، وظیفه ای او در آن محل - به جهت استصحاب حکم تمام که به قصد عشره ثابت شد - اتمام نماز و گرفتن روزه است و احوط، جمع است و نسبت به قضای آن دو نماز، اگر در کعت قضای قصرابه قصد مافی الذمه بجا بیاورد کافی است.

* * *

«نکونام»: وظیفه‌ی وی اتمام نماز و گرفتن روزه می‌باشد و خواندن یک نماز
دو رکعتی قضا از آن نماز باطل کفایت می‌کند.



س ۶۷۹- آیا کافری که به دین اسلام می‌گراید، باید نماز و روزه‌ی دوران کفر خود
را انجام دهد یا خیر؟

ج- بر کافری که اسلام را اختیار می‌کند قضای نمازها و روزه‌های فوت
شده‌ی وقت کفرش و روزه‌هایی را که افطار کرده واجب نیست، ولی اگر
مسلمان بوده و بعد کافر شده و دوباره اسلام اختیار کرده، باید قضای
نمازها و روزه‌هایی که در حال کفر ترک کرده بجا آورد.



س ۶۸۰- شخص بیماری که سکته کرده و مدتی بستری بوده و هیچ گونه قدرت بر
حرکت نداشته و افزوده بر این، حواس و درک وی بجا نبوده، آیا نماز از عهده‌ی
او ساقط است یا نه؟ و آیا قضای واجبات وی بعد از مرگ او بر وارث لازم
است یا نه؟

ج- در فرض مسئله، اگر بیمار حواس نداشته که اوقات نماز را تمیز دهد،
نمازهای فوت شده قضاندارد و اگر ملتفت بوده و مسامحه کرده، قضای
نمازها را بجا بیاورند.



س ۶۸۱- آیا نماز قضای اذان و اقامه دارد؟

ج- واجب نیست و مستحب است و اگر هر مجلسی یک اذان و یک اقامه
بگوید، مستحسن است.



س ۶۸۲ - آیا می‌توان نماز قضا را بدون اذان و اقامه و با یک بار گفتن تسبیحات
اربعه و با یک سلام آخر بجا آورد یا نه؟
ج - مانعی ندارد و بهتر آن است که تسبیحات را سه مرتبه و هر سه سلام را
بگوید.



س ۶۸۳ - کسی نافله‌ی شب را به نذر بر خود واجب کرده و شب بیدار نشد، آیا
قضای آن بر او واجب است یا نه؟
ج - بله، واجب است.



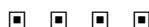
س ۶۸۴ - کسی که نماز وی در اماکن تخییر؛ مانند: مسجدالحرام، مسجد مدینه،
مسجد کوفه و حائر حسینی قضا می‌شود، آیا در قضای نیز میان شکسته و اتمام
آوردن نماز اختیار دارد یا این حکم به حال ادا ویژگی دارد؟
«گلپایگانی»: احوط آن است که قصراً قضای نماید.

* * *

«نکونام»: لازم است نماز را به صورت شکسته قضای نماید.



س ۶۸۵ - کسی که خود نماز قضا بر عهده دارد آیا می‌تواند برای قضای نماز
دیگری اجیر شود و نماز دیگری را به همراه قضای نماز خود بخواند یا نه؟
ج - بله، می‌تواند ولی در قضای نماز خود مسامحه ننماید.



س ۶۸۶ - کسی که یقین داشته وقت هست و نماز خوانده، ولی بعد از نماز فهمیده
که وقت گذشته بوده است، باید قضای آن را بخواند یا نه؟
«گلپایگانی»: اگر یک رکعت آن در وقت واقع شده قضای ندارد و اگر همه‌ی
نماز در خارج وقت واقع شده؛ چنان‌چه به نحو تقييد نيت ادا نموده، باید

قضای آن را بخواند، ولی اگر نیت ما فی الذمه کرده یا به عنوان خطا در تطبیق، نیت ادا نموده، قضای ندارد.

* * *

«نکونام»: باید آن را قضای نماید.

□ □ □ □

س ۶۸۷ - شخصی از پانزده تا ۲۵ سالگی نماز خوانده ولی در اثر سکونت در بیابان و دسترسی نداشتن به عالم و جهل به مسأله، از بدن و لباس خود رفع نجاست نموده و به همان حال نماز خوانده است، آیا قضای نماز این مدت - با آن که مشقت دارد - بر او واجب است؟

«گلپایگانی»: بنا بر احتیاط لازم، واجب است نمازهایی را که با بدن و لباس نجس خوانده قضای نماید. تصمیم بگیرد و از خدای متعال استعانت بجوید؛ ان شاء الله موفق می‌شود، ولی می‌توانید در این احتیاط به فقهایی مراجعه کنید که قضای لازم نمی‌دانند.

* * *

«نکونام»: لازم است آن را قضای نماید.

□ □ □ □

س ۶۸۸ - اگر کسی غسل‌های واجب خود را فراموش کند و نماز بخواند، آیا قضای نماز بر او واجب است یا نه؟

ج - بله، اگر غسل جنابت یا غسل مس میت یا غسل حیض یا نفاس یا استحاضه فراموش شود، هرچه نماز خوانده، باید قضای نماید.

□ □ □ □

س ۶۸۹ - روایتی از مولای متقدیان علیهم السلام نقل شده، آیا این روایت صحیح است؟ عن علی بن أبي طالب علیهم السلام قال: سمعت رسول الله علیه السلام يقول: «من ترك الصلاة في جهالته ثم ندم لا يدرى كم ترك فليصل ليلة الإثنين خمسين ركعة بفاتحة الكتاب

وقل هو الله أحد مرة، فإذا فرغ من الصلاة استغفر الله مأة، جعل الله ذلك كفارة صلاته، ولو ترك صلاة مأة سنة لا يحاسب الله صلاة العبد الذي صلى هذه الصلاة».

- امام امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید از رسول خدا علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که نماز خویش را به سبب ندانی ترک گوید و شماره‌ی نمازهایی را که نگزارده است نداند، در شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز بخواند که در هر رکعت، سوره‌ی حمد و قل هو الله احد را یک بار بخواند، پس چون نماز را به پایان رساند، یکصد بار استغفار نماید و خداوند آن را کفاره‌ی نمازهایی که نخوانده است قرار دهد، و چنان‌چه وی نماز یکصد سال خویش را ترک کرده باشد، خداوند آن نمازها را به این نماز محاسبه خواهد نمود.

«گلپایگانی»: صحبت سند روایت مذکوره معلوم نیست و بر فرض صحبت، چون به ظاهر آن عمل نشده و معرض عنهاست، باید حمل به خلاف ظاهرش شود، و ممکن است نظر داشته باشد به صورتی که یقین به فوت نماز نداشته باشد والا نمازهای فوت شده یقینی را واجب است قضا نماید و ممکن است این دستوری برای قبول شدن توبه‌ی او باشد به ملاحظه‌ی معصیت ترک صلات در وقت، و تدارک مصالحی که فوت شده و علم به فوت آن‌ها ندارد.

* * *

«نکونام»: این روایت، گذشته از مشکلات سند و عدم دلالت، خلاف قاعده است و نمی‌شود به آن عمل کرد.

□ □ □ □

س ۶۹۰ - شخصی در بیمارستانی که تا محل خود بیش از ده فرسخ فاصله دارد، یک ماه بستری است و نمازهای خود را نخوانده، اکنون آن نمازها را شکسته قضایند یا تمام؟

ج - اگر مردد بوده و نمی‌دانسته چند روز در بیمارستان می‌ماند، تا یک ماه

نمازهای خود را قصراً قضا کند، ولی اگر قصد اقامه‌ی ده روز را داشته، باید تماماً قضا نماید.



س ۶۹۱ - اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند و بعد معلوم شود غلط بوده، مثلاً تشدید «اهدنا الصراط المستقیم» را نمی‌گفته و حال که می‌خواهد آن را قضا کند، شک دارد آیا از اول بلوغ دچار این خطأ بوده یا بعد از آن به چنین اشتباهی دچار گردیده، چه مقدار از نمازهای خود را قضا کند؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله که غلط می‌خوانده، اقوی اعاده‌ی نماز است به مقداری که یقین دارد غلط می‌خوانده.



«نکونام»: در صورتی که اشتباه، معنا را تغییر ندهد، اشکال ندارد و اعاده‌ی آن در این صورت لازم نیست.



□ نماز و روزه‌ی قضای پدر و مادر

س ۶۹۲ - پدرم نماز قضای بر عهده داشته و اگر وصی او نیز به نیابت او انجام داده باشد، چیزی در دست نیست، بنده در نظر دارم با استیجار نمازهای قضای شده از او را جبران نمایم اما مقدار آن را نمی‌دانم و نیز نوع آن را از حیث صبح و ظهر و مانند آن و از حیث مسافر بودن یا نبودن و نیز از حیث ترتیب نمی‌دانم، در این صورت چه باید کنم؟

«گلپایگانی»: در تعداد قضای، پسر بزرگ‌تر برای انجام وظیفه‌ی خود می‌تواند به قدر متیقن اکتفا کند، ولی اگر بخواهند ذمه‌ی میت را واقعاً بری نمایند، باید به اندازه‌ای بخوانند که یقین کنند بیشتر از آن بر ذمه‌ی میت نبوده و در نوع فوائت، احتیاط لازم است.



«نکونام»: کافی است مقدار قدر متین تخمینی را قضا نماید و در نوع نماز فوت شده احتیاط لازم نیست.



■ قضای نمازهای نادرست پدر و مادر

س ۶۹۳ - اگر پدر و مادر نماز خود را به اشتباه خوانده باشند، آیا قضای نماز آنان بر پسر بزرگ واجب است یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که از جهت عدم قدرت معذور از تصحیح بوده‌اند، قضای ندارد.



«نکونام»: به طور نوعی کسانی که نماز را اشتباه می‌خوانند در بسیاری از مناطق کشور ما جاهم مقصرا هستند و معذور از تصحیح نماز نمی‌باشند و نمازهایی که به غلط خوانده شده، لازم است قضای شود.



س ۶۹۴ - پدری که در مدت عمر خود نماز را ترک کرده بوده، آیا قضای نماز و روزه‌اش پس از مرگ او بر پسر بزرگ‌تر واجب است یا نه؟

«گلپایگانی»: به نظر این جانب، احتیاط لازم آن است که پسر بزرگ‌تر نمازهای قضای شده‌ی عمدی پدر را هم بجا آورد، ولی می‌تواند در این احتیاط، به علمایی مراجعه کند که عمل به این احتیاط را لازم نمی‌دانند، با رعایت الاعلم فالاعلم.



«نکونام»: واجب است آن را قضای نماید.



س ۶۹۵ - اگر پسر بزرگ‌تر - که ادای دین پدر و مادر بر او واجب است - بیمار باشد و ثروتی ندارد، آیا انجام آن بر پسر دیگر واجب است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر مقصود از دین پدر، دیون مالی است، که باید ورثه از ترکه‌ی

پدر ادا کنند و اگر مقصود، نماز و روزه است که بر پسر بزرگ‌تر واجب است و در صورتی که او قادر بر قضائیست و قدرت بر استیجار هم ندارد و شرعاً معذور است، احتیاط لازم آن است که پسر بعدی بجا آورد.

* * *

«نکونام»: دین مالی به عهده‌ی ورثه است و نماز در صورت عدم توانایی ساقط است و لازم نیست پسر بعدی نماز قضای پدر را بجا آورد.

□ □ □ □

س ۶۹۶ - شخصی سی سال آخر عمر به اختلال حواس و عارضه‌ی روانی مبتلا بود؛ به‌نحوی که در اوایل سی سال اخیر، نمازهای واجب خود را به‌طور ناقص انجام می‌داده و در بقیه بر اثر بیماری مزبور، توجهی به انجام واجبات خویش نداشته، حال آیا لازم است همه‌ی نمازها و روزه‌های ترک شده‌ی وی در این زمان را قضا نمود یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر شعور خود را به‌کلی از دست داده بوده که اصلاً درک تکلیف نمی‌کرده، نماز و روزه‌اش قضای ندارد، و اگر متوجه تکلیف بوده و مع ذلک ترک کرده، اگر با عذر ترک کرده، بر پسر بزرگ واجب است که آن را قضای نماید و اگر بی‌عذر ترک کرده، احتیاط آن است که قضای آن مقدار نماز و روزه را بجا آورد.

* * *

«نکونام»: قضای ندارد.

□ □ □ □

س ۶۹۷ - آیا پسری که به تکلیف نرسیده می‌تواند نماز قضای پدر و مادر را بخواند یا نه؟

ج - اگر ممیز باشد و صحیح هم بخواند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۶۹۸ - اگر شخصی بعد از ظهر بمیرد، آیا قضای نماز ظهر و عصر او بر پسر بزرگ‌تر واجب است؟

ج - اگر پس از مقداری از وقت که کافی برای نماز ظهر و عصر بوده فوت شده، قضای ظهر و عصر، هر دو واجب است.



■ گرفتن مزد پسر بزرگ بر قضای نمازهای پدر و مادر

س ۶۹۹ - آیا پسر بزرگ می‌تواند در زمان حیات پدر و مادر به آن‌ها بگوید من نمی‌توانم قضای نماز و روزه‌ی شما را بجا آورم و یا بگوید من در برابر قضای نماز و روزه‌ی شما مزد می‌خواهم؟ و آیا می‌شود هزینه‌ی نماز و روزه را از ترکه‌ی میت برداشت یا نه؟ چگونه ممکن است فرزندی به خاطر این که بزرگ‌تر است این تکلیف سخت بر او بار باشد؟

«گلپایگانی»: شرط اجرت، برای پسر بزرگ در برابر قضای نماز و روزه‌ی پدر و مادر مشکل است، ولی اگر پدر و مادر وصیت کنند که آن‌چه نماز و روزه از آن‌ها فوت شده استیجار کنند و مبلغی را هم در مقابل تعیین نمایند، در صورتی که اجیر انجام دهد، از پسر بزرگ‌تر ساقط است.



«نکونام»: شرط کردن مزد یا گرفتن آن برای پسر بزرگ در مقابل نمازهای قضای شده‌ی پدر و مادر جایز نیست، ولی پدر و مادر می‌توانند به عقد اجاره، قضای نمازهای خود را بعد از مرگ به غیر پسر بزرگ بسپارند. البته، در این صورت، با انجام نماز بعد از مرگ آن‌ها، به‌طور قهری از عهده‌ی پسر بزرگ ساقط می‌شود اما پسر نه می‌تواند بگوید آن را انجام نمی‌دهم و نه می‌تواند اجرتی طلب کند.



س ۷۰۰ - شخصی صوفی بوده و به عمد نماز نمی خوانده، آیا قضای نمازهای او بر پسر بزرگ‌تر واجب است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر منکر وجوب نماز بوده و لذا عمدانمی خوانده، قضای نمازهایش بر پسر واجب نیست، اما اگر منکر نبوده و با اقرار به وجوب، نخوانده، احتیاط واجب آن است که پسر بزرگ قضا نماید.

* * *

«نکونام»: اگر منکر وجوب نماز بوده است، قضا ندارد و اگر منکر آن نبوده، قضای آن بر پسر بزرگ‌تر واجب است.

□ □ □ □

س ۷۰۱ - مادر این جانب دو ماه پیش فوت نموده و وصیت کرده که یک ماه روزه‌ی برای او بگیریم، آیا چون استطاعت مالی نداریم، خود و برادرم می‌توانیم روزه‌ی او را بگیریم یا نه؟

ج - بله، می‌توانید روزه‌ی او را بگیرید.

□ □ □ □

س ۷۰۲ - کسانی که در اواخر عمر در اثر بیماری و حالت اغما و ضعیف شدن حواس یا از دست دادن عقل نمازشان ترک می‌شود، آیا پسر بزرگ‌تر باید قضای نمازهای آنان را بجا آورد؟

«گلپایگانی»: در صورتی که در تمام وقت دیوانه یا مغمی علیه بوده، قضای آن بر پسر بزرگ نیست. و اما آن‌چه در حال مرض فوت شده یا طبق وظیفه انجام نداده، باید پسر بزرگ‌تر انجام دهد و چنان‌چه عمدانموده، احتیاط آن است که پسر بزرگ بخواند، اما در این احتیاط می‌تواند با رعایت الاعلم فالاعلم به غیر رجوع نماید.

* * *

«نکونام»: نمازهای ترک شدهی آنان قضا ندارد.

□ □ □ □

س ۷۰۳ - پدر این جانب سکته نموده و به مدت پنج سال می‌توانسته راه برود ولی قدرت تکلم نداشته و چهار سال بعد روی تخت خواب بستری بوده و در این مدت، هوش و حواسی نداشته و حتی نمی‌توانسته سخن بگوید و همانند کودک یکساله چیزی به یاد نمی‌آورد، آیا اکنون که فوت نموده، انجام نماز و روزه‌ی قضای وی واجب است؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، نمازهایی که در تمام وقت آن، پدر شما در حال اغما و بیهوشی بوده قضا ندارد و اما آن‌چه در حال بجا بودن حواس و هوش، به حسب حال خود، قدرت داشته و نخوانده، باید اکبر اولاد ذکور از طرف او قضا نماید، و اما روزه‌ی او که در زمان مرض متصل به موت ترک شده، قضا ندارد، ولی بدل هر روزی یک مدگندم کفاره دارد که از مال متوفی باید ادا شود.

* * *

«نکونام»: نماز و روزه‌ی وی در زمانی که هوش و حواسی نداشته قضا ندارد و پرداخت کفاره نیز واجب نیست.

□ □ □ □

س ۷۰۴ - آیا قضای روزه‌ی و نماز پدرم و مادرم بر من که همیشه بیمار هستم واجب است یا نه؟

«گلپایگانی»: نماز و روزه‌های فوت شده از پدر بر پسر بزرگ واجب است و اگر قدرت بر انجام آن نداشته باشد، باید استیجار کنید. و در مورد مادر نیز احتیاط واجب رعایت این حکم است.

* * *

«نکونام»: نماز و روزه‌ی پدر بر پسر بزرگ واجب است و اگر خود نمی‌تواند بیاورد، آن را استیجاری انجام دهد و چنان‌چه نمی‌تواند، تکلیف ساقط می‌شود و نسبت به نماز و روزه‌های قضای مادر تکلیفی ندارد.

□ □ □ □

س ۷۰۵- اگر پسر بزرگ در زمان زندگی پدر بمیرد، آیا نماز و روزه‌ی فوت شده از پدر، بعد از پدر بر عهده‌ی پسر دوم است که به هنگام مرگ پدر، پسر بزرگ است یا نه؟ و با نبود فرزند پسر، آیا دختر بزرگ وظیفه‌ای دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: منظور از پسر بزرگ، پسر بزرگ هنگام فوت پدر است از پسران زنده، ولی این حکم با نبودن پسر بزرگ برای دختر بزرگ و اولی به میراث در هر طبقه احوط است.

* * *

«نکونام»: منظور از پسر بزرگ، بزرگ‌ترین پسر در زمان مرگ پدر است و دختر بزرگ تکلیفی ندارد.

□ □ □ □

نماز و روزه استیجاری

س ۷۰۶ - این جانب روزه‌ی قضا به عهده دارم و در حال حاضر به علت بیماری، توانایی گرفتن روزه را ندارم و نسبت به آینده نیز مأیوس هستم، آیا مجوزی است تا فردی را برای گرفتن روزه اجیر کنم یا خیر؛ چون اطمینان دارم بر فرض وصیت، ورثه به انجام آن موفق نخواهد شد؟

ج - نیابت از زنده در قضای نماز و روزه جایز نیست و می‌توانید به شخص مورد اطمینان پولی را صلح نمایید و در ضمن صلح شرط کنید که بعد از فوت برای شما نماز و روزه استیجار نماید.

□ □ □ □

س ۷۰۷ - آیا به وصیت مفقود الاثر می‌توان عمل نمود یا خیر؟ و نیز می‌شود برای او روزه و نماز استیجار کرد یا نه؟

ج - به وصیت مفقود الاثر تا مرگ او معلوم نشده نمی‌توان عمل نمود و استیجار نماز و روزه هم تا زمانی که مفقود الاثر است و هنوز مرگش معلوم نشده صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۷۰۸ - دو خواهر وفات نموده‌اند، و وجهی به نام یکی برای خواندن نماز وصیت شده ولی به اشتباه به نام دیگری به محضر شما تقدیم نموده‌اند و بعد از

مدت مديدة آن را دانسته‌اند، آیا نمازهای خوانده شده برای صاحب نماز محسوب می‌شود یا خیر؟

ج - اگر دهنده‌ی پول، پول را واقعاً برای منوب عنه داده و اشتباه در اسم کرده و عمل نماز هم برای صاحب پول انجام شده، عیبی ندارد و اگر گفته باشد برای صاحب نام و به نام او عمل انجام شود، مجزی نیست.



س ۷۰۹ - اگر در نماز استیجاری به سهو چیزی خورده شود، اشکال دارد؟

ج - اگر چیز کمی بوده و سهوا خورده، مبطل نیست.



س ۷۱۰ - کسی که نماز استیجاری بر عهده دارد و در عین این که عقیده به وجوب نماز داشته تصمیم به نخواندن نماز خود می‌گیرد، آیا می‌توان پس از مرگ وی، برای او نماز استیجاری گرفت یا نه؟

ج - نعوذ بالله من ذلك، فرض بعيد الواقعی است، ولی اگر چنین کسی پیدا شود، نماز استیجاری او صحیح است؛ هرچند به ترک نماز خود مرتكب گناه عظیم شده است.



س ۷۱۱ - اگر اجیر، نماز استیجاری را به ترتیب نخواند و برای نمونه، در یک مجلس، سی نماز ظهر و عصر و در مجلس دیگر سی نماز مغرب و عشا بخواند، صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگرچه ترتیب به نظر این جانب لازم نیست، لکن اشخاصی را که استیجار می‌کنم برای نماز قضای مؤمنین، هیچ گاه اجازه نمی‌دهم بدون ترتیب بخوانند.

* * *

«نکونام»: رعایت نکردن ترتیب در قضای نماز اشکال ندارد.



س ۷۱۲- شخصی پیر شده و قادر به گرفتن روزه نیست و روزه‌ی قضا بر ذمه دارد و از بازماندگان خود امید ندارد که بعد از مرگ او، روزه‌های خود را قضا نمایند یا برای او اجیر بگیرند، در این صورت، در حال زندگی خود می‌تواند برای خود اجیر بگیرد که روزه‌های او را قضا نماید یا نه؟

ج- در زمان حیات نمی‌تواند برای خود روزه استیجار نماید.



س ۷۱۳- شخصی پذیرفته که برای چند نفر روزه‌ی استیجاری بگیرد و در حال حاضر در اثر گرفتاری و ضعف، قدرت بر گرفتن آن ندارد، آیا اجازه می‌فرمایید که آن را به دیگری واگذار نماید یا باید خود در انجام آن مباشرت نماید؟ در ضمن، بعضی از ورثه‌ی کسی که از او نایب شده غایب می‌باشند و برخی دیگر از ایشان از این موضوع اطلاع ندارند، تکلیف این شخص را بیان فرماید؟

«گلپایگانی»: راجع به روزه، از هر یک از ورثه که ممکن است به قدر سهم الارث استیزان نماید و با اذن حاکم شرع، روزه را استیجار نماید و احتیاطاً به مقدار آن مبلغ، به عنوان مظالم رد کند.



«نکونام»: اگر صاحبان روزه را می‌شناسند و می‌توانند از آنها اجازه بگیرد، لازم است اجازه بگیرد و در غیر این صورت، از مجتهد عادل در جهت تنفيذ اجازه بگیرد و پرداخت مطالبه لازم نیست.



س ۷۱۴- آیا فرزند و همسر این جانب که نفقه‌ی آنان بر من واجب است می‌توانند برای کسی که فوت شده، نماز و روزه‌ی استیجاری در برابر اجرت انجام دهند یا خیر؟

ج- در فرض سؤال می‌توانند اجیر شوند، ولی اگر اجیر شدن زوجه، منافی با حق استمتاع زوج باشد، از زوج اذن بگیرد.



س ۷۱۵- شخصی برای خواندن نمازهای میتی اجیر شده، ولی از وضو گرفتن در اثر جراحت دست معذور بوده است و بعد از گذشت یک سال، عذر وی هنوز ادامه دارد، آیا وی می‌تواند عمل استیجاری را با تیمم انجام دهد یا نه؟
 «گلپایگانی»: احوط ترک آن است و در صورت عدم تمکن، احوط تراضی با موجز است به اقاله‌ی اجاره.

* * *

«نکونام»: نماز استیجاری را نمی‌شود به تیمم گزارد.

□ □ □ □

س ۷۱۶- شخصی ملکی را معین نموده است تا بعد از درگذشت او همه نمازهای وی را از ابتدای تکلیف تا آخر عمر با درآمد آن استیجار کنند. پس از استیجار نماز، مقداری از درآمد آن زیاد آمد، در این صورت آیا لازم است کسی را دوباره اجیر بگیرند یا باید آن را به ورثه بازگردانند و بنا بر وجوه رد به وارثان، آیا به ورثه‌ی زمان فوت میت تعلق دارد یا به وارثان موجود در زمان استیجار؟

ج- در فرض مسئله، با احتمال عقلایی که اشتغال ذمہی او باقی است، نماز جهت او استیجار کنند و پس از آن، اگر آن ملک را ثلث خود قرار داده، صرف در امور خیریه بنمایند، و اگر وصیت، جهت استیجار صلات بوده، به ورثه‌ی حین الموت می‌رسد.

□ □ □ □

س ۷۱۷- آیا زن می‌تواند نماز و حشت بخواند؟ همچنین آیا وی می‌تواند برای بجا آوردن نماز و روزه، اجیر دیگری شود یا نه؟

ج- بله، می‌تواند نماز و حشت بخواند و برای نماز و روزه‌ی قضا اجیر شود.

□ □ □ □

س ۷۱۸ - پسر نابالغ اما ممیز که در حدود سیزده سال دارد و اعتقاد وی نیز کامل است، آیا می تواند روزه استیجاری بگیرد یا نه؟
«گلپایگانی»: احوط عدم اکتفا به روزه ای اوست؛ چون اصالة الصحة در عمل او جاری نیست؛ هرچند روزه ای او صحیح است.

* * *

«نکونام»: نمی توان وی را اجیر نمود.

□ □ □ □

س ۷۱۹ - شخصی که روزه قضا دارد آیا می تواند روزه استیجاری برای دیگری بگیرد یا نه؟

«گلپایگانی»: بلی، در وسعت وقت می تواند.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۷۲۰ - شخصی که روزه کفاره بر عهده دارد و باید آن را پی در پی بگیرد و برای او مقدور نیست، آیا جایز است روزه استیجاری بگیرد یا نه؟
ج - بلی، جایز است.

□ □ □ □

س ۷۲۱ - کسی که از پدر و مادر، نماز و روزه قضا به عهده دارد، آیا می تواند برای خواندن نماز و روزه دیگری اجیر شود یا نه؟
ج - با فرض وسعت وقت، می تواند برای دیگران اجیر شود. والله العالی.

□ □ □ □

س ۷۲۲ - با شخصی که شغل وی روزه گرفتن است، قرار بسته می شود چهار ماه از سال را روزه بگیرد، وی یک ماه آن را روزه می گیرد و پیغام می دهد هزینه‌ی آن هزار و سیصد تومان و هزینه‌ی سه ماه دیگر هر ماهی هزار و پانصد تومان

می شود، و واسطه نیز پنج هزار و هشتصد تومان را از صاحب روزه دریافت می نماید، اجیر ماه دوم را نیز روزه می گیرد و برای دو ماه بعد می گوید هزینه‌ی روزه گران شده و واسطه می گوید که معامله‌ی ما تمام گردیده و شما باید روزه بگیرید، حال، سخن کدام یک پذیرفته است؟ توضیح این که اجیر با حرف و صحبت قبول کرده که سه ماه را با هر ماهی یک هزار و پانصد تومان روزه بگیرد و نه به صیغه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر بین اجیر و مستأجر صیغه‌ی عقد اجاره؛ چه به فارسی چه به عربی، جاری نشده، بر اجیر لازم نیست روزه را به اجرت مذکور بگیرد، و دو ماه باقی مانده باید با رضایت طرفین انجام شود، و اگر صیغه‌ی عقد به فارسی یا به عربی جاری شده، اجیر باید مورد اجاره را انجام دهد.

* * *

«نکونام»: از آنجا که اجاره‌ی معاطاتی درست و الزامی است، بر فرض نخواندن صیغه نیز باید به آن چه بر آن توافق نموده‌اند عمل کنند.

□ □ □ □

نماز آیات

س ۷۲۳ - آیا برای بارش باران شدیدی که موجب ترس بیشتر مردم می‌گردد، نماز آیات واجب است یا نه؟

ج - اگر موجب خوف غالب مردم باشد، نماز آیات واجب می‌شود.



س ۷۲۴ - اگر شخصی به هنگام حدوث زلزله یا بادهای شدید که بیشتر مردم می‌ترسند یا در حال گرفتن ماه و خورشید جنب باشد و به آب دسترسی نداشته باشد، چه تکلیفی دارد؟

ج - در زلزله موقعی که به آب رسید غسل کند و نماز بخواند و در خسوف و کسوف اگر ممکن از غسل و وضو نباشد، قبل از انقضای وقت، واجب است تیمم کند و نماز آیات بخواند.



س ۷۲۵ - آیا در خواندن حمد و سوره‌ی نماز آیات، جهر و اخفاف معتبر است یا خیر؟

ج - مخیر است بین جهر و اخفاف.



س ۷۲۶ - شخصی از ابتدای تکلیف تا به حال نماز آیات نخوانده و برای نمونه، چهل سال جاہل به حکم می‌باشد یا عالم به آن است ولی مسامحه کرده، اگر این شخص بخواهد نمازهای آیاتی را که در مدت یاد شده به عهده‌ی او آمده است تدارک نماید، چند نماز آیات بخواند تا از عهده‌ی آن برآید؟

«گلپایگانی»: چنان‌چه علم به مقدار فوت شده داشته و بعد فراموش نموده یا احتمال بددهد که می‌دانسته و فراموش کرده، واجب است احتیاطاً مقداری بخواند که یقین کند زیاده بر آن در ذمه ندارد، ولی اگر از اول، غفلت داشته و نمی‌داند چه مقدار به ذمه‌اش آمده، به مقداری که یقین دارد بخواند کافی است.

* * *

«نکونام»: کافی است مقداری را انجام دهد که اطمینان به قضا شدن آن دارد.



مسجد

س ۷۲۷ - تقام الصلاة في مسجد، وفيه قسم خاص للنساء، وقد يدرس في ذلك المسجد، وحين الدرس والبحث يخرجون النساء من المسجد، فهذا الدرس يكون مانعاً عن صلاتهن في المسجد، فهل هذا المانع فيه اشكال وحرمة أم لا؟

- نماز در مسجدی اقامه می شود و در آن بخشی ویژه زنان وجود دارد و گاه در آن جا تدریس می شود و زنان به هنگام درس از آن خارج می شوند و تشکیل این جلسه‌ی درسی مانع از گزاردن نماز توسط زنان در آن است، آیا تشکیل و برگزاری آن حرام است یا خیر؟

ج - لا يجوز منع المصلي من الصلاة في المسجد؛ رجلاً كان أو امرأة.

- جایز نیست کسی از گزاردن نماز در مسجد منع شود؛ خواه زن باشد یا مرد.



■ محدوده‌ی شرعی مسجد

س ۷۲۸ - مسجدی است که در اطراف آن دکان‌هایی مربوط به خود مسجد هست و دیوار مسجد در آن دکان‌ها قرار دارد و محراب آن یکی از همین دکان‌هast. بالای دکان‌های مذبور چند اتاق برای امام جماعت و طلاب و مؤذن ساخته شده و راه این اتاق‌ها نیز از خود مسجد است. اخیراً بالای اتاق‌های اطراف، اتاق‌های

جدیدی ساخته‌اند که درهای آن از طرف سقف مسجد باز می‌شود، هنگام تعمیر مسجد، سقف مسجد را جزو مسجد حساب نمی‌کردن، حال آیا از سقف مسجد جزو مسجد به شمار می‌رود یا نه؟ و آیا مسجد از تخوم ارض تا آسمان محکوم به حکم مسجد است یا فقط بر همانجا که نماز خوانده می‌شود اطلاق می‌گردد؟ «گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر اول، زمین مسجد را برای نماز وقف کرده‌اند و بعد اتاق‌ها را ساخته و وقف کرده‌اند، جای نماز من تخوم الارض الى عنان السماء حکم مسجد را دارد و اگر مسجد و اتاق‌ها را ساخته و بعد وقف کرده‌اند، طبقه بالای آن، حکم مسجد را ندارد.

* * *

«نکونام»: سقف یا زمین مسجد، تناسب و صدق عرفی خود را دارد و عنوان «من تخوم الارض الى عنان السماء» بر آن جاری نیست؛ پس اگر به‌نوعی در بالای سقف یا زیر زمین مسجد مجموعه‌ای مانند: دکان و اتاق ضمیمه ساخته شود که به‌طور عرفی زمین مسجد بر آن صدق نکند و تصرف در مسجد یا هتكی نسبت به آن را نداشته باشد، جزو مسجد به شمار نمی‌رود و احکام مسجد و زمین سطح آن بر پشت بام، سقف و زیر زمین آن جاری نمی‌باشد.



برگزاری مجلس عروسی در مساجد

س ۷۲۹ - این جانب قصد دارم طبق سنت صدر اسلام مجلس عروسی و ولیمه‌ی ازدواج پسرم را با حفظ تمام شعایر مذهبی در مسجد برگزار نمایم. استدعا دارم نظر شریف را در این مورد مرقوم فرمایید.

«گلپایگانی»: برگزار نمودن مجلس عروسی در مسجد در صدر اسلام به صورت یک سنت معلوم نیست و بهتر این است که این گونه مجالس را در منزل خود تشکیل دهید و نسبت به مسجد، اگر مزاحمت با نمازگزاران

باشد حرام و الا سزاوار نیست؛ زیرا مناسب وضع مسجد نیست و هتك است.

* * *

«نکونام»: مسجد برای برگزاری مجلس عروسی یا بسیاری از کارهای عمومی دیگر نمی‌باشد. در زمان‌های اخیر بر اثر تصور نادرست از مسجد و بهره‌های آن، در پی انواع استفاده‌های نامناسب از مساجد بوده‌اند که امری بسیار خطرناک است و سبب اهمال و سهل‌انگاری نسبت به مسجد، حرمت آن و بهره‌گیری نادرست از آن خواهد شد که به دنبال آن به بهانه‌ی بی‌خاصیتی و بی‌استفاده بودن مسجد، آن را مرکز کارهای غیرمناسب با آن؛ هرچند سالم و درست، قرار می‌دهند که دور از اهمال و عدم اهتمام به حرمت و موقعیت آن نمی‌باشد؛ همان‌طور که امروزه استفاده نبردن و بهره‌گیری درست و معنوی از مساجد، آن را از عبادت‌گاه بودن خارج ساخته و به مراکز شلوغ جهت هرگونه برنامه‌های تفریحی و سیاحتی مبدل ساخته است که بدین سان به تدریج آثار و برکات خاص مساجد از دست می‌رود؛ هرچند نظافت، بهداشت و جذابیت از لوازم اولی مساجد و مقبره‌ها می‌باشد.

به‌طور کلی، کارهای عمومی در مقایسه با مسجد بر سه نوع است:

- الف. امور غیرمنافی با شؤون مسجد، مانند: برگزاری مجالس علمی و دینی؛
- ب. اموری که می‌تواند منافی شؤون مسجد نباشد، ولی مناسب مسجد نیز نیست، همچون کارهای عمومی دنیاگی؛ مانند: انتخابات؛
- ج. امور منافی با شؤون مسجد که نسبت به آن هتك حرمت می‌باشد؛ مثل: برگزاری مجالس عروسی، بهویژه با وضعیت موجود آن میان مردم.



س ۷۳۰- آیا صحن و حیاط مسجد در صورت جهل به چگونگی وقف آن در حکم مسجد است که جنب تواند در آن درنگ کند یا نه؟
 «گلپایگانی»: با جهل به کیفیت وقف و نبودن اماره یا ظاهر حال، احکام خاصه مسجد بر آن مترتب نیست.

* * *

«نکونام»: با نا آگاهی به ویژگی وقف و این که دانسته نمی شود جزو مسجد است یا نه، حکم مسجد را ندارد.

□ □ □ □

س ۷۳۱- مسجدی که علاوه بر شبستان، دارای حیاط و صحن و راهرو است و در عرف، همهی آن را مسجد می خوانند، آیا احکام مسجد را دارد یا نه و در صورتی که قصد بانی معلوم نباشد، ساختن مستراح و مانند آن در یک طرف آن صحن جایز است یا خیر و آیا وجود دلیل و قرینه ای بر مسجد بودن آن لازم است یا نه؟

ج- با شک در آن که صحن را جزو مسجد قرار داده، اگر اماره ای بر مسجد بودن نباشد، محکوم به مسجدیت نیست و اماره بر عدم لازم نمی باشد.

□ □ □ □

س ۷۳۲- اگر در این که مکانی بخشی از مسجد است یا راهی است که برای رفتن زن ها به مسجد قرار داده شده تردید باشد، آیا جایز است در آن قسمت حوض خانه ای بنا نمود؟

ج- در صورتی که معلوم نباشد که برای نماز وقف شده یا برای جهت مخصوصی که حوض منافی با آن باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۷۳۳- هل يجوز دخول اليهودي والنصراني في مساجد المسلمين والجلوس على فراش المسجد أم لا؛ لأنّهم مشركون بتصريح القرآن أو يجوز الدخول لاستماع الموعظة مثلاً، ولكن من دون جلوس على الفراش؟

- آیا یهودیان و مسیحیان می‌توانند به مساجد مسلمین درآیند و بر فرش مسجد بنشینند یا خیر؛ چرا که آنان به تصریح قرآن کریم مشرک می‌باشند و آیا جایز است برای نمونه، به جهت شنیدن موعظه به مسجد وارد شوند بدون آن که بر فرش آن بنشینند یا خیر؟

ج - لا یجوز دخول الکافر فی المسجد مطلقاً؛ سواء كان من أهل الكتاب أم لا.

- داخل شدن کافران به مسجد به صورت مطلق جایز نیست؛ خواه از اهل کتاب باشند یا نباشند.



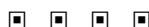
■ برگزاری مجلس ترحیم در مساجد

س ۷۳۴ - تشکیل مجلس فاتحه و ترحیم در مسجد چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: اگر مانع از نماز نباشد، مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: تشکیل مجالس فاتحه و ترحیم در مساجد در صورتی اشکال ندارد که منافی با شؤون مسجد نباشد و هیچ گونه کردار و رفتار منافی با شؤون مسجد در آن برگزار نشود؛ مانند: اجرای غنای حرام، رعایت نکردن حجاب و عفت در میان زن‌ها، رعایت نشدن پاکی و نظافت در میان بچه‌ها که همه سبب هتك حرمت مسجد و جایز نبودن برگزاری این گونه مجالس در مسجد است.



■ رفت و آمد حایض و جنب بر پشت بام مسجد

س ۷۳۵ - آیا حایض و یا جنب می‌تواند پشت بام مسجد برود یا نه؟

«گلپایگانی»: پشت بام مسجد حکم خود مسجد را دارد.

* * *

«نکونام»: به طور کلی، پشت بام مسجد احکام داخل مسجد و زمین سطح آن را ندارد و نسبت به اموری که به طور عرفی موجب هتك حرمت آن نمی‌شود تکلیفی نیست و حایض و جنب می‌توانند بر پشت بام مسجد بروند یا آن‌جا بنشینند و چنان‌چه پشت بام مسجد، توسط حیوان یا طفلی متنجس شد، تکلیفی نسبت به طهارت آن بر کسی نیست، مگر آن که به گونه‌ای باشد که به صورت عرفی سبب هتك حرمت مسجد باشد؛ مانند آن که حیوانی در آن‌جا منزل نماید.



﴿نجس شدن زیر گچ کاری مسجد﴾

س ۷۳۶- بنایی به هنگام ساخت مسجد، انگشت وی به خون آلوده شده و آن را به آجری مالیده که آن را در بنای بالکن مسجد به کار برد و بعد نیز روی آن گچ گرفته شده، اکنون تکلیف چیست؟

«کلپایگانی»: اگر آن آجر، معلوم و معین باشد، باید بکند و به جای آن، آجر پاک نصب نماید؛ ولو این که چند آجر خراب شود و بعد بسازد، و اگر نمی‌داند چه ناحیه‌ای به کار رفته، تکلیف ساقط است.



«نکونام»: اگر آجر نجس زیر کار گچ کاری قرار گرفته باشد؛ به گونه‌ای که محسوس یا موجب هتك حرمت مسجد نباشد، تکلیفی بر دیگران در جهت پاک نمودن آن نمی‌باشد؛ هر چند در زمان نجس شدن، اگر کسی این امر را می‌فهمید، باید آن را تطهیر می‌نمود.



﴿احداث مسجد مخربه﴾

س ۷۳۷- مسجد کوچکی به مرور زمان ویران و سنگ و گل آن پراکنده شده، اکنون جمعی از جوانان حزب الله برای حفاظت مکان مسجد از نجاست و

آلودگی، دوباره مسجدی بنا کرده‌اند که مراسم نماز و دعای کمیل در آن برقرار می‌گردد، و مقداری کتاب مذهبی در آن گذاشته شده تا جوانها در ساعت فراغت مشغول مطالعه شوند، آیا چنین عملی اشکال شرعی دارد یا خیر؟ در ضمن، مکان پاییگاه بسیج نیز می‌باشد.

«گلپایگانی»: مسجد حتی بعد از خرابی، مسجد است، و از مسجدیت خارج نمی‌شود، و مراسم دیگر که مزاحم نمازگزاران یا خلاف وضع مسجد باشد جایز نیست، و کتابخانه قرار دادن آن برخلاف وضع مسجد است که عبادت‌گاه مسلمین است و تمام احکام مسجد واجب است رعایت شود، حتی اگر چند طبقه هم بالا رود، تمام آن مسجد است.

* * *

«نکونام»: مسجد با تخریب یافتن از مسجد بودن خارج نمی‌گردد و نمی‌توان آن را بعد از خرابی؛ خواه به صورت عمدى باشد یا به گونه‌ی عادی و به مرور زمان از بین برود، به صورت دیگری در آورد یا در صورت متروکه بودن، چیزی که منافی عنوان مسجد باشد بر آن احداث نمود؛ هر چند نهادن کتاب‌های مذهبی و مطالعه کردن جوانها یا هر عمل دیگری در مسجد متروکه، در صورتی که عنوان کتابخانه یا هر عنوان خاص منافی دیگری نیابد و مزاحمتی برای نماز یا عنوان «مسجد بودن» نداشته باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

■ بنای مسجد بر زمین کنار امامزاده

س ۷۳۸ - در روستای ما امامزاده‌ای است و جنب امامزاده زمینی به صورت سکو بوده است که در فصل تابستان بعضی از مؤمنان در آن جا نماز می‌خوانند؛ البته نه به اسم مسجد، تا این که بعضی افراد نیکوکار پولی جمع کرده و در آن زمین مسجدی ساخته‌اند و مدتی است که مردم به نام مسجد در آن جا نماز می‌خوانند،

آیا آن جا حکم مسجد را دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر زمین مزبور وقف برای جهت خاصی نبوده و به عنوان مسجد ساخته شده، تمام احکام مسجد بر آن مترتب است و نیز اگر از متعلقات حرم امامزاده بوده و محل اجتماع نمازگزاران باشد، حرمت تنجیس و اقامت جنب و حایض و وجوب ازاله نجاست بر آن مترتب است. والله العالم.

* * *

«نکونام»: اگر زمین اطراف امامزاده برای امامزاده باشد، نمی‌توان آن را وقف مسجد نمود؛ ولی چنان‌چه برای امامزاده نباشد و پیش از این، به مسجد متعلق بوده است و معلوم نیست که جزو مسجد بوده است، می‌توان آن‌جا را به صیغه یا عمل، مسجد یا جزیی از مسجد قرار داد و در صورتی که معلوم نباشد که متعلق به مسجد بوده است یا نه و بخواهد آن را مسجد کنند، باید با اذن حاکم شرع، به صورت مسجد درآید و در صورتی که حکم مسجد یابد یا از متعلقات امامزاده باشد، نجس کردن آن حرام است؛ اما در صورتی که حکم مسجد نیابد، اقامت جنب و حایض در آن یا گذر نمودن آن‌ها بر آن اشکال ندارد.

□ □ □ □

عنوان مسجد به چه چیز محقق می‌شود

س ۷۳۹ - زمینی به مساحت دویست و پنجاه متر مربع واقع در جنب مسجدی به منظور اضافه کردن وسعت حیاط مسجد خریداری شده، و سپس ساختمانی در آن احداث گردیده که بالای آن به قسمت مسجد زنانه اضافه شده و از طبقه‌ی پایین و زیرزمین جهت انبار و کتابخانه و شوفاژ و سایر نیازها استفاده می‌شود، و چون ساختمان مذکور احتیاج به دستشویی و توالت دارد، آیا می‌توان در زیرزمین این ساختمان چاهی برای فاضلاب و توالت حفر نمود، و در روی آن

دستشویی و توالت ساخت یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر زمین مذکور را به قصد مسجدیت وقف نکرده باشند یا قصد مسجدیت طبقه زیر را نکرده باشند و فقط طبقه‌ی روی زیرزمین را که به قسمت زنانه اضافه شده مسجد قرار داده‌اند، جایز است در زیرزمین که مسجد نیست چاه فاضلاب حفر نمایند و توالت بسازند، و اگر تمام آن به قصد مسجدیت وقف شده باشد، زیرزمین نیز مسجد است و حفر چاه فاضلاب و ساختمان توالت و دستشویی در آن جا جایز نیست.



س ۷۴۰ - در حومه‌ی مسجد سليمان مکانی است که در اثر نداشتن مسجد، آن مکان را به صیغه‌ی مسجد خوانده‌اند، اینک در نزدیکی آن مکان خانه‌هایی بنا شده و جای مسجد صیغه خوانده شده، آلوه به کثافت محله گردیده، آیا جایز است در این محل؛ یعنی جای مسجد مزبور، خانه بنا نمود یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که نماز هم در آن محل خوانده شده باشد، تغییر آن جایز نیست و لازم است مسلمین آن را تعمیر نمایند ولاقل در اطراف آن دیوار بکشند که از نجاست و توهین محفوظ بماند، و اگر فقط صیغه خوانده شده و نماز در آن نخوانده‌اند مسجد نشده و تغییر آن اشکال ندارد.



«نکونام»: آن مکان مسجد است و آلوه ساختن آن حرام است؛ اگرچه نمازی در آن خوانده نشده باشد.



س ۷۴۱ - اگر کافری مسجدی بسازد و آن را در اختیار مسلمانان بگذارد، نماز خواندن در آن مسجد صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: وقف کردن کافر مسجد را محل اشکال است، لکن اگر زمین را

به مسلمین واگذار نماید و مسلمین قبول و تملک نمایند و وقف کنند، اشکال ندارد.

* * *

«نکونام»: اگر نخواهد در امور آن دخالت داشته باشد و حتی آن را بعد از ساخت به مسلمین واگذار کند، اشکال ندارد.

□ □ □ □

■ عنوان شرعی مسجد

س ۷۴۲- زمینی که جهت مسجد شدن معین می‌شود به چه چیز عنوان مسجد پیدا می‌کند؟

«گلپایگانی»: به این که در زمین مذکور به عنوان مسجد نماز خوانده شود و نیز اگر زمین را وقف مسجد کرده باشند و تحويل مسلمین داده و آنان به عنوان مسجد بودن دیوار اطراف آن را بنا کنند، مسجد شدن آن بعینیست.

* * *

«نکونام»: عنوان مسجد بودن نیازی به برپا داشتن نماز اولیه ندارد و با تحقق وقف شرعی - به اجرای صیغه یا عمل - ساخت و بنای مسجد به این عنوان - اگرچه صوری و ناتمام باشد - و خارج شدن ملک از مالک، عنوان مسجد بودن بر آن جاری است؛ هرچند نمازی در آن خوانده نشده باشد و در تحقق عنوان همان‌گونه که صیغه به تنها ی کفایت می‌کند، فعلیت عملی نیز بسنده است.

□ □ □ □

س ۷۴۳- شخصی است که منزلش تا مسجد محل، فاصله‌ی نسبتاً زیادی دارد و برای تمام نمازهای خود نمی‌تواند به مسجد رود، آیا می‌تواند برای درک ثواب نماز در مسجد در منزل خود اتاقی به نام مسجد بسازد و نمازهای خود را در آن بخواند؟ و بر فرض جواز، آیا تمام احکام مسجد از حرمت نجس کردن و عدم

جواز فروش و نیز ثواب ساختن مسجد بر این مکان مترتب می‌شود یا نه؟

ج - مستحب است که محلی را در منزل برای نماز خود معین کند و این عمل، اگرچه ثواب و فضیلت دارد ولکن چون اختصاص به خود او دارد، احکام مسجد و ثواب خواندن نماز در مسجد بر آن مترتب نیست.



س ۷۴۴ - آیا مصلاهایی که برای اقامه‌ی نماز جمعه بنا می‌کنند و اسم مسجد روی آن نمی‌گذارند، احکام مسجد را دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: در صورتی که زمین محل نماز اهدا یا وقف شده باشد و به همین عنوان ساخته شود و یک نماز در آن خوانده شود، در حکم مسجد است و احکام مسجد بر آن جاری است.



«نکونام»: اگر به عنوان مسجد وقف شود، برای نماز جمعه حکم مسجد را دارد؛ اگرچه نماز هم در آن خوانده نشده باشد.



س ۷۴۵ - بانویی زمینی را جهت مسجد داده و خود بنای آن را به اتمام رسانیده و از ابتدا قصد داشته یک محوطه از داخل شبستان مسجد را از مسجد بودن به ملاحظه‌ی احکام خاص آن مستثنای نماید، ولی چون مسجد، مورد نیاز اهالی محل بوده، پیش از آن که تعمیرات داخلی به اتمام برسد، اهالی محل با اجازه‌ی بانی از تمام مسجد استفاده کرده و در آن اقامه‌ی جماعت می‌کنند، سؤال این است اکنون که بنای مسجد تمام شده و مدت‌ها نیز مورد بهره‌برداری بوده، آیا بانی اصلی می‌تواند به اعتبار نیت اولی که داشته و هیچ وقت نیز از آن نیت منصرف نشده است، مقدار مورد نظر را مستثنای نماید یا خیر؟

ج - به فرض این که از نیت خودش برنگشته باشد، می‌تواند آن را مستثنای نماید.



﴿ ملاک تحقق وقف شرعی مسجد ﴾

س ۷۴۶ - قطعه زمینی است که شخصی آن را به نیت مسجد خریداری کرده و در صدد ساختن آن بوده، اما پیش از آن که آن را ساختمان کند و قسمت شبستان و دستشویی و توالت آن را معین نماید، مرحوم شد. بعد از او چند نفر دیگر، با هزینه‌ی خود قسمت شمالی زمین که مورد نظر بانی برای شبستان بوده است را ساختند و چون بانی زمین مرحوم شده و قسمت توالت و دستشویی را معلوم نکرده، هنوز مسجد فاقد توالت است، تقاضا می‌شود نظر مبارک را در مورد ساختن دستشویی و توالت مرقوم فرمایید تا ان شاء الله مشکل حل شود.

«گلپایگانی»: در محلی که به عنوان مسجد نماز در آن خوانده نشده، هر طوری که معمار و مهندس صلاح بدانند و با نقشه‌ی ساختمان مخالف نباشد، ساختن توالت و دستشویی مانع ندارد.

* * *

«نکونام»: در مورد یاد شده باید گفت زمینی را به تیت مسجد قرار دادن، غیر از وقف عملی یا اجرای صیغه برای مسجد بودن است؛ پس احراز تحقق عنوان وقف از طرف بانی لازم است و در غیر این صورت، تحقق عنوان، نیاز به سبب دارد؛ خواه دو شاهد عادل به انجام وقف از طرف بانی شهادت دهند یا وراثان پذیرند یا فرد سومی با خرید آن، سبب را ایجاد نماید و پیش از تحقق عنوان نیز می‌توان با حفظ مصالح به هر گونه که خواستند عمل کنند.

□ □ □ □

﴿ تبدیل مسجد به غیر آن ﴾

س ۷۴۷ - در روستایی که فاقد آب آشامیدنی است، ساکنان روستا هر یک در خانه‌ی خود یک آب‌انبار زیرزمینی دارند که در فصل زمستان از آب باران جهت مصرف سال در آب‌انبار ذخیره می‌شود و چون مسجد روستا نیز احتیاج به

۲۴۱ آب جهت وضو و مجالس مذهبی دارد، آیا اجازه می‌فرمایید در حیاط مسجد و در زیرزمین آب انباری بنا شود یا خیر؟

ج - اگر حیاط مسجد، مسجد تابستانی باشد و در آن جا نماز اقامه شود، ساختن آب انبار زیر آن جایز نیست و اگر می‌دانید حیاط مسجد، مسجد نیست، بلکه از متعلقات مسجد است، بنای آب انبار در آن به نحوی که حیاط مسجد و پایه‌های مسجد آسیب نبیند مانع ندارد.



■ **مذاہمت بر مسیر خیابان و تغییر و تصریف در مسجد**

س ۷۴۸ - مسجدی است در یک روستا و زمانی ساخته شده که ماشین در منطقه وجود نداشته و حال در شرف خراب شدن است، بر این اساس، عده‌ای از برادران دینی تصمیم گرفته‌اند که مسجد مذکور را خراب کرده و از تو بسازند. محرابی دارد که برای عبور ماشین مذاہمت ایجاد می‌کند و عده‌ای از اهالی نیز از این بابت در زحمت هستند، آیا اجازه می‌فرمایید مقداری از محراب را ضمیمه‌ی کوچه نموده تا اهالی از این ناراحتی نجات پیدا کنند؟

«گلپایگانی»: جایز نیست چیزی از مسجد را جزو شارع یا راه دیگران قرار داد؛ اگرچه راه برای عابرین ضيق باشد.

* * *

«نکونام»: تنها تنگی راه یا دیگر عناوین جزئی نمی‌تواند مجوز تخریب یا دیگر تصرفات در مسجد باشد؛ مگر آن که وجود مسجد در زمانی بر هم زدن محیط یا ناهمگونی جدی آن با مسیر عبور و مرور یا خطرهای جدی عمومی را سبب گردد که در این صورت، می‌توان متناسب با مصالح عمومی در مسجد تغییراتی ایجاد یا در جهت تخریب آن اقدام نمود و با تبدیل صورت، الزامی به رعایت احکام مسجد نیست.



س ۷۴۹- مسجدی است دارای شبستان و صحن، چون به صورت ساختمان قدیمی و کهنه است جمعی از مؤمنان تصمیم دارند آن را خراب و تجدید بنا نمایند، ولی طبق نقشه‌ی معمار، صحن مسجد به صورت شبستان و شبستان به صورت صحن در می‌آید و این عمل از نظر اصول معماری و زیبایی مسجد به صلاح مسجد است، در این صورت، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج- تبدیل شبستان مسجد به صحن جایز نیست.



س ۷۵۰- مقداری از مسجد را برای ساخت حسینیه جدا کرده و همین مقدار زمین را از خارج به مسجد اضافه نموده‌اند و درب حسینیه به مسجد باز می‌شود، آیا این عمل صحیح است یا نه؟ و آیا تبدیل به احسن در موقوفات به همین معناست؟ و بر فرض صحت و جواز، آیا لازم است دیواری را که حائل بین مسجد و حسینیه است برداشته شود تا مسجد به شکل نخست خود باشد یا خیر؟
ج- آن‌چه اضافه به مسجد نموده‌اند مانعی ندارد و اما آن‌چه را که از مسجد جزو حسینیه نموده‌اند واجب است به حال اول برگردانند و جایز نیست
مسجد را تبدیل نمایند.



س ۷۵۱- مسجدی که حوض خانه ندارد و در دویست متری آن چشممه‌ی آبی است که می‌شود در آن وضو گرفت، آیا در این صورت جایز است در قسمتی از مسجد حوض بنا شود تا بتوان همانجا وضو گرفت یا نه؟
ج- در مکانی که جهت نماز وقف شده جایز نیست حوض بسازند.



س ۷۵۲- ساختمانی است که طبقه‌ی بالای آن مسجد و پایین آن، مغازه و معبّر عمومی است و تصمیم دارند آن را خراب کنند و یک طبقه برای آن بسازند. در این صورت، آیا حکم مسجد را پیدا می‌کند یا نه؟
ج- در فرض مسأله، سطح سقف با فضای از آن مکان به بالا مسجد است

و صاحب تحتانی حق خراب کردن آن را ندارد و اگر از روی عصیان خراب کرد، حق ندارد در فضای مسجد برای خود سقف بزند، بلکه باید همان نحو که قبلابوده سقف بزند که تحتانی ملک، و فوقاری مسجد باشد و اگر از روی عصیان برای خود سقف بزند، مسلمین حق دارند آن جا نماز بخوانند و صاحب تحتانی حق ممانعت ندارد.



س ۷۵۳ - آیا در قسمت پشت بام مسجد می‌توان ساختمانی به عنوان کتابخانه ساخت و آن را مورد استفاده قرار داد یا نه؟
ج - نمی‌شود.



□ توسعه‌ی خیابان و تغییر و تخریب مسجد

س ۷۵۴ - در اثر توسعه‌ی خیابان، قسمتی از مسجد در مسیر خیابان قرار گرفت و خراب گردید و قسمتی از خانه‌های اطراف مسجد برای توسعه‌ی مسجد خریداری شد و شبستانی که در آن اقامه‌ی نماز می‌شد در صحن مسجد قرار گرفته و در آن صحن که شبستان قبلی بوده حوض بنا شده تا مردم برای وضو گرفتن از آن استفاده نمایند. حکم آن چیست؟

«گلپایگانی»: شبستان مسجد را نمی‌شود حوض آب قرار داد و تغییر جای نماز به هیچ وجه جایز نیست.



«نکونام»: هر گونه تغییری نسبت به مسجد باید با پیش آمدن اضطرار اجتماعی تحقق پذیرد و در این صورت، با آن که زمین از مسجد بودن خارج نمی‌شود، مجوز تغییر یا تخریب را می‌یابد؛ و ثمره‌ی آن این است که اگر روزی دوباره امکان استفاده از آن به عنوان مسجد به دست آید، آن مکان مسجد می‌باشد و نیازی به تحقق دوباره‌ی آن عنوان نمی‌باشد.



س ۷۵۵ - زمینی است که بنیاد مستضعفان آن را در سال گذشته به اداره‌ی پست واگذار کرده و اداره‌ی پست نیز روی آن بنایی ساخته و ساختمان تا زیر سقف رسیده و حدود هزار تومان بودجه‌ی بیت المال در آن هزینه شده است. حال هیأت امنای مسجد جامع اظهار می‌دارند که در این مکان مسجدی بوده که در زمان شاه خراب شده و داخل خیابان قرار گرفته و زمینی که شما می‌سازید حیاط مسجد بوده ولی وقف‌نامه‌ای در این مورد وجود ندارد. بفرمایید وظیفه‌ی شرعی چیست؟

ج - با فرض شهرت و شهادت دادن امنای مسجد بر مسجد بودن یا حیاط مسجد بودن، محل مذکور باید به خود مسجد واگذار شود و تصرفات دیگر در آن حرام است و ساختمان کردن در آن موجب خروج از عنوان اول نمی‌شود، و مقداری که قبل از مسجد بوده فعلاً نیز مسجد است و تمام احکام مسجد بر آن جاری است.



س ۷۵۶ - مسجدی است قدیمی ساز که دو متر پایه‌ی دیوار دارد که سد راه عموم شده و مردم حاضرند برای توسعه‌ی معتبر یک یا نیم متر آن دیوار را تراشند تا مردم و وسائل نقلیه به راحتی از آن عبور نمایند. آیا جایز است یا خیر؟

ج - تراشیدن دیوار مسجد برای توسعه در راه عبور و مرور جایز نیست.



■ حکم انسیای متعلق به مسجد

س ۷۵۷ - منبر مسجد در حرمت نجس نمودن و لزوم تطهیر آن در صورت نجس شدن، آیا در حکم مسجد است یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر موجب هتك باشد، تطهیر آن لازم است.

* * *

«نکونام»: منبر مسجد در حکم مسجد است.



س ۷۵۸ - اگر از لوازم تعمیر مسجد؛ مانند آجر و گچ، چیزی اضافه بیاید، آیا خرید و فروش آن برای منزل شخصی جایز است یا نه؟

ج - اگر برای مسجد مذکور بی مصرف باشد، باید صرف در مسجد دیگر شود و چنان‌چه در مسجد دیگر هم بی مصرف باشد، جایز است بفروشند و وجه آن را صرف همان مسجدی که مصالح جهت آن تهیه شده بود بنمایند و اگر آن مسجد احتیاج نداشته باشد، صرف در مسجد دیگر کنند.



س ۷۵۹ - آیا پولی که برای مسجدی به عنوان هزینه‌ی ساختمان به ثبت رسیده را می‌توان پس گرفت و در مسجد دیگری هزینه نمود یا نه، و پیش از پرداخت وجه جهت مسجد، آیا می‌توان منصرف شد و آن را به مسجدی دیگر داد یا نه؟

ج - اگر عین پولی که داده شده باقی باشد، صاحب آن می‌تواند آن را استرداد نماید و مختار است صرف مسجد دیگر یا به هر مصرفی که می‌خواهد برساند، و اگر صرف در مسجد شده، حقی به آن ندارد.



س ۷۶۰ - اشخاصی پولی را با رضایت برای مسجد داده‌اند، اگر بعد از آن بگویند راضی نیستیم چه صورت دارد؟
«گلپایگانی»: اگر با اذن خودشان صرف در مسجد شده است عدم رضایت بعد از صرف شدن اثری ندارد.

* * *

«نکونام»: نارضایتی آنان بعد از هزینه‌ی آن پول در امور مسجد اثری ندارد.



س ۷۶۱ - چند عدد زیلو وقف مسجد محلی بوده و سپس با خرید فرش، نیازی به آن زیلوها نیست، در این صورت بردن زیلوها به مسجد دیگری که در آبادی دیگر است جایز است یا نه و نماز خواندن روی آن زیلوها که وقف مسجد خاص

است چه حکمی دارد و تصرف در آن چگونه است؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، تا ممکن است که در محل از آن استفاده شود نقل به محل دیگر جایز نیست و در صورت عدم امکان استفاده در آن محل، به مسجد دیگر نقل دهنند.

* * *

«نکونام»: در صورت عدم نیاز، اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۷۶۲ - برای مسجدی منبری نو خریداری شده است، آیا اجازه می‌فرمایید منبر کهنه و قدیمی را در یکی از مساجد که منبر ندارد ببریم یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که از معرض استفاده - در این مسجد - افتاده باشد، بردن آن به مسجد دیگر مانع ندارد.

* * *

«نکونام»: در صورت عدم نیاز، اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۷۶۳ - مسجدی فرش‌های زیادی دارد که مسلمانان برای آن وقف کرده‌اند و فعلا هیچ گونه احتیاجی به فرش‌های زیادی آن نیست. آیا می‌شود فرش‌هایی که مورد نیاز نیست را فروخت و هزینه‌ی تعمیر همین مسجد کرد یا نه و اگر این مسجد به تعمیر نیاز نداشته باشد، می‌شود فرش‌ها را به مسجدی که احتیاج به فرش دارد داد یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر در آن مسجد حتی به این نحو که مدتی این فرش‌ها را بیندازنند و مدتی فرش‌های دیگر را مورد انتفاع نباشد و نگهداری آن برای این که در آینده مورد استفاده قرار گیرد نیز ممکن نباشد، جایز است آن را به مسجد دیگر بدهند و فروش آن برای تعمیر مسجد جایز نیست.

* * *

«نکونام»: در صورت عدم نیاز، می‌شود آن را به مسجد دیگر داد و جابه‌جا کردن فرش‌ها بر اثر زیادی بی‌مورد است.



س ۷۶۴ - در مسجد جامع بندر ماهشهر، یک دستگاه بلندگوست که برای گفتن اذان و تشکیل مجالس سوگواری استفاده می‌شود، گاه کودکی یا پولی از اشخاص مفقود می‌شود و از ما خواهش می‌کنند که به وسیله‌ی آن بلندگو به اهالی شهر ابلاغ نماییم، حکم آن چیست؟

«گلپایگانی»: اگر بلندگو را به خارج نبرند و پول برق آن را بدھند، اشکال ندارد.



«نکونام»: اشکال ندارد و نیازی به گرفتن پول برق آن نیست.



س ۷۶۵ - گاهی روی فرش‌های مسجد نوشته شده: فرش را از مسجد بیرون نبرند، مگر برای تطهیر و غیره، مراد از کلمه‌ی «غیره» چیست و چه مواردی مشمول این کلمه است و برای نمونه، آیا می‌توان آن فرش را به حسینیه‌ای که متصل به مسجد است ببرند و روی آن نماز بخوانند؟

ج - مقصود از کلمه‌ی «غیره» که عطف به تطهیر شده، رفو کردن و گردگیری نمودن و چرک و کثافات آن را پاک کردن و امثال این‌ها - از اموری که متعلق به خود فرش است - می‌باشد.



س ۷۶۶ - اسامی مبارک خداوند متعال که روی زیلوهای مسجد نوشته شده و مردم بدون توجه بر روی آن پا می‌گذارند یا دست بی‌وضو به آن می‌مالند، آیا از بین بردن آن لازم است یا نه و محوكدن آن با وقف منافات دارد یا نه؟
«گلپایگانی»: کسانی که بی‌التفات بدون وضو دست به آن می‌گذارند

معدورند، ولی اگر زیر پا افتاده باشد؛ چون موجب هستک احترام اسم خداوند متعال است، لازم است آنرا به نحوی که خود زیلو پاره نشود محو نمایید.

* * *

«نکونام»: اسم‌های خداوند متعال نباید روی زیلو آورده شود و در صورت عدم توجه اشکال ندارد و لازم است به نوعی پاک شود؛ اگرچه به آنها آسیب جزیی برسد.

□ □ □ □

س ۷۶۷ - مسجدی قدیمی که غیر قابل استفاده بود تخریب و نوسازی شده، مقداری از سنگ‌های شبستان باقی مانده، آیا استفاده از آن سنگ‌ها جهت توالت و دستشویی جایز است یا خیر؛ زیرا سنگ‌های اضافی از اصل ساختمان و شبستان مسجد می‌باشد؟

ج - در فرض سؤال، اگر مسجد دیگری در محل یا غیر آن باشد که نیاز به سنگ داشته باشد، صرف آن شود و چنان‌چه مسجد دیگری نباشد، سنگ‌ها را بفروشید و پول آن را صرف خود مسجد کنید و صرف آن در توالت و دستشویی صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۷۶۸ - در مسجدی گلیم‌هایی است که در حاشیه‌ی آن نوشته شده وقف مسجد است و اجازه‌ی خارج کردن از مسجد نیست، در حال حاضر، فرش‌های نو برای آن مسجد آورده شده و گلیم‌ها را برداشته و حجره‌های همان مسجد را که در حیاط مسجد است فرش نموده‌اند و طلاب علوم دینی در آن‌ها ساکن هستند. آیا اشکالی دارد یا خیر؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، گلیم مسجد را زیر فرش خود مسجد پهن کنند و به جای دیگر نبرند.

* * *

«نکونام»: اشکالی ندارد و لازم نیست زیر فرش‌ها انداده شود تا عنوان اسراف یا زیاده پیدا کند.



﴿احداث یا تعمیر یا تجدید بنا یا توسعه‌ی مسجد﴾

س ۷۶۹ - مسجد روستایی در حال خراب شدن است و تیرهای چوبی سقف آن شکسته و مسجد نیز کوچک می‌باشد، آیا تخریب آن جایز است؟ هم‌چنین حمامی قدیمی و مخربه که کاربردی ندارد در جنب این مسجد است و مال عموم مردم می‌باشد، آیا می‌توان آن را جزو ساختمان مسجد نمود، و هزینه‌ی نمودن وجوده شرعی در این مورد جایز است؟

ج - در صورتی که توسعه‌ی مسجد محل حاجت باشد، تخریب و نوسازی آن جهت توسعه مانع ندارد، و راجع به حمام، اگر در جهت بهره‌برداری استحمام قابل انتفاع نباشد، از حاکم شرع استیجار نمایند برای توسعه مسجد، و مال الاجاره‌ی آن را همه ساله به مصرف استحمام فقرای مؤمن برسانند، و راجع به صرف وجوده شرعیه، هر مقدار از زکات صرف نمایند مانع ندارد.



س ۷۷۰ - مسجدی است که خراب گردیده و قسمتی از آن در مسیر خیابان است، اکنون می‌خواهند آن را تجدید بنا نمایند، آیا رعایت شکل اول آن از نظر ساختمان لازم است و برای نمونه، تمام شبستان آن مثل گذشته سقف‌دار باشد یا می‌شود قسمتی از آن را برای استفاده در فصل تابستان بدون سقف قرار داد و هم‌چنین ساختمان مسجد قدیمی قبله‌ای مایل داشته که در تجدید بنا می‌شود آن را مستقیم نمود. آیا چنین تصرفاتی که با حفظ مسجد بودن منافات ندارد جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، شبستان را صحن قرار ندهند، لکن قبله را

مستقیم نمایند، اشکالی ندارد؛ به شرط آن که چیزی از مسجد خارج نشود.

* * *

«نکونام»: در صورتی که نقشه ایجاب می‌کند و چیزی از مسجد خارج نمی‌شود، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۷۷۱- در صورت وجود فقیرانی در محل، مالک زکات تا چه مقدار از زکات مال خود را بدون رعایت اصناف مستحق می‌تواند در ساختمان مسجد محل هزینه نماید؟

«گلپایگانی»: با بودن فقرا، تمام زکات را هم می‌تواند صرف مسجد کند، لکن بهتر آن است که مقداری به فقرا بدهد و مقداری صرف مسجد نماید.

* * *

«نکونام»: در صورت وجود فقرا و ساخت مسجد، اهمیت اول باید در نظر گرفته شود یا به مصلحت تقسیم گردد.

□ □ □ □

س ۷۷۲- شخصی در کنار نهر آب از پول عمومی، غسالخانه‌ای ساخته و مبلغی از آن پول باقی مانده ولی در اثر طغیان آب و سیل، غسالخانه به کلی از بین رفته است و در مجاورت آن، امامزاده‌ای است که اهالی، مسجدی در جنب آن بنادردند که نیاز به تعمیر فوری دارد. آیا مبلغی که از غسالخانه باقی مانده است را می‌شود صرف آن مسجد نمود یا نه؟ و اگر هزینه‌ی آن در مسجد جایز نباشد، در چه راهی مصرف شود؟

ج- تا ممکن است وجه مزبور را صرف غسالخانه در محل مذکور بنمایند و اگر در محل ممکن نیست با استیدان از دهنگان وجه به مصرف غسالخانه، در محل دیگری برسانند.

□ □ □ □

س ۷۷۳ - محلی است در کنار جوی آب که پیش از این راه با غ بوده و اکنون استفاده‌ای از آن نمی‌شود، آیا می‌شود مسجدی در آن احداث کرد یا نه؟

ج - طریق، اگر طریق خصوصی است، تصرف در آن موقوف به رضایت صاحبان آن طریق است و اگر عمومی است، در صورتی می‌شود در آن تصرف کرد که مهجور و متروک شود و عابرین اعراض کنند، و گرنه تصرف در آن جایز نیست.



س ۷۷۴ - مسجدی در یکی از محلات مازندران در دامنه‌ی کوه و مسیر سیل بنا شده و سیل، دیوارهای آن را خراب نموده و در شرف انهدام است. اکنون آیا می‌شود مسجد مذبور را از مالی که برای رفع مظالم داده می‌شود تجدید ساختمان نمود یا نه؟

ج - مصرف مظالم عباد، فقیر است و باید به عنوان صدقه با اذن حاکم شرع به او رد کنید و مسجد، مصرف آن نیست. مسجد را از تبرع و زکات مال یا مطلق خیرات تعمیر نمایند. امید است مثاب و مأجور باشند.



س ۷۷۵ - ساختن مسجد در زمین وقف چه حکمی دارد؟

ج - جایز است زمین موقوفه را به مدت طولانی اجاره کنند و مسجد قرار دهند و در این مدت، حکم مسجد را دارد.



س ۷۷۶ - هرگاه قطعه زمین قبرستان متروکه‌ای جنب دیوار شبستان مسجد واقع شود و جنازه‌ی مدفونان در آن قبرستان از بین نرفته باشد، آیا می‌توان آن را جزو مسجد نمود و ساختمان مسجد را توسعه داد یا نه؟ و تصرف جهت گزاردن نماز و ادائی فرایض در آن چه حکمی دارد؟

ج - اگر زمین، وقف برای قبرستان بوده، تبدیل آن به مسجد و ممانعت از

دفن مرده در آن جایز نیست. و اگر زمین مباحی بوده که مردم، اموات خود را در آن دفن کرده‌اند، تبدیل آن به مسجد و ساختمان کردن آن، اگر مستلزم نیش قبر نباشد، مانعی ندارد و به هر حال، نماز در آن صحیح است؛ هرچند در صورت اول، دفن اموات در آن جایز و منع از دفن جایز نیست.



س ۷۷۷ - تجدیدبنای محراب مسجدی بدون اجازه واقف جایز است یا خیر؟

ج - اگر تعمیر مسجد محسوب شود، اشکال ندارد.



س ۷۷۸ - گچ و خاک قدیمی مسجد تعمیر شده که قابل استفاده نیست را آیا می‌توان برای پر کردن صحن خانه یا اطاق ببرند یا نه؟

ج - اگر به هیچ وجه، حتی برای مسجد دیگر مورد استفاده نیست و خریدار هم ندارد، جایز است.



س ۷۷۹ - شخصی مسجدی بنا کرده که مقداری از زمین آن، ملک شخصی بنائ Kendrick و مقدار دیگر آن، برای دیگری که از آن ناراضی بوده، و مقدار دیگر نیز جزو کوچه و راه عبور مردم بوده، اکنون بانی مسجد و صاحب زمین که راضی به دادن زمین جهت مسجد نبوده فوت کرده‌اند، آیا در چنین مسجدی می‌شود نماز خواند یا نه؟

ج - از کیفیت مسجد مذکور اطلاعی ندارم. به نحو کلی، نماز در ملک غیر بدون رضایت او باطل است. پس اگر مقداری از زمین، مال غیر بوده و راضی نبوده، فعلاً باید از ورثه استرضا نمایند تا نماز صحیح باشد و راه عبور، اگر اختصاصی باشد، باید از صاحب آن اذن بگیرند، و اگر عمومی باشد، در صورتی که طریق دیگر باشد که با وجود آن، طریق اول متروک و

مهجور گردیده و مردم از آن صرف نظر کرده باشند یا این که طریق به قدری وسیع باشد که با گرفتن قسمتی از آن، راه بر مردم تنگ نشود، مانع ندارد که مسجد شود و در غیر این دو صورت، جایز نیست و نماز در آن باطل است.



س ۷۸۰ - مسجدی است که محراب و بعضی از جاهای دیگر آن به تعمیر و ترمیم نیاز دارد، آیا می‌توان آن را تعمیر نمود یا نه؟ کاشی‌ها و مصالح دیگری که در آن به کار بوده شده، آیا لازم است عین همان را به کار برد یا می‌توان آن را تعویض نمود و بهتر از آن را به کار برد. البته در صورت اخیر سبک آن را تغییر نمی‌دهند؛ چون بعضی می‌گویند بانی آن گفته کسی حق دست زدن و تغییر دادن آن را ندارد.

ج - اگر مسجد در معرض انهدام یا محتاج به توسعه باشد، توسعه یا تخریب و تبدیل آن جایز است و الا تعویض کاشی‌ها یا مصالح دیگر به عنوان تبدیل به احسن مجوز شرعی ندارد.



س ۷۸۱ - در اطراف کازرون مسجدی با صرف هزینه‌های بسیاری ساخته شده که بعد از آن معلوم شد زمین آن وقف بوده، اکنون وظیفه‌ی مردم نسبت به این مسجد و نماز‌های خوانده شده چیست؟

ج - در صورتی که آن ملک وقف، متولی منصوص داشته باشد، از او به مدت طولانی اجاره نموده و مال الاجاره را صرف در وقف نمایند و اگر متولی ندارد، از حاکم شرع اجاره نمایند و پس از اجاره، نماز خواندن در آن جایز است و نمازهایی را که پیش از علم به وقایت زمین در آن جا خوانده‌اند اشکال ندارد.



س ۷۸۲ - آیا می‌شود از مال کافر برای ساختن مسجد و حمام استفاده نمود یا نه؟
 «گلپایگانی»: اگر موجب نفوذ آنان در مسلمانان شود، جایز نیست.

* * *

«نکونام»: اگر دخالت مستقیم بیگانگان یا سلطه‌ی آنان بر مسلمانان را در پی نداشته باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۷۸۳ - ساختن مسجد به دست یهود و نصارا در کشور خود چه حکمی دارد؟
 «گلپایگانی»: اگر با دست آنان بنای مسجد را ساختمان کنند و بعد آن را مسجد قرار دهند، جایز است. بلی، اگر ممکن است ظاهر سقف و دیوار آن را تطهیر نمایند.

* * *

«نکونام»: اگر موجب چیرگی و سلطه‌ی آنان بر مسلمانان نشود، اشکال ندارد و در صورتی که خیسی از آنان به ساختمان مسجد سرایت نکند، تطهیر و شست و شوی آن لازم نیست.

□ □ □ □

س ۷۸۴ - باستان‌شناسی در مساجد و مدارس هزینه‌هایی می‌نماید، تصرف در قسمت تعمیر شده توسط وی چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: چنان‌چه از مال مباح مصرف کند، اشکال ندارد و اگر محتمل هم باشد که از راه مباح باشد، مجازید در آن عبادت کنید، اشکال ندارد.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۷۸۵ - مسجدی است که از بناهای قدیمی به شمار می‌آید و چند مرتبه مورد تعمیر قرار گرفته و در حال حاضر رو به خرابی نهاده و ممکن است ریزش نماید،

از این جهت عده‌ای از اهالی که در جوار مسجد یاد شده سکونت دارند مصمم بر آن شده‌اند که اساس مسجد را بردارند، و صورت قبلی آن را به هم زنند و دوباره آن را از آجر و آهن بنا نمایند و مقداری از طرف شمالی مسجد که حریم آن محسوب می‌گردد، زیر بنا بیاورند و بر مساحت مسجد بیفزایند و نیز تیر چوبی و سایر مصالح بنای آن را بفروشند، و قیمت آن را به مصرف بنای جدید برسانند، آیا امور گفته شده شرعاً جایز است؟

«کلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر مسجد به حال مخروبگی درآمده و به هیچ نحو قابل استفاده و تعمیر نیست و مؤمنین بخواهند تبرعاً بنای آن را تجدید کنند که آبرومند باشد، مانع ندارد، ولی مصالح بنایی آن هر مقدار که ممکن است، در خود این مسجد صرف شود، و اگر در این مسجد قابل مصرف نیست، به مصرف مسجد دیگری که در اطراف و حوالی است برسانند، و فروش آن جایز نیست و اگر در اطراف هم قابل مصرف نباشد، می‌توانند آن را بفروشند، و پول آن را صرف بنایی این مسجد بنمایند، و اما آن‌چه به عنوان حریم مسجد ذکر شده، اگر کسی مدعی مالکیت آن نیست و از جهت برف ریزه و راهرو تضییق بر اهالی نیست، جایز است آن را جزو مسجد بنمایند. ضمناً باید بنای مسجد به نحوی باشد که زمین مسجد سابق در خارج بنای جدید واقع نشود.

* * *

«نکونام»: ساخت و ساز و تعمیر یا تبدیل مصالح به صورتی که هم‌اکنون رایج است اشکالی ندارد؛ هرچند برخی از مصالح آن دور ریز شود و در مسجد مورد استفاده قرار نگیرد.

▣ حکم داخل شدن جنب یا حایض در مسجد با تیمم

س ۷۸۶ - شخص جنب که از غسل کردن معذور باشد، آیا می‌تواند برای نماز جماعت یا برای یاد گرفتن احکام، با تیمم به مسجد برود یا نه؟

«کلپایگانی»: اگر عذر او از غسل کردن، تنگی وقت باشد؛ چنان‌چه برای نماز تیمم کند، می‌تواند در مسجد نماز بخواند و اگر عذرش نداشتن آب باشد و برای نماز تیمم کند، در حکم طاهر است و می‌تواند با آن تیمم، همه‌ی امور مشروط به طهارت را بجا آورد و اگر برای نماز تیمم نکرده، بلکه برای امر دیگری مانند یاد گرفتن احکام تیمم نموده، مکث در مسجد خلاف احتیاط است.

* * *

«نکونام»: همان‌طور است با این اضافه که مکث در مسجد برای وی جایز نیست.

□ □ □ □

س ۷۸۷ - شخص جنب با تیمم بدل از غسل می‌تواند در زنگ در مساجد نماید و بیش از هفت آیه از قرآن بخواند یا نه؟

ج - اگر عذرش غیر ضيق وقت باشد می‌تواند و اگر ضيق وقت است به مقدار اشتغال به نماز فقط می‌تواند در مسجد در زنگ کند و نسبت به قرائت غیر سور عزائم هم با این تیمم رفع کراحت نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۷۸۸ - زنی که در عادت زنانه است می‌تواند با تیمم بدل از غسل برای استفاده از موالع و نصایح گویندگان وارد مساجد شود یا نه؟

ج - نمی‌تواند، مگر آن که اماکنی باشد جزو مرافق مسجد؛ مانند صحن و غیره که معبد نباشد و مسجد بودن آن‌جا مشکوک باشد، در این صورت مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۷۸۹ - شخص جنب که وقت برای غسل یا پول برای حمامی ندارد و خجالت می‌کشد به حمامی اظهار نسیه نماید، آیا می‌تواند بیرون از مسجد تیم کند و برای نماز جماعت در حال اختیار به مسجد برود؟

ج - اگر به واسطه‌ی عذر شرعی؛ مثل مرض، تکلیفش تیم باشد، می‌تواند حتی در حال اختیار با تیم برای نماز جماعت یا فرادا داخل مسجد بشود، ولی اگر عذرش ضيق وقت بوده، باید فوراً پس از نماز از مسجد خارج شود و اگر پول ندارد به حمامی بدهد و نسیه قبول می‌کند یا قرض ممکن است، باید نسیه کند یا قرض نماید و خجالت در اینجا بی مورد است و عذر شرعی نمی‌شود.



■ ورود غیر مسلمان به مسجد

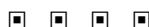
س ۷۹۰ - آیا یهودی‌ها می‌توانند برای شرکت در مجلس فاتحه داخل شبستان مسجد مسلمین شوند یا خیر؟

ج - ورود غیر مسلمان در مسجد جایز نیست و این گونه مجالس فاتحه را که در معرض شرکت غیر مسلمان می‌باشد، در غیر مسجد منعقد نمایند.



س ۷۹۱ - ورود اهل کتاب به مساجد مسلمین به منظور شرکت در جلسات دینی و وعظ و خطابه جایز است یا باید از آن جلوگیری به عمل آورد؛ این در حالی است که امید می‌رود با این معاشرت به دین اسلام هدایت شوند و در صورت جواز، حکم غیر اهل کتاب مانند بهایی‌ها چیست؟

ج - ورود مطلق کفار حتی اهل ذمه به مساجد مسلمین جایز نیست.



■ متولی مسجد

س ۷۹۲ - مسجدی است که در تولیت شخص واقف می‌باشد و جهت توسعه‌ی آن خانه‌ای به آن ضمیمه شده که در تولیت شخص دیگری است، آیا متولی اول،

نسبت به خانه‌ی الحقیقی به عنوان وحدت مسجد حق ایجاد مزاحمت برای متولی دوم را دارد یا نه؟

ج- ادای تکالیف راجعه به مساجد به نحو کفایی به عهده‌ی عموم مسلمین است و تولیتی که برای مسجد معین می‌شود راجع به اموال و رقبات متعلقه به مسجد است و در رقبات و اموال، کسی نمی‌تواند با متولی مخصوص آن‌ها مزاحمت نماید.



س ۷۹۳- شخصی در محلی مسجدی بنا نموده که زمین مسجد برای وی بوده و بیش‌تر مخارج تعمیر را خود متحمل شده و تولیت مسجد را با خود و بعد از خود با اولاد خود قرار داده، آیا کسی که به نظر متولی اهلیت ندارد، بدون رضایت وی می‌تواند در آن مسجد اقامه‌ی جماعت نماید و نماز او یا مأمورمان در این صورت چه حکمی دارد و آیا متولی می‌تواند از آن جلوگیری نماید یا نه؟

ج- در صورتی که مأمورمان، امام جماعت را عادل بدانند و به او اقتدا کنند، نمازشان صحیح است و نماز خواندن در مسجد، موقوف به اذن متولی نیست. امام جماعت باشد یا غیر امام، اختیار متولی راجع به موقوفات مسجد است و حق منع از نماز خواندن در مسجد را ندارد.



س ۷۹۴- آیا می‌شود برای مسجدی که موقوفه ندارد، واقف در ضمن صیغه‌ی وقف متولی قرار دهد و اگر چنین کرد، آیا در تعمیرات مسجد باید از متولی اذن گرفت یا نه؟

«گلپایگانی»: به نظر حقیر، تولیت برای غیر موقوفات مسجد بی‌اثر است. بلی، در خصوص ساختن مسجد و تعمیرات آن بعید نیست که بی‌اثر نباشد و بر فرض قرارداد، احتیاط آن است که در این دو جهت با نظر متولی عمل شود.



«نکونام»: در چنین مواردی می‌شود متولی قرار داد و در حدود وظایف، اذن او شرط است.



■ مسجد جامع س ۷۹۵ - مسجد جامع چیست؟

«گلپایگانی»: مسجد جامع مسجدی است که اغلب اوقات، بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد.



«نکونام»: مسجد جامع مسجدی است که مرکزیت مکانی و رجوع عمومی افراد را دارا باشد و موقعیت محلی خاص نداشته باشد.



■ مجاورت مسجد جامع و مسجد محله س ۷۹۶ - خانه‌ای در جنب مسجد جامع واقع است و مسجدی نیز در محله قرار دارد، نمازگزاردن در کدام یک از این دو مسجد افضل است؟

«گلپایگانی»: اگر مقصود این است که نماز فرادا در مسجد جامع افضل است یا در مسجد محله، در مسجد جامع افضل است و اگر مقصود این است که نماز به جماعت در مسجد محله افضل است یا فرادا در مسجد جامع، البته، نماز جماعت افضل است.



«نکونام»: هرچند فضیلت مسجد جامع ثابت است، نباید به گونه‌ای عمل شود که مسجد محله رها شود و لازم است در جهت آبادانی آن کوشید؛ چراکه غربت مسجدی، حرمان عمومی را همراه دارد.



﴿شرکت در مراسم معنوی خانقاہ﴾

س ۷۹۷ - چند ماهی است که ضمن تکالیف دینی، شب‌های جمعه برای دعا و انابه به درگاه خدا در خانقاہ شرکت می‌کنم، چون بجز قرائت قرآن، دعا، ثنا و ذکر مولا چیز دیگری در آنجا انجام نمی‌دهند، آیا رفتن به آنجا ثواب دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: واضح است که معبد مسلمانان مسجد است و رفتن به خانقاہ، اگر برای این باشد که گمان کنید آنجا خصوصیت و شرافتی بر سایر امکنه دارد بدعت و حرام است. و علاوه، این تشکیلات موجب تفرقه‌ی مسلمین و اختلاف و ضعف آنها می‌شود و ذکرها یی که در آنجا خوانده می‌شود، اگر مدرک و سند معتبری نداشته باشد، خواندنش به قصد ورود جایز نیست و اگر عبارت آن هم با عقاید حقه موافق نباشد، خواندنش مطلقاً حرام است. شما در وظایف خود به رساله‌های عملیه و در اذکار و ادعیه به کتب دعا مانند مفاتیح الجنان رجوع نمایید.

* * *

«نکونام»: مسجد، مرکز اصلی گردهمایی عمومی دینی مسلمانان است و دیگر مراکز عمومی دینی، مانند: حسینیه، مراکز عزاداری و وعظ و خطابه و کنفرانس‌های مذهبی نباید در انجام امور دینی و شؤون مذهبی منافاتی با موازین شرعی فقهی داشته باشد؛ هرچند ترتیب مجالس دینی و محافل معنوی ویژه‌ی مسجد نیست و در صورت عدم انحراف از مجرى امور، اهداف، مقاصد و برنامه‌های دین می‌توان غیر از مسجد، مراکزی را برای امور دینی قرار داد؛ خواه اسم نوبنیادی هم‌چون تالار، فرهنگ‌سرا، محفل و جلسه یا اسم و عنوانی قدیمی، هم‌چون خانقاہ داشته باشد. البته، در صورتی که هیچ یک موجب هتك حرمت یا تضعیف مسجد نباشد؛ همان‌طور که نباید موجب تعطیل، انعطال و غربت مسجد گردد که در این صورت می‌توان عنوان تضعیف و معارضه را بر آن محقق دانست؛ خواه خانقاہ باشد یا دیگر مراکز با عنایوین دیگر.

با این توضیح باید گفت: رفتن به خانقاہ اگر به این گمان باشد که آن مکان بر مسجد برتری ویژه‌ای دارد، چیزی جز خیال باطل و نادانی نمی‌باشد و مسلمان نمی‌تواند چنین پنداری داشته باشد و در صورتی که گمان شود آن مکان به صرف عنوان، شرافتی بر سایر مکان‌های عادی دارد، باز باطل و بی‌مورد است؛ اما چنان‌چه این شرافت را به واسطه‌ی عبادات و اذکار و تحقق امور معنوی بیش‌تر نسبت به دیگر اماکن عادی بداند، امری بجاست؛ البته، در صورتی که به وزان مبانی شرعی فقهی باشد و اگر به لحاظ خصوصیات معنوی و برنامه‌های دینی یا وجود فرد یا افراد وارسته‌ی معنوی، خانقاہی نسبت به مسجدی، بی‌هیچ گونه انحراف یا معارضه‌ی ظاهری و باطنی، برتری داشته باشد، انکار آن به صرف عنوان خانقاہ، معقول نیست؛ هرچند مسجد از حیث عنوان، مکان و آثاری که از نظر شرعی دارد، هرگز قابل خدشه نمی‌باشد و مکانی برتر و شریفتر از مسجد در فرهنگ دینی وجود ندارد. پس اگر به تشخیص یک فرد، خانقاہی برنامه‌های سالم‌تر و معنوی‌تری نسبت به برنامه‌های مسجدی داشته باشد، رفتن و استفاده نمودن از آن اشکال ندارد، بلکه کتمان خوبی و برتری واقعی امری گاه به جهت امر جنبی دیگری، معقول و مناسب فرد مسلمان نیست؛ خواه آن امر دیگر حرام باشد یا بدعت به حساب آید؛ پس استفاده از آن در صورتی که موجب تضعیف مسجد نباشد، پسندیده نیز می‌باشد و تنها باید در جهت رفع کمبود برنامه‌های مسجد کوشید.

اگر تشكیلات خانقاہی یا دیگر تشكیلات مذهبی، سبب پراکندگی و اختلاف میان مسلمانان گردد، حرام است و از آن باید پرهیز داشت؛ هرچند ممکن است این مفاسد از افراد مسجدی نسبت به مسجدی دیگر نیز بوده باشد و تنها اسم و عنوان یا تقدس مکان مسجد، حرمت پدیدار شدن این گونه مفاسد را تغییر نمی‌دهد.

اذکاری که مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ خواه میان اهل سلوک باشد یا اهل خانقه یا اهل مسجد، اگر مدرک و سند معتبر و مقبولی نداشته باشد، خواندن آن به قصد ورود جایز نیست و چنان‌چه معانی و مضامین آن با عقاید درست و مبانی شیعی همانند نباشد، خواندن آن به صورت مطلق حرام است که استفاده از آن، حالت نفسانی و قرب شیطانی پیش می‌آورد؛ خواه انجام این گونه امور بی‌اساس در مسجد و خانقه باشد یا در دیگر مراکز عمومی و خصوصی.

سلوک معنوی و قرب ربوی تنها با مراجعه به رساله‌های عملیه و استفاده از اذکار و ادعیه، بدون مربی به دست نمی‌آید؛ بلکه برای پیمودن راه سلوک، انضباط شرعی و انعطاف معنوی از انسان به مقصد رسیده‌ای لازم است؛ و همان‌گونه که موازین فقهی نباید مورد انکار قرار گیرد، نسبت به امور معنوی نیز نباید اهمال و بی‌اعتنایی پیش آید و همان‌طور که امور شرعی نیازمند مجتهد و اجتهاد است، امور معنوی نیز نیازمند کارشناس و استاد محقق و واصلی می‌باشد.

به صورت کلی هرچند خانقه در پاره‌ای از تاریخ، نوعی معارضه‌ی عقیدتی یا عملی با مسجد را دارا بوده و آگاهانه یا ناخودآگاه، انحرافاتی را در این زمینه پیش آورده است، نمی‌توان به صرف این عنوان، به‌طور کلی و برای همیشه؛ حتی اگر خانقاھی مشکل شرعی نداشته و بهره‌ی معنوی درستی نیز داشته باشد، ورود به آن را حرام و استفاده از امور شرعی - معنوی آن را غیر شرعی به حساب آورد.

البته، باید این معنا را به درستی دانست که امور معنوی و سلوک ربوی منحصر به خانقه نمی‌باشد و معرفت و عرفان در قالب عنوان و مکانی نمی‌گبجد و خانقه و درویشی، چهره‌ای از رنگ و روی معرفت و عرفان است که باید مطابق موازین درست شریعت و حقیقت باشد؛ همان‌گونه

که فقه به معنای اصطلاحی آن و اجتهاد و استنباط شرعی نیز موضوع خود را دارد و تنها چهره‌ای از موازین خاص شرعی است و با تمامی مبانی و معانی دین برابر نمی‌باشد.

اصل دیانت مقدس اسلام، همان کتاب الهی - قرآن مجید - و سنت حضرات معصومین علیهم السلام - از حضرت نبی اکرم علیهم السلام، حضرت صدیقه‌ی طاهره و زهرای مرضیه علیهم السلام و ائمه‌ی هدی علیهم السلام تا حضرت خاتم الاصحیا، حضرت حجه بن الحسن العسكري (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) است.

ترسیم درست مبانی فقهی و شرعی کتاب و سنت بر عهده‌ی مجتهد دارای شرایط است و عهده‌دار امور معنوی و حقیقی این دو، عارفی است که افزوده بر وصول به حقایق معنوی و قرب ولایی، مبانی فقهی و شرعی را از نظر دور نداشته باشد که جهل و انکار نسبت به امور استنباط، هم‌چون جهل در امور معنوی، سبب تخطیه‌ی فرد یا گروه خواهد بود.

کتاب و سنت، زمینه‌های متفاوت و همگونی دارد که در اصل، حضرات اولیای معصومین علیهم السلام، بیان‌گر تمامی آن‌ها بوده و در غیر زمان حضور آن حضرات - در زمان غیبت - صورت تجزیه به خود گرفته است: به گونه‌ای که بیان چهره و صورت دین بر عهده‌ی کارشناس و بیان‌گر امور معنوی آن بر عهده‌ی کارشناس دیگر باشد. مجتهد، صورت مبانی شریعت را ترسیم می‌نماید و عارف حقیقی، ترسیم درست طی طریق و وصول معنوی را به عهده می‌گیرد؛ بدون آن که انکار و تخطیه‌ای نسبت به یک دیگر داشته باشند؛ که در هر صورت، مجتهدی که عارف کامل و عارفی که مجتهد صاحب شرایط است بر همگان برتری دارد و رأی و نظر وی از سزاواری ویژه و برتری برخوردار خواهد بود؛ زیرا فقه بدون عرفان و عرفان بدون فقه هر دو گمراهی است و روندگانش طریق نالمنی را می‌پیمایند؛ و در نهایت، هدایت از آن کسی است که انکاری نسبت به هیچ یک از

چهره‌های گوناگون ثقلین - کتاب و سنت - نداشته باشد و با بصیرت تمام و با حفظ چهره‌های مختلف گام بردارد و ارایه‌ی طریق نماید.

نمی‌توان نسبت به خانقاہ و درویشی و فرقه‌های گوناگون آن دیدگاهی یکسان داشت و تمامی آنان را دارای عقایدی یکسان و مشکلاتی همگون دانست؛ چراکه این طوایف از گوناگونی وسیعی برخوردارند؛ به‌طوری‌که نهایت اجتماع، افتراق، تطابق، تباین، همگونی و ناهمگونی را دارا هستند که نقطه‌ی اجتماع و همگونی آن‌ها بایک‌دیگر این است که هیچ فرقه‌ای از آن‌ها به صورت کلی دور از مشکلات و کاستی‌های عقیدتی و عملی نمی‌باشد و نقطه‌ی افتراق و ناهمگونی آن‌ها از هم‌دیگر را می‌توان در بدعت‌ها، عناوین کفر و الحاد و انکارهای عملی دانست؛ اماً به‌طور کلی باید گفت: هر دسته و گروهی از آنان که موازین دینی و شرعی را می‌پذیرند و به آن اعتقاد و تحقق عملی دارند، مشکل ریشه‌ای در شرع ندارند؛ چراکه با دوری از هر کجی و کاستی، خود را با دین هماهنگ می‌سازند، بدون آن که به خودمحوری و خودباوری شرک آلودی دامن بزنند.

انحراف از دین، مراتب بسیار متفاوتی می‌تواند داشته باشد که از موارد جزیی و صوری شروع گردیده تا به مرز بدعت، کفر، نجاست و الحاد می‌رسد و باید تمامی این طوایف و تمامی کسانی که به نوعی قضاوتی نسبت به آن‌ها دارند، در جهت مصونیت از خطأ و تعصب و تهمت و ناروا به خداوند منان پناه برند. البته، می‌توان در میان این طوایف، مردمانی مؤمن، افرادی وارسته و سالکانی واصل را نیز دید، همان‌طور که در میان آن‌ها بسیار می‌توان صاحبان مشکل را مشاهده نمود؛ هرچند نباید از ترسیم‌های پنهانی اهل سیاست، جهان‌داران کلان مزدور پرور و ایادی دست نشانده‌ی آنان و از این گونه چهره‌های به ظاهر صلاح، به‌ویژه

در کشورهای عقب نگاه داشته شده غافل بود و این گونه چهره‌ها را با افراد عادی مؤمن، صاحبان جزیی ایمان و اهل خیر و صلاح یکسان دانست.

خانقاہ‌های کنونی ما چنان دست‌خوش دنیا و مظاهر شرک‌آلود آن گردیده است که از عرفان و درویشی، تنها به ذکر و غزل و مثنوی و عدس پلو بسنده می‌کنند و از عشق و وصول، تنها به صورت صوت، صدا، چرخ و سماعی دل‌خوش دارند و داعیه‌ی ریب، ریا، نفاق و همگونی نسبت به اهل شریعت را هم یدک می‌کشند و بدون باور و التزام عملی، آنان را همراهی می‌کنند تا از قافله عقب نمانند.

نمی‌توان گفت: آن‌هایی که بحق اهل خانقاہ هستند یا آنانی که به ظاهر اهل خانقاہ می‌باشند گمراه هستند، بلکه باید گفت در زمان غیبت، هر اهلی به نوعی نااهلی می‌کند و هر اسم و عنوان و هر قشر و دسته‌ای خود را درگیر مشکلات حقیقی نموده است. البته، صاحبان قضاوت، از حاکم، صاحب فتو و داور گرفته تا هر تحلیل‌گر مؤمنی، نباید همه‌ی طایفه‌های خانقاہ را یکسان بداند، بلکه لازم است نسبت به آن‌ها با آگاهی، بصیرت و احتیاط داوری کند.

در بیانی کلی باید گفت خانقاہ به صرف عنوان و درویشی و به صرف کسوت، عنوان انحراف و حرمت شرعی به خود نمی‌گیرد، مگر آن که در جهت تضعیف دین و شریعت قرار گیرد و موجب سستی عقاید مؤمنان و سستی اهل سلوک نسبت به ظواهر شرعی گردد که در هر صورت، باید از بی‌آمدگاهی این گونه پرهیز نمود و عرفان و معنویت را در جهت نامنی اهل سلوک و انحراف مردمان عادی قرار نداد.

﴿شرکت در مراسم مذهبی خانقاہ﴾

س ۷۹۸ - رفتن به خانقاہ دراویش، جهت استماع مرثیه و سوگواری ائمه مذهبی عصومنین علیهم السلام و اقامه‌ی فاتحه‌ی مردانه و زنانه با وجود مساجد و شرکت نمودن در اجتماع آنان به عنوان اعیاد و مانند آن و منبر رفتن در آنجا، جهت ختم و مجلس فاتحه و کمک به ساختمان خانقاہ جایز است یا نه؟
 «گلپایگانی»: امور مذکوره ترویج باطل است و جایز نیست. اعاذنا اللہ من فتن آخرالزمان.

* * *

«نکونام»: رفتن به خانقاہ جهت شرکت در مراسم مذهبی و استفاده از آن و منبر رفتن اهل منبر یا هر عالمی در آنجا، در صورتی که موجب تضعیف مسجد، ترویج باطل و تخریب ظواهر شرعی و عقاید دینی نباشد، اشکال ندارد و صرف ورود یا شرکت در خانقاہ سبب حرام بودن آن نمی‌گردد.

□ □ □ □

﴿پیروی از دستورات مربّی و مرشد﴾

س ۷۹۹ - رفتن به خانقاہ برای ریاضت صحیح است یا نه و اساساً رفتن به چنین محلی جایز است یا نه؟

«گلپایگانی»: جناب عالی برای عبادت به مسجد بروید و برای ریاضت، مطابق رساله‌ی مرجع تقليد، واجبات و مستحبات را عمل نمایید و محرمات و مکروهات را ترک کنید که بهترین ریاضت است و از متابعت غیر از قرآن و اخبار ائمه علیهم السلام اجتناب کنید که خطر دارد.

* * *

«نکونام»: استفاده از مربّی و مرشد یا معلم و عالم یا هر عنوان دیگری، در صورتی که مشکلات عقیدتی، انحراف و ناآگاهی را به همراه ندارد و سبب رشد دینی و معنوی شود، اشکال ندارد و در این جهت، میان مسجد و

خانقه تفاوتی نیست؛ زیرا تمامی این امور بستگی به مکین دارد نه مکان و با آن که مسجد برای عبادت، از هر مکان دیگری برتری است و بهترین ریاضت شرعی نیز عمل به واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات می‌باشد، در صورت امکان، نسبت به استفاده از اهل سلوک معنوی اشکالی نیست؛ بلکه بعد از به دست آوردن مبادی پیشین ضرورت دارد که تمامی افراد دارای استعداد، جهت ارتقای معنوی، اهل راهی را برای تحصیل هرچه بهتر سلوک و وصول برگزینند؛ هر چند در هر صورت باید همه‌ی رهنماها، به‌طور حقیقی مطابق با کتاب و سنت باشد و تنها داشتن ادعا بسنده نیست.



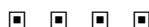
مسایل مسجد

س ۸۰۰ - مدت چند سال است در تهران رسم شده که بانوان در مجالس ترحیم که در مساجد تشکیل می‌شود شرکت می‌کنند و برخی از زن‌ها دوره‌ی پریود را می‌گذرانند و به سبب ناآگاهی از حکم مسئله، با همان حال به مسجد می‌روند و گاهی پس از ختم مجلس مشاهده می‌شود که فرش مسجد نجس شده است، حکم آن چیست؟

ج - رفتن جنب و حایض و نفسا در مساجد به غیر عنوان عبور حرام است و در مسجد الحرام و مسجد حضرت رسول اکرم ﷺ در مدینه منوره، ورود به طور مطلق بر آن‌ها حرام است و برگسانی که مطلع هستند، نهی از این منکر، مانند سایر منکرات واجب است، ولی اگر در مساجد جایی است که معبد نمی‌باشد؛ مانند این که محلی را برای اقامه‌ی مجالس فاتحه وقف کرده باشند، رفتن آن‌ها در آن‌جا اشکالی ندارد.



س ۱ - ساختن حوض خانه در زیر جاده برای مسجدی که حوض خانه ندارد، با رعایت سفت کاری جاده؛ به طوری که به عابران ضرر نرسد، جایز است یا نه؟
ج - اگر مضر به عابرین نباشد، اشکال ندارد.



﴿کف زدن در مسجد﴾

س ۲ - در سال روز تولد حضرات ائمه معصومین علیهم السلام در مسجد مجلس جشن می‌گیرند و مولودیه می‌خوانند و کف می‌زنند، آیا کف زدن در مسجد جایز است؟ «گلپایگانی»: به نظر این جانب، خالی از اشکال نیست. ممکن است جزو لهویات محسوب شود.



«نکونام»: هر چند کف زدن به خودی خود در صورتی که همراه گناه نباشد و با غرض عقلایی عمومی و مردمی برای شادی در ایام ولادت و سرور امامان مucchom علیهم السلام برگزار گردد، حرام نیست، بلکه به جهت‌هایی پسندیده نیز می‌باشد، مسجد محل مناسبی برای آن نیست و این عمل با شؤون مسجد ناسازگار است.



س ۳ - آیا کمک مسلمانی را که به نماز و روزه و احکام دیگر پاییند نیست، برای ساختن مسجد و حمام می‌توان پذیرفت یا نه؟
ج - مانعی ندارد.



س ۴ - دهی که مردم آن مسیحی بوده‌اند و در حال حاضر متواری شده‌اند و مسلمانان به جای آنها ساکن و متصرف شده‌اند، دارای کلیسا‌یی است، آیا می‌توان این کلیسا را که به دست مسیحیان ساخته شده و یقین به نجس بودن آن می‌باشد مسجد نمود؟
«گلپایگانی»: جایز است کلیسا را مسجد نمود و با احتمال آن که بنّا و عمله

مسلم بوده‌اند و نجس نشده، اشکال ندارد، و با فرض علم به نجاست، در صورت تمکن، ظاهر آن را تطهیر کنند کافی است.

* * *

«نکونام»: می‌شود چنین مکانی را مسجد نمود و باید مواضعی را که اطمینان به نجاست آن هست تطهیر کنند.

□ □ □ □

س ۵۰۸ - آیا نجس کردن حسینیه اشکال دارد و اگر نجس شود، آیا باید بی‌درنگ آن را تطهیر کرد یا نه؟

«گلپایگانی»: حسینیه حکم مسجد را ندارد که اگر نجس شد تطهیرش واجب باشد، ولی نجس کردن آن به طور عمد، اگر برخلاف مقررات وقف باشد، جایز نیست.

* * *

«نکونام»: حسینیه حکم مسجد را ندارد و نجس کردن عمدی آن، اگر از سر هتک حرمت یا بی‌اعتنایی باشد، جایز نیست و اگر نجس شد و نجس ماندن آن بی‌اعتنایی به آن مکان و یا هتک حرمت باشد، از باب نسبت به آن حضرت باید تطهیر شود و در غیر این صورت، حکم اماکن عادی را دارد.

□ □ □ □

زمین مجھول المالک

س ۵۰۶ - در پشت مسجد جامع یزد، زمینی بایر است که مالک آن ناشناخته می‌باشد ولی از قدیم شهرت تام داشته که متعلق به مسجد جامع است، آیا اجازه می‌فرمایید در آن زمین کتابخانه عمومی بسازند؟

«گلپایگانی»: اگر محتمل است مالک داشته باشد، احتیاطاً بابت مظالم به فقیری بدهند و او برای کتابخانه واگذار نمایند، بعد مجازند برای مسجد کتابخانه بسازند.

* * *

«نکونام»: این گونه نیست که بتوان ملکی را که مالک آن ناشناخته است و ممکن است از ارزش بالایی نیز برخوردار باشد از باب مظالم به فقیر واحدی داد؛ بهویژه که بهطور صوری و بهخاطر گریز از مشکل می‌باشد. در هر صورت، در پاسخ باید گفت شهرت حاصل از نسبت تعلق آن ملک به مسجد بسنده نمی‌باشد و احتمال داشتن مالک ناشناخته در آن باقی است که از باب مجھول المالک، حاکم شرعی می‌تواند آن را تصرف نماید و به مقتضای مصلحت، اجازه‌ی ساخت آن ملک را برای هر کار خیری مانند کتابخانه و مسجد بدهد.



س ۸۰۷ - آیا دار السیاده و دارالحفظ که متصل به حرم حضرت امام رضا علیه السلام است، حکم حرم و مسجد را دارد یا نه؟ و آیا جنب و حایض می‌توانند داخل در آن شوند یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر مسجد نباشد، حکم حرم را ندارد.



«نکونام»: حکم حرم و مسجد را ندارد.



س ۸۰۸ - زمینی است موقوفه برای مسجد معینی که در حدود دویست هزار تومان ارزش دارد، چون در وسط آبادی قرار گرفته، مزیله‌ای است برای محل و اهالی روستا، و مسجد مزبور هیچ گونه احتیاجی ندارد و از طرفی، جهت آب لوله کشی، اهالی در مضيقه قرار گرفته‌اند، اجازه می‌فرماید زمین مذکور را فروخته و برای مخارج آب لوله کشی استفاده نمایند؟

«گلپایگانی»: فروش موقوفه‌ی مسجد جایز نیست، ولی اجاره دادن آن به مال الاجاره عادلانه و صرف آن همه ساله در همان مسجد مانعی ندارد.



«نکونام»: فروش موقوفه‌ی مسجد جایز نیست، ولی در صورت عدم نیاز مسجد به آن زمین، می‌شود با اجازه‌ی مجتهد عادل، آن را اجاره داد و از آن استفاده کرد و مال اجاره را هزینه‌های مسجد نمود.



س ۸۰۹- در اثر توسعه‌ی مسجد، توالت سابق آن در حیاط مسجد واقع گردیده که فعلاً معدهم و زمین آن موزاییک کاری و تمیز شده، بعضی از مؤمنان در نماز خواندن روی چنین زمینی که پیش از این جای توالت بوده احتیاط می‌کنند، خواهشمند است حکم آن را بیان فرمایید.

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که زمین مزبور برای انتفاع در جهت مخصوص بوده، آن را جزو صحن مسجد قرار دادن که منافی با آن جهت است جایز نبوده و حکم مسجد را ندارد ولکن نماز خواندن در آن مکان مانع ندارد. والله العالم.



«نکونام»: چنین مکانی، اگر بر اثر نقشه‌ی جدید در صحن مسجد قرار گرفت، اشکال ندارد، ولی حکم مسجد را ندارد و نماز خواندن بر آن مکان بدون اشکال است.



س ۸۱۰- چند سال پیش کلیمیان خرم آباد به اسرائیل مهاجرت نمودند. فعلاً فقط دو خانوار از آن‌ها باقی است و کنیسه‌ای از کلیمیان باقی مانده که به علت عدم استفاده، به واسطه‌ی نبودن یهودیان، به تدریج مخربه گردیده و اکنون محل تجمع معتادان شده است، تکلیف چیست؟

ج- معابد مذکوره در حکم مساجد مسلمین است، مؤمنین آن جا را مسجد قرار دهنند و احکام مسجد بر آن جا جاری می‌شود.



س ۸۱۱ - اگر شخص جنب برای شغلی مانند بنایی و نقاشی داخل مسجد شود، اجرتی که می‌گیرد چه حکمی دارد؟

ج - نظر به این که توقف جنب در مسجد حرام است، نقاشی یا بنایی جنب در مسجد که مستلزم توقف است نیز حرام و بنابراین مزد او نیز حرام است به دلیل این که «ان الله إذا حرم شيئاً حرم ثمنه» و هم‌چنین استیجار جنب برای بنایی یا نقاشی مسجد باطل است.



﴿کمک به بنای مسجد اهل تسنن﴾

س ۸۱۲ - آیا در بنای مسجد سنی‌ها می‌توانیم کمک کنیم یا خیر؟

«گلپایگانی»: بلی، در بنای مسجد می‌توانید کمک کنید.

* * *

«نکونام»: کمک یاد شده در صورتی جایز است که سبب چیرگی باطل و ضعیف شدن اهل حق نشود و تنها در جهت تحقق حسن هم‌جواری و برادری اسلامی باشد.

